



سازمان امور عشایر ایران

دخایر انقلاب

فصلنامه عشایری

پژوهشی - اطلاع رسانی

دوره جدید - زمستان ۱۳۹۶ - شماره ۵۸

یادداشت مدیر مسئول / ۵

مهندس کرملی قندالی

خلاصه برنامه راهبردی ساماندهی و توسعه عشایر کوچنده کشور در افق سال ۱۴۰۴ / ۹
دکتر مهدی میزبان

بررسی جایگاه جامعه عشایری در برنامه‌های توسعه ۵ ساله اقتصادی و اجتماعی کشور / ۳۱
دکتر پژمان رضایی

تحلیل شاخص‌های خدماتی - عمرانی در سکونتگاه‌های عشایری / ۴۵
دکتر حسن افراخته، دکتر بابا داوردان، شمسی صالح‌پور

دعا و مناجات در بین طایفه ایلی‌خاص باصری / ۶۵
مهندس علی اکبری

پیامدهای اقتصادی اسکان عشایر در کانون‌های توسعه استان آذربایجان غربی / ۷۵
دکتر احمد رحیمی

پیامدهای اقتصادی طرح‌های اسکان بر جوامع عشایری / ۹۵
دکتر وحید ریاحی، خدیجه کریمی

نقش شتر در اقتصاد کویرنشینان / ۱۲۹
دکتر حسن افراخته، علیرضا شاه‌حسینی

پیامدهای خشک‌سالی بر نظام مراتع و دامداری جامعه عشایری / ۱۴۷
سید امیر توفیق‌یان اصل

برگزاری جلسات شورای عالی عشایر و مصوبات آن / ۱۶۳
مهندس سیاوش احمدی میرقاند

عکاسی مستند اجتماعی و قوم‌نگاری / ۱۶۹
علیرضا رحیمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سازمان امور عشایر ایران

فصلنامه عشایری «ذخایر انقلاب»

دوره جدید - زمستان ۱۳۹۶

شماره ۵۸

صاحب امتیاز: سازمان امور عشایر ایران

مدیر مسئول: کرمعلی قندالی

سر دبیر: مهدی میزبان

مدیر داخلی: علیرضا رحیمی

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

مهندس علی اکبری، دکتر جهانگیر پرهت، دکتر احمد رحیمی، مهندس علیرضا رحیمی،
دکتر پژمان رضایی، دکتر مرتضی ذوالانواری، دکتر جواد صفی نژاد، دکتر سید اسکندر صیدایی،
دکتر شاهپور علایی مقدم، مهندس کرمعلی قندالی، دکتر خلیل کلانتری، دکتر حمید کهرام،
دکتر کیانوش کیانی هفت‌لنگ، دکتر مهدی میزبان، مهندس بهرام میراخواری، دکتر داریوش
نعمت‌الهی، دکتر علی محمد یوسفی باصری.

مترجم: دکتر مرتضی ذوالانواری

ویراستار: یوسف نیک‌فام

طرح جلد: هاجر میزبان

گرافیک و صفحه‌آرایی: مهدی رحیمی

چاپ و نشر: چاپ صادق

تاریخ نشر: زمستان ۱۳۹۶

شمارگان: ۲۰۰۰

شاپا: ۹۴۳۵ - ۱۵۶۱ ISSN

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

مقالات بیانگر آرای نویسندگان است و درج آن‌ها لزوماً نظر رسمی فصلنامه نیست.

فصلنامه در اصلاح مطالب آزاد است. نقل مطالب با ذکر منبع بلامانع است.

نشانی: تهران - خیابان ولیعصر - خیابان بزرگمهر - پلاک ۱۲ - سازمان امور عشایر ایران

تلفن: ۶۶۹۷۳۷۸۹ ✦ نمابر: ۶۶۴۱۲۶۹۱

پست الکترونیکی: fasname_ashayer@yahoo.com

کلیه حقوق برای سازمان امور عشایر ایران محفوظ است.

فهرست مطالب

صفحه	نویسنده	عنوان
۵	مهندس کرمعلی قندالی	یادداشت مدیر مسئول
۹	دکتر مهدی میزبان	خلاصه برنامه راهبردی ساماندهی و توسعه عشایر کوچنده کشور در افق سال ۱۴۰۴
۳۱	دکتر پژمان رضایی	بررسی جایگاه جامعه عشایری در برنامه‌های توسعه پنج ساله اقتصادی و اجتماعی کشور
۴۵	دکتر حسن افراخته دکتر بابا داوردان شمسی صالح‌پور	تحلیل شاخص‌های خدماتی-عمرانی در سکونتگاه‌های عشایری و نقش آن در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی عشایر (مورد مطالعه: استان اردبیل)
۶۵	مهندس علی اکبری	دعا و مناجات در بین طایفه ایلخاص باصری
۷۵	دکتر احمد رحیمی	پیامدهای اقتصادی اسکان عشایر در کانون‌های توسعه استان آذربایجان غربی
۹۵	دکتر وحید ریاحی خدیدجه کریمی	پیامدهای اقتصادی طرح‌های اسکان بر جوامع عشایری (مطالعه موردی شهرک میلاد در دشت شیبیلوی استان آذربایجان غربی)
۱۱۳	دکتر مهدی میزبان	درآمدی بر شناخت ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده ایران
۱۲۹	دکتر حسن افراخته علیرضا شاه‌حسینی	نقش شتر در اقتصاد کویرنشینان (مورد مطالعه: روستای رضآباد شهرستان شاهرود)
۱۴۷	سید امیر توفیق‌یان اصل	پیامدهای خشک‌سالی بر نظام مراتع و دامداری جامعه عشایری (مطالعه موردی: ایل بویراحمد علیا)
۱۶۳	مهندس سیاوش احمدی میرقائد	برگزاری جلسات شورای عالی عشایر و مصوبات آن
۱۶۷	◆◆◆	معرفی کتاب؛ کوچ‌نشینی در ایران
۱۶۹	علیرضا رحیمی	عکاسی مستند اجتماعی و قوم‌نگاری؛ از بیان واقعیت تا سفیر فرهنگی برای جذب گردشگر
۱۷۳	دکتر مرتضی ذوالانواری	چکیده انگلیسی
۱۸۳	◆◆◆	چارچوب ارسال مقاله به فصلنامه
۱۸۵	علیرضا رحیمی	تصاویری از عشایر ایران

یادداشت مدیر مسئول

جامعه عشایر کوچنده در کنار جوامع شهری و روستائی یکی از اشکال سه‌گانه الگوی زیست و معیشت کشورمان را تشکیل می‌دهند. اساس اقتصاد و معیشت عشایر متکی بر دامداری است. نظام دامداری عشایری متحرک بوده و ایلات و طوایف عشایری برای فراهم نمودن شرایط چرای دام‌هایشان در مراتع حداقل دوبار در سال اقدام به کوچ بین قلمروهای ییلاقی و قشلاقی می‌کنند.

هر گروه عشایری متناسب با نوع و ترکیب دام، شرایط اقلیمی - جغرافیایی قلمروهای کوچ و استقرار، مسافت بین مناطق سردسیر و گرمسیر، شکل، نوع و وسیله جابجائی و برخی عوامل تاثیر گذار دیگر، تقویم یا موعد کوچ خود را تنظیم و مدت زمان مشخصی را در مناطق ییلاقی، قشلاقی و میانبند استقرار پیدا می‌کنند. گوناگونی در ارکان و اجزای کوچ باعث شده با اشکال متنوعی از الگوهای کوچ و استقرار، نظام بهره‌برداری از دام و مرتع، انواع بهره‌برداری‌های زراعی و باغی، فعالیت‌های خدماتی و تولیدات صنایع دستی و سنتی در مناطق عشایری مواجه باشیم. به همین دلیل هر منطقه عشایری شیوه خاص برنامه‌ریزی، الگوی ساماندهی، رویکردهای توسعه و خدمات‌رسانی را طلب می‌کند تا با شرایط و مقتضیات اجتماعی - اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی اجتماعات و مناطق عشایری منطبق و سازگار باشد.

سازمان امور عشایر ایران به عنوان متولی جامعه عشایری با درک تعدد و تنوع مورد اشاره، تاثیر و تاجر عوامل محیطی در فرایند زندگی و خدمات‌رسانی به عشایر، در چارچوب اسناد بالادستی، اهداف و وظایف سازمانی، امور سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای خدمات‌رسانی و ساماندهی مناطق و جامعه عشایری را انجام می‌دهد. این سازمان برای عینیت‌بخشیدن به برنامه‌ها از جهت انطباق با منابع، ظرفیت‌ها و نیازهای عشایر اقدام به تهیه «برنامه راهبردی ساماندهی و توسعه عشایر» نموده است. این برنامه متناسب با شرایط و تغییرات محیط داخلی و خارجی و اهداف واقع‌بینانه برای تحقق چشم‌انداز توسعه جامعه عشایری در افق سال ۱۴۰۴ در کلیه استان‌های محل استقرار عشایر و سطح ملی تهیه شده و هم‌اکنون کلیه برنامه‌های توسعه پنج‌ساله و سنواتی سازمان و ادارات امور عشایر استان‌ها در چارچوب برنامه راهبردی و در راستای تحقق اهداف و چشم‌انداز ترسیم شده انجام می‌گیرد.

طی سه دهه گذشته اجرای برنامه توسعه جامع مناطق عشایری موجب خدمات و ثمرات زیادی در مناطق و جامعه عشایری بوده است که از آن میان می‌توان به تجهیز و واگذاری

بیش از ۱۳۱ هزار هکتار اراضی زراعی و باغی برای ساماندهی تولید و اسکان عشایر، احداث ۲۴۶ کانون توسعه هدایتی برای ساماندهی نظام سکونتگاهی عشایر داوطلب اسکان و تجهیز و تکمیل ۸۰۳ کانون توسعه حمایتی (خودجوش) اشاره کرد که زمینه ساز افزایش سطح دسترسی‌ها و برخورداری‌های عشایر از امکانات زیربنائی و خدماتی بوده و شاخص‌های توسعه انسانی، اجتماعی و اقتصادی در مناطق عشایری را افزایش داده‌اند.

یکی از پیش‌نیازها و استراتژی‌های محوری عملیاتی‌نمودن طرح‌ها و پروژه‌های ساماندهی عشایر، انجام مطالعات کاربردی برای شناسائی منابع، ظرفیت‌ها و نیازهای عشایر دینفع، سپس واگذاری منابع تولید و اشتغال بوده است. به همین خاطر حداکثر اهتمام به خرج داده شده تا اجرای برنامه‌های ساماندهی عشایر و احداث سایت‌های اسکان بدون تامین منابع تولید و اشتغال جدید یا مکمل انجام نگیرند. از اثرات مثبت اجرای این هدف استراتژیک می‌توان به افزایش فعالیت‌های مولد، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و نهایتاً کمک مؤثر به ظرفیت‌سازی شغلی در مناطق عشایری برای نگهداشت جمعیت در این مناطق اشاره کرد که خود در تثبیت جمعیت در عرصه کار و تولید و جلوگیری از مهاجرت و حاشیه‌نشینی عشایر بسیار تاثیرگذار بوده است.

جامعه عشایری با در اختیار داشتن و استقرار در بیش از ۳۲ میلیون هکتار از عرصه‌های منابع طبیعی کشور، که عمدتاً جزء مراتع نسبتاً خوب محسوب می‌شود، از منابع و ظرفیت‌های بسیار خوبی برای استفاده اقتصادی‌تر از منابع طبیعی برخوردار می‌باشند. این منابع علاوه بر تامین علوفه مرتعی مورد نیاز دام، می‌تواند در زمینه‌های توسعه کشاورزی، کاشت و برداشت گیاهان داروئی و صنعتی، پرورش زنبور عسل، نوغانداری، شیلات و آبی‌پروری، گردشگری و ... زمینه‌ساز توسعه فعالیت‌های مولد در مناطق عشایری باشد. در این راستا طی چند دهه گذشته در قالب مطالعات و طرح توسعه جامع عشایر با شناسائی منابع، ظرفیت‌ها و مزیت‌های نسبی قلمروهای عشایر اقدامات در خور توجهی برای خدمات‌رسانی به عشایر، کاهش سختی‌ها و تسهیل شرایط کوچ و استقرار، واگذاری اراضی کشاورزی و سایر منابع تولید برای ساماندهی اسکان عشایر داوطلب، ایجاد کانون‌های توسعه هدایتی و تجهیز کانون‌های توسعه حمایتی (خودجوش) و مجموعه‌ای دیگر از خدمات مورد نیاز عشایر تامین و انجام شده است.

در کنار خدمات شایان توجه سازمان امور عشایر و واحدهای تابعه مختلف وزارت جهاد کشاورزی به جامعه عشایری طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، باید از تصویب شورای انقلاب برای راه‌اندازی «شورای عالی عشایر» در سال ۱۳۵۸ و تصویب و ابلاغ «آئین‌نامه ساماندهی عشایر» در سال ۱۳۸۴ به عنوان نقاط عطف رسیدگی به امور عشایر یاد کرد. از سال ۱۳۸۴ تاکنون در قالب آئین‌نامه ساماندهی عشایر بیش از سی و دو هزار و ۲۲۰ طرح و پروژه توسط دستگاه‌های اجرائی ذیربط در مناطق عشایری اجرا شده که سهم درخور توجهی در افزایش شاخص‌های توسعه در این مناطق داشته است.

دو بار تشکیل جلسه شورای عالی عشایر طی سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۵ در دولت تدبیر و امید به ریاست معاون اول محترم رئیس جمهور، در حوزه‌های مختلف ساماندهی و خدمات رسانی به عشایر مصوبات بسیار تاثیرگذاری داشته است که از آن میان می‌توان به تصویب «برنامه جامع ارتقای سطح سواد، دانش و مهارت در مناطق عشایری»، «طرح ویژه ارائه خدمات فرهنگی و مذهبی به جامعه عشایری»، «کارگروه توسعه گردشگری و صنایع دستی عشایر» و «طرح ارائه خدمات بهداشتی به عشایر» اشاره کرد که سه طرح اول در هیات محترم دولت تصویب و برای اجرا به دستگاه‌های اداری ابلاغ شده و طرح چهارم مراحل نهایی تصویب در کارگروه تخصصی مربوطه را طی می‌کند. امید است با اجرای این طرح‌ها شاهد رشد و بالندگی فرهنگی و افزایش مهارت‌های حرفه‌ای عشایر در انجام فعالیت‌های تولیدی و گسترش خدمات زیربنایی و گردشگری پایدار و جامعه محور در مناطق عشایری باشیم.

بروز و تداوم خشک‌سالی در بسیاری از مناطق عشایری (همانند سایر مناطق کشور) و عرصه‌های منابع طبیعی و مراتع عشایر، جمعیت بهره‌بردار را با محدودیت‌ها و چالش‌های زیادی مواجه کرده است. استمرار این وضعیت موجب ضرر و زیان خانوارهای عشایر و خسارت‌های زیست‌محیطی جبران‌ناپذیر می‌شود، سازمان امور عشایر برای کاهش فشار دام بر مراتع و ایجاد تعادل بین دام و مرتع، از سال ۱۳۹۲ تاکنون زنجیره تولید گوشت قرمز را در تمامی استان‌های محل استقرار عشایر به اجرا گذاشته است. این طرح با استفاده از تسهیلات ارزان‌قیمت و خشک‌سالی (ماده ۱۰ قانون و تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت و ماده ۱۲ قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران)، با پشتیبانی تشکل‌های عشایری و صندوق توسعه بخش کشاورزی عشایری، تاکنون بیش از ۴۴۰۰ میلیارد ریال برای طرح زنجیره تولید گوشت قرمز و ایجاد واحدهای پروراندی در مناطق عشایری، تسهیلات کم‌بهره و مدت‌دار اعطاء نموده و از قبل اجرای این طرح در اغلب استان‌های عشایری کشور، گوشت قرمز تولیدی عشایر به میزان ۲۶ هزار تن افزایش یافته است. اجرای این طرح علاوه بر افزایش درآمد عشایر، دارای نقش بسزائی در حفظ و تقویت جنبه‌های تولیدی اقتصاد عشایری داشته و همه ساله با هم افزائی اطلاعات، تبادل تجارب و الگوهای موفق، روند تکاملی و اثربخشی سودمند در فرایند تقویت بنیان‌های اقتصادی و کار و فعالیت و اشتغال عشایر را نشان می‌دهد.

با استعانت از درگاه خداوند متعال و عزم جدی اساتید، صاحب‌نظران و کارشناسان سازمان امور عشایر ایران، شرایطی فراهم شد تا پس از توقف پنج ساله، مجدداً فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب به عنوان تنها نشریه علمی و تخصصی در کشور در حوزه‌های مربوط به عشایر منتشر شود. بدون شک افزایش ارتباط سازمان امور عشایر با آحاد جمعیت عشایری و مراکز علمی و پژوهشی موجب هم‌افزایی دانش و معلومات تخصصی در این حوزه شده و راه رشد و توسعه اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی عشایر عزیز را هموارتر نموده و پل ارتباطی بین این جامعه و روش‌های علمی و نوین زندگی، تولید و معیشت را برای آنان به ارمغان می‌آورد.

امید است با هم‌فکری کلیه صاحب‌نظران و محققان حوزه‌های مطالعات علمی عشایری و مشارکت آحاد جمعیت پرتلاش عشایر، به‌ویژه جوانان عزیز تحصیل کرده این جامعه بتوانیم با تهیه مقالات علمی و نظریه‌پردازی‌های کاربردی برای حل مسائل و مشکلات عشایر، راهکارهای اجرائی مناسب برای مطالعه و استفاده بهینه از منابع و ظرفیت‌های انسانی، طبیعی و اجتماعی - اقتصادی این جامعه را فراهم آورده و بیش از پیش به توسعه این جامعه و میراث‌های گران‌بهای آن کمک کرده باشیم.

لازم می‌دانم از تلاش علمی محققان و زحمات کلیه دست‌اندرکاران تدوین، تحریر، ارزیابی و چاپ فصلنامه حاضر تقدیر و تشکر کرده و با هم‌فکری اساتید و محققان گرانقدر بتوانیم بر غنای علمی - پژوهشی و جنبه‌های کاربردی فصلنامه افزوده و در سطح انتظار جامعه علمی کشور، جامعه سخت‌کوش، پرتلاش و عزتمند عشایر را شناسانده و در راه توسعه و تعالی و شکوفائی مادی و معنوی آن‌ها ادای وظیفه کرده باشیم. ضمناً از مراکز علمی و پژوهشی، محققان، عشایر عزیز، کارشناسان و متخصصان سازمان در اقصی نقاط کشور دعوت می‌کنم ضمن مشارکت برای ارائه مقالات و ارتقاء کیفیت و کمیت نشریه، ما را از نظرات، پیشنهادهای و انتقادهای سازنده خود بهره‌مند سازند.

کرمعلی قندالی

رئیس سازمان امور عشایر ایران

خلاصه برنامه راهبردی ساماندهی و توسعه عشایر کوچنده کشور در افق سال ۱۴۰۴

تهیه و تنظیم: دکتر مهدی میزبان^۱

۱- مقدمه

انسان‌ها و جوامع انسانی با حرکت در مسیر تکامل اجتماعی و رشد عقلانی خود، به تدریج بر ضرورت انتظام امور و برنامه‌ریزی در امور واقف شده‌اند و آن را به منزله ابزاری در خدمت مدیریت و رهبری نظام‌های اجتماعی و سازمان‌ها مورد توجه قرار داده‌اند. امروزه سازمان‌ها و مؤسسات اداری نیز به حدی بزرگ و پیچیده شده‌اند که بدون اقدام به برنامه‌ریزی‌های دقیق، و انجام امور در قالب برنامه‌های منظم، امکان ادامه فعالیت، به‌ویژه در عرصه‌های رقابت را ندارند. برنامه‌ها برای مقاصد متنوعی تنظیم می‌شوند و فراخور هر وضعیت به‌گونه متناسب به کار گرفته شده یا اصلاح و به‌نگام می‌شوند.

در اصول مدیریت، مبادرت به برنامه‌ریزی نقطه شروع تمامی حرکت‌ها در یک سازمان می‌باشد، به طوری که اهمیت آن از گذشته‌های دور برای تمام مدیران و کارشناسان آشکار گردیده و این وظیفه را یکی از اساسی‌ترین وظایف مدیریت دانسته‌اند. در همین راستا سیر تحول سازمان‌ها از صورت ساده به پیچیده و با فرآیندهای بی‌شمار و تحولات عظیم اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تکنولوژیکی به‌ویژه در دهه اخیر باعث به وجود آمدن مکاتب مدیریتی، ارائه نظریات جدید و رویکردهای نوین به این مقوله شده و بر همین اساس برنامه‌ریزی در مدیریت همگام با تحولات جوامع بشری در قالب شیوه‌ها، نگرش‌ها و رویکردهای مختلفی مطرح شده است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها برنامه‌ریزی راهبردی (استراتژیک) است.

طی قرن بیستم، هم‌افزایی تجارب و یافته‌های علمی جدید موجب رشد این تفکر شد که در برنامه‌ریزی‌ها باید بتوان متناسب با جریان تغییرات، جهات حرکت سازمان را تغییر داده و مدیریت دانایی، سازماندهی عقلایی و روابط و مناسبات سازمانی نوینی را در پیش گیرد. این نگرش زمینه‌ساز ابداع برنامه‌ریزی راهبردی (استراتژیک) شد.

برنامه‌ریزی راهبردی فرآیندی در جهت تجهیز منابع سازمان و وحدت بخشیدن به اقدامات برای نیل به اهداف و رسالت‌های بلندمدت سازمان می‌باشد. این شیوه برنامه‌ریزی تلاشی منظم و سازمان‌یافته جهت اتخاذ تصمیم‌ها و مبادرت به اقدامات بنیادی می‌باشد. در حقیقت فرآیندی سازمانی برای تعریف راهبردهای سازمان و خط‌مشی‌گذاری جهت تصمیم‌گیری برای تجهیز منابع مورد نیاز برای رسیدن به اهداف استراتژیک تلقی می‌شود.

برای آنکه سازمان بدانند به کجا خواهد رفت ابتدا باید بدانند اکنون دقیقاً کجا قرار گرفته است. پس از آن باید آنچه می‌خواهد باشد را به درستی تعریف کرده و چگونگی رسیدن به آن را مشخص کند. مستندات حاصل از انجام این فرایند را برنامه راهبردی سازمان می‌نامند.

۱- مدرس دانشگاه و مدیرکل دفتر مطالعات جامع عشایر.

اتخاذ رویکردها و الگوهای جدید مطرح شده در مدیریت استراتژیک به معنی منسوخ شدن کامل روش‌های کلاسیک مدیریت نیست، بلکه حاکی از جنبه‌های تکاملی، دانش‌نویان و خودکارآمدی است که می‌توان در اعمال مدیریت و رهبری سازمان از آن‌ها استفاده کرد. با این حال اتکای صرف به روش‌های مدیریت سنتی پاسخگوی فعالیت‌های سازمانی در شرایط متحول کنونی محیط داخلی و خارجی تاثیرگذار بر فعالیت‌های سازمانی نیست.

برنامه‌ریزی استراتژیک جهت حرکت و مقاصد سازمان را مشخص می‌کند. سندی است که چشم‌انداز، مأموریت، اهداف و راهبردهای آینده یک سازمان را ترسیم و منابع مورد نیاز برای اجرای موفق آن‌ها را مشخص می‌سازد. این برنامه می‌تواند در هر شرایط متحولی، اهداف و آرمان‌های یک سازمان را به حقیقت مبدل سازد زیرا در برنامه راهبردی پیش‌بینی‌های لازم درباره چگونگی مواجهه با اثرات تغییرات در محیط داخلی و خارجی و حتی نحوه مقابله با شرایط غیرمترقبه صورت گرفته و خود برنامه به صورت خودکارآمد از قابلیت‌های انعطافی لازم برای تغییر رویکردهای مدیریتی - متناسب با ابعاد دگرگونی‌ها - را دارد؛ به طوری که متناسب با هر موقعیت از راهبردهای مناسب استفاده می‌شود.

تدوین برنامه راهبردی ساماندهی و توسعه مناطق و جامعه عشایری در سال ۱۳۸۸ در سازمان امور عشایر مطرح شد و از سال ۱۳۸۹ با ابلاغ ریاست وقت سازمان، با مدیریت و راهبری دفتر مطالعات جامع عشایر و عضویت اکثر مدیران و کارشناسان مرتبط در ستاد سازمان و امور عشایر و استان‌ها، فرایند بررسی و تهیه برنامه راهبردی ساماندهی عشایر کوچنده آغاز شد. یکی از اهداف محوری مترتب بر تدوین این برنامه، اتکا بر توان کارشناسی و مشارکت کارکنان سازمان امور عشایر بود. به همین خاطر با مشارکت مدیران و کارشناسان سازمان مرکزی، ادارات امور عشایر استان‌ها و برخی کارشناسان خبره متخصص در امور عشایر، سازمان اجرائی تدوین برنامه‌ریزی استراتژیک شکل گرفت و برای هدفگذاری، تدوین شرح خدمات و دستورالعمل‌ها و ساماندهی اجرایی، جلسات کارشناسی زیادی برگزار و اسناد پشتیبان مورد نیاز تهیه شد تا کلیه مراحل بررسی و شناخت وضع موجود، ارزیابی و تحلیل وضعیت و تدوین راهبردها در سطح کلیه استان‌های محل کوچ و استقرار عشایر کوچنده کشور در قالب چارچوب واحد و ساختار منظم انجام گیرد.

برای آمادگی کارشناسان ذیربط دوره‌های آموزشی مختلف مربوط به اصول و فنون توسعه و ساماندهی جامعه عشایری و روش‌های تحقیق؛ گارگاه‌های آموزشی - توانمندسازی برای یادگیری و تمرین اصول و تکنیک‌های برنامه‌ریزی و تدوین برنامه راهبردی برگزار شد این دوره‌ها علاوه بر اثرگذاری مفید در کیفیت انجام این طرح، خود نوعی سرمایه‌گذاری و ظرفیت‌سازی منابع انسانی برای سازمان امور عشایر بود. به طوری که در حال حاضر تمامی کارشناسان ستادی و استانی دخیل در فرایند تدوین، اجراء، پایش برنامه‌های راهبردی هم نسبت به ابعاد مختلف برنامه تدوین شده و هم به تبع مشارکت در تدوین برنامه از جزئیات مربوط به نحوه اجرای آن اطلاع کامل دارند.

برای مدیریت، نظارت و ارزیابی گزارش‌های استانی و تلفیق گزارش‌های نهایی، کمیته فنی بررسی گزارش‌های برنامه راهبردی تشکیل شد و با برگزاری بیش از ۲۵۰ جلسه و ۶۰۰۰

ساعت کار کارشناسی، در سه نوبت امر ارزیابی کارشناسی، اصلاح و تکمیل گزارش‌های ۲۷ استان از محل کوچ و استقرار عشایر کشور انجام و به تصویب کمیته فنی رسید. با تصویب و ابلاغ برنامه راهبردی ساماندهی و توسعه زندگی عشایر در سطح سازمان مرکزی و ادارات امور عشایر استان‌ها، مقرر است کلیه برنامه‌های کوتاه‌مدت (سنواتی) و برنامه‌های توسعه پنج ساله امور سازمان براساس برنامه راهبردی تدوین شود و این مهم در تنظیم و تدوین برنامه ششم توسعه مناطق و جامعه عشایری کاملاً مد نظر قرار گرفته است.

۲- روش‌شناسی تدوین برنامه راهبردی

برای تهیه این برنامه ابتدا وضع موجود جامعه عشایر کوچنده در بخش‌های منابع طبیعی، اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی، وضعیت موجود شاخص‌های برخورداری و توسعه عشایر، ساختار سازمان امور عشایر، جایگاه عشایر در برنامه‌های توسعه پنج ساله قبل و بعد از انقلاب بررسی و تجزیه و تحلیل شد. برای تهیه گزارش‌های هر بخش از مجموعه منابع و مآخذ علمی مستند و معتبر مانند نتایج سرشماری‌های اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده، سایر آمارهای تخصصی، کتب، نشریات و گزارش‌های مطالعاتی، آرشو سازمان امور عشایر، اخذ گزارش از واحدهای مختلف ستادی و استانی سازمان استفاده شده است.

برای شناسایی وضعیت، احصاء و طبقه‌بندی مهم‌ترین فرصت‌ها، ظرفیت‌ها، تهدیدها، چالش‌ها و تنگناهای پیش روی بخش با استفاده از نتایج مطالعات انجام شده، تفکر جمعی، اخذ دیدگاه‌ها و نقطه نظرات اعضای محترم کارگروه ساماندهی عشایر، ستاد برنامه ششم سازمان و بکارگیری آن‌ها در اصلاح گزارش استفاده شده است. همچنین برای بررسی و تجزیه و تحلیل وضعیت از روش بررسی تنگناها و چالش‌ها و ارزیابی و تحلیل محیطی SWOT استفاده شده است.

۳- ارزیابی وضعیت محیطی (نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای جامعه عشایری)

براساس بررسی و شناخت ویژگی‌های کلی عشایر کشور و شرایط و مشخص کردن جایگاه جامعه عشایری در کل کشور، در چارچوب شرح خدمات تهیه برنامه راهبردی ساماندهی و توسعه جامعه عشایری ایران، قبل از ورود به بررسی وضعیت و تجزیه و تحلیل موقعیت متغیرها و عوامل محیط داخلی (نقاط قوت و ضعف) و خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) مؤثر در فرآیند زندگی و کوچ عشایر، ابتدا اقدام به بررسی ویژگی‌های ساختار اجتماعی - اقتصادی و نظام کار و فعالیت‌ها و سایر خصوصیات زندگی عشایری شد، سپس برخی اسناد بالادستی مربوط و مرتبط با عشایر، چشم اندازها، اهداف کلی و جزئی مورد نظر برای ساماندهی و توسعه جامعه عشایری کل کشور مطرح و براساس اطلاعات پایه جمع‌آوری شده و بررسی‌های انجام گرفته در چهار فصل قبل، برای دستیابی به اهداف مورد نظر اقدام به تجزیه و تحلیل وضعیت بر اساس روش ارزیابی موقعیت موسوم به روش SWOT شد و بر مبنای آن در قالب کارگاه‌ها و گروه‌های کاری متشکل از کارشناسان و متخصصین امور عشایر، عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف) و خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) مرتبط با جامعه عشایری احصاء و براساس مقایسه ماتریسی مؤلفه‌های عوامل داخلی و خارجی اقدام به تدوین راهبردهای کلان ساماندهی و توسعه جامعه عشایری شده است.

۴-۱ جایگاه عشایر در قوانین و مقررات بالادستی

۴-۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بعضی از بندهای قانون اساسی مرتبط با جامعه عشایری:

اصل سوم (بند ۳، بند ۹، بند ۱۲)، اصل بیست و نهم، اصل سی‌ام، اصل سی و یکم، اصل چهل و سوم (بند ۱، بند ۹) اصل چهل و چهارم، اصل چهل و پنجم، اصل پنجاهم. چون اصول دیگر قانون اساسی مربوط به وظایف و ترکیب و تفکیک قوا می‌باشند و به طور مستقیم ارتباطی به برنامه‌ریزی برای عشایر ندارد، لذا از ذکر آن‌ها خوداری شده است.

۴-۲- مصوبه شورای انقلاب در خصوص تشکیل شورای عالی عشایر

به منظور رسیدگی هر چه بهتر و به صورت ویژه شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران به شرح متن زیر تشکیل شورای عالی عشایر ایران را به طور مستمر تصویب کرد که متعاقب آن دولت در آیین‌نامه مربوطه ترکیب اعضاء و چگونگی تشکیل جلسات شورا در استان‌ها و شهرستان‌ها را مشخص کرد.

«شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران در جلسه مورخ ۱۳۵۹/۲/۳ بنا به پیشنهاد شماره ۳۹۴/۱۷۶۶/۱/۴/۴۱ مورخه ۱۳۵۹/۱/۲۰ وزارت کشور و به منظور رسیدگی به وضع عشایر و بهبود وضع زندگی آنان و همچنین احیای فرهنگ و سنت‌های بومی و عشیره‌ای و جبران لطماتی که در اثر سلطه طاقوت به عشایر ایران وارد آمده و برای از قوه به فعل درآوردن استعدادهای رزمی و نظامی جنگ‌آوران عشایر و جهت دادن این استعدادها در حمایت از انقلاب اسلامی و حل مساله دامداری و امنیت بیلاق و قشلاق و خدمات اجتماعی از قبیل مدرسه و بهداشت، تصویب کردند که «شورای عالی عشایر ایران» در وزارت کشور به طور دائمی تشکیل گردد». با حذف، تعطیلی یا ادغام بسیاری از شوراهای عالی در دولت‌های نهم و دهم، شورای عالی عشایری به شکل و جایگاه مورد اشاره تعطیل شد و وظایف آن به کمیسیون امور زیربنایی دولت واگذار شد. در شرایط کنونی نیز (سال ۱۳۹۲) این کمیسیون وظایف شورای عالی عشایر را به عهده دارد.

۴-۳- اساسنامه سازمان دامداران متحرک (سازمان امور عشایر ایران)

۴-۴- چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی ابلاغی مورخه ۱۳۸۲/۰۸/۱۲

۴-۵- آیین‌نامه ساماندهی عشایر که در ۱۸ ماده و ۴ تبصره در مورخه ۱۳۸۴/۱/۱۴ در هیئت دولت مصوب شد و مطابق متن آن کلیه دستگاه‌های اجرایی متناسب با وظائف هر دستگاه، نسبت جمعیت و میزان محرومیت موظف به ارائه خدمات به عشایر شده‌اند.

۴-۶- عشایر در قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه:

در برنامه‌های توسعه پنج ساله گذشته کشور از برنامه اول تا برنامه چهارم علاوه بر احکام عام که مربوط به همه جامعه بوده و عشایر هم مشمول آن‌ها بوده است به طور خاص احکامی در مورد عشایر ذکر شده است که به طور خلاصه در زیر بیان می‌شود.

الف - برنامه اول، در قالب سه بند (بند ط تبصره ۶، بند ۵-۶ و ۳-۱۰) تکالیفی را در خصوص مسائل قضایی و امنیتی و بیمه عشایر بیان شد.

ب - در برنامه دوم، در قالب دو بند (بند ۵ تبصره ۷۷ و بند الف تبصره ۸۸) در خصوص اسکان عشایر و تأمین تسهیلات مورد نیاز، احداث مسکن و تأمین سوخت، مصوب و اجرایی

شد که این مصوبات سرآغازی در مورد هدایت و حمایت از اسکان عشایر به طور رسمی در بعد از انقلاب اسلامی شد.

ج - در برنامه سوم، در قالب پنج بند (بند ج و ز ماده ۱۰۹، جزء ۷ بند الف ماده ۱۳۷، بند الف ماده ۱۰۴ و بند ب ماده ۱۰۸) در مورد مدیریت هماهنگ دام و مرتع، توجه به معیشت و اشتغال با حفظ توانمندی‌های تولیدی عشایر، سوخت رسانی، ایجاد امکانات زیربنایی و خدمات رسانی، رفاه عمومی و اجتماعی، ساماندهی اسکان و حمایت از کوچ مصوب و اجرایی شد.

د - در برنامه چهارم، در قالب نه بند (بند ب و ج ماده ۱۹، ماده ۲۰، بند ب و ح ماده ۶۹، ماده ۷۰، ماده ۹۱، بند ط ماده ۹۵، بند الف و ب ماده ۹۶ و بند ی ماده ۱۱۴) در مورد ارتقاء شاخص‌ها، اسکان، تخصیص اعتبارات، سوخت، واگذاری اراضی، حفظ ذخائر ژنتیکی دام، بیمه و فرهنگ عشایر مواردی مصوب و اجرایی شد.

ه - در برنامه پنجم، در قالب ۸ بند (بند ج ماده ۱۱، بند ح ماده ۳۲، جزء ۱ بند د ماده ۳۸، ماده ۱۹۴، بندی ماده ۱۹۴، بند م ماده ۱۹۴، بند س ماده ۱۹۴، ماده ۲۳۲ در مورد ارتقای شاخص‌ها، راه‌های عشایری، بیمه، سلامت، فرهنگ و سرمایه‌گذاری مواردی مصوب و در حال اجرا است. بر اساس بررسی‌های انجام شده وجه مشترک عملکرد این برنامه‌ها این بوده است که به دلیل عدم پیش بینی ردیف اعتباری مستقل به صورت ملی و یا کمبود اعتبارات تخصیص داده شده در استان‌ها و عدم تأمین سایر الزامات و امکانات به طور متوسط حدود ۴۰ درصد تعهدات مورد نظر تحقق یافته است که این موضوع بیانگر توجه قانون‌گذار و عدم توجه یا کم‌توجهی مسئولین اجرایی به جامعه عشایر می‌باشد.

۵- اسناد بالادستی تهیه برنامه راهبردی ساماندهی و توسعه جامعه عشایری کشور

در مراحل برنامه‌ریزی، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری برای تدوین برنامه‌های راهبردی توسعه و ساماندهی مناطق و جامعه عشایری باید برخی قوانین موضوعه و اسناد بالادستی مصوب، مورد توجه باشند؛ مانند:

الف) قوانین مصوب مرتبط مانند اساسنامه دامداران متحرک، مصوبات شورای انقلاب و مجلس شورای اسلامی، آیین‌نامه ساماندهی عشایر، برنامه‌های توسعه پنج ساله، مصوبات شورای عالی عشایر و ...

ب) اهداف و مأموریت‌های سازمان امور عشایر ایران.

پ) سند برنامه استراتژیک (راهبردی) و آمایش در سطوح ملی و استانی.

ت) سند چشم‌انداز ۲۰ ساله توسعه جامعه عشایری ایران در افق ۱۴۰۴.

ث) اهداف کلی برنامه چشم‌انداز توسعه جامعه عشایری.

ج) مطالعات انجام شده و مصوب راجع به توان اکولوژیکی مناطق عشایری و قابلیت‌ها و مشارکت اجتماعی - اقتصادی عشایر.

برخی از اسناد بالادستی پشتیبان و مورد توجه در تهیه برنامه راهبردی ساماندهی عشایر کشور عبارتند از:

۵- ۱ - سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جامعه عشایری ایران در افق ۱۴۰۴:

با الهام از سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ و با

در نظر گرفتن استعدادها و قابلیت‌های جامعه و مناطق عشایری استان و فرصت‌های پیش رو، چشم‌انداز ۲۰ ساله این جامعه به شرح زیر بیان می‌شود:

◆ با لطف و عنایت بیکران خداوند متعال و توجه مسئولین نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، جامعه عشایری در افق ۲۰ ساله چشم‌انداز کشور:

◆ جامعه‌ای است سامان‌یافته، برخوردار از سهم عادلانه از منابع، امکانات، خدمات عمومی و زیربنایی، نیازهای اساسی و فرصت‌های برابر با جوامع شهری و روستایی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی.

◆ جامعه‌ای با فرهنگ، آداب و رسوم ایرانی - اسلامی، حفظ و مستند شده.

◆ جامعه‌ای پویا با دانش بومی شناخته شده و مستند.

◆ جامعه‌ای با میزان باسوادی ۱۰۰ درصد جمعیت زیر ۶۰ سال و برخوردار از مهارت‌های لازم در امر تولید.

◆ جامعه‌ای برخوردار از اشتغال پایدار، توأم با ارتقای بهره‌وری فعالیت‌ها.

◆ جامعه‌ای مولد با تنوع منابع تولید و درآمد و مؤثر در تأمین نیازهای اساسی کشور.

◆ جامعه‌ای با امنیت کامل اجتماعی، قضایی و ایمن از خطرات ناشی از سوانح طبیعی همراه با تقویت تعادل‌های زیست‌محیطی.

◆ جامعه‌ای با درآمد متناسب با سهم آن در تولید ملی، در حد متوسط درآمد سرانه کشور.

◆ جامعه‌ای همگرا و با مدیریت محلی منسجم و کارآ، مشارکت‌پذیر، با زندگی مبتنی بر تعاون و مشارکت آحاد آن.

◆ جامعه‌ای در حال توسعه متناسب با مقتضیات و جایگاه ارزشمند آن و تاریخ پرافتخار خود با حفظ کرامت و حفظ حقوق انسانی.

◆ جامعه‌ای به دور از فقر و فساد، برخوردار از سکونتگاه مناسب حداقل در یکی از قطب‌های زیست‌بوم.

۵-۲ - اهداف کلی برنامه چشم‌انداز توسعه جامعه عشایری

الف) تأمین عدالت اجتماعی با رفع محرومیت از مناطق عشایری و تعدیل نابرابری‌های موجود بین جوامع عشایری با جوامع شهری و روستایی.

ب) ساماندهی و ارتقای کیفیت زندگی عشایر کوچنده با رعایت الزامات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و تعادل‌های زیست‌محیطی.

ج) مهندسی فرهنگی و حفظ هویت ایرانی - اسلامی و میراث معنوی عشایر.

۵-۳ - راهبردهای کلان برنامه چشم‌انداز:

۱. ساماندهی کوچ عشایر براساس نظام مدیریت محلی در محدوده زیست‌بوم‌ها.

۲. افزایش توانمندی‌های تولیدی عشایر با استفاده از فن‌آوری مناسب و دانش و مهارت‌های بومی آن‌ها.

۳. تقویت تعامل سازنده عشایر با محیط زیست و منابع محیطی و رابطه متعادل و پایدار دام و مرتع در زیست‌بوم‌های عشایری.

۴. ارتقای شاخص‌های توسعه انسانی و اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جامعه عشایری به میانگین شاخص‌های روستایی کشور.
 ۵. تنوع بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی در جامعه عشایری با بهره‌گیری از امکانات، قابلیت‌ها و استعداد‌های مناطق عشایری به منظور ایجاد، بهبود و توسعه اشتغال، افزایش درآمد و کمک به نگهداشت جمعیت در زیست‌بوم‌ها.
 ۶. تنسيق و تثبیت حقوق بهره‌برداری عشایر از مراتع، واگذاری مدیریت مراتع به عشایر به منظور اعمال مدیریت صحیح تحت نظارت دستگاه‌های ذی‌ربط.
 ۷. استفاده از فن‌آوری مناسب و منابع انرژی غیرآلاینده به منظور افزایش کمی و کیفی تولیدات و بهبود کیفیت زندگی جامعه عشایری با حفظ تعادل و پایداری محیط زیست.
 ۸. ایجاد، توسعه و تقویت تشکل‌های مردمی به منظور جلب مشارکت بیشتر عشایر در فرایند تصمیم‌سازی، اجرا و بهره‌برداری در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و مدیریت محلی.
 ۹. ایجاد، تقویت و متناسب‌سازی ساختار اداری - اجرایی دستگاه‌های ذی‌ربط و تامین سهم عادلانه متناسب با جمعیت و میزان برخورداری عشایر از منابع عمومی و خدمات و فرصت‌ها توسط دستگاه‌های اجرایی، قضایی و انتظامی - تامینی.
 ۱۰. توسعه آموزش رسمی و غیررسمی شامل آموزش و پرورش و آموزش‌های فنی، مهارتی و ترویجی متناسب با نیازهای جامعه عشایری.
 ۱۱. تقویت جاذبه‌های گردشگری جامعه عشایری با توجه به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های طبیعی، اجتماعی، فرهنگی عشایر و تلاش برای نهادینه‌کردن و بهره‌برداری مطلوب از آن‌ها.
 ۱۲. توسعه پوشش نهادهای حمایتی بیمه‌های اجتماعی و خدمات درمانی و بیمه محصولات تولیدی در جامعه عشایری.
 ۱۳. تامین امنیت اجتماعی در محدوده‌های زیست‌بوم با مشارکت عشایر.
 ۱۴. بهره‌گیری از فن‌آوری مناسب به منظور افزایش قابلیت انطباق زندگی عشایر با عوامل محیطی و مهار آسیب‌ها و خسارت ناشی از حوادث طبیعی در قلمرو زیست‌بوم‌ها با توجه به ضرورت (پیشگیری از سیل، خشک‌سالی، بیابانزایی و سایر حوادث) و تامین ایمنی پایدار برای عشایر در برابر تهدیدها و سوانح طبیعی.
 ۱۵. انجام تحقیقات و بهره‌گیری از یافته‌های علمی و مطالعه مناطق مستعد در عرصه زیست‌بوم‌های عشایری به منظور حمایت از اسکان عشایر داوطلب و ساماندهی کوچ.
- ۴ - ۵ - اهداف چهارگانه برنامه راهبردی ساماندهی عشایر:
۱. تامین عدالت اجتماعی با رفع محرومیت از مناطق عشایری و تعدیل نابرابری‌های موجود بین جامعه عشایری با جوامع شهری و روستایی.
 ۲. ساماندهی به کوچ و اسکان عشایر کوچنده.
 ۳. توسعه اجتماعی، مهندسی فرهنگی و حفظ هویت ایرانی - اسلامی و میراث معنوی عشایر.
 ۴. ارتقای کیفیت زندگی، بهبود و توسعه منابع انسانی، تولید، اشتغال و درآمد عشایر کوچنده.

۶- ارزیابی و تحلیل وضع محیطی داخلی:

جدول (۶-۱) خلاصه تجزیه و تحلیل عوامل داخلی (IFAS) جامعه عشایری

عوامل داخلی - نقاط قوت	
S ₁	وجود سازمان امور عشایر با شرح وظایف مناسب، کادر مجرب و با انگیزه و خدمات‌رسانی مؤثر به عشایر.
S ₂	وجود اتحادیه‌ها، شرکت‌های تعاونی و تشکل‌های عشایری با ظرفیت‌های مناسب در خدمات‌رسانی، حمایت و پشتیبانی از عشایر.
S ₃	استقرار عشایر در عرصه‌های وسیع، در اختیار داشتن ۲۴ میلیون واحد دامی کشور با تنوع نژادی و مطرح بودن دام عشایر به عنوان ذخیره ژنتیکی.
S ₄	دانش بومی و مهارت عشایر در امور دام و مرتع و مزیت نسبی آن‌ها در تولید فرآورده‌های دامی و پروتئینی سالم و برخی اقلام صنایع دستی.
S ₅	وجود برنامه ساماندهی مدون، پوشش مناسب مطالعات، شناسایی منابع تولید و اشتغال برای ساماندهی کوچ و اسکان عشایر.
S ₆	کارکردهای مثبت فرهنگ و ارزش‌های اصیل مؤید همکاری، تعاون و مشارکت همه اعضای خانوارها به‌ویژه زنان در فرایند فعالیت‌های تولیدی.
S ₇	مطرح بودن عشایر به عنوان میراث فرهنگی و حافظان فرهنگ و ارزش‌های اصیل ایرانی - اسلامی با ظرفیت‌های بالای گردشگری فرهنگی و طبیعی.
S ₈	ایجاد زیر ساخت‌های لازم و رشد نسبی برخی از شاخص‌های خدماتی و دسترسی در مناطق عشایری.
S ₉	مطرح بودن عشایر به عنوان عوامل پدافند غیرعامل به‌ویژه در نواحی مرزی و حاشیه‌ای کشور.
S ₁₀	برخورداري جامعه عشایری از درصد بالای جمعیت جوان و آماده کار و فعالیت با سطح مناسب از مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری، اجرا و بهره‌برداری از برنامه‌های ساماندهی.

عوامل داخلی - نقاط ضعف	
تضعیف نظام مدیریت و بهره برداری سنتی از مرتع و به هم خوردن رابطه تعادلی دام در مرتع.	W ₁
بازماندگی تحصیلی فرزندان عشایر در مقاطع بعد از ابتدایی به خاطر ضعف امکانات آموزشی و کمبود نیروهای تحصیل کرده و متخصص در جامعه عشایری.	W ₂
ضعف زیر ساخت‌ها، پایین بودن نرخ سرمایه‌گذاری و بهره‌وری منابع و عدم تنوع تولیدات و مشاغل در مناطق عشایری.	W ₃
فروپاشی نظام ایلی، تضعیف ساختار اجتماعی، فرهنگ و ارزش‌های سنتی و کارکردهای مشارکت برانگیز آن‌ها.	W ₄
ضعف درحوزه‌های مدیریت، بنیه مالی، خدمات‌رسانی و برنامه‌ریزی شبکه تعاونی‌های عشایری،	W ₅
پایین بودن سطح برخورداری، دسترسی‌ها و شاخص‌های توسعه انسانی - اجتماعی در مناطق عشایری و استقبال اندک عشایر از خدمات بیمه‌ای.	W ₆
ضعف بنیه مالی و مشکلات ناشی از محدودیت‌های وثیقه‌ای عشایر در اخذ تسهیلات مالی و اعتباری.	W ₇
سنتی بودن نظام فعالیت و تولید و هزینه‌های بالای دامداری.	W ₈
استقبال اندک نسل جوانان عشایری از فعالیت در امور دامداری، افزایش بیکاری و تشدید روند مهاجرت و خروج نیروی انسانی فعال از جامعه عشایری.	W ₉
کمبود و پایین بودن کیفیت برنامه‌های آموزشی و ترویجی و تناسب اندک بخشی از آموزش‌های ترویجی - مهارتی و فنی و حرفه‌ای با نیازهای عشایری.	W ₁₀
دورافتادگی محله‌ای استقرار و محدودیت عشایر در دسترسی به امکانات زیر بنایی، خدماتی، ارتباطی.	W ₁₁
ضعف ساز و کارهای نظام تولید، بازاریابی و توزیع محصولات تولیدی عشایر.	W ₁₂
کم‌رغبتی برخی اعضاء برای افزایش سهام و زیان‌ده بودن برخی از تعاونی‌ها.	W ₁₃

۷- ارزیابی و تحلیل وضع محیطی خارجی:

جدول (۶-۲) خلاصه تجزیه و تحلیل عوامل خارجی (EFAS) جامعه عشایری

عوامل خارجی - فرصت‌ها	
O ₁	اساسنامه سازمان، ظرفیت‌های آیین‌نامه ساماندهی عشایر، شورای عالی عشایر و سایر قوانین موضوعه مرتبط.
O ₂	حاکمیت عدالت محور نظام، توجه دولت به مناطق کمتر توسعه‌یافته، وجود فراکسیون نمایندگان عشایری و ظرفیت‌های موجود وزارت جهاد کشاورزی.
O ₃	زمینه‌های استفاده از فن‌آوری و انرژی‌های نو و تولید محصولات سالم، پاک و ارگانیک.
O ₄	ظرفیت‌های مناسب صندوق‌های سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی.
O ₅	ظرفیت‌های مناسب برای افزایش پوشش خدمات انواع بیمه‌های درمانی، اجتماعی و محصولات کشاورزی.
O ₆	وجود پتانسیل‌های مناسب منابع آب و خاک قابل واگذاری برای توسعه اشتغال در فعالیت‌های اقتصادی صنایع تبدیلی و ... در مجاورت قلمروهای عشایری.
O ₇	اهتمام متولیان منابع طبیعی برای ممیزی مراتع و واگذاری طرح‌های مرتعداری به عشایر.
O ₈	زمینه‌های استفاده بخشی از عشایر از امکانات مبادلاتی بازارچه‌های مرزی.
O ₉	وجود محققان و پژوهشگران فعال در زمینه مطالعات مربوط به عشایر و نیز اطلاعات علمی مناسب و برنامه‌ریزی برخی رشته‌ها و دروس مرتبط با عشایر در دانشگاه.
O ₁₀	ظرفیت‌های صندوق سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی عشایری، صندوق‌های اعتبارات خرد و تشکل‌های مردم نهاد عشایری.
O ₁₁	اقبال مناسب بخشی از افراد جامعه و گردشگران خارجی به حضور در مناطق عشایری و استفاده از تولیدات پاک و سالم و صنایع دستی عشایر.

عوامل خارجی - تهدیدها	
T ₁	عدم تحقق کامل اهداف و مفاد قوانین و برنامه‌های مصوب به خاطر عدم تخصیص اعتبارات کافی و به موقع، برای انجام تعهدات قانونی در امور عشایر.
T ₂	نگرش منفی و غیر واقعی برخی مجامع و ارگان‌های برنامه‌ریزی و اجرایی به شیوه زیست عشایر و جایگاه ضعیف عشایر در نظام برنامه‌ریزی کشور.
T ₃	نابسامانی بازار محصولات و ابهام در سیاست‌گذاری‌های مربوطه، قیمت بالای نهاده‌های تولید و واردات بی رویه گوشت قرمز و سایر فرآورده‌های تولیدی عشایر.
T ₄	اثرات شدید حوادث و بلایای طبیعی بر عشایر و مناطق عشایری.
T ₅	وجود ضوابط سخت‌گیرانه و اثرات آن در اعطای تسهیلات بانکی و در اختیار گذاشتن منابع مالی و اعتباری در فرایند فعالیت‌ها و تولیدات عشایر.
T ₆	کمبود مراکز علمی و پژوهشی، مشاوران و پیمانکاران مجرب و متخصص در امور عشایر.
T ₇	افزایش روزافزون واگذاری‌ها و تعدی و تجاوز اشخاص حقیقی و حقوقی به قلمروهای عرفی و عرصه مراتع عشایر.
T ₈	کمبود یا عدم وجود زیرساخت‌های مناسب برای گسترش سرمایه‌گذاری و خدمات-رسانی از جمله سوخت در مناطق عشایری.
T ₉	تاثیر مخرب شیوع استفاده از برخی محصولات و فن‌آوری‌های ارتباطی جدید در استحاله فرهنگی عشایر.
T ₁₀	تصرف و از بین رفتن ایلراه‌ها، افزایش مشکلات و مخاطرات کوچ در مسیر جاده‌های اصلی و فرعی.
T ₁₁	بالا بودن هزینه‌های حمل و نقل، تأمین سوخت و نهاده‌های دامی و سایر ملزومات زندگی عشایر.

۸ - راهبردهای استخراج و تدوین شده

۸-۱ - راهبردهای SO

SO 1 SO 1 - استفاده حداکثری از قوانین و مقررات موجود و تهیه و تدوین قوانین مورد نیاز برای تقویت سازمان امور عشایر در سطوح ملی و استانی جهت ایفای نقش بیشتر در ارائه خدمات به عشایر.

SO 1 SO 1, 2 - استفاده از ظرفیت‌های قانونی و مجامع به منظور تقویت، توسعه و حمایت از تشکل‌های عشایری و شفاف‌سازی مناسبات حقوقی و تثبیت جایگاه نظارتی سازمان امور عشایر در قبال آن.

SO 1, 2 SO 1, 2, 8 - بهره‌گیری از ظرفیت‌های تشکل‌ها، مجامع و علاقمندان عشایر برای پیشبرد اهداف ساماندهی و رفع نیازها و محرومیت از مناطق و جامعه عشایری.

SO 6, 9 SO 3, 4, 5, 7 - گسترش مطالعات و پژوهش‌های کاربردی، شناسایی و تجهیز منابع تولید، توسعه فعالیت‌ها و تنوع بخشی به اشتغال و درآمد در مناطق عشایری بر پایه فن‌آوری جدید، دانش بومی و مهارت عشایر.

SO 6, 7 SO 4, 6, 11 - ساماندهی و مدیریت کوچ و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی بر مبنای اصول فنی، نظام مشارکت، مدیریت محلی و دانش بومی عشایر.

SO 6, 7 SO 6 - استفاده از فرهنگ همکاری و مشارکت عشایر در مراحل برنامه‌ریزی، اجراء و بهره‌برداری پایدار از منابع و طرح‌های توسعه.

SO 10 - SO 7, 10 - توسعه گردشگری فرهنگی و طبیعی در مناطق عشایری با محوریت مشارکت جوامع محلی و جوانان عشایری.

SO 6, 11 SO 4 - بهره‌برداری از منابع موجود و ارتقاء بهره‌وری منابع تولید.

SO 1, 3 SO 1 (SO 2) - استفاده از ظرفیت‌های قانونی، حاکمیت عدالت محور نظام و توانمندی دستگاه‌های اجرایی ذیربط و بکارگیری فن‌آوری مناسب برای ارتقاء سطح برخورداری‌ها و شاخص‌های توسعه انسانی، اجتماعی و اقتصادی عشایر.

SO 1, 9 SO 7 - توسعه فرهنگی و اجتماعی عشایر بر اساس شناسایی، حفظ و تقویت ارزش‌های ایرانی - اسلامی و بومی محلی عشایر.

۸-۲ - راهبردهای ST

ST 1, 2 SO 2, 3, 4 - تبیین ویژگی‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جامعه عشایری و انعکاس آن به مجامع ذیربط برای توجه بیشتر به امور عشایر.

ST 2, 3, 5 SO 4 - گسترش مطالعات کاربردی برای مدیریت جامع (یکپارچه) عرصه‌های منابع طبیعی و حوضه‌های آبخیز در قلمروهای عشایری به منظور حفاظت، اصلاح، احیاء و بهره‌برداری بهینه از منابع و کاهش اثرات بلایای طبیعی.

ST 5, 6 SO 5, 6 - استفاده از ظرفیت‌های مراکز علمی پژوهشی و توسعه مراکز و طرح‌های تحقیقاتی و مطالعات کاربردی متناسب با مقتضیات برنامه ساماندهی و نیازهای جامعه عشایری.

T۹ S۷ - تقویت و احیای فرهنگ و ارزش‌های اصیل عشایری برای مقابله با تهاجم و استحاله فرهنگی جامعه عشایری.
TV, ۱۰ S۳, ۱۱ - تثبیت حقوق عرفی و قانونی عشایر نسبت به مراتع و ایلراها به منظور جلوگیری از تخریب و تصرف آن‌ها.
T۸, ۹, ۱۱ S۸, ۱۰, ۱۱ - استفاده مناسب از منابع آب و خاک، توسعه و تکمیل زیرساخت‌ها، افزایش بهره‌وری تولید و ارتقای شاخص‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی به منظور افزایش انگیزه کوچ و حضور جوانان در مناطق عشایری.

۸- ۳- راهبردهای WO

O۱, ۷, ۹ W۱ - استفاده از ظرفیت‌های قانونی موجود، یافته‌های علمی پژوهشی، ظرفیت دستگاه‌های اجرایی ذیربط و دانش بومی عشایر برای اصلاح نظام مدیریت بهره‌برداری از منابع طبیعی.
O۱, ۲ W۲, ۸, ۱۰ - استفاده از ظرفیت‌های آیین‌نامه ساماندهی و سایر قوانین مرتبط برای افزایش پوشش آموزش‌های رسمی و ارتقای سطح مهارت و دانش عشایر با محوریت توسعه آموزش‌های ترویجی و فنی و حرفه‌ای.
O۱, ۲, ۳ W۴, ۵, ۷ - توانمندسازی و توسعه زیرساخت‌های مالی، اعتباری و ساختار سازمانی شکل‌ها و صندوق توسعه سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی عشایری.
O۴ W۱ - توسعه اجتماعی - فرهنگی عشایر و تقویت جنبه‌های مشارکت برانگیز نظام مدیریت محلی و افزایش کارکردهای نظام ریش‌سفیدی در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها.
O۱ W۱۳ - ساماندهی نظام سکونتگاهی و توسعه پایدار محیط و فضاهای کالبدی محل استقرار عشایر با استفاده از ظرفیت‌های آیین‌نامه ساماندهی و نظام فنی - اجرایی کشور.
O۳, ۶, ۹ W۳, ۹ - به‌کارگیری فن‌آوری و انرژی‌های نو به منظور تسهیل فرایند استحصال، استفاده از منابع و جاذبه‌های گردشگری، افزایش تولید و بهره‌وری با محوریت پایداری شرایط زیست محیطی و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و جوان‌پسند کردن زندگی کوچندگی.

۸- ۴- راهبردهای WT

T۳, ۱ W۳, ۱۱ - ساماندهی نظام تولید و مبادلات، زمینه‌سازی برای حفظ و افزایش سرمایه‌گذاری در مناطق عشایری و حمایت از محصولات و فرآورده‌های تولیدی پاک، سالم و ارگانیک عشایری.
T۲ W۴ - باز تعریف ساختار اجتماعی و شیوه مدیریت محلی و کارکردهای مشارکت برانگیز عشایر متناسب با وضعیت و مقتضیات شرایط کنونی و آتی به منظور تقویت جایگاه عشایر در نظام بهره‌برداری.

۹- ماتریس، اهداف، راهبردها و سیاست‌های اجرایی برنامه راهبردی ساماندهی عشایر

سیاست‌های اجرایی	راهبرد
هدف: ۱- تامین عدالت اجتماعی با رفع محرومیت از مناطق عشایری و تعدیل نابرابری‌های موجود در بین جوامع عشایری با جوامع شهری و روستایی.	
۱- ۱- ۱- تدوین و پیشنهاد اصلاح و تصویب قوانین و مقررات مورد نیاز ساماندهی و خدمات‌رسانی به عشایر.	۱- ۱- استفاده حداکثری از قوانین و مقررات موجود، تهیه و تدوین قوانین مورد نیاز برای تقویت سازمان امور عشایر در سطوح ملی و استانی جهت ایفای نقش بیشتر در ارائه خدمات به عشایر.
۱- ۱- ۲- آگاهی‌بخشی به دستگاه‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرایی و نظارتی ذیربط با امور عشایر در خصوص قوانین و مقررات مربوط به عشایر و تاکید بر اجرای آن‌ها.	
۱- ۱- ۳- زمینه‌سازی و تاکید بر اجرای قوانین بالادستی مربوط به جامعه عشایری.	
۱- ۱- ۴- ارتقای جایگاه تشکیلات اداری، مالی و برنامه‌ریزی سازمان امور عشایر برای ایفای نقش مؤثرتر در پیشبرد اهداف توسعه و ساماندهی جامعه عشایری.	
۱- ۱- ۵- بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازمان امور عشایر برای هماهنگی با مسئولین و مراجع تصمیم‌گیر جهت تحقق اهداف و تعهدات قانونی در امور عشایر.	
۱- ۱- ۶- هماهنگی برای عضویت و حضور سازمان امور عشایر در کمیته‌ها و کارگروه‌های تخصصی مربوط به امور عشایر در محافل سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرایی در سطوح ملی، استانی و شهرستان‌ها.	
۱- ۲- ۱- اصلاح ساختار تشکل‌های عشایری متناسب با اهداف، وظایف و رسالت‌های آن‌ها.	
۱- ۲- ۲- توانمندسازی مدیریتی و کارشناسی تشکل‌ها با تاکید بر شایسته‌سالاری و دانایی محوری،	
۱- ۲- ۳- استفاده از یافته‌های علمی، تجارب موفق و به کارگیری فارغ‌التحصیلان رشته‌های دانشگاهی مرتبط با فعالیت تشکل‌ها.	۱- ۲- استفاده از ظرفیت‌های قانونی و مجامع به منظور تقویت، توسعه و حمایت از تشکل‌های عشایری و شفاف-سازی مناسبات حقوقی و تثبیت جایگاه نظارتی سازمان امور عشایر در قبال تشکل‌ها.
۱- ۲- ۵- تقویت توان مالی و اقتصادی تشکل‌ها و گسترش فعالیت‌های آن‌ها در زمینه‌های تولیدی.	
۱- ۲- ۶- افزایش سرمایه‌گذاری تشکل‌های عشایری در صندوق‌های سرمایه-گذاری بخش کشاورزی و ارتقای سطح صندوق سرمایه‌گذاری عشایری.	
۱- ۲- ۷- توسعه صادرات محصولات عشایری و تامین نیازهای آن‌ها با استفاده از ظرفیت تشکل‌های عشایری و مراکز مبادلات مرزی.	

<p>۱-۳-۱ - زمینه‌سازی برای افزایش واگذاری وظایف تصدی‌گری دولتی در امور عشایر به تشکل‌های عشایری برای افزایش نقش این تشکل‌ها در امور خدمات‌رسانی و اجرای برنامه‌های عمرانی و ساماندهی عشایر.</p>	
<p>۱-۳-۲ - افزایش سطح مشارکت عشایر در زمینه‌های مختلف فعالیت تعاونی‌ها.</p>	
<p>۱-۳-۳ - پوشش کامل بیمه عشایر، دام و محصولات آن‌ها با استفاده از صندوق‌های بیمه و ظرفیت تشکل‌های عشایری.</p>	
<p>۱-۳-۴ - تلاش برای قرار گرفتن عرصه‌های کوچ و استقرار عشایر در حوزه مناطق کمتر توسعه یافته و استفاده از اعتبارات توسعه و توازن منطقه‌ای.</p>	<p>۱-۳ - بهره‌گیری از ظرفیت تشکل‌ها، مجامع و علاقه‌مندان عشایر برای پیشبرد اهداف ساماندهی و رفع نیازها و محرومیت از مناطق و جامعه عشایری.</p>
<p>۱-۳-۵ - هماهنگی برای جلب مشارکت و بهره‌گیری از منابع و توانمندی‌های مجامع و تشکل‌های مردم‌نهاد مرتبط با عشایر.</p>	
<p>۱-۳-۶ - ظرفیت‌سازی برای ایجاد و توانمندسازی مجامع و نهادها و علاقه‌مندان به عشایر برای افزایش زمینه‌های ایفای نقش بیشتر آن‌ها در امور عشایر.</p>	
<p>۱-۳-۷ - استفاده از ظرفیت علاقه‌مندان، تحصیل‌کرده‌ها و نخبگان عشایر در محافل قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری و مدیریتی برای پیشبرد امور خدمات‌رسانی، عمرانی و ساماندهی عشایر.</p>	
<p>۱-۴-۱ - هماهنگی و تلاش برای قرار گرفتن عرصه‌های کوچ و استقرار عشایر در حوزه مناطق کمتر توسعه‌یافته و استفاده از اعتبارات توسعه و توازن منطقه‌ای.</p>	
<p>۱-۴-۲ - زمینه‌سازی برای اجرای کامل و هدفمند مفاد مواد آییننامه ساماندهی عشایر.</p>	<p>۱-۴ - استفاده از ظرفیت‌های قانونی، حاکمیت عدالت محور نظام و توانمندی دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و به کارگیری فن‌آوری مناسب برای ارتقاء سطح برخورداری‌ها و شاخص‌های توسعه انسانی، اجتماعی و اقتصادی عشایر.</p>
<p>۱-۴-۳ - فراهم کردن ساز و کارهای لازم برای پایش مستمر نیازها و انجام مطالعات نیازسنجی برنامه‌های توسعه و ساماندهی عشایر.</p>	
<p>۱-۴-۴ - تلاش برای ملزم کردن دستگاه‌های اجرایی مشمول آییننامه ساماندهی برای گنجانیدن طرح‌ها و پروژه‌های امور عشایر در برنامه‌های راهبردی، پنج‌ساله و برنامه‌های سنواتی.</p>	
<p>۱-۴-۵ - گسترش پژوهش‌های کاربردی، امکان‌سنجی و بهره‌گیری از مجموعه امکانات و فن‌آوری نوین در زمینه‌های توسعه و تجهیز زیرساخت‌ها و منابع تولید و اشتغال.</p>	

هدف: ۲ - ساماندهی به کوچ و اسکان عشایر کوچنده	
سیاست‌های اجرایی	راهبرد
۱-۲ - اصلاح، احیا، حفاظت و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی با محوریت مشارکت عشایر و تاکید بر رعایت تعادل‌های زیست محیطی.	۱-۲ - ساماندهی و مدیریت کوچ و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی بر مبنای اصول فنی، نظام مشارکت، مدیریت محلی و دانش بومی عشایر.
۲-۱ - تنظیم مدیریت کوچ و چرا بر اساس ضوابط و مقررات، شرایط اکولوژیکی و مشارکت بهره‌برداران.	
۲-۱-۳ - تامین تسهیلات مورد نیاز مدیریت کوچ و تقویت زیرساخت‌های لازم از جمله تامین سوخت مورد نیاز عشایر برای جلوگیری از تخریب منابع طبیعی با رویکرد توسعه پایدار.	
۲-۱-۴ - توسعه طرح‌های جامع مرتعداری بر مبنای ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی و شرایط زیست محیطی مناطق عشایری.	
۲-۱-۵ - تلفیق مهارت و دانش بومی عشایر با دستاوردهای علمی پژوهشی و اصول فنی در روند ساماندهی به مدیریت کوچ و چرا.	
۲-۲ - گسترش زمینه‌های انجام مطالعات کاربردی در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی با محوریت برنامه‌ریزی و مدیریت پایدار حوضه‌های آبخیز و عرصه‌های مرتعی مناطق عشایری (مدیریت یکپارچه سرزمین).	۲-۲ توسعه مطالعات کاربردی برای مدیریت جامع عرصه‌های منابع طبیعی و حوضه‌های آبخیز در زیست‌بوم‌های عشایری.
۲-۲-۲ - شناسایی، برنامه‌ریزی و تنظیم تعادل بین ظرفیت‌های موجود (منابع طبیعی، انسانی و فنی) در حوضه آبخیز برای بهره‌برداری پایدار از آن‌ها.	
۲-۲-۳ - شناسایی و جمع‌آوری تجربیات سایر کشورها در خصوص مدیریت دام و مرتع و بومیسازی آن‌ها.	
۲-۳ - ایجاد و توسعه مراکز مطالعاتی و پژوهشی مرتبط با نیازهای جامعه و مناطق عشایری.	۲-۳ - استفاده از ظرفیت‌های مراکز علمی پژوهشی و توسعه مراکز و طرح‌های تحقیقاتی و مطالعات کاربردی متناسب با مقتضیات برنامه ساماندهی و نیازهای جامعه عشایری.
۲-۳-۲ - گسترش ارتباط با مراکز علمی دانشگاهی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن‌ها در امور خدمات رسانی و ساماندهی عشایر.	
۲-۳-۳ - بهره‌گیری از توان علمی محققان مرتبط با عشایر در جهت بررسی و ارائه راهکارها برای ساماندهی جامعه عشایری.	
۲-۳-۴ - ایجاد رشته‌های تحصیلی در سطوح کارشناسی ارشد و دکتری متناسب با نیازهای شناخت و ساماندهی عشایر.	
۲-۳-۵ - احصاء، طبقه‌بندی و مستندسازی سوابق و نتایج یافته‌های علمی پژوهشی و ایجاد بانک اطلاعات تخصصی در امور عشایری.	

<p>۲-۴-۱ - استفاده از قوانین موجود و مواد آیین‌نامه ساماندهی عشایر و پیشنهاد تدوین قوانین جدید برای احقاق حقوق عشایر نسبت به عرصه‌های منابع طبیعی و فرآیند تکمیل ممیزی مراتع.</p>	<p>۲-۴-۲ - تثبیت حقوق عرفی و قانونی عشایر نسبت به مراتع و ایله‌ها به منظور جلوگیری از تخریب و تصرف آن‌ها.</p>
<p>۲-۴-۲ - مستندسازی اطلاعات ایله‌ها، اترافگاه‌های بین راهی و مسیرهای کوچ عشایر و حریم آن‌ها و ثبت اسناد مربوط در مراجع قانونی.</p>	<p>۲-۴-۳ - اهتمام برای حفاظت و جلوگیری از تخریب و تصرف ایله‌ها و اترافگاه‌ها و حریم آن‌ها و استفاده از ظرفیت‌های قانونی برای بازگرداندن عرصه‌های تصرف و تخریب شده.</p>
<p>۲-۵-۱ - ارتقای راندمان تولید و بهره‌وری فعالیت‌ها با ترویج فن‌آوری مناسب و روش‌های نوین کشاورزی.</p>	<p>۲-۵-۲ - استفاده مناسب از منابع آب و خاک، توسعه و تکمیل زیرساخت‌ها، افزایش بهره‌وری تولید و ارتقای شاخص‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی به منظور افزایش انگیزه کوچ و حضور جوانان در مناطق عشایری.</p>
<p>۲-۵-۲ - استمرار شناسایی و تخصیص منابع تولید با محوریت ایجاد فرصت‌های شغلی برای جوانان.</p>	<p>۲-۵-۳ - گسترش اقدامات عمرانی و زیربنایی و افزایش شاخص‌های توسعه در مناطق عشایری در حد استانداردها، آستانه‌های برخورداری و سرانه‌های تعیین‌شده در سطح متوسط مناطق روستایی.</p>
<p>۲-۶-۱ - برنامه‌ریزی برای استفاده از تجارب، دانش بومی و افزایش سطح مشارکت عملی عشایر در فرآیند مدیریت جامع عرصه‌های منابع طبیعی.</p>	<p>۲-۶-۲ - استفاده از ظرفیت‌های قانونی موجود، یافته‌های علمی پژوهشی، ظرفیت دستگاه‌های اجرایی ذیربط و دانش بومی عشایر برای اصلاح نظام مدیریت بهره‌برداری از منابع طبیعی.</p>
<p>۲-۶-۲ - هماهنگی با دستگاه‌های قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری و اجرایی مربوط و مرتبط با منابع طبیعی به منظور صیانت از حقوق عرفی - قانونی عشایر و مدیریت پایدار عرصه‌های مرتعی.</p>	<p>۲-۶-۳ - هماهنگی با مراکز علمی تحقیقاتی مربوط به منابع طبیعی برای گسترش طرح‌های مطالعاتی تقاضا محور در حوزه‌های عشایری.</p>
<p>۲-۶-۴ - استفاده از دانش فنی، فن‌آوری مناسب به منظور تسهیل شرایط کوچ، استقرار، فعالیت‌ها و نظام بهره‌برداری عشایر.</p>	<p>۲-۷-۱ - فرهنگ‌سازی و جلب اعتماد اعضا برای افزایش سرمایه (سهام) در تشکل‌ها، به‌ویژه صندوق سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی عشایری.</p>
<p>۲-۷-۲ - زمینه‌سازی برای جذب منابع مالی و اعتباری از طریق مؤسسات مربوطه دولتی و خصوصی.</p>	<p>۲-۷-۲ - توانمندسازی و توسعه زیرساخت‌های مالی، اعتباری و ساختار سازمانی تشکل‌ها و صندوق‌های توسعه سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی و عشایری.</p>
<p>۲-۷-۳ - اصلاح، تقویت و ارتقای ساختار سازمانی تشکل‌ها متناسب با ظرفیت‌های قانونی، یافته‌های علمی جدید، اساسنامه، اهداف و وظایف و ماهیت فعالیت آن‌ها.</p>	<p>۲-۷-۳ - تقویت و ارتقای ساختار سازمانی تشکل‌ها متناسب با ماهیت فعالیت آن‌ها.</p>

<p>۲- ۸- ۱ - برنامه‌ریزی و هماهنگی لازم با دستگاه‌های ذی ربط به منظور کمک به طراحی و احداث مسکن مناسب برای عشایر در کانون‌های اسکان و مراکز جمعیتی.</p>	<p>۲- ۸- ساماندهی نظام سکونتگاهی و توسعه پایدار محیط و فضاها کالبدی محل استقرار عشایر با استفاده از ظرفیت‌های آیین‌نامه ساماندهی و نظام فنی - اجرایی کشور.</p>
<p>۲- ۸- ۲ - مطالعه محل‌های استقرار عشایر و امکان‌سنجی تمرکز و تجمیع آن‌ها در نقاط مرکزی.</p>	<p>۲- ۹- ۲ - تبیین ویژگی‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جامعه عشایری و انعکاس آن به مجامع ذیربط برای توجه بیشتر به امور عشایر.</p>
<p>۲- ۸- ۳ - مطالعه و بررسی مشکلات و ظرفیت‌های موجود و آتی کانون‌های اسکان عشایر به منظور رفع مشکلات و توسعه آن‌ها.</p>	<p>۲- ۹- ۲ - گسترش مطالعات و معرفی ظرفیت‌های اجتماعی - فرهنگی عشایر به عنوان حاملان و میراث داران ارزش‌های اصیل ایرانی - اسلامی.</p>
<p>۲- ۹- ۲ - معرفی نقش و جایگاه عشایر در اقتصادی ملی.</p>	<p>۲- ۹- ۳ - حمایت و فراهم کردن زمینه‌های انجام مطالعات علمی درحوزه‌های عشایری برای اساتید و دانشجویان رشته‌های مرتبط با امور عشایر.</p>
<p>۲- ۹- ۳ - حمایت و فراهم کردن زمینه‌های انجام مطالعات علمی درحوزه‌های عشایری برای اساتید و دانشجویان رشته‌های مرتبط با امور عشایر.</p>	

<p>هدف: ۳ - توسعه اجتماعی و مهندسی فرهنگی و حفظ هویت ایرانی - اسلامی و میراث معنوی عشایر</p>	
<p>سیاست‌های اجرایی</p>	<p>راهبرد</p>
<p>۳- ۱- ۱ - تدوین و ابلاغ منشور فرهنگی - اخلاقی گردشگری عشایری به منظور کاهش آسیب‌های احتمالی ناشی از گردشگری در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی به عنوان گردشگری پاک.</p>	<p>۳- ۱- توسعه گردشگری فرهنگی و طبیعی در مناطق عشایری با محوریت مشارکت جوامع محلی و جوانان عشایری.</p>
<p>۳- ۱- ۲ - سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌ها و پروژه‌های گردشگری عشایری با حفظ ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی عشایر.</p>	
<p>۳- ۱- ۳ - تدوین، تصویب و ابلاغ چارچوب‌ها، ضوابط و دستورالعمل‌های توسعه و ترویج گردشگری عشایری با محوریت تشکل‌ها، جوامع و بلدهای محلی عشایری.</p>	
<p>۳- ۱- ۴ - تعریف و مشخص کردن چارچوب‌ها، معیارها و شاخص‌های توسعه گردشگری با محوریت حفظ فرهنگ و ارزش‌های عشایری.</p>	
<p>۳- ۱- ۵ - شناسایی مناطق مستعد و توسعه و ترویج گردشگری فرهنگی و طبیعی در مناطق عشایری.</p>	
<p>۳- ۱- ۶ - ایجاد زیرساخت‌های مرتبط با گردشگری در مناطق نمونه گردشگری عشایری.</p>	
<p>۳- ۱- ۷ - توسعه و ترویج گردشگری فرهنگی و طبیعی با محوریت جوامع محلی، به‌ویژه جوانان عشایری در مناطق عشایری.</p>	
<p>۳- ۱- ۸ - برنامه‌ریزی برای نیازسنجی و ارائه آموزش‌های مرتبط با خدمات گردشگری برای جوامع محلی، به‌ویژه جوانان عشایری برای تصدی و مدیریت برنامه‌های گردشگری عشایری.</p>	

<p>۳- ۲- ۱- شناسایی، حفظ و در صورت لزوم احیای ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی عشایر و مستندسازی آن‌ها به عنوان میراث فرهنگی (معنوی) در سطوح بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای و محلی.</p>	
<p>۳- ۲- ۲- تدوین، تصویب و ابلاغ لزوم تهیه "پیوست فرهنگی" برای کلیه طرح‌ها و پروژه‌های اجرایی و ساماندهی مرتبط با عشایر.</p>	<p>۳- ۲- توسعه فرهنگی و اجتماعی عشایر براساس شناسایی، حفظ و تقویت ارزش‌های ایرانی - اسلامی و بومی محلی عشایر.</p>
<p>۳- ۲- ۳- برنامه‌ریزی، مطالعه و راه‌اندازی مؤسسات فرهنگی - اجتماعی عشایری مانند خانه‌های فرهنگ و موزه‌های عشایری با مشارکت عشایر و تشکل‌های مردم نهاد عشایری.</p>	
<p>۳- ۲- ۴- بالا بردن میزان انسجام اجتماعی و سطح مشارکت عشایر از طریق تقویت جنبه‌های مشارکت برانگیز فرهنگی و دینی و کاهش برخوردها و نزاع‌های طایفه‌ای و محلی.</p>	
<p>۳- ۳- ۱- ثبت، تقویت و احیای مناسک دینی و مذهبی، آیین‌های قومی، سنن و مراسم فرهنگی عشایری.</p>	
<p>۳- ۳- ۲- شناسایی، تقویت و احیای آداب، آئین‌ها، رسوم و سنن اصیل و ارزشمند عشایری.</p>	
<p>۳- ۳- ۳- توسعه تعاملات و مناسبات اجتماعی داخل و خارج از رده‌های ایلی به منظور تقویت و احیای نظام تعاون و باریگری سنتی.</p>	<p>۳- ۳- تقویت و احیای فرهنگ و ارزش‌های اصیل عشایری برای مقابله با تهاجم و استحاله فرهنگی جامعه عشایری.</p>
<p>۳- ۳- ۴- تقویت و بهره‌گیری از باورها و انگیزه‌های معنوی درکنار مشوق‌های مادی برای ایجاد تمایل و گسترش زمینه‌های حضور و ایفای نقش بیشتر عشایر در فعالیتهای مشارکتی جمعی و فردی.</p>	
<p>۳- ۳- ۵- کاهش تعصبات افراطی (نامطلوب) عشیره‌ای از طریق افزایش تعاملات اجتماعی، روابط و مناسبات فرهنگی، و گسترش برنامه و فعالیت‌هایی که پیوستگی، وفاق، همدلی، امید و نشاط اجتماعی و مشارکت را تقویت می‌کند.</p>	
<p>۳- ۳- ۶- برنامه‌ریزی، نیازسنجی و اجرای آموزش و ترویج به منظور آشنا کردن عشایر با ابعاد، آثار و نمادهای استحاله فرهنگی، و چگونگی مقابله با آن‌ها با تاکید بر ارزش‌های والای دینی و فرهنگ اصیل عشایری.</p>	

<p>۳- ۴- ۱- اتخاذ تدابیر مناسب برای افزایش اعتماد به نفس و هویت- بخشی به آحاد جمعیت عشایری به‌ویژه جوانان برای علاقه‌مندی به ماندگاری در مناطق عشایری و فراهم آوردن سازوکارهای تقویت روحیه مشارکت در سطوح رده‌های ایلی.</p>	<p>۳- ۴- توسعه اجتماعی - فرهنگی - عشایر و تقویت جنبه‌های مشارکت برانگیز نظام مدیریت محلی و افزایش کارکردهای نظام ریش سفیدی در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها.</p>
<p>۳- ۴- ۲- افزایش مشارکت عملی عشایر و تشکل‌های عشایری در مراحل تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا، بهره‌برداری و نگهداشت طرح‌ها و پروژه‌ها.</p>	
<p>۳- ۴- ۳- توانمندسازی نظام مدیریت محلی و افزایش نقش ریش- سفیدان برای ایفای نقش بیشتر آن‌ها در امور اجتماعی - اقتصادی عشایر.</p>	
<p>۳- ۴- ۴- توانمندسازی و آگاهی بخشی به افراد و گروه‌های عشایری در زمینه کسب دانش و مهارت‌های لازم به منظور گسترش مناسبات خارج از رده‌های ایلی و پیشگیری از تعارض‌هایی که مانع کارجمعی می‌شوند.</p>	
<p>۳- ۴- ۵- تقویت سرمایه اجتماعی از طریق افزایش اعتماد متقابل در دو سطح اعتماد اجتماعی بین رده‌های ایلی و نهادی.</p>	
<p>۳- ۴- ۶- گسترش آموزش‌ها و ترویج اصول، مهارت‌ها و ارزش‌های شهروندی و ایجاد اعتماد متقابل بین عشایر و دستگاه‌های اداری و اجرایی مرتبط با امور عشایر.</p>	
<p>۳- ۵- ۱- برگزاری انتخابات شوراهای اسلامی در سطح کلیه تیره‌های عشایری و گسترش نقش آن‌ها در مدیریت و راهبری امور عشایر.</p>	<p>۳- ۵- باز تعریف ساختار اجتماعی و شیوه مدیریت محلی و کارکردهای مشارکت برانگیز عشایر متناسب با وضعیت و مقتضیات شرایط کنونی و آتی به منظور تقویت جایگاه عشایر در نظام مدیریت برنامه‌ریزی.</p>
<p>۳- ۵- ۲- بررسی و بازتعریف ساختار اجتماعی و نظام سلسله مراتب ایلی متناسب با نظام کوچ، وضعیت استقرار و مناسبات اجتماعی کنونی و آتی عشایر.</p>	
<p>۳- ۵- ۳- تسهیل شرایط برای تشکیل نهادهای محلی، تقویت ارتباط و پیوند نزدیکتر عشایر با ادارات امور عشایر و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط.</p>	
<p>۳- ۵- ۴- گسترش برنامه‌های آموزشی و ترویجی، گفتگو و مشاوره با مردم و آگاه‌سازی آن‌ها نسبت به منابع و فرصت‌های محیطی، امکانات و چگونگی طرح و حل مشکلات آن‌ها.</p>	
<p>۳- ۵- ۵- تسهیل شرایط برای تشکیل نهادهای محلی، تقویت ارتباط و پیوند نزدیکتر عشایر با ادارات امور عشایر و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط.</p>	

هدف: ۴ - ارتقا امنیت اجتماعی، اقتصادی و بهبود و توسعه منابع انسانی، تولید، اشتغال و درآمد عشایر.	
سیاست‌های اجرایی	راهبرد
۴-۱-۱ - استفاده از ظرفیت‌های قانونی و مراکز علمی و پژوهشی برای توسعه حوزه‌های مطالعات تخصصی و کاربردی در امور عشایر.	۴-۱ - گسترش مطالعات و پژوهش‌های کاربردی، شناسایی و تجهیز منابع تولید، توسعه فعالیت‌ها و تنوع بخشی به اشتغال و درآمد در مناطق عشایری بر پایه فن‌آوری جدید، دانش بومی و مهارت عشایر.
۴-۱-۲ - استفاده از نتایج مطالعات انجام شده سایر دستگاه‌ها در زمینه‌های مرتبط با جامعه و مناطق عشایری برای شناسایی منابع جدید توسعه فعالیت‌ها، تولید و اشتغال.	
۴-۱-۳ - بهره‌گیری از توان علمی محققان مرتبط با عشایر در جهت بررسی و ارائه راهکارها برای بسط و توسعه دیدگاه‌های نظری و الگوهای عملیاتی توسعه و ساماندهی عشایر.	
۴-۱-۴ - حمایت از پژوهش‌های کاربردی، ایده‌ها و الگوهای طراحی صنعتی برای ترویج بکارگیری فن‌آوری جدید متناسب با شرایط زندگی و فعالیت‌های عشایر.	
۴-۱-۵ - حمایت از طرح‌های پژوهشی کاربردی اشخاص حقیقی و حقوقی معتبر، پایان‌نامه‌های دانشجویی و ایده‌های بدیع برای تقویت و متناسب‌سازی دانش بومی و مهارت‌های عشایر.	
۴-۱-۶ - مستندسازی دانسته‌ها و دانش بومی عشایر و تطبیق آن برای بکارگیری در شرایط کنونی و آینده.	
۴-۱-۷ - گسترش پژوهش‌های کاربردی، استفاده از دانش بومی، حکمت عامیانه و روش‌های بهره‌برداری سنتی منطبق بر شرایط اقلیمی جغرافیایی برای ارائه الگوهای افزایش بهره‌وری منابع و عوامل تولید.	
۴-۲-۱ - شناسایی، احیا و تقویت شیوه‌های باریگری و معاملات اقتصادی و اجتماعی و افزایش کارکردهای عملی آن‌ها در مناسبات اجتماعی - اقتصادی عشایر.	۴-۲ - استفاده از فرهنگ همکاری و مشارکت عشایر در مراحل برنامه‌ریزی، اجراء و بهره‌برداری پایدار از منابع و طرح‌های توسعه.
۴-۲-۲ - فراهم کردن سازوکارهای قانونی و اجتماعی - فرهنگی برای جلب مشارکت هر چه بیشتر عشایر در فرایند برنامه‌ریزی، اجرا، بهره‌برداری از منابع و نگهداشت طرح‌ها و پروژه‌ها.	
۴-۲-۳ - استفاده از فرهنگ همکاری سنتی و شیوه‌های مشارکتی مانند (PRA) در زمینه‌های مدیریت عرصه‌ها و بهره‌برداری از منابع و منافع توسعه.	
۴-۲-۴ - توسعه فرهنگ برنامه‌ریزی از پایین به بالا.	
۴-۲-۵ - استفاده از روش‌های مناسب آموزش و ترویج برای بهره‌برداری بهینه از منابع و عوامل تولید.	

<p>۴-۴-۱ - شناسایی، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری برای توسعه گردشگری عشایری با محوریت مشارکت جامعه بومی، به‌ویژه جوانان و تحصیلکردگان عشایری.</p>	<p>۴-۴ - توسعه گردشگری فرهنگی و طبیعی در مناطق عشایری با محوریت مشارکت جوامع محلی و جوانان عشایری.</p>
<p>۴-۴-۲ - اولویت به توسعه گردشگری پاک و غیر مخرب برای فرهنگ و محیط زیست عشایری.</p>	<p>۴-۵-۱ - بکارگیری فن‌آوری مناسب و اهتمام برای بومی‌سازی آن و حمایت از ایده‌ها و طرح‌های جدید متناسب با شرایط زیست عشایر.</p> <p>۴-۵-۲ - استفاده مناسب از فن‌آوری تولید و تعریف نظام بهره‌برداری متناسب با مقتضیات شرایط فعلی و آتی فعالیت و تولید در مناطق عشایری.</p> <p>۴-۵-۳ - برنامه‌ریزی به منظور نیازسنجی و برگزاری دوره‌های آموزشی و ترویجی برای جانداختن اصول و شیوه‌های نوین تولید و ارتقای سطح بهره‌وری منابع.</p> <p>۴-۵-۴ - تنوع بخشی به فعالیت، تولید و اشتغال عشایر براساس شناخت، برنامه‌ریزی و تخصیص منابع جدید متناسب با ویژگی‌های مناطق و جامعه عشایری.</p>
<p>۴-۴-۳ - ایجاد خانه‌های فرهنگ، دهکده‌های گردشگری عشایری به منظور معرفی و حفظ فرهنگ و ارزش‌های عشایری.</p>	<p>۴-۶-۱ - ایجاد سازوکارهای لازم برای حمایت از جذب و افزایش سرمایه‌گذاری در مناطق عشایری با محوریت کانون‌های اسکان عشایر.</p> <p>۴-۶-۲ - ساماندهی نظام تولید، بازاریابی و عرضه محصولات تولیدی عشایر در قالب زنجیره‌های تامین و تولید.</p> <p>۴-۶-۳ - توسعه، ترویج و حمایت از گسترش تولیدات ارگانیک و پاک و معرفی آن به عنوان برند.</p> <p>۴-۶-۴ - ارتقای سطح زندگی و تامین رفاه اقتصادی متناسب برای عشایر از طریق توسعه و تحول نظام تولید سنتی و افزایش بهره‌وری عوامل تولید.</p>
<p>۴-۴-۴ - معرفی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های فرهنگی گردشگری و تولیدی عشایر در زمینه‌های مختلف.</p>	

بررسی جایگاه جامعه عشایری در برنامه‌های توسعه پنج ساله اقتصادی و اجتماعی کشور

دکتر پژمان رضایی^۱

چکیده:

از سال ۱۳۲۷ تاکنون، ۱۰ برنامه توسعه در کشور تهیه و اجرا شده است که ۵ برنامه مربوط به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و ۵ برنامه مربوط به بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است. بررسی مستندات این برنامه‌ها نشان می‌دهد جامعه عشایری کشور متناسب با جمعیت و سهم آن در توسعه کشور مورد توجه نبوده و پایین بودن سهم اعتبارات و عدم جامع‌نگری به نیازهای عشایر کشور در این برنامه‌ها گواه این مدعی می‌باشد. از مجموع این برنامه‌ها، جامعه عشایر کوچنده تنها از برنامه دوم توسعه بعد از انقلاب دارای فصل مستقل بوده و در سایر برنامه‌ها یا اصلاً مورد توجه قرار نگرفته و یا در سایه برنامه‌های شهری و روستایی به صورت بسیار جزئی و پراکنده به آن توجه شده است. نتیجه این امر پایین ماندن بسیاری از شاخص‌های توسعه در جامعه عشایر در مقایسه با جوامع شهری و روستایی کشور، مهاجرت از این جامعه و در نتیجه آسیب اساسی به اقتصاد ملی کشور در بلند مدت است. با توجه به این امر، توجه اساسی به جامعه عشایر کشور در برنامه‌های کلان کشور با تاکید بر برنامه‌های پنج ساله توسعه و نگرش جامع به این جامعه در قالب توسعه پایدار، در بلند مدت می‌تواند شرایط زیست و فعالیت مناسبی را برای این جامعه رقم بزند.

واژگان کلیدی: عشایر، برنامه‌ریزی، برنامه‌های پنج ساله اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

مقدمه

آمایش سرزمین و توسعه کشور نیازمند توجه ویژه به تمامی عرصه‌ها و زیستگاه‌های شهری، روستایی و عشایری است. در این میان جامعه عشایر به خاطر محرومیت و شرایط سخت زندگی از یک سو و جایگاه آن‌ها در اقتصاد ملی و توسعه پایدار سرزمین از سوی دیگر، از جایگاه مهمی برخوردار است و به همین دلیل ساماندهی و توجه به این جامعه همواره باید مورد توجه قرار گیرد (رضایی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۱). بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۴۵ حدود ۹/۶ درصد جمعیت کشور جمعیت عشایری بوده است و این نسبت در سال ۱۳۵۳ به ۲/۷ درصد رسیده و در آخرین سرشماری رسمی عشایر کوچنده کشور در سال ۱۳۸۷ به ۱/۶۸ درصد رسیده است (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۸۴، الف و ب، مرکز آمار ایران ۱۳۸۷). نکته قابل توجه در این زمینه تعداد جمعیت عشایر کشور می‌باشد که همواره تعداد نسبتاً ثابتی را در بر می‌گیرد. به

۱- عضو هیات علمی گروه جغرافیای دانشگاه یزد.

عبارت دیگر هر چند نسبت جمعیت عشایر در مقایسه با کل کشور کاهش یافته است اما تعداد جمعیت عشایری کشور در دهه‌های اخیر همچنان حفظ شده است که این امر نکته‌ای قابل تأمل است (رضایی، ۱۳۹۵: ۲۵). بررسی وضعیت برنامه‌های مختلف توسعه کشور در دوره‌های مختلف نشان‌دهنده هماهنگ نبودن سهم برنامه‌ها و اعتبارات تخصیص یافته به جامعه عشایر کشور متناسب با جمعیت و جایگاه آنان می‌باشد. در اختیار داشتن ۲۸ درصد دام سبک و در نتیجه تولید ۲۰ درصد گوشت قرمز کشور، تولید ۳۵ درصد صنایع دستی کشور که عمدتاً جنبه میراث فرهنگی و هویتی دارد، در اختیار داشتن ۵۶۰ هزار هکتار اراضی کشاورزی (آبی و دیم) و به‌ویژه استقرار عشایر کشور در ۹۶۳ هزار کیلومتر مربع (سازمان امور عشایر، ۱۳۹۴: ۲۲) از فضای جغرافیایی کشور (حدود ۵۸ درصد از مساحت کشور) به عنوان پاسداران محیط زیست و استقرار در مناطق مرزی کشور به عنوان حلقه اصلی امنیت پایدار مرزی کشور نمونه‌هایی از اهمیت و جایگاه بالای جامعه عشایر کشور است. علی‌رغم این ظرفیت‌ها، اما این جامعه از نظر شاخص‌های توسعه با جوامع شهری و روستایی کشور دارای اختلافات اساسی است. با توجه به میزان ۸۸/۹ درصد با سواد جامعه شهری و ۷۵/۲ درصدی با سواد جامعه روستایی (سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵) کل کشور اما جامعه عشایر تنها ۶۳ درصد با سواد بوده‌اند که این نسبت برای زنان به ۵۵ درصد کاهش می‌یابد (مرکز آمار ایران، سرشماری عشایر کوچنده سال ۱۳۸۷). همچنین پایین بودن کیفیت راه‌های دسترسی، وضعیت نامناسب آب آشامیدنی بهداشتی، برخورداری بسیار پایین از مراکز درمانی، برخورداری ناچیز از امکانات فرهنگی و ... در این زمینه قابل ذکر است. وجود خشک‌سالی‌های پی در پی، نوسانات بازار، عدم تضمین خرید محصولات عشایر، بهره‌وری پایین و ... از دیگر مسائل اساسی پیش روی این جامعه است.

با توجه به تبلور برنامه‌ریزی کشور در برنامه‌های توسعه پنج ساله کشور و بودجه‌های سنواتی، بنابراین بررسی جایگاه جامعه عشایر در این برنامه‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است و ریشه‌های عدم توسعه و یا فاصله جامعه عشایر با جوامع یکجانشین را مشخص می‌سازد.

در مجموع از سال ۱۳۲۷ تا کنون، ۱۰ برنامه توسعه تهیه و اجرا شده است که ۵ برنامه مربوط به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و ۵ برنامه مربوط به بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است (رضایی، ۱۳۹۴: ۳۴۵). که این برنامه‌ها به شرح زیر است:

برنامه‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

◆ برنامه اول (۱۳۳۴ - ۱۳۲۷)

برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، کشور که از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۴ به طول انجامید در ۶ فصل عمرانی کشاورزی، صنایع و معادن، نفت، راه، پست - تلگراف و تلفن و اصلاحات اجتماعی و شهری تنظیم شد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷). در این برنامه جامعه عشایر یا دیده نشد و یا خیلی محدود و غیرمستقیم به آن پرداخته شد و این در حالی بوده که حدود ۱۰ درصد جمعیت کشور عشایری بوده‌اند.

بند یک و بخشی از بند هشت این برنامه، متوجه جماعت‌های روستایی و بندهای دیگر و بخش اعظمی از بند هشت به طور اساسی در برگیرنده منافع جماعت‌های شهری بوده است (کیاوند، ۱۳۸۰: ۱۴۱ و ۱۴۲).

در عمران ناحیه‌ای، تاکید عمده بر دشت مغان بود. هدف اجتماعی عمران در این ناحیه شامل اسکان عشایر با ایجاد دهکده‌های نمونه به منظور تبدیل اقتصاد دامپروری و متحرک عشایری به اقتصاد مختلط کشاورزی و دامداری ثابت بوده است.

◆ برنامه دوم (۱۳۴۱ - ۱۳۳۴)

در این برنامه نیز طور مستقیم به جماعت‌های عشایری کشور پرداخته نشده بود و در واقع جامعه عشایری فصل مستقلی نداشته است. تنها طرحی که در این دوره اجرا شده و می‌توان گفت ادعای اسکان عشایری داشته، همچنان طرح عمران دشت مغان بوده است. هر چند این طرح به ایجاد تأسیسات آبیاری و کشاورزی در دشت مغان انجامید، اما در اسکان عشایر کوچنده توفیقی نیافت و بالاخره به طرح بزرگتر و گسترده‌تر کشت و صنعت مغان منجر شد که با تصرف چراگاه‌ها و فضای زندگی قشلاقی کوچنده شاهسون همراه بود (گروه مطالعاتی هامون، ۱۳۷۰: ۱۳۳).
ی‌کی از علت‌های اصلی عدم تحقق هدف طرح اسکان عشایر ایلسون (شاهسون) این است که بیشتر طراحان و مجریان برنامه‌های عشایری و حتی برخی از محققان این مقوله هنوز هم ماهیت زندگی عشایری را در کلیت و جامعیت و ابعاد گوناگون آن درک نکرده بودند (کیاوند، ۱۳۸۰: ۱۴۳).

◆ برنامه سوم (۱۳۴۶ - ۱۳۴۱)

در برنامه سوم به خاطر ایجاد مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی و انجام مطالعاتی در برخی جوامع عشایری، مسأله عشایر و لزوم برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌هایی در جوامع عشایری، مورد توجه جدی‌تری قرار گرفت که از آن جمله:

(الف) طرح «گروه‌های آبادانی عشایر»، که دستگاه اجرایی آن در وزارت آبادانی و مسکن و محل اجرای آن مناطق عشایری بختیاری، قشقایی، کرد و بلوچ بوده است (گروه مطالعاتی هامون، ۱۳۷۰: ۱۳۳). این طرح در سال‌های آخر برنامه سوم یعنی در سال ۱۳۴۶ با اعتباری به مبلغ ۴۶ میلیون ریال به تصویب رسید (عضدی، ۱۳۸۵: ۳۲).

(ب) طرح «عمران مناطق عشایری فارس» که مجری آن استانداری فارس بوده و عملیات طرح در تنک بوکان، صحرای باغ کوزهک خرامه، رودخور چشمه عاشق متمرکز بوده است (گروه مطالعاتی هامون، ۱۳۷۰: ۱۳۳). هدف این طرح اسکان عشایر بوده و چون اجرای این طرح بدون مطالعه و بررسی‌های لازم انجام گرفته و به علت ضعف دستگاه اجرایی، پیشرفت آن اندک بوده است (عضدی، ۱۳۸۵: ۳۲).

(ج) طرح «عمران مناطق کهگیلویه و بویراحمد» که مجری آن سازمان عمران کهگیلویه بود (گروه مطالعاتی هامون، ۱۳۷۰: ۱۳۳). اعتبار مصوب این طرح در سال ۱۳۴۶ حدود ۴۸ میلیون ریال بود. این طرح از تلفیق دو مفهوم عمران منطقه‌ای و توسعه اجتماعی و اقتصادی عشایری پدید آمد. سازمان عمران کهگیلویه بر پایه مطالعات جامعی که سازمان برنامه انجام داد تشکیل شد و هدف اصلی آن که سر و سامان دادن به زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم به‌ویژه عشایر کوچنده بود در حد انتظار طراحان و برنامه‌ریزان نبود. چرا که مدیریت این امر به افرادی سپرده شد که عمق زندگی عشایری را نمی‌شناختند و بینش آنان نسبت به توسعه این جامعه بسیار سطحی و محدود بود (عضدی، ۱۳۸۵: ۳۲).

د) «آموزش عشایری» که از نظام آموزش ویژه‌ای که از اواسط دهه ۱۳۳۰ به صورت مدارس سیار عشایری در ایل قشقایی طراحی و اجرا شده بود، الهام می‌گرفت در برنامه سوم برای این آموزش خاص، به طور رسمی در اعتبارات عمرانی، فصل فرهنگ (آموزش) جای در نظر گرفته شد.

◆ برنامه چهارم (۱۳۵۱ - ۱۳۴۷)

در برنامه چهارم از ۱۰۴ طرح عمرانی فقط یک طرح تحت عنوان «آبادانی مناطق عشایری» سهم عشایر بود. طرح «توسعه و تجهیز تعلیمات عشایر» نیز در این برنامه ذیل عمران دهات و آموزش روستایی گنجانده شده بود. و البته سازمان‌های عمرانی منطقه‌ای از قبیل کهگیلویه و بویراحمد و جیرفت و غیره، نیز در این برنامه اعتبارات مصوبی داشتند (گروه مطالعاتی هامون، ۱۳۷۰: ۱۳۵ و ۱۳۴). کل اعتبار فصل اول برنامه حدود ۱۰ میلیارد و ۸۰۰ میلیون ریال بوده که اعتبار طرح آبادانی مناطق عشایری نزدیک به ۱۳ میلیون ریال بوده است و مقایسه این رقم با رقم‌های دیگری از اعتبارات دو طرح دیگر از طرح‌های همین فصل میزان بی‌توجهی به امر توسعه اقتصادی جماعت‌های عشایری را نشان می‌دهد.
میزان اعتبار طرح تعلیمات عشایری نیز ۴۲ میلیون ریال بوده است (کیاوند، ۱۳۸۰: ۱۵۲).

◆ برنامه پنجم (۱۳۵۶ - ۱۳۵۲)

در برنامه پنجم نیز عشایر به طور مستقل در فصول برنامه مد نظر قرار نگرفتند. اما در سطح طرح‌ها اقداماتی پراکنده به عمل آمد که اهم آن عبارتند از:

- ◆ طرح توسعه اجتماعی و اقتصادی عشایر کرمان.
- ◆ طرح توسعه اجتماعی و اقتصادی عشایر کرمانشاه.
- ◆ طرح آبادانی مناطق عشایری (گروه مطالعاتی هامون، ۱۳۷۰: ۱۳۵ و ۱۳۴).
- ◆ طرح آموزش عشایری.
- ◆ طرح‌هایی که با اعتبارات محدود در قالب طرح‌های خاص ناحیه‌ای در سال‌های اول برنامه پنجم به تدریج در سطح استان‌ها راه‌اندازی شد (کیاوند، ۱۳۸۰: ۱۵۴).

بررسی برنامه‌های توسعه قبل از انقلاب نشان می‌دهد که عشایر کشور علی‌رغم اینکه جمعیت قابل توجهی داشته‌اند و از نظر بسیاری از شاخص‌های توسعه در وضعیت بسیار بدی قرار داشته‌اند، مورد توجه جدی قرار نگرفته و اعتباراتی که برای آن‌ها منظور شده بوده بسیار ناچیز بوده است و نتیجه این بی‌مهری چیزی جز افزایش شکاف سطح زندگی این جامعه با جوامع یکجانشین و فقر مضاعف آن‌ها در اثر از بین رفتن بسیاری از حقوق آنان در طول برنامه‌های توسعه نبوده است. به طور کلی می‌توان گفت که فقدان دید عقلایی، نبود آرمانخواهی، دخالت‌ناداشتن مردم در فرایند برنامه‌ریزی‌ها، رسوخ خودکامگی‌های سیاسی، تمرکز بیش از حد امور در مرکز، عدم وجود مکانیسم‌های مؤثر ارزشیابی برنامه و اجرای آن و به طور کلی عدم وجود ضمانت اجرایی در مورد برنامه‌های تهیه شده و در نهایت عدم هماهنگی از نقایص عمده و ضعف‌های نظام برنامه‌ریزی قبل از انقلاب اسلامی می‌باشد (عضدی، ۱۳۸۵: ۴۰).

برنامه‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

برنامه اول (۱۳۷۲ - ۱۳۶۸)

در باره برنامه پنج ساله اول جمهوری اسلامی ایران گفته شده که: «از سال ۱۳۵۹ به بعد سهم عشایر از اعتبارات عمرانی به تدریج افزایش یافته است در این سال‌ها جماعت‌های عشایری ایران زیر چتر اعتبارات عمرانی برده شده‌اند». و یا در متون برنامه، تحت عنوان «توسعه و بهبود وضع دامداران عشایر کشور» چنین آمده است: «احداث و تکمیل و توسعه تأسیسات مربوط به پرورش دام، ارائه خدمات دامپزشکی، بهداشتی کردن چشمه‌ها و احداث آبشخور».

در تحلیل رویکرد این برنامه به عشایر آمده «نویسندگان برنامه جماعت‌های عشایری را در حاشیه و یا در عرض جماعت‌های روستایی دیده‌اند. در بخش دامداری نیز صرفاً پروژه‌ها و عملیات دوره‌های برنامه‌های چهارم و پنجم را دنبال کرده‌اند».

اما باید توجه داشت که خود جامعه عشایری بدون توجه به این برنامه‌ها براساس ساز و کارهای ملهم از شرایط اقتصادی و اجتماعی تاریخ معاصر جهان بی‌وقفه و بلکه با سرعت و شدت بیشتر به روند اسکان‌پذیری و یکجانشینی ادامه داده است (گروه مطالعاتی هامون، ۱۳۷۰: ۱۳۵ و ۱۳۴).

در این برنامه فصل عمران روستایی [و عشایری] مستقل وجود نداشته است و از این جهت، مشابه برنامه‌های اول تا سوم عمرانی قبل از انقلاب بود. برنامه‌های عمرانی روستایی [و عشایری] در بخش‌های مختلف برنامه‌ریزی به‌ویژه کشاورزی، آب، برق، مسکن، آموزش و پرورش و عمران شهری پراکنده بود و این امر نشان دهنده نمونه کامل یک برنامه بخشی می‌باشد (رضوانی، ۱۳۸۳: ۶۸ و ۶۹).

در این برنامه، جامعه عشایر در کنار روستائیان به صورت محدود مورد اشاره قرار گرفته است. از جمله اینکه در بخش سیاست‌های کلی از گسترش فعالیت‌های جانبی جهت افزایش درآمد روستانشینان و عشایر صحبت شده است:

«روستانشینان و عشایر از محرومترین گروه‌های جامعه می‌باشند. این دو گروه در عین محروم بودن از معدود قشرهای مولد جامعه هستند که در مقابل مصرف ناچیزشان، مواد غذایی را که اساسیترین کالا است برای جامعه تولید می‌کنند. برای حمایت از منافع این گروه‌های مستضعف کشور و نیز جلوگیری از مهاجرت آنان و بهبود وضع دامداران کشور باید در زمینه احداث، تکمیل، توسعه تأسیسات مربوط به پرورش دام، ارائه خدمات دامپزشکی، بهداشتی کردن چشمه‌ها و آبشخور اقدام لازم صورت گیرد» (کیاوند، ۱۳۸۰: ۱۵۸).

از جمله اقداماتی که در این برنامه شکل گرفت سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر در سال ۱۳۶۹ بود که یکی از محورهای سه‌گانه این سمینار حل مسأله اسکان بود و یکی از دستاوردهای آن ضرورت مطالعه جامع مناطق عشایری برای توسعه می‌باشد. در سال اول برنامه، مطالعات مناطق عشایری کشور به منظور شناسایی پتانسیل‌ها آغاز شد. در این راستا در استان‌های مختلف مطالعات زیست‌بوم‌های عشایری انجام و بعضاً در سال‌های بعد برنامه مطالعات نیمه‌تفصیلی کانون‌های توسعه انجام گرفت.

در طی برنامه اول، چهار طرح مصوب دارای اعتبار از طرف سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور برای جامعه عشایر پیش بینی شد که یکی از آن‌ها عملیات اجرایی اسکان بود. عملاً در سال

۳۷۲، توزیع اعتبارات عشایر در قالب این طرح‌ها صورت گرفت. اگر چه در دوره پنج ساله اول توسعه، هدف‌گذاری کمی در زمینه ساماندهی عشایر انجام نشده بود، اما پیشرفت شایان توجهی در زمینه مطالعات عشایری و بسترسازی اسکان عشایر در کانون‌های توسعه حاصل شد (صیدایی، ۱۳۸۶: ۵۷ و ۵۸).

◆ برنامه دوم (۱۳۷۷ - ۱۳۷۳)

در این برنامه برای اولین بار بعد از پیروی انقلاب اسلامی، عمران عشایری به عنوان یک فصل مستقل با اعتبارات مشخص مورد توجه قرار گرفت، که نقطه عطفی در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب در زمینه عمران و توسعه جامعه عشایری به حساب می‌آید. اعتبار در نظر گرفته شده برای عمران عشایری در این برنامه معادل ۵۵۰/۷ میلیارد ریال بوده است. در این برنامه برای عمران و توسعه عشایر ابتدا هدف‌های کیفی سپس خط مشی‌های اساسی و در نهایت هدف‌های کمی و برنامه‌های اجرایی مورد توجه قرار گرفته است که در ادامه به این موضوعات می‌پردازیم.

الف) اهداف کیفی:

- ◆ ساماندهی به اسکان عشایر در کانون‌های مستعد توسعه مناطق عشایری.
- ◆ ارتقای کیفیت زندگی عشایر اسکان یافته.

ب) خط مشی‌های اساسی و سیاست‌ها:

- ◆ تجهیز و عمران کانون‌های توسعه در زیست‌بوم‌های عشایری با تأکید بر مدیریت اجرایی متمرکز و جلب مشارکت عشایر در این زمینه.
- ◆ ایجاد تحول در ساختار تولید عشایری از طریق آموزش، ترویج و انتقال تکنولوژی و بهبود مدیریت و کارآیی روستائیان و عشایر و ایجاد تحول در آموزش فنی و حرفه‌ای روستایی و عشایری
- ◆ برقراری سیستم آموزش سیار و اصلاح ساختار آموزش‌های فنی کشاورزی با اولویت کارآموزی‌های کوتاه‌مدت.
- ◆ بهره‌برداری مطلوب از منابع طبیعی با مشارکت روستائیان و عشایر.
- ◆ بالابردن سطح درآمد عشایر از طریق تغییر در شیوه معیشت، تنوع‌بخشی به تولید و بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های موجود با تأکید بر ترویج، آموزش و بهبود مدیریت.
- ◆ توسعه و تعمیم آموزش و پرورش و بهداشت و درمان روستائیان و عشایر از طریق افزایش سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی و انسانی، متناسب با الگوی سکونت و زیست روستائیان و عشایر.

ج) هدف‌های کمی و برنامه‌های اجرایی.

- ◆ برنامه جامع توسعه مناطق عشایری.
- ◆ انتخاب نقاط مستعد برای اسکان عشایر از بین ۲۰۲ کانون توسعه عشایری.
- ◆ اسکان تدریجی ۲۰ هزار خانوار عشایر در کانون‌های توسعه مناطق عشایری.
- ◆ تحت پوشش قرار دادن ۲۰ هزار خانوار اسکان یافته عشایری.

اقدامات اجرایی

- ◆ شناسایی، آماده‌سازی و تجهیز اراضی مستعد کانون‌های توسعه در زیست‌بوم‌های عشایری و اسکان خانوارهای متمایل به اسکان در این کانون‌ها با توجه اصول زیر:
 - ◀ ایجاد هماهنگی بین سیاست تجمیع روستاهای پراکنده و طرح‌های اسکان.
 - ◀ توجه به وابستگی عشیره‌ای خانوارهای عشایری در ایجاد مجتمع‌های اسکان.
 - ◀ ساماندهی خانوارها در مجتمع‌های زیستی پرجمعیت.
- ◆ ارائه خدمات تولیدی، زیربنایی و اجتماعی به خانوارهای اسکان‌یافته متناسب با شرایط و ویژگی‌های زیستی این خانوارها شامل موارد زیر:
 - ◀ تأمین آب کشاورزی.
 - ◀ تجهیز و آماده‌سازی اراضی کشاورزی.
 - ◀ تأمین ماشین‌آلات و ابزار کشاورزی.
 - ◀ ارائه خدمات دامپزشکی و اصلاح نژاد دام.
 - ◀ احداث راه‌های ارتباطی و تأمین برق.
 - ◀ ارائه خدمات آموزشی، بهداشتی و درمانی و آموزش فنون و حرف.
 - ◀ ارائه خدمات تعاونی.
 - ◀ کمک به ایجاد صنایع دستی و کارگاهی.
 - ◀ ارائه خدمات فنی جهت احداث مسکن با دوام.
 - ◀ جایگزینی تدریجی سوخت فسیلی به جای سوخت نباتی و جنگلی در میان عشایر.
- ◆ پرداخت بخشی از سود و کارمزد تسهیلات بانکی جهت احداث مسکن در این مناطق واگذاری، احیاء و اصلاح مراتع به عشایر (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۳: ۵ - ۳).
- ◆ بند ۵ تبصره ۷۸ قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور از حیث کمی فراهم‌بودن زمینه اسکان عشایر را به شرح زیر آورده است:

«دولت موظف است در طول برنامه دوم، تمهیدات لازم را جهت اسکان بیست هزار (۲۰۰۰۰) خانوار عشایری داوطلب اسکان فراهم آورد و ضمن تأمین اعتبارهای عمرانی دولتی و تسهیلات بانکی مورد نیاز جهت احداث مسکن و اجرای طرح‌های کشاورزی و دامپروری آن‌ها حداقل ۷۰ درصد از سود و کارمزد تسهیلات مذکور را در لوایح بودجه سالانه منظور و تعهد و پرداخت نماید.» آیین‌نامه اجرایی این تبصره به پیشنهاد وزیر کشاورزی، جهاد سازندگی، نیرو و رییس سازمان برنامه و بودجه ظرف مدت ۳ ماه به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

در این برنامه شتاب برنامه‌های مطالعاتی کانون‌های توسعه برای اسکان عشایر افزایش یافت؛ همچنین در تعدادی از مناطقی که مطالعات به نتیجه رسیده بود عملیات اجرایی اسکان تداوم یافت و برخی استان‌ها توانستند سهم قابل ملاحظه‌ای از حیث انجام مطالعات و عملیات اجرایی اسکان داشته باشند (صیدایی، ۱۳۸۶: ۶۱).
- عملکرد این برنامه شامل مطالعه ۵۰ زیست بوم، مطالعه نیمه‌تفصیلی ۱۱۳ کانون، مطالعه تفصیلی ۳۱ کانون و اقدامات مختلف برای عملیات اجرایی اسکان بود که اهم آن‌ها عبارتند از: آماده‌سازی ۵۲ کانون، حفر و تجهیز ۵۳۷ حلقه چاه عمیق و نیمه‌عمیق، ۱۱۶۷ کیلومتر راه عشایری، تسطیح و آماده‌سازی ۱۱۰۶۵ هکتار اراضی و احداث ۷۷ سد و بند خاکی (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸: ۱۴).

◆ برنامه سوم (۱۳۸۳ - ۱۳۷۹)

در مطالعات مقدماتی این برنامه، در ارتباط با عمران عشایری توصیه شده است که: «برای تسریع در ساماندهی اسکان عشایر جا دارد در برنامه سوم با دقت و سعی و کفایت بیشتر به امر سیاست‌گذاری در برنامه اسکان عشایر پرداخته شود. قبل از هر اقدامی اصول پایه‌ای زیر بایستی در عمل و به عنوان پیشرفت برنامه، مراعات و ملاک اجرا قرار گیرد. اصل هم‌نوازی با توسعه ملی، برنامه‌ریزی، مشارکت مردمی در تمام مراحل کار و اصل حفاظت از محیط زیست، متنوع کردن فعالیت‌های اقتصادی و به کارگیری فناوری نوین مناسب، گسترش فعالیت‌های صنعتی در مناطق عشایری به منظور ایجاد فرصت‌های جدید شغلی، افزایش در بهره‌گیری مطلوب از فرآورده‌های تولیدی، تقویت بنیان‌های تولید و تحول تکنولوژی مناسب، بالا بردن هرچه بیشتر اشتغال و سطح بهره‌وری کاری، توسعه و گسترش خدمات اجتماعی، رفاهی و زیربنایی به منظور ارتقاء و بهبود سطح زندگی و رفاه اجتماعی و اقتصادی عشایری (صیدایی، ۱۳۸۶: ۶۲).

باتوجه به این مبحث، اهداف برنامه سوم توسعه عمدتاً در جهت ارتقاء زندگی عشایر، افزایش میزان درآمد، ساماندهی کوچ و اسکان عشایر، توسعه جامع مناطق عشایری کشور، خدمات‌رسانی و تجهیز کانون‌های اسکان برنامه ریزی و پیش بینی شده بود.

در این برنامه نیز عمران و توسعه روستایی و عشایری دارای فصل مستقل و مشخص بوده است که در ادامه جایگاه جامعه عشایری را مورد توجه قرار می‌دهیم.

از جمله سیاست‌های استراتژیک در این برنامه:

◆ ساماندهی امور کوچ بر مبنای تعادل‌های دام و مرتع، الزامات زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی.

◆ سامان بخشی به اسکان‌های خود جوش و داوطلبانه عشایر.

◆ اصلاح سازمان و مدیریت اجرایی موجود در جهت کاهش تصدی دولت و افزایش مشارکت مؤثر و فعال عشایر در اداره امور محیط عشایری و پیریزی مدیریت مناسب محلی برای اداره امور قلمروها و زیست‌بوم‌های عشایری.

در قسمت سیاست‌های اجرایی برنامه سوم برای جامعه عشایری، ابتدا مواد قانونی و سپس راهکارهای اجرایی مورد توجه قرار گرفته است که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

الف) مواد قانونی:

ماده ۱. (۱۳۵). به منظور تسریع در امر توسعه و عمران جوامع عشایری، دولت مکلف است نسبت به انجام موارد زیر اقدام کند:

◆ ساماندهی کوچ و حمایت از اسکان عشایر داوطلب.

ب) راهکارهای اجرایی:

وزارت جهاد سازندگی موظف است برای ارتقای سطح زندگی و ساماندهی کوچ و اسکان عشایر در طول برنامه اقدامات زیر را انجام دهد:

۱- بررسی و تصویب طرح‌های اسکان عشایری تهیه شده در مراجع ذی‌ربط.

۲- تهیه برنامه عملیاتی برای اسکان عشایر داوطلب شامل مکانیابی کانون‌های مناسب و مستعد، آماده‌سازی محوطه براساس طرح‌های مصوب و تجهیز کانون‌ها طبق استانداردها و ضوابط خدمات‌رسانی (با اولویت به آبادی‌ها و کانون‌های خودجوش) با هماهنگی و از طریق دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط.

۳- اجرای برنامه‌های راهبردی (در مقیاس ملی) ساماندهی توأم کوچ و اسکان و مدیریت کاربری اراضی و توسعه یکپارچه و پایدار زیست بوم، با استفاده از مطالعه در قالب برنامه‌های مصوب (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۷۹).

به طور کلی عملکرد شاخص‌های کلیدی بخش عمران عشایری که عمدتاً با تأکید بر اسکان عشایر طراحی شده بود، نشان می‌دهد که در سال‌های اول اجرای برنامه سوم، درصد تحقق اهداف برنامه کمتر از پیش‌بینی‌های انجام گرفته بوده است که می‌تواند به دلیل ضعف در ساختار تشکیلاتی امور عشایر، عدم هماهنگی بین دستگاه‌های مرتبط با اسکان عشایر (عضدی، ۱۳۸۵: ۵۶) و کمبود اعتبارات و عدم تخصیص کامل اعتبارات مصوب باشد.

شایان ذکر است نتیجه اقدامات مختلف به خصوص در حوزه اسکان عشایر در برنامه‌های دوم و سوم توسعه باعث اسکان ۲۱۹۳۹ خانوار در برنامه دوم و ۲۱۵۳۸ خانوار در برنامه سوم توسعه شده است (سازمان امورعشایر، ۱۳۸۵).

◆ برنامه چهارم (۱۳۸۸ - ۱۳۸۴)

در برنامه چهارم توسعه کشور نیز مواد و بندهای مختلفی جامعه عشایر کشور را مورد توجه قرار داده است. از جمله مباحث قابل توجه در این برنامه ارتقاء شاخص‌های توسعه جامعه عشایری، اسکان ۵۰ درصد عشایر کشور و توجه به گردشگری ایلی می‌باشد. در ادامه مهم‌ترین مواد و بندهای این قانون در ارتباط با جامعه عشایری مورد توجه قرار می‌گیرد.

ماده ۱۹

بند ب) شاخص‌های توسعه روستایی و عشایری نسبت به پایان برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) افزایش یافته و ساماندهی اسکان عشایر با حفظ ارتقای توانمندی‌های اقتصادی در حد پنجاه درصد (۵۰٪) جمعیت عشایر کشور صورت پذیرد؛

بند ج) اعتبارات روستایی و عشایری در طول برنامه به میزان ارقام بودجه مصوب سالانه (۱۰۰٪) تخصیص و پرداخت گردد.

ماده ۵۰

به دولت اجازه داده می‌شود به منظور ایجاد اشتغال در مناطق کمتر توسعه‌یافته: الف) معافیت از حقوق و عوارض دولتی برای سرمایه‌گذارانی که در این مناطق اقدام به سرمایه‌گذاری می‌نمایند، طبق آیین‌نامه‌ای که بنا به پیشنهاد وزارت خانه‌های امور اقتصاد و دارایی، صنایع، کار و امور اجتماعی و سازمان برنامه و بودجه به تصویب هیأت دولت می‌رسد در طول سالیان اجرای برنامه در نظر بگیرد.

ب) قسمتی از سود تسهیلات اعطایی به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و تعاونی‌ها و تعاونی‌های خدمات تولیدکنندگان، تعاونی‌های تولید روستایی، عشایری و بهره‌برداری از منابع طبیعی و طرح‌های خود اشتغالی را پرداخت کند.

ج) تسهیلات اعطایی در قالب بودجه‌های سنواتی و آیین‌نامه‌های اجرایی آن‌ها باید طوری تقسیم شود که سهم مناطق کمتر توسعه یافته به نسبت شاخص بیکاری آن‌ها بیشتر باشد به صورتی که در پایان برنامه جبران کمبود اشتغال این مناطق شده باشد.

ماده ۵۹

شرکت سهامی پخش فرآورده‌های نفتی موظف است مشابه مصرف‌کنندگان شهری، نفت سفید و گاز مورد نیاز روستاییان را در سراسر کشور و مورد نیاز عشایر را در شعاع ۵ کیلومتری محل زندگی آنان به قیمت رسمی تأمین نماید.

ماده ۶۹

دولت مکلف است، برنامه حفظ، احیاء، اصلاح، توسعه و بهره‌برداری از منابع طبیعی تجدید شونده را با توجه به اولویت‌های زیر به مورد اجرا بگذارد:

بند ب) کاهش پنجاه درصد (۵۰٪) دام مازاد مراتع جهت تعادل بین دام و مرتع و همچنین لغو و اصلاح پروانه چراگاه‌های مربوطه.
بند ج) پوشش کامل سوخت‌رسانی به عشایر، جنگل‌نشینان و روستائیان.

ماده ۷۰

دولت مکلف است از سال اول برنامه چهارم به منظور پایداری منابع طبیعی و تنظیم مدیریت چرای مراتع و حفظ ذخایر ژنتیکی دام‌ها (دام عشایر)، ترتیبی اتخاذ کند که اجرای طرح‌های مرتعداری و مدیریت مراتع از طریق عشایر ذیحق انجام گیرد و در همین راستا واگذاری اراضی مستعد قلمرو عشایر به خانوارهای کوچنده در چارچوب طرح ساماندهی اسکان عشایر با حفظ حقوق آن‌ها صورت گیرد.

ماده ۹۱

بند ج) به منظور تعمیم عدالت در بهره‌مندی از خدمات بهداشتی درمانی، خدمات بیمه پایه درمانی عشایری، معادل مناطق شهری تعریف و اجرا می‌شود.

ماده ۹۵

بند ط) طراحی روش‌های لازم برای افزایش بهره‌وری و درآمد روستاییان و عشایر، ایجاد فرصت‌های اشتغال به‌ویژه در دوره‌های زمانی خارج از کاشت و برداشت با رویکرد مشارکت روستاییان و عشایر، با حمایت از صندوق قرض‌الحسنه توسعه اشتغال روستایی و صندوق اشتغال نیازمندان.

ماده ۹۶

بند الف) افزایش پوشش بیمه‌های اجتماعی باتوجه خاص به روستائیان و عشایر و شاغلین شهری که تاکنون تحت پوشش نبوده‌اند به نحوی که برنامه بیمه‌های اجتماعی روستائیان و عشایر، با مشارکت دولت و روستائیان و عشایر پس از تهیه و تصویب دولت از سال دوم برنامه چهارم، به اجرا گذاشته شود.

ماده ۱۱۴

بند ی) به منظور حفظ آثار و فرهنگ سنتی، قومی، ایلی، ملی و ایجاد جاذبه برای توسعه صنعت گردشگری در کشور، دولت مکلف است نسبت به ایجاد مراکز حفظ آثار و فرهنگ ایلی در شهرستان‌ها و استان‌های کشور از قبیل دهکده توریستی مراکز و اطراق‌های تفرجگاهی ایلی، موزه و نمایشگاه اقدام نموده و با پیش بینی اعتبارات و تسهیلات لازم در قانون بودجه سالانه اقدام نماید. مشارکت بخش دولتی و خصوصی و واگذاری زمین، امکانات، اعطای تسهیلات به بخش خصوصی برای اجرای این گونه پروژه‌ها بلامانع است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۵: ۳۵ - ۱۴۷).

همانگونه که مشاهده می‌شود در این برنامه جامعه عشایر در مقایسه با برنامه‌های قبل، از اهمیت بیشتری برخوردار شده است و از توجه صرف به عمران تا حدودی فاصله گرفته و به سمت توسعه جامعه عشایری حرکت نموده است. از جمله نکات برجسته این برنامه برای جامعه عشایری توجه به ظرفیت‌های عشایری از جمله گردشگری عشایری می‌باشد که اولین بار است که در برنامه‌های توسعه مورد توجه قرار گرفته است. همچنین ارتقاء ۲۵ درصدی شاخص‌های توسعه این جامعه، حرکتی به سمت کاهش شکاف سطح زندگی بین جامعه عشایر و جوامع شهری و روستایی است. علی‌رغم نکات برجسته برنامه چهارم در زمینه جامعه عشایری، اما دارای ضعف‌هایی نیز می‌باشد. از جمله اینکه اسکان ۵۰ درصد عشایر کشور تا پایان برنامه، بدون در نظر گرفتن فرایند زمان بر اسکان و بدون در نظر گرفتن منابع مالی آن، بیشتر یک هدف بلند پروازانه است که به نظر می‌رسد با این شرایط هرگز تحقق پیدا نمی‌کند. علاوه بر آن مشخص نبودن جمعیت واقعی کوچ‌رو و اینکه ۵۰ درصد از چه تعداد جمعیت می‌بایست اسکان داده شوند از جمله نکات چالش برانگیز در این زمینه است.

در مجموع بررسی‌ها حاکی از این است که در این برنامه جامعه عشایر در مقایسه با برنامه‌های قبل، از اهمیت بیشتری برخوردار شده است و از توجه صرف به عمران تا حدودی فاصله گرفته و به سمت توسعه جامعه عشایری حرکت نموده است.

برنامه پنجم (۱۳۹۳ - ۱۳۸۹)

در این برنامه در فصل توسعه منطقه‌ای، توسعه عشایری مورد توجه قرار گرفته است و ماده ۱۹۴ قانون برنامه پنجم برای این منظور مصوب شده است.

ماده ۱۹۴

دولت مکلف است به منظور کاهش نابرابری‌های موجود بین جامعه روستایی، عشایری و جامعه شهری، حمایت لازم را از اقدامات زیر به عمل آورد:

ی) ارتقاء شاخص‌های توسعه عشایر از طریق اسکان و ساماندهی خانوارها.

ک) حمایت مالی از طریق اعطاء تسهیلات، وجوه اداره شده، یارانه سود و کارمزد جهت توسعه. اشتغال خانوارهای روستایی و عشایری با اولویت روش‌های محلی و بومی و نیز تقویت مدیریت یکپارچه اراضی از طریق مشارکت با تشکل‌های حقوقی به منظور جلوگیری از خرد شدن اراضی و تجمیع مدیریتی اراضی خرد کشاورزی.

م) سرمایه‌گذاری مشترک با بخش‌های غیر دولتی تا سقف ۴۹ درصد در چارچوب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی از طریق شرکت مادر تخصصی «حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی» و شرکت مادر تخصصی «مدیریت منابع آب ایران»، در زمینه توسعه کشاورزی با فناوری نوین، اقتصادی و بهره‌ور و طرح‌های زیر بنایی و نوپدید در بخش‌های کشاورزی و منابع آب و توسعه مناطق روستایی و جوانسازی بافت جمعیتی مناطق روستایی و عشایری. س) تعمیم و گسترش بیمه روستایی و پوشش صد درصد آن از طریق تقویت صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر.

علاوه بر ماده مذکور که مختص توسعه عشایری به تصویب رسیده است در مواد دیگر نیز مباحث جامعه عشایری مورد توجه بوده است از جمله این موارد عبارتند از:

فصل سوم - اجتماعی

سلامت - ماده ۳۲ - بند ج: سامانه خدمات جامع همگانی و سلامت، مبتنی بر مراقبت‌های اولیه سلامت، محوریت پزشکی خانواده در نظام ارجاع، سطحبندی خدمات، خرید راهبردی خدمات، واگذاری امور تصدیگری با رعایت ماده (۱۳) قانون مدیریت خدمات کشوری و با تاکید بر پرداخت مبتنی بر عملکرد توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سال اول برنامه و حین اجراء باز طراحی می‌شود و برنامه اجرایی آن با هماهنگی معاونت در شورای عالی سلامت و امنیت غذایی با اولویت بهره‌مندی مناطق کمتر توسعه‌یافته به‌ویژه روستاها، حاشیه شهرها و مناطق عشایری به تصویب میرسد. سامانه مصوب باید از سال دوم اجرای برنامه عملیاتی گردد.

فصل پنجم - اقتصادی

شایان ذکر است در فصل اقتصادی در مبحث کشاورزی نیز مواد مختلفی ارائه شده که به طور مستقیم و غیر مستقیم بر حیات جامعه عشایری تاثیرگذار است. از جمله این موارد صدور سند مالکیت اراضی کشاورزی توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تا پایان برنامه و «گسترش پوشش بیمه تولیدات بخش کشاورزی و عوامل تولید به میزان حداقل ۵۰ درصد تولیدات تا پایان برنامه و جایگزینی سوخت فسیلی و انرژی‌های تجدیدپذیر به جای سوخت هیزمی قابل توجه می‌باشد». (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، ۱۳۹۰، قانون برنامه پنجم توسعه کشور).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

همان‌گونه که اشاره شد تاکنون ۱۰ برنامه توسعه در کشور اجرا شده است که ۵ برنامه مربوط به قبل از انقلاب اسلامی و ۵ برنامه مربوط به بعد از انقلاب اسلامی است. بررسی مفاد این برنامه‌ها و نحوه برخورد آن با جامعه عشایر حاکی از نگاه حاشیه‌ای به جامعه عشایر کشور است. با توجه به سهم جمعیت عشایر کشور از کل جمعیت در دوره‌های مختلف، قاعدتاً می‌بایست به همان نسبت برنامه‌ریزی، تخصیص اعتبار، ساختار سازمانی مناسب و ... نیز برای این جامعه در نظر گرفته می‌شد. اما عملاً هم مضامین برنامه‌ها و هم عملکرد آن‌ها نشان دهنده این عدم تناسب است. نتیجه این امر کاهش سهم جمعیت عشایر با گذشت زمان، پایین ماندن شاخص‌های توسعه این جامعه، از بین رفتن بسیاری از ظرفیت‌های موجود در جامعه عشایر، سرخوردگی این جامعه، بر هم خوردن توازن محیط زیست، افزایش معضلات شهری و ... است.

با توجه به این مبحث مهم‌ترین ضرورت‌های توجه به توسعه جامعه عشایری در برنامه‌های آینده توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را می‌توان به صورت زیر برشمرد:

- ◆ وجود ۱۱۸۶,۴ هزار نفر عشایر کوچنده در کشور (سرشماری سال ۱۳۸۷ عشایر کوچنده کشور).
- ◆ وجود کانون‌های متعدد توسعه خودجوش و هدایتی در کشور و برنامه‌ریزی برای ساماندهی این کانون‌ها در نظام سکونت گاهی کشور.
- ◆ پایین بودن شاخص‌های توسعه انسانی در نواحی عشایری و کانون‌های توسعه عشایر کشور.
- ◆ حضور عشایر در حدود ۵۸ درصد حوضه‌های آبخیز کشور.
- ◆ برخورداری از حق توسعه یافتگی همسنگ و عادلانه انسان‌ها و مکان‌های عشایری.
- ◆ در اختیار داشتن ۲۸ درصد دام سبک و ۴ درصد دام سنگین کشور.
- ◆ تولید ۲۰ درصد گوشت قرمز کشور.
- ◆ تولید ۳۵ درصد صنایع دستی کشور که عمدتاً جنبه میراث فرهنگی و هویتی دارند.
- ◆ در اختیار داشتن ۵۶۰ هزار هکتار اراضی کشاورزی.
- ◆ عرضه سالانه ۸/۵ میلیون رأس دام به بازار مصرف داخلی و صادرات.
- ◆ استقرار جامعه عشایر در بسیاری از استان‌های مرزی و نقش آنان در امنیت پایدار کشور.
- ◆ ظرفیت‌های بالای گردشگری میراثی و طبیعی در عرصه‌های حضور عشایر.
- ◆ کم‌توجهی دستگاه‌های اجرایی به فعالیت در مناطق عشایری.

منابع

- ◀ رضایی، پژمان، مهدوی، مسعود و قدیری معصوم، مجتبی (۱۳۸۶)، روستاهای برآمده از اسکان عشایر و چالش‌های آن، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۱، بهار ۱۳۶۶، صص ۶۳-۴۱.
- ◀ رضایی، پژمان (۱۳۹۵)، برنامه‌ریزی و ساماندهی جامعه عشایر در ایران، انتشارات دانشگاه یزد.
- ◀ رضایی، پژمان (۱۳۹۴)، ضرورت پرداختن به توسعه روستایی در برنامه ششم توسعه کشور، همایش ملی چشم انداز توسعه پایدار روستایی در برنامه ششم توسعه کشور، دانشگاه تهران.
- ◀ رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، نشر قومس.
- ◀ سازمان امور عشایر کشور (۱۳۸۴)، آیین‌نامه ساماندهی عشایر مصوب هیات وزیران، شماره ۱۱۸۶۸۸/ت ۳۲۴۶۷ مورخ ۱۳۸۴/۳/۲۹.
- ◀ سازمان امور عشایر ایران (۱۳۸۵)، عشایر، توان‌ها، چالش‌ها و چشم‌اندازها.
- ◀ سازمان امور عشایر ایران، (۱۳۹۴)، سند راهبردی ساماندهی و توانمندسازی عشایر کوچنده، کارگروه ساماندهی عشایر.
- ◀ سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۳)، مستندات برنامه دوم توسعه کشور (۱۳۷۸-۱۳۷۴).
- ◀ سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۷)، مطالعات مقدماتی تدوین برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (عمران روستایی و عشایری)، معاونت امور زیر بنایی، دفتر امور مسکن و عمران شهری و روستایی.

تحلیل شاخص‌های خدماتی - عمرانی در سکونتگاه‌های عشایری و نقش آن در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی

(مورد مطالعه: استان اردبیل)

دکتر حسن افراخته^۱ - دکتر بابا داوردان^۲

شمسی صالح‌پور^۳

چکیده

یکی از مسائل و مشکلات سکونتگاه‌های عشایری که هر کدام به فراخور موقعیت جغرافیایی خود ویژگی‌ها و قابلیت‌های متنوعی دارند، نابرابری‌های فضایی و منطقه‌ای به لحاظ بهره‌مندی از شاخص‌های توسعه است. نوشتار حاضر با هدف تحلیل نقش شاخص‌های خدماتی - عمرانی در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی سکونتگاه‌های عشایری به روش توصیفی - تحلیلی در استان اردبیل تدوین شده است. جامعه آماری پژوهش جامعه عشایری استان اردبیل است. ۳۷۰ نفر از سرپرستان خانوار عشاری بالای ۲۰ خانوار به عنوان حجم نمونه برای بررسی وضعیت اقتصادی - اجتماعی عشایر انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه و شیوه نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده نرم‌افزار از Excel و SPSS صورت گرفته است. جهت بررسی اعتبار پرسشنامه از آلفا کرونباخ استفاده شده و ضریب آن برابر ۰/۹۷ درصد به دست آمده است. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که سکونتگاه‌های عشایری شهرستان خلخال با ۰/۷۹۰ به عنوان برخوردارترین شهرستان به لحاظ شاخص‌های توسعه در رتبه ۱ و پارس‌آباد با ۰/۶۰۴ به عنوان محروم‌ترین شهرستان در رتبه ۵ قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای وضعیت اجتماعی - اقتصادی با ضریب ۰/۹۵ درصد از توزیع فضایی شاخص‌های خدماتی - عمرانی تأثیرپذیر هستند. در محدوده مورد مطالعه توزیع فضایی شاخص‌های خدماتی - عمرانی تا حدودی در بعد اجتماعی - فرهنگی مطلوب بوده و به بعد اقتصادی کمتر توجه شده است. در این راستا، جهت بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی عشایر پیشنهاد می‌شود در جهت اسکان نسبی، توسعه نیمه کوچ نشینی، مورد مذاقه مسئولین دولتی قرار گیرد.

کلید واژگان: شاخص‌های توسعه، خدماتی - عمرانی، سکونتگاه‌های عشایری، کوپراس

۱ - استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی.

۲ - دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی.

۳ - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی.

مقدمه

توسعه به معنی کوشش آگاهانه نهادی شده و مبتنی بر برنامه ریزی برای ترقی اجتماعی و اقتصادی جوامع، مختص قرن بیستم است که ابتدا از سال ۱۹۱۷ در شوروی سابق آغاز گردید (زیاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۱۸). این اصطلاح به صورت فراگیر پس از جنگ جهانی دوم مطرح و امروزه دغدغه خاطر بسیاری از کشورها به شمار می‌رود. توسعه در مفهوم کلی خود به معنای ارتقای سطح مادی و معنوی جامعه انسانی و ایجاد شرایط مناسب یک زندگی سالم برای تمامی افراد جامعه است. با توجه به این مفهوم توسعه در برگزیده جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است که شامل تغییرات کمی و کیفی می‌شود و از نظر داخلی و خارجی از مفاهیم نسبی به شمار می‌رود (جمعه پور، ۱۳۸۵: ۵۲-۵۱). بهبود مداوم زندگی تمامی جمعیت، توزیع عادلانه منابع، کاهش نابرابری فضایی و رفع دوگانگی اقتصادی و اجتماعی به عنوان اهداف اساسی توسعه مورد توجه بسیاری از نظریه‌پردازان توسعه از جمله میردال (۱۹۷۰م) و تودارو (۱۳۶۵ش) بوده است، چرا که عدم توازن در جریان توسعه بین مناطق گوناگون، موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری‌های فضایی می‌شود (فرجی سبکبار، ۱۳۹۲، ۱۱۵). اصولاً در مناطق جهان وقوع نابرابری‌های فضایی (Martinez, 2009: 1) به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه طیف وسیعی از شرایط ناهمگون زندگی را بوجود آورده است (Vlahov et al, 2005:949- 957) که خود مانعی در مسیر توسعه ملی (فرجی سبکبار، ۱۳۹۲: ۱۱۵) و نابرابری‌های ناحیه ای است. بنابراین برنامه‌ریزی ناحیه ای، در میان جوامع مختلف می‌تواند پاسخی به کمبودها و کاستی‌ها در راستای رفع نابرابری‌ها در سطوح مختلف جغرافیایی باشد. با در نظر گرفتن این مطلب از جمله معیارهای برنامه‌ریزی ناحیه ای برای مشخص کردن نابرابری‌ها، تعیین وضعیت مناطق و نواحی بر حسب برخورداری از شاخص‌های توسعه است (زیاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۸). در پژوهش حاضر سعی شده است به تحلیل فضایی شاخص‌های توسعه و نقش آن در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی سکونتگاه‌های عشایری پرداخته شود. توجه به مسائل مربوط به توسعه سکونتگاه‌های عشایری^۱ به عنوان جامعه سوم کشور، که به فراخور موقعیت جغرافیایی خود، ویژگی‌ها و قابلیت‌های متنوعی داشته و از عدم توازن و نابرابری‌های فضایی و ناحیه ای در رنج هستند، ضروری است.

سکونتگاه‌های عشایری به عنوان یکی از فضاها جغرافیایی که در طی زمان سطح زندگی آنان از نظر وضعیت اقتصادی و اجتماعی با جوامع شهری و روستایی شکاف عمیقی داشته است، به دلایلی مانند نیاز به تنوع اقتصادی، فرصت‌های شغلی، افزایش درآمد، امکانات بهداشتی و آموزشی مناسب و ضرورت برقراری ارتباط پویا با جامعه، با مشکلات و مخاطرات فراوانی روبه رو گشته و ناگزیر به مهاجرت شده‌اند، «این مهاجرت نه‌تنها رافع مشکلات نبوده، بلکه معضلات دیگری را برای عشایر و همچنین برای جامعه به همراه داشته است که از آن جمله می‌توان به کاهش تولیدات دامی» (رهایی و همکاران، ۱۳۹۱، ۸۸) و حاشیه‌نشینی در شهرها، اشاره نمود.

۱ - عشایر که اساس معیشت آنان مبتنی بر دامداری است بر اساس یک سلسله روابط و مناسبات اجتماعی - اقتصادی و محیطی در پهنه ای از سرزمین، در یکی از قطب‌های استقرار (بیلاق، قشلاق و میان‌بند) در سکونتگاه مشترکی کنار هم زندگی می‌کنند که سکونتگاه عشایری نام گرفته است. بنابراین این سکونتگاه‌ها که ممکن است بر حسب وضعیت کوچ یا اسکان، چادر، ساختمان خشت و گلی و یا هر دو نوع باشد، حاصل از برآیند مجموعه ای از عوامل و نیروهای طبیعی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است (نگارندگان، ۱۳۹۵).

این سکونتگاه‌ها از جمله عرصه‌های مختلفی است که دولت برای رفع کاستی‌ها و فراهم ساختن رفاه و توسعه، در راستای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی بر اساس برنامه‌های کوتاه و میان مدت، جهت ارائه امکانات و خدمات، اقدام به اجرای اقدامات مختلف در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌نماید. بخش قابل توجهی از این اقدامات صرف نظر از سیاست‌گذاری‌ها منجر به اجرای پروژه‌های عمرانی و خدماتی در سطح فضاها و عشایری می‌گردد که هدف آن حل معضلات سکونتگاه‌های عشایری و بسترسازی برای توسعه است. در این راستا انتظار می‌رود که حاصل اقدامات دولت، به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه عشایری، تثبیت و ماندگاری آنان در سکونتگاه‌ها منجر شود. بدیهی است اگر این فرایند با شناخت چالش‌ها و پتانسیل‌ها و درک ضرورت‌ها به طور خردمندانه هدایت شود، به نفع جامعه عشایری منجر شده و می‌تواند به عنوان یکی از مصادیق تثبیت جمعیت عشایری و جلوگیری از مهاجرت قلمداد شود. بر این اساس، مطالعه نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی نواحی عشایری و «مقایسه سطوح برخورداری آن‌ها، اهمیت زیادی داشته و از اقدامات ضروری و پایه‌ای برای برنامه‌ریزی و اصلاحات در جهت تأمین رفاه همراه با عدالت اجتماعی است که می‌تواند تخصیص منابع را با هدف رفع نابرابری‌ها، تحت تأثیر قرار دهد» (تقوایی و بهاری، ۱۳۹۱: ۱۶).

نوشتار حاضر باهدف کلی تحلیل شاخص‌های خدماتی - درمانی به عنوان معیاری برای تعدیل نابرابری‌ها و نقش آن در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی عشایر استان اردبیل در پی پاسخگویی به سؤال‌های ذیل تدوین شده است: توزیع فضایی شاخص‌های مورد استفاده در سکونتگاه‌های عشایری استان چگونه بوده است؟ و چه ارتباطی بین توسعه شاخص‌های خدماتی - درمانی و بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی سکونتگاه‌های عشایری وجود دارد؟

مبانی نظری تحقیق

توسعه از مفاهیم عمده و چالش برانگیز برای بشریت است که صورت رقابتی آن برای دستیابی به معیارهای استاندارد زندگی از ابتدای قرن بیستم نمود یافته (Frazier, 1997: 187) و بعد از جنگ جهانی دوم در مباحث علمی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، کشوری و مناسبات و مسائل بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است (مرصوصی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴). فرایند تعریف رهیافت‌ها و مسیرها برای دستیابی به توسعه نیز مقاطع گوناگونی را پشت سر گذاشته به طوری که در غرب به تبعیت از رهیافت‌های به کار گرفته شده توسعه در شوروی سابق که در آن مقطع برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای نتایج مثبتی به دنبال داشت، با پیروی از نظریات اقتصادی کینز و حمایت‌های دولت محور نظریات خردگرایی و دخالت همه جانبه دولت در فرایند توسعه و تعریف آن، با استفاده از برنامه ریزی متمرکز، روند دستیابی به توسعه از دهه ۱۹۲۰ وارد مسیر جدیدی شد (مهدی زاده، ۱۳۸۵: ۱۴ - ۲).

در افکار صاحب نظران توسعه، تعابیر مختلفی از واژه توسعه وجود دارد که از آن جمله می‌توان به افزایش تولید، افزایش بازدهی، ارتقاء سطح کمی و کیفی زندگی، ارتقاء سطح خدمات بهداشتی و درمانی، برطرف کردن مشکلات بیکاری و تورم، تأمین نیازهای اقتصادی - اجتماعی، برخورداری از آموزش، فرهنگ و مشارکت فعال در عرصه‌های مختلف اشاره کرد (تودارو، ۱۳۷۸: ۲۳). در تحلیل و تبیین توسعه و توسعه نیافتگی نظریه‌های مختلفی از جمله نظریه اقتصادی رشد و

توسعه نظریه جامعه‌شناسی نوسازی، نظریه‌های مارکسیست و نئومارکسیست، پسااستخارگرایی، پساتوسعه‌گرایی، پسااستعمارگرایی و همچنین نظریه توسعه طرفداری از حقوق زنان وجود دارد که در سطح جهانی و ملی به تبیین توسعه می‌پردازند. نظریه نوسازی، وابستگی و نئوکلاسیک از مشهورترین نظریه‌ها در این زمینه هستند (رضوانی، ۱۳۸۲: ۷۸).

نظریه نوسازی فرآیندی است که جوامع را به دو گروه سنتی و مدرن تقسیم می‌نماید که دسته اول از ویژگی‌هایی همچون بی‌سواد، کم‌بازده، بسته بودن اجتماع، خانواده‌های گسترده و ... برخوردار بوده و دسته دوم دارای ویژگی‌هایی کاملاً متضاد آن هستند که جوامع عشایری در گروه اول قرار دارند و با انجام اسکان (فرآیند نوسازی) وارد مرحله گذار می‌شوند. فرانسیس آبراهام معتقد است فرآیند نوسازی، فرآیندی پیچیده و چند لایه برای توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... است. همچنین راجرز، نوسازی را جریانی می‌داند که طی آن روش زندگی سنتی افراد یک جامعه به سیستمی پیچیده‌تر و از نظر تکنیکی پیشرفته‌تر و مترقی‌تر تحول می‌یابد. افرادی چون آیزنشتات معتقدند که نوسازی از درون گروه‌های قبیله‌ای، جوامع دهقانی، روستایی و با میزان متفاوت شهرنشینی آغاز می‌شود. رابرت وارد، نوسازی را حرکتی به سوی جامعه نو تعریف می‌کند. ویلبرت مور در تعریف نوسازی می‌گوید: نوسازی دلالت بر دگرگونی کامل یک جامعه سنتی و یا ماقبل مدرن به یک جامعه با انواع تکنولوژی و سازمان اجتماعی مربوط به آن دارد و همچنین اسلمسر نیز از دیگر نظریه‌پردازان نوسازی، معتقد است تغییر و جریان نوسازی روی تفکیک کارکردی متمرکز شده و فرآیندی است که در آن واحدهای اجتماعی مستقل و تخصصی شده به جای واحدهای قبلی استقرار می‌یابند (شاطری و حجبی پور، ۱۳۹۰: ۲۱). اقتصاددانان نئوکلاسیک، رشد و توسعه را تحت تأثیر دو عامل سازوکار تعادل و جابجایی می‌دانند که در بلندمدت موجب جریان بین نواحی در یک سرزمین و یا یک کشور، و ایجاد نوعی تعادل بین ناحیه‌ای می‌شود (قنبری و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۷). بر اساس دیدگاه وابستگی، روابط استعماری بین کشورهای مرکز و پیرامون عامل توسعه نیافتگی و تداوم عقب ماندگی این کشورهاست. بخش مهم نظریات وابستگی، وابستگی اقتصادی است که منشأ سایر وابستگی‌ها می‌گردد. بر این اساس ساختار اقتصادی و سیاسی در کشورهای حاشیه‌ای ایجاد می‌گردد که به مقتضای آن، در صحنه خارجی کشورهای حاشیه‌ای دچار وابستگی ساختاری به کشورهای مرکزی می‌گردند (رنجبر، ۱۳۸۴: ۱۳۰). نظریه پردازان نئولیبرالیسم بر این باورند که رشد اقتصادی در گرو کاهش هزینه‌های اجتماعی و افزایش سرمایه‌گذاری اقتصادی است. قابل ذکر است که رویکرد نئولیبرال با توجه به کسری بودجه کشورهای توسعه نیافته و نیاز کشورها به کاهش تورم و حجم دولت، مطرح شد و سپس به عنوان نظریه‌ای برای توسعه عرضه گردید (نظم‌فر و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۳۴). با توجه دیدگاه‌ها و نظریه‌های مورد مطالعه، توسعه فرآیندی جامع از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی و رفاهی است که هدف آن بهبود زندگی مستمر جمعیت بوده و فعالیت، آزادی، مشارکت، توزیع عادلانه منافع و خدمات از ارکان اساسی آن به شمار می‌رود (زنگی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۳-۸۴). از این رو، توسعه باید طوری صورت گیرد که ثمرات خود را نصیب همگان سازد و این امر در گرو تدوین (اسماعیل‌نیا و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶) و اتخاذ برنامه‌هایی کارآمد، منطبق بر واقعیت در جوامع انسانی اعم از شهری، روستایی و عشایری است.

در بین این جوامع، جامعه عشایری مورد مطالعه تحقیق حاضر را می‌توان گونه‌ای از نظام‌های کوچک مبتنی بر بده و بستان تلقی کرد. این سیستم مبتنی بر اقتصاد و سیاست است؛ یعنی اینکه در آن حد تقسیم کار اجتماعی، ساخت‌های حکومت، ارزش‌ها، هنجارها و زبان کم و بیش یکسان‌اند. در این نظام پایه تکنولوژیک رابطه‌ی انسان با محیط ضعیف است و لذا کسب مازاد دشوار می‌نماید؛ تقسیم کار اقتصادی محدود است و اقتصاد با قواعد بده و بستان اداره می‌شود. در چنین ساختاری جامعه از مجموعه‌های کوچک و خانواده‌هایی تشکیل می‌شود که هر کدام برای رفع نیاز خود تولید می‌کنند و به صورت نسبتاً ضعیف از طریق شبکه خویشاوندی، در نظامی بزرگ‌تر به هم پیوسته‌اند (شکور و همکاران، ۱۳۹۲: ۳). توسعه چنین جامعه‌ای که هم اکنون با محرومیت‌های شدیدی مواجه است، می‌توان زمینه‌ساز تغییر و تحول در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خواهد باشد.

پژوهش در زمینه جوامع عشایری قدمت زیادی دارد و تاکنون تحقیق‌های زیادی در مورد کوچ‌زیستان صورت گرفته است. اما اغلب مطالعات انجام‌شده در ارتباط با مسائل اجتماعی، اقتصادی و اسکان عشایر بوده و در زمینه تحلیل سطوح توسعه‌یافتگی جامعه عشایری به لحاظ خدماتی - عمرانی و تأثیر سرمایه‌گذاری انجام شده بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی عشایر تحقیقات اندکی صورت گرفته است. در زیر ضمن اشاره به مطالعات انجام شده در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی عشایر در ابتدا به برخی از تحقیق‌های انجام‌شده در تحلیل سطوح توسعه‌یافتگی جامعه عشایری با لحاظ شاخص‌های توسعه اشاره می‌گردد: ضیائیان و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه تحلیل سطوح سرمایه‌گذاری‌های خدماتی و عمرانی جامعه عشایری در استان آذربایجان غربی که به روش کمی انجام شده است، نشان داده‌اند که بهبود وضعیت جامعه عشایری به منظور توسعه متوازن و در راه نیل به عدالت اجتماعی، در کنار ارائه تسهیلات ویژه به عشایر مستلزم آن است که برنامه‌های توسعه‌ای برای هر منطقه عشایری با در نظر گرفتن موقعیت و شرایط جغرافیایی، توانمندی‌های درونی و محیطی آنان و حمایت دستگاه‌های اجرایی از برنامه‌های توسعه‌ای صورت گیرد تا نتیجه مطلوب حاصل گردد. تقی‌لو و موسوی (۱۳۹۴) در پژوهشی به ارزیابی سطوح توسعه‌یافتگی جامعه عشایری استان‌های ایران در ابعاد مختلف اجتماعی - رفاهی، زیربنایی و تکنولوژی در دو دوره بیلاق و قشلاق پرداخته و نشان دادند که ضریب نابرابری توسعه در منطقه قشلاق استان‌های کشور ۰/۴۶۷ و در منطقه بیلاقی ۰/۵۶۷ است و در بین شاخص‌های توسعه، شاخص دسترسی به انرژی و شاخص دسترسی به امکانات ارتباطی و اطلاعاتی در دوره بیلاق و قشلاق بیش‌ترین تأثیر را در توسعه داشته‌اند.

جمشیدی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان تحلیلی بر اثرگذاری اشتغال زنان مناطق عشایری بر اقتصاد خانوارهای آن‌ها: عشایر شهرستان چراداول را مورد مطالعه قرار داده و در نتایج خود تأثیر اشتغال زنان عشایر در صنایع دستی را بر اقتصاد خانواده‌های شان به دلیل وجود مشکلات موجود تأیید نکرده‌اند. کفیل‌زاده و اسماعیل‌زاده (۱۳۸۱) در تحقیقی که در زمینه اقتصاد تولید بخش عشایر کوچنده و اسکان‌یافته انجام دادند، بدین نتیجه رسیده‌اند که ترکیب دام عشایر اسکان‌یافته و کوچنده متفاوت بوده و در شرایط اسکان، بر سهم گوسفند و گاو عشایر افزوده شده است. آبتکو و یوسپو (۱۹۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان عشایر ایران باستان در غرب

آسیای مرکزی، جامعه و اقتصاد عشایر ایران آسیای مرکزی را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که پرورش تخصصی احشام و اغنام (دام) به تغییرات عمده اقتصادی و اجتماعی عشایر منجر شده است. عبدالهی (۱۳۸۶)، رضوی (۱۳۷۹)، دهقانیان و کهنسال (۱۳۷۹)، صیادی (۱۳۸۷ و ۱۳۸۹)، کرباسی و نیک‌خواه (۱۳۸۴)، شاطریان و همکاران (۱۳۹۰)، رهایی و همکاران (۱۳۹۱)، صفرزاده (۱۳۹۱)، دفتر جامع مطالعات عشایری و رضایی (۱۳۹۱)، ریاحی و همکاران (۱۳۹۲)، میزبان (۱۳۹۱)، مهدوی (۱۳۸۶) و توکلی و ضیاء توانا (۱۳۸۷)، والکر و جانسن (۲۰۰۱)، کیناهان (۱۹۹۶)، دی‌جی بدونها و اس‌ام اشमित (۲۰۰۰) (۲۰۰۰)، فائو (۱۹۹۹) نیز پژوهش‌هایی در زمینه عشایر انجام داده‌اند.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کاربردی و روش انجام آن توصیفی - تحلیلی و پیمایشی و گردآوری اطلاعات به صورت اسنادی (کتب، مقاله‌های لاتین و فارسی، منابع اینترنتی و نقشه) و میدانی (مصاحبه، مشاهده و پرسشنامه) بوده است. جامعه آماری مورد مطالعه استان اردبیل بوده که وسعتی معادل ۱,۱ درصد مساحت کشور و حدود ۱,۷ درصد از جمعیت ایران را در خود جای داده است. استان اردبیل از گذشته‌های دور به دلیل موقعیت جغرافیایی، کوهستانی بودن، آب و هوای متنوع و مراتع سرسبز از مراکز مهم کوچ‌زیستی بوده است. طبق آمار به دست آمده در سال ۱۳۸۷ دارای ۱۲۸۱۸ خانوار و ۶۶۵۲۱ نفر جمعیت عشایری است که از دو ایل بزرگ به نام ایل شاهسون با ۹۳,۴ درصد و ایل قره‌داغ با ۱,۵ درصد جمعیت دو طایفه مستقل شاطرانلو با ۳,۸ درصد و طایفه مستقل فولادلو با ۱,۳ درصد جمعیت تشکیل شده است. حجم نمونه در این پژوهش بر اساس فرمول کوکران برابر با ۳۷۰ خانوار از عشایر استان برای ارزیابی نقش شاخص‌های توسعه در بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی سکونتگاه‌های عشایری بالای ۲۰ خانوار را تشکیل داده است. نمونه‌گیری انجام‌شده از عشایر استان اردبیل منطبق با تخصیص بهینه بر اساس جمعیت و تصادفی ساده بوده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها، پژوهش حاضر ابتدا با استفاده از مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره^۱ کوپراس^۲، بر اساس ۱۴ شاخص در قالب ۳ متغیر زیربنایی - ارتباطی، آموزشی - فرهنگی و بهداشتی - درمانی که در جدول شماره ۱ آورده شده است، برای ارزیابی شباهت‌ها بر پایه نمرات شاخص‌های توسعه به طبقه‌بندی سکونتگاه‌ها از نظر میزان دستیابی به خدمات و تعیین میزان برخورداری آن‌ها، مبادرت نموده است. روش کوپراس (ارزیابی نسبی ترکیبی) که در سال ۱۹۹۶ توسط محققان دانشگاه فنی گدمن ویلنیوس، ایجاد شده است هم‌زمان چندین معیار مثبت و منفی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. سادگی روش محاسبه، زمان اندک محاسبه، رتبه‌بندی کامل گزینه‌ها، بهره‌گیری هم‌زمان از معیارهای کمی و کیفی، قابلیت محاسبه معیارهای مثبت و معیارهای منفی به طور جداگانه در فرایند ارزیابی، تخمین درجه

۱- مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره (MCDM) که اغلب مدل‌های تصمیم‌گیری چندهدفه (MCDM) و مدل‌های تجزیه و تحلیل چند معیاره (MCA) نامیده می‌شوند، مجموعه‌ای از روش‌هایی هستند که به تصمیم‌گیرندگان اجازه می‌دهند تا با در نظر گرفتن مجموعه‌ای از معیارهای اغلب متضاد، به انتخاب، رتبه‌بندی ترتیب یا توصیف مجموعه‌ای از گزینه‌ها در فرایند تصمیم‌گیری بپردازند (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۳، ۳۹).

اهمیت هر گزینه به صورت درصد به منظور نشان دادن اندازه بهتر یا بدتر بودن یک گزینه و نیز تطبیق بیشتر با شرایط و واقعیت‌های محلی و تجربی از مزایای روش کوپراس به شمار می‌روند (Mulliner, Smallbone & Maliene, 2012, 5 and Podvezko, 2011, 137-138 and Kumar Dey et al, 2011, 570)

این روش از گام‌های زیر پیروی می‌کند:

گام اول و دوم: تشکیل ماتریس وضع موجود بر اساس معیارهای طراحی شده، بی‌مقیاس سازی (یکسان سازی واحد مقیاس معیارها) و محاسبه وزن هریک از معیارها بر اساس یکی از روش‌های وزن‌دهی.

گام سوم: نرمالیزه کردن ماتریس تصمیم‌گیری بر اساس رابطه مقابل: $d_{ij} = \frac{q_i}{\sum_{j=1}^n x_{ij}} x_{ij}$ گام چهارم: محاسبه مجموع وزن معیار نرمالیزه شده توصیف‌کننده گزینه‌ها؛ گزینه‌هایی که با معیارهای مثبت محاسبه می‌شوند با S_{j+} و گزینه‌هایی که با معیارهای منفی محاسبه می‌شوند با S_{j-} نشان داده می‌شوند. مجموع S_{j+} و S_{j-} بر اساس رابطه‌های زیر محاسبه می‌شوند:

$$S_{j-} = \sum_{zi=-}^n d_{ij} \quad S_{j+} = \sum_{zi=+}^n d_{ij}$$

گام پنجم: رتبه‌بندی مقایسه‌ای گزینه‌ها بر اساس معیارهای مثبت و منفی محاسبه می‌شود. اهمیت نسبی Q_j از هر گزینه طبق فرمول زیر محاسبه می‌گردد:

$$Q_j = S_{j+} + \frac{S_{\min-} \sum_{j=1}^n S_{j-} x}{S_{j-} \sum_{j=1}^n \frac{S_{\min-}}{S_{j-}}} = S_{j+} \frac{\sum_{j=1}^n S_{j-}}{S_{j-} \sum_{j=1}^n \frac{1}{S_{j-}}} + \dots$$

گام ششم: اولویت بندی گزینه‌ها بر اساس مقدار Q_j ؛ با توجه به مقدار Q_j گزینه‌ها از بیشتر به کمتر اولویت بندی می‌شود. بدین معنی که هر اندازه مقدار Q_j بزرگتر باشد، آن رتبه بهتری می‌گیرد.

بعد از تحلیل کوپراس، آنالیز رگرسیون جهت بررسی نقش توزیع فضایی شاخص‌های توسعه در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی عشایر بر مبنای ۱۴ شاخص و ۲۴ مؤلفه در ابعاد اقتصادی و اجتماعی با توجه به جدول شماره ۲، در نرم‌افزار SPSS به کار گرفته شده است. ابزار اندازه‌گیری در این بخش از پژوهش پرسشنامه بر اساس مقیاس طیف لیکرت بوده است. جهت سنجش پایایی پرسشنامه‌ها از آلفای کرونباخ استفاده شده است که ضریب آن برابر ۰,۹۷ درصد به دست آمد و نشان از پایایی قابل قبول آن است. همچنین در تهیه نقشه‌ها از نرم‌افزار GIS بهره‌گیری شده است.

جدول (۱) شاخص‌های مورد مطالعه

شاخص	متغیر	تحلیل فضایی نقش شاخص‌های توسعه در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی عشایر
میزان برخورداری از راه مناسب به کیلومتر (راه آسفالت‌ته؛ راه شوسه)؛ تعداد مشترکین آب سالم به ازای تعداد آبادی؛ تعداد مشترکین برق به ازای تعداد آبادی؛ تعداد جایگاه سوخت، تعداد مخبرات به ازای تعداد آبادی؛ تعداد مسکن مناسب به ازای تعداد آبادی، تعداد طرح‌های انجام شده به ازای تعداد آبادی	زیربنایی - ارتباطی	
تعداد اماکن مذهبی (شامل: اماکن متبرکه اسلامی، مسجد، تکیه و حسینیه)؛ تعداد مراکز آموزشی به ازای تعداد آبادی؛ تعداد کتابخانه عمومی به ازای تعداد آبادی	آموزشی - فرهنگی	
تعداد خانه بهداشت به ازای تعداد آبادی، تعداد سرویس بهداشتی به ازای تعداد آبادی، تعداد حمام عمومی به ازای تعداد آبادی، تعداد غسلخانه به ازای تعداد آبادی	بهداشتی - درمانی	

◀ منبع: داده‌های سازمان امور عشایری کل کشور، ۱۳۸۷

جدول (۲) شاخص‌ها و مؤلفه‌های مورد مطالعه متغیرهای اقتصادی - اجتماعی

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	متغیر	تحلیل شاخص‌های خدماتی - عمرانی و نقش آن در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی عشایر
ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، گسترش مشاغل خدماتی، گسترش مشاغل صنعتی، گسترش مشاغل ساختمانی، کاهش بیکاری، افزایش منابع درآمدی، افزایش درآمد مستقیم خانوارها از فعالیت‌های دامپروری و کشاورزی، تعداد شغل‌های بخش دامپروری و کشاورزی، افزایش تولید فرآورده‌های شیری و پشم، افزایش سطح تولید محصولات دامی، افزایش سطح تولید محصولات کشاورزی، افزایش سطح تولید صنایع دستی، حمایت دولت به لحاظ منابع مالی و اعتباری، فقدان حمایت دولت از مردم، فقدان منابع مالی لازم	ایجاد اشتغال، بیکاری، افزایش درآمد، تولید، افزایش رفاه و کیفیت زندگی مردم، دولت، منابع مالی	اقتصادی	
میزان رضایت عشایر از سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته، سطح دانش و آگاهی مردم، امکان تحصیل خود، امکان تحصیل فرزندان، میزان دسترسی به خدمات محله‌ای، دسترسی به مراکز بهداشتی و درمانی، میزان افزایش امکانات رفاهی و کیفیت زندگی، میزان تأثیر خدمات زیربنایی در ماندگاری، میزان تأثیر طرح بهسازی در ماندگاری، میزان تأثیر امکانات آموزشی در ماندگاری	رضایت، دانش و آگاهی، سوادآموزی، گسترش خدمات محله‌ای، ماندگاری	اجتماعی	

◀ منبع: تحقیقات پیشین و یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۵

یافته‌های تحقیق

در مرحله اول بر اساس شاخص‌هایی که در جدول شماره ۱ آمده است، داده‌ها گردآوری و بعد با تلفیق آن‌ها، ماتریس وضع موجود تشکیل (جدول ۳) و بی‌مقیاس شده و سپس توسط ده نفر از کارشناسان سازمان امورعشایری وزن دهی شده‌اند (جدول ۴).

جدل ۳) ماتریس وضع موجود منطقه مورد مطالعه

سکونتگاه‌های عشایری						Max and Min	معیار
جمع کل	بیله سوار	پارس آباد	مشکین شهر	خلخال	گرمی		
۱۶۴	۲۹	۷۵	۲۶	۱۶	۱۶	+	آب آشامیدنی
۲۱۸	۴۲	۱۰۵	۳۱	۱۶	۲۴	+	مرکز آموزشی
۲۲۴	۵۰	۱۰۳	۳۱	۱۶	۲۴	+	برق
۲۲۷	۵۱	۱۰۵	۳۱	۱۶	۲۴	+	مخابرات
۱۶۳	۳۰	۶۹	۳۱	۱۶	۱۷	+	مسجد
۶۱	۶	۲۵	۱۶	۱۳	۱	+	خانه بهداشت
۲۱۱	۵۰	۹۰	۳۱	۱۶	۲۴	+	مسکن مناسب
۲۴	۵	۶	۸	۱	۴	+	طرح‌های
۱۴۴	۳۷	۷۰	۲۲	۳	۱۲	+	جایگاه سوخت
۱۱۷	۲۶	۶۰	۲۰	۵	۶	+	حمام
۱۲	۲	۶	۲	۱	۱	+	کتابخانه
۲۲۷	۵۱	۱۰۵	۳۱	۱۶	۲۴	+	سرویس بهداشتی
۱۲۴	۱	۱۰۵	۱۵	۱	۱	+	غسالخانه
۱۰۸	۲۰	۴۰	۲۳	۱۶	۹	-	راه مناسب

جدول ۴) نتایج وزن دهی ماتریس وضع موجود

معیار	آب آشامیدنی	مرکز آموزشی	برق	مخابرات	مسجد	خانه بهداشت	مسکن مناسب	طرح‌های	جایگاه سوخت	حمام	کتابخانه	سرویس بهداشتی	غسالخانه	راه ارتباطی
Max and Min	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+
وزن	۰,۰۸	۰,۰۹	۰,۱	۰,۰۸	۰,۰۶	۰,۰۹	۰,۱	۰,۰۸	۰,۰۴	۰,۰۳	۰,۰۳	۰,۰۸	۰,۰۴	۰,۰۷

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

در مرحله دوم ابتدا به منظور یکسان‌سازی واحد اندازه‌گیری، داده‌های مورد استفاده (ماتریس وضع موجود) بی‌مقیاس شده و تشکیل استاندارد را داده و سپس ماتریس جدید نرمال‌سازی شده است. بعد از استاندارد و نرمالیزه‌سازی داده‌ها، جهت تبدیل معیارهای منفی به مثبت، معیارهای دارای ارزش منفی در وزن خودشان ضرب شده و ارزش‌های مثبت و منفی به صورت سطری با هم جمع جبری شده‌اند. مجموع وزن‌های ۵ گزینه (سکونتگاه عشایری) به ازای ۱۳ معیار مثبت (+S_j) و ۱ معیار منفی (-S_j) در جدول ۴ آورده شده است. نهایتاً با توجه به نتیجه Q_i گزینه‌ها از بیشتر به کمتر اولویت‌بندی می‌شوند. بدین معنی که هر اندازه مقدار Q_i بیشتر باشد، آن گزینه بهتر ارزیابی شده است (جدول ۵).

جدول ۵) نتایج به دست آمده از ارزیابی چندمعیاره سکونتگاه‌های عشایری استان اردبیل

	جم	گرمی	خلخال	مشکین‌شهر	پارس‌آباد	بیله سوار
S_{+j}	$S^+ = \sum_{j=1}^n S_{+j} = ۰.۳۱۹۸۷۱$	۰.۰۶۹۶۰۶	۰.۰۶۵۰۲۵	۰.۰۶۴۰۶۳	۰.۰۵۷۸۵۸	۰.۰۶۳۳۲
S_{-j}	$S^- = \sum_{j=1}^n S_{-j} = ۰.۰۲۱۶۶۶$	۰.۰۰۴۳۵۳	۰.۰۰۰۰۶۴۷	۰.۰۰۸۰۰۵	۰.۰۰۳۴۹۹	۰.۰۰۵۱۶۱
Q_j	$Q = \sum_{j=1}^n Q_j = ۰.۰۳۴۱۵۴$	۰.۰۷۱۶۹۶	۰.۰۷۹۰۹۹	۰.۰۶۵۲	۰.۰۶۰۴۵۹	۰.۰۶۵۰۸۳
رتبه	۱۵	۲	۱	۳	۵	۴

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

هر چه مقدار Q_i به دست آمده به یک نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده درجه توسعه‌یافتگی یا برخورداری بالاتر و هر چه به صفر نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده درجه توسعه‌یافتگی کمتر است (توسعه‌یافتگی بیشتر $0 \leq Q_i \leq 1$ توسعه‌یافتگی کمتر). در گام آخر سکونتگاه‌های عشایری شهرستان‌های استان اردبیل بر اساس مقدار Q_i سطح‌بندی شده است. (جدول ۶ و شکل ۱).

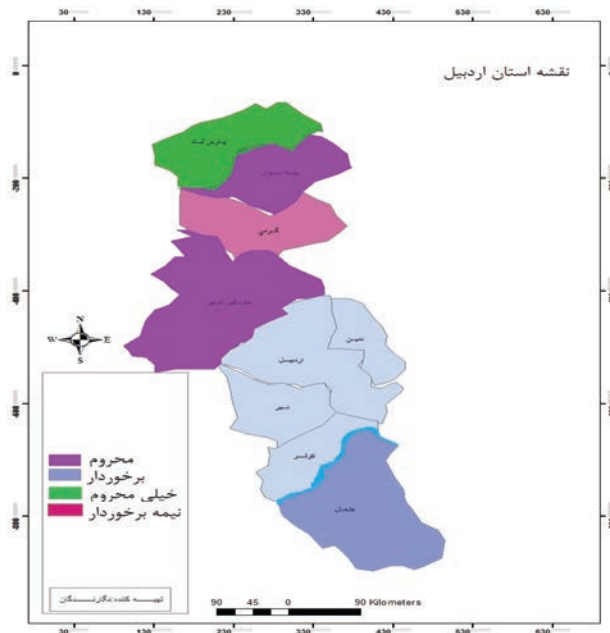
جدول ۶) رده بندی سطوح برخورداري سکونتگاه‌های عشایری استان اردبیل

سطوح برخورداري		Q_i
پارس‌آباد	خیلی محروم	۰,۶۰۵ - ۰,۶۰۴
مشکین‌شهر، بیله‌سوار	محروم	۰,۶۰۹ - ۰,۶۰۵
گرمی	نیمه برخوردار	۰,۷۴ - ۰,۶۹
خلخال	برخوردار	۰,۷۹ - ۰,۷۴

۵۵

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

شکل ۱) سطح برخورداري سکونتگاه‌های عشایری شهرستان‌های استان اردبیل



منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

نتایج حاصل از ارزیابی و تحلیل مناطق مورد مطالعه با استفاده از مدل کوپراس به خوبی با واقعیت‌های موجود منطبق است. نتایج نشان می‌دهد که سکونتگاه‌های عشایری شهرستان‌های خلخال و گرمی در رتبه‌های ۱ و ۲ در سطح «برخودار و نیمه برخوردار» قرار دارند. از دلایل آن می‌توان به نیمه کوچ‌نشین بودن، سبک زندگی روستایی و فروپاشی نظام ایلی اشاره نمود. موارد ذکر شده از عوامل مهم برخورداری این شهرستان‌ها از شاخص‌های توسعه هستند. آنچه مهم بوده، این است که سکونتگاه‌های این شهرستان‌ها بیشترین نمره خام را از لحاظ برخورداری از امکانات و خدمات داشته‌اند و از سطح بالای امکانات آموزشی - فرهنگی، زیربنایی - ارتباطی و بهداشتی - درمانی برخوردار هستند. در مقابل سکونتگاه‌های عشایری شهرستان‌های پارس‌آباد و بیله سوار با رتبه ۴ و ۵ در سطح محروم و خیلی محروم قرار دارند. از دلایل مهم محرومیت عشایر پارس‌آباد می‌توان به کوچ رو بودن عشایر و سبک زندگی مبتنی بر کوچ بلند اشاره نمود. می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که سکونتگاه‌های عشایری مورد مطالعه از نظر شاخص‌های بکار برده شده در یک طیف موازی قرار نگرفته و فاصله قابل‌توجهی بین عشایر نیمه کوچ‌نشین و کوچ زیست وجود دارد طوری که اختلاف رتبه سکونتگاه‌های عشایری خلخال در جایگاه «سکونتگاه‌های برخوردار» با سکونتگاه‌های عشایری پارس‌آباد در جایگاه «سکونتگاه‌های خیلی محروم»، قابل چشم‌پوشی نبوده و توجه مسئولین امر را با حفظ فرهنگ و قابلیت‌های بومی عشایر، در جهت رفع عدم توازن و محرومیت‌زدایی و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی در راستای تقویت نیمه کوچ‌نشینی و در اولویت برنامه‌ریزی‌ها را طلب می‌نماید.

با رتبه‌بندی سکونتگاه‌های عشایری استان اردبیل بر حسب برخورداری آن‌ها بر اساس هر یک از متغیرهای مورد مطالعه با ۱۴ شاخص در سه گروه (زیربنایی - ارتباطی)، (آموزشی - فرهنگی) و (بهداشتی - درمانی) می‌توان مقدار Qi هر یک از سکونتگاه‌ها را به طور جداگانه محاسبه نموده و تفسیر روشن تری نسبت به سطوح برخورداری سکونتگاه‌ها به دست آورد (جدول ۷).

بیشترین مقدار Qi از نظر خدمات زیربنایی - ارتباطی به سکونتگاه‌های عشایری شهرستان گرمی، از نظر خدمات آموزشی - فرهنگی و خدمات بهداشتی - درمانی به شهرستان خلخال تعلق دارد و سایر سکونتگاه‌های عشایری شهرستان‌ها در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند که حاکی از توزیع نامناسب این خدمات و امکانات در سکونتگاه‌های عشایری استان اردبیل است.

جدول ۷) جایگاه هر یک از شهرستان‌ها بر حسب برخورداری از شاخص‌های مورد مطالعه

Qi	وضعیت توسعه هر یک سکونتگاه‌های عشایری شهرستان‌ها از نظر خدمات زیربنایی - ارتباطی	
۰,۰۶۶۶ - ۰,۰۶۲۷	خیلی محروم	خلخال
۰,۰۷۰۵ - ۰,۰۶۶۶	محروم	مشکین شهر
۰,۰۷۴۴ - ۰,۰۷۰۵	نیمه برخوردار	بیله سوار، پارس‌آباد
۰,۰۷۸۳ - ۰,۰۷۴۴	برخوردار	گرمی

Qi	وضعیت توسعه هر یک سکونتگاه‌های عشایری شهرستان‌ها از نظر خدمات آموزشی - فرهنگی	
۰,۰۶۴۴ - ۰,۰۵۵۸	خیلی محروم	بيله سوار، گرمی، پارس آباد
۰,۰۷۳۰ - ۰,۰۶۴۴	محروم	مشکین شهر
۰,۰۸۱۶ - ۰,۰۷۳۰	نیمه برخوردار	—
۰,۰۹۰۲ - ۰,۰۸۱۶	برخوردار	خلخال
Qi	وضعیت توسعه هر یک سکونتگاه‌های عشایری شهرستان‌ها از نظر خدمات بهداشتی - درمانی	
۰,۰۶۷۷ - ۰,۰۵۷۰	خیلی محروم	پارس آباد، بيله سوار
۰,۰۷۸۴ - ۰,۰۶۷۷	محروم	مشکین شهر، گرمی
۰,۰۸۹۱ - ۰,۰۷۸۴	نیمه برخوردار	—
۰,۰۹۹۹ - ۰,۰۸۹۱	برخوردار	خلخال

◀ منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

بر اساس این سؤال تحقیق که تصریح می‌کند توزیع فضایی امکانات و خدمات به لحاظ شاخص‌های توسعه در افزایش وضعیت اقتصادی - اجتماعی سکونتگاه‌های عشایری تأثیر دارد، وضعیت اقتصادی - اجتماعی مردم را با ۲۴ مؤلفه اقتصادی - اجتماعی چون میزان افزایش فرصت شغلی، میزان افزایش منابع درآمدی، میزان افزایش تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی، میزان تأثیر هر کدام از حوزه‌های مختلف در افزایش ماندگاری مردم در روستاها و ... به صورت توصیفی مورد بررسی و کنکاش قرار داده است که داده‌های حاصل از آن در جدول (۸) آمده است. یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که توزیع فضایی امکانات و خدمات تنها در برخی از جنبه‌ها چون افزایش میزان تحصیل فرزندان، میزان دسترسی به خدمات محله‌ای (آموزشی، بهداشتی و ...)، افزایش خدمات زیربنایی - ارتباطی، افزایش امکانات آموزشی و نقش آن‌ها در ماندگاری مردم در روستا، به ترتیب با میانگین‌های ۳,۸۲، ۳,۲۰، ۲,۷۶، ۳,۵۶ موفقیت‌آمیز بوده و مثبت ارزیابی شده است بطوریکه همین عوامل را عاملی بر ماندگاری در روستا و کاهش مهاجرت قلمداد نموده‌اند. بر اساس یافته‌های به دست آمده میزان رضایت مردم از فرصت‌های شغلی ایجادشده، افزایش تولید محصولات دامی، کشاورزی، صنایع دستی در حد کم و بسیار کم بوده است. بطوریکه در طی مصاحبه‌های انجام‌شده اکثریت مردم این امر را به دلیل عدم حمایت دولت به لحاظ منابع مالی، اعتباری، عدم ایجاد فرصت‌های شغلی جدید عنوان کرده‌اند.

جدول ۸) وضعیت اقتصادی - اجتماعی سکونتگاه‌های عشایری استان اردبیل

انحراف معیار	میانگین	طیف ارزیابی					متغیر
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	
۰,۶۵۹	۱,۸۸	۰,۲۸	۰,۵۶	۰,۱۶			میزان افزایش منابع درآمدی
۰,۶۴۷	۱,۷۰	۰,۴۰	۰,۵۰	۰,۱۰			افزایش درآمد مستقیم خانوارها از فعالیت‌های دامپروری و کشاورزی
۰,۷۴۶	۱,۸۸	۰,۳۴	۳۸,۶	۰,۴۲			افزایش فرصت شغلی
۰,۵۵۳	۳,۹۸			۰,۱۶	۰,۷۰	۰,۱۴	تعداد شغل‌های بخش دامپروری و کشاورزی
۰,۵۴۸	۱,۸۴	۰,۲۴	۰,۶۸	۰,۸			تعداد شغل‌های بخش صنایع
۰,۴۵۴	۲,۲۸		۰,۷۲	۰,۲۸			تعداد شغل‌های بخش خدمات
۰,۴۱۸	۲,۲۲		۰,۷۸	۰,۲۲			تعداد شغل‌های بخش ساختمان
۰,۴۹۵	۲,۴۰		۰,۶۰	۰,۴۰			کاهش بیکاری
۰,۴۷۱	۲,۳۲		۰,۶۸	۰,۳۲			افزایش تولید فرآورده‌های شیری (کشک، ماست، کره، روغن)
۰,۴۰۴	۲,۲۰		۰,۸۰	۰,۲۰			افزایش سطح تولید محصولات دامی
۰,۴۹۰	۲,۳۸		۰,۶۲	۰,۳۸			افزایش سطح تولید محصولات کشاورزی
۰,۳۷۰	۲,۱۶		۰,۸۴	۰,۱۶			افزایش سطح تولید محصولات صنایع دستی
۰,۶۷۰	۴,۱۴	۰,۳۰	۰,۵۴	۰,۱۶			میزان حمایت دولت از مردم
۰,۵۰۱	۴,۵۶				۰,۴۴	۰,۵۶	میزان فقدان منابع مالی لازم
۰,۵۴۸	۱,۸۴	۰,۲۴	۰,۶۸	۸,۰			میزان رضایت عشایر از سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته
۰,۶۳۸	۳,۹۶			۲۲,۰	۰,۶۰	۰,۱۸	میزان دانش و آگاهی مردم

۰,۴۰۴	۲,۲۰		۰,۸۰	۲۰,۰			امکان تحصیل خود
۰,۶۲۹	۳,۸۲			۳۰,۰	۰,۵۸	۰,۱۲	امکان تحصیل فرزندان
۰,۹۶۹	۳,۲۰		۰,۳۸	۰,۴	۰,۵۸		میزان دسترسی به خدمات محله‌ای (آموزشی، درمانی، بهداشتی)
۰,۱۹۸	۲,۰۴		۰,۹۶	۴,۰			میزان دسترسی به مراکز بهداشتی و درمانی
۰,۳۸۸	۱,۱۸	۰,۸۲	۰,۱۸				میزان افزایش امکانات رفاهی و کیفیت زندگی
۰,۶۸۷	۲,۷۶		۰,۳۸	۴۸,۰	۰,۱۴		میزان تأثیر افزایش خدمات زیربنایی در ماندگاری
۰,۴۷۱	۲,۶۸		۰,۳۲	۶۸,۰			میزان تأثیر طرح بهسازی در ماندگاری
۰,۸۱۸	۴,۰۶			۰,۳۰	۰,۳۴	۰,۳۶	میزان تأثیر افزایش امکانات آموزشی در ماندگاری

◀ منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

در ادامه این بخش از پژوهش جهت بررسی این امر که توزیع فضایی شاخص‌های خدماتی - عمرانی تا چه اندازه در بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی مردمان عشایری تأثیر دارد، از ضریب همبستگی پیرسون و آنالیز رگرسیون استفاده به عمل است. در این مرحله قبل از انجام محاسبه همبستگی و انجام تحلیل رگرسیون، از نمودار پراکنش جهت مشخص شدن نوع رابطه (خطی یا غیرخطی) و پراکندگی داده‌ها استفاده به عمل آمده است. نتیجه حاکی از رابطه خطی بین متغیرهای وضعیت اقتصادی - اجتماعی و توزیع فضایی شاخص‌های خدماتی - عمرانی، جهت استفاده از آنالیز رگرسیون برقرار بوده است.

با توجه به نتایج به دست آمده از ضریب همبستگی پیرسون، مقدار همبستگی بین دو متغیر «وضعیت اقتصادی و اجتماعی» و «توزیع فضایی شاخص‌های خدماتی - عمرانی»، برابر با ۰,۹۵ بود که همبستگی مثبتی را نشان داده و در یک راستا حرکت می‌کنند. از طرف دیگر مقدار سطح معناداری آزمون همبستگی مذکور با سطح اطمینان ۰,۹۹ درصد، ۰,۰۰۰ است. نتیجه ضریب همبستگی پیرسون نشان‌دهنده‌ی رابطه بین متغیرها و همبسته بودن آن‌ها است.

با توجه به جدول ۹ مقدار سطح معناداری در آنالیز رگرسیون (۰,۰۰۰) کمتر از ۰,۰۵ است. ضرایب استاندارد شده نشان می‌دهد که توزیع فضایی امکانات و خدمات به لحاظ شاخص‌های مورد مطالعه با ۰,۹۵ درصد در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی تغییر ایجاد می‌نماید؛ یعنی به ازای هر واحد تغییر توزیع فضایی شاخص‌های خدماتی - عمرانی، ۰,۹۵ درصد تغییر وضعیت اقتصادی و اجتماعی ایجاد می‌شود. بدین ترتیب با توجه به نتایج به دست آمده، مدل رگرسیونی به صورت زیر ارائه می‌شود:

$$Y = 1,013 + 0,053 - (بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی)$$

جدول ۹) اثرگذاری توزیع فضایی شاخص‌های خدماتی - عمرانی بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی سکونتگاه‌های عشایری

مدل رگرسیون	ضریب استاندارد نشده		ضریب استاندارد	آماره t	Sig
	B	خطای معیار	Beta		
مقدار (ثابت)	-۰,۰۵۳	۰,۱۵		-۳,۶۱۰	۰,۰۱
توزیع فضایی شاخص‌های خدماتی - عمرانی	۱,۰۱۳	۰,۰۰۶	۰,۹۵	۱۷۳,۶۴۵	۰,۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵

با توجه به نتایج حاصل از نظرسنجی مردم و نتایج حاصل از توزیع فضایی شاخص‌های خدماتی - عمرانی در سکونتگاه‌های عشایری تنها در برخی از جنبه‌های اجتماعی چون افزایش میزان تحصیل فرزندان، میزان دسترسی به خدمات محله‌ای (آموزشی، بهداشتی و ...)، موفقیت‌آمیز بوده است اما توزیع فضایی شاخص‌های خدماتی - عمرانی با متغیرهای اقتصادی چندان همخوانی نداشته است و در حد خیلی کمی باعث افزایش تولید محصولات دامی، کشاورزی و صنایع دستی و فرصت‌های شغلی شده است. در این جنبه‌ها نابرابری‌های عمیقی بین سکونتگاه‌های واقع در سطح اول و آخر وجود داشته و در طیف موازی قرار نگرفته‌اند، از این رو، این امر می‌تواند عاملی بر مهاجرت عشایر از سکونتگاه‌ها باشد. در این راستا، لازم است در برنامه‌ریزی‌های توسعه عشایری با فعال شدن کسب‌وکار، بسترهای تولیدی در روستاها مورد توجه ویژه‌ای قرار گیرند تا با تولید اشتغال و درآمدزایی، رغبت عشایر به ماندن در سکونتگاه‌ها بیشتر شود. نتایج نشان می‌دهد که سکونتگاه‌های عشایری شهرستان‌های مورد مطالعه از نظر شاخص‌های به کار برده شده در یک طیف موازی قرار نگرفته و فاصله قابل توجهی بین آن‌ها وجود دارد و توزیع فضایی شاخص‌های خدماتی - عمرانی در سکونتگاه‌ها در بعد اجتماعی - فرهنگی (در زمینه شاخص‌های آموزشی و زیربنایی - ارتباطی و بهداشتی درمانی) بیشتر بوده و به بعد اقتصادی به‌ویژه به اشتغال و درآمد جز در موارد اندک توجه چندانی نشده است. این امر قابل چشم‌پوشی نبوده و توجه مسئولین امر را در اولویت برنامه‌ریزی‌ها طلب می‌نماید.

نتیجه‌گیری

محاسبات انجام شده با استفاده از روش ارزیابی چندمعیاره کوپراس، نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری‌های عمرانی - درمانی جهت بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی سکونتگاه‌های عشایری شهرستان‌های مورد مطالعه در طوایفی رضایت‌بخش بوده است که نظام ایلی دچار فروپاشی شده و از خدمات ارائه شده، بهره بیشتری برده‌اند. طایفه فولادلو و شاطرانلو در شهرستان خلخال نمونه بارز چنین وضعیتی است. از این رو، سکونتگاه‌های عشایری خلخال

با دارا بودن نظام طایفه‌ای و اسکان یافتن عشایر با رتبه ۱ در سطح توسعه «برخودار» قرار دارند؛ و سکونتگاه‌های عشایری شهرستان‌های بیله‌سوار و پارس‌آباد به دلایلی چون کوچ بلند و دارا بودن نظام ایلی با رتبه‌های ۴ و ۵ در سطح محروم و خیلی محروم از شاخص‌های توسعه قرار گرفته‌اند. در سکونتگاه‌های مورد مطالعه از نظر خدمات زیربنایی - ارتباطی عشایر گرمی در سطح برخوردار و عشایر خلخال در سطح خیلی محروم از توسعه قرار گرفته‌اند که این امر دلیل بر کمبود و توزیع نامناسب خدمات در سطح سکونتگاه‌های عشایری بوده است. در ارتباط با خدمات آموزشی - فرهنگی نیز اختلاف چشمگیری بین سکونتگاه‌ها مشاهده می‌شود. به نحوی که سکونتگاه‌های عشایری خلخال در سطح توسعه برخوردار و سکونتگاه‌های عشایری بیله‌سوار، گرمی و پارس‌آباد در سطح خیلی محروم از شاخص‌های توسعه قرار دارند و همچنین از نظر خدمات بهداشتی - درمانی نیز سکونتگاه‌های عشایری شهرستان خلخال در سطح برخوردار و پارس‌آباد و بیله‌سوار در سطح خیلی محروم از شاخص‌های توسعه جای گرفته‌اند به طوری که کمبود این نوع امکانات در این سکونتگاه‌ها بسیار مشهود است. این نتیجه بیانگر آن است که خدمات و امکانات توسعه به طور مطلوب در همه سکونتگاه‌های عشایری توزیع نشده و آن‌ها در تنگنا قرار دارند.

در نوشتار حاضر، بعد از طبقه‌بندی سکونتگاه‌های عشایری مورد مطالعه با مدل کوپراس، با نظرسنجی از مردم و ضریب همبستگی پیرسون و آنالیز رگرسیون به بررسی تأثیر توزیع فضایی امکانات و خدمات به لحاظ شاخص‌های مورد مطالعه در وضعیت اقتصادی - اجتماعی سکونتگاه‌ها پرداخته شد که نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین دو متغیر «وضعیت اقتصادی و اجتماعی» و «توزیع فضایی شاخص‌های خدماتی - عمرانی»، با ۰٫۹۵ درصد همبستگی مثبتی وجود داشته و در یک راستا حرکت می‌کنند. همچنین نتایج ضرایب استاندارد شده رگرسیون نشان می‌دهد که شاخص‌های متغیر اجتماعی با ۰٫۵۰۸ بیشترین تأثیر را پذیرفته‌اند، اما سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته به لحاظ شاخص‌های توسعه با متغیرهای اقتصادی چندان همخوانی نداشته است به طوری که در حد خیلی کمی باعث افزایش تولید محصولات دامی، کشاورزی و صنایع دستی و افزایش فرصت‌های شغلی شده است بطوریکه در این جنبه‌ها نابرابری‌های عمیقی بین سکونتگاه‌های واقع در سطح اول و آخر وجود داشته و در طیف موازی قرار نگرفته‌اند که این امر نتایج منفی چون مهاجرت را در پی داشته است. از این رو لازم است در اولویت برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای قرار گیرد تا با افزایش فرصت‌های شغلی، تولید و درآمدزایی، انگیزه مردم به ماندن در سکونتگاه‌ها قوی‌تر شود.

نهایتاً نتیجه گرفته می‌شود که توزیع فضایی شاخص‌های توسعه (خدماتی - عمرانی) در سکونتگاه‌های عشایری بعد اجتماعی - فرهنگی (در زمینه‌های آموزشی و زیربنایی - ارتباطی و بهداشتی درمانی صورت گرفته است) تا حدودی مطلوب بوده و در بعد اقتصادی به‌ویژه اشتغال و درآمد نامطلوب بوده و مورد توجه چندان قرار نگرفته است. بنابراین لازم است در تدوین برنامه‌های توسعه در حوزه عشایر این موارد مورد توجه قرار گیرد. در پایان با توجه به نتایج حاصل از تحقیق، جهت رفع محرومیت و جلوگیری از مهاجرت ساکنان سکونتگاه‌های عشایری به سایر مناطق و بالابردن انگیزه ماندگاری و همچنین ایجاد فرصت شغلی، پیشنهاد می‌شود در جهت اسکان نسبی، به توسعه نیمه کوچ‌نشینی توجه بیشتری شده و مورد عنایت و آفری قرار گیرد، زیرا که کوچ‌نشینی مطلق در شرایط کنونی قدرت تداوم نداشته و سرمایه‌گذاری در جوامع نیمه کوچ‌نشین زودتر و بهتر نتیجه می‌دهد، از این رو لازم است مورد مذاقه برنامه‌ریزان و مسئولین دولتی قرار گیرد.

منابع

- ◀ اسماعیل نیا، حسین؛ شیخ علی، مرتضی (۱۳۹۲): تنگناهای توسعه جامعه عشایری و راه‌حل‌های آن در ایران، فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، سال ۱۱، شماره ۴۰، صص ۲۳ - ۱۶.
- ◀ پورطاهری، مهدی؛ حاجی نژاد، علی؛ فتاحی، احدالله، رضا، نعمتی (۱۳۹۳): ارزیابی آسیب‌پذیری فیزیکی سکونتگاه‌های روستایی در برابر مخاطرات طبیعی (زلزله) با استفاده از مدل تصمیم‌گیری کوپراس (مطالعه موردی: روستاهای دهستان چالان چولان شهرستان درود)، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۸، شماره ۳، صص ۵۲ - ۳۱.
- ◀ تودارو، مایکل (۱۳۷۸): توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، سازمان برنامه و بودجه.
- ◀ توکلی، جعفر، ضیاءتوانا، محمد حسن (۱۳۸۷): پیامدهای فضایی اسکان عشایر در استان چهارمحال بختیاری، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۱، ۸۶ - ۵۳.
- ◀ تقیولو، علی‌اکبر و میرنجف موسوی، (۱۳۹۴): ارزیابی سطوح مختلف توسعه‌یافتگی در ابعاد مختلف اجتماعی - رفاهی، زیربنایی و تکنولوژیکی جامعه عشایری استان‌های ایران، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۱۸۰ - ۱۶۳.
- ◀ تقوایی، مسعود؛ بهاری، عیسی (۱۳۹۱): سطح‌بندی و سنجش درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان مازندران با استفاده از مدل تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۳، پیاپی ۴۸، شماره ۴، صص ۳۸ - ۱۵.
- ◀ جمشیدی، علی‌رضا؛ صیادی، سید اسکندر؛ جمشیدی، معصومه؛ جمینی؛ داوود (۱۳۹۲): تحلیلی بر اثرگذاری اشتغال زنان مناطق عشایری بر اقتصاد خانوارهای آن‌ها (مطالعه موردی: عشایر شهرستان چراداول)، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۹۲ - ۸۳.
- ◀ دهقانیان، سیاوش؛ کهنسال، محمدرضا (۱۳۷۹): بررسی اقتصاد تولید عشایر خراسان، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۰۶ - ۷۵.
- ◀ دفتر مطالعات جامع عشایری و پژمان رضایی (۱۳۹۱): ارزیابی برنامه ساماندهی عشایر در کانون‌های توسعه، فصلنامه عشایری (ذخایر انقلاب)، شماره ۵۷، صص ۳۹ - ۹.
- ◀ رنجبر، مقصود (۱۳۸۴): چالش‌های استقلال ما از دیدگاه نظریه‌های وابستگی و جهانی شدن، مجله راهبرد، شماره ۳۷، صص ۱۵۸ - ۱۲۸.
- ◀ رضوی، محمد (۱۳۷۹): اقتصاد خانوار عشایر ساکن در مراتع بیلاقی شمال شهرستان سمنان و نقش خیل در آن، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه سال هشتم، شماره ۳، صص ۳۰۳ - ۲۸۹.
- ◀ رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۲): تعیین و تحلیل برخورداری نواحی روستایی استان زنجان، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۱.
- ◀ رهایی، مجید؛ رشیدی، علی؛ طاهریان، غلامعلی (۱۳۹۱): پیامدهای ناشی از اسکان غیررسمی عشایر در شهرهای استان سمنان، فصلنامه دانش انتظامی، سال دوم، شماره ۶، صص ۹۹ - ۸۷.
- ◀ ریاحی، وحید؛ احمدی، راشد؛ عزمی، آئیژ (۱۳۹۲): بررسی نقش طرح‌های اسکان در توسعه اقتصادی و اجتماعی عشایر، مطالعه موردی: کانون‌های اسکان استان کهگیلویه و بویراحمد، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی سال ۱۳، شماره ۲۸، صص ۱۱۲ - ۹۵.
- ◀ زنگی آبادی، علی؛ بهاری، عیسی؛ قادری، رضا (۱۳۹۲): تحلیل فضایی و سطح بندی شاخص‌های بهداشتی و درمانی با استفاده از GIS، تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۸، شماره اول، صص ۱۰۶ - ۷۶.
- ◀ زیاری، کرامت‌اله؛ پرهیز، فریاد؛ مهدنژاد، حافظ (۱۳۸۸): مبانی و تکنیک‌های برنامه‌ریزی شهری، انتشارات دانشگاه بین‌المللی چابهار، چاپ اول، چابهار.

- ◀ زیاری، کرامت اله؛ جلالیان، اسحاق (۱۳۸۷): مقایسه شهرستان‌های استان فارس بر اساس شاخص‌های توسعه ۷۵-۱۳۵۵، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱۱، صص ۷۷-۸۸.
- ◀ شاطری، مفید، حجی پور، محمد (۱۳۹۰): اثرات اقتصادی - اجتماعی طرح‌های اسکان بر جوامع عشایری (مطالعه موردی: شهرک ناز دشت سربیشه در استان خراسان جنوبی)، فصلنامه علمی و پژوهشی جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره دوم، صص ۲۹-۱۷.
- ◀ شاطریان، محسن؛ گنجی پور، محمود؛ اشنویی، امیر (۱۳۹۰): تبیین پیامدهای فضایی احداث شهرک‌های عشایری برای روستاهای پیرامونی: مطالعه موردی روستاهای بخش مرکزی شهرستان کوهرنگ، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۴، شماره ۳، صص ۱۵۰-۱۳۳.
- ◀ شکور، علی؛ طیبی، حمیدرضا؛ باقرزاده، محمدصادق؛ واحدپور، غلامعباس (۱۳۹۲): سنجش عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر اسکان عشایر در استان فارس، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال سوم، شماره ۹، صص ۱۱-۱.
- ◀ صفرزاده، میرولی (۱۳۹۱): نقش و جایگاه مدیریت جهادی در ایجاد امکانات و خدمات زیربنایی در مناطق عشایری، فصلنامه عشایری (ذخایر انقلاب)، شماره ۵۷، صص ۱۳۲-۱۰۱.
- ◀ صیدایی، سید اسکندر (۱۳۸۷): چشم‌انداز جامعه عشایری ایران در افق ۲۰ سال آتی، نشریه علوم جغرافیایی، ج ۹، شماره ۱۲، صص ۱۶۶-۱۴۷.
- ◀ صیدایی، سید اسکندر (۱۳۸۹): بررسی مسایل اساسی کنون‌های اسکان عشایر و ارائه راهکارهای علمی و کاربردی (نمونه‌های مورد مطالعه: بکان، گل افشان و قراب)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۵، شماره ۲، پیاپی ۹۷، صص ۱۶۶-۱۳۹.
- ◀ ضیائیان، پرویز؛ صالح پور، شمس؛ داوردان، بابا (۱۳۹۵): تحلیل سطوح سرمایه گذاری خدماتی و عمرانی در جامعه عشایری استان آذربایجان غربی، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال پنجم، شماره ۳، پیاپی ۱۷، صص ۸۴-۷۱.
- ◀ فرجی سبکبار، حسنعلی؛ وزین، نرگیس؛ بدری سید علی (۱۳۹۲): اصلاح مدل تصمیم‌گیری تاکسونومی عددی، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال ۱۳، شماره ۲۸، صص ۱۳۶-۱۱۳.
- ◀ قنبری، یوسف؛ برقی، حمید؛ حجاربان، احمد (۱۳۹۰): تحلیل سطوح برخورداری دهستان‌های شهرستان اصفهان، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۳، صص ۱۱۲-۹۳.
- ◀ کفیل زاده، فرخ و اسماعیل‌زاده، علی (۱۳۸۱): اقتصاد تولید بخش عشایر کوچنده و اسکان‌یافته، مطالعه موردی ایل کرد، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه سال دهم، شماره ۳۸، صص ۲۲۳-۲۰۱.
- ◀ کرباسی، علیرضا؛ نیک‌خواه حجت‌اله (۱۳۸۴): بررسی اقتصاد تولید دام عشایری در استان لرستان، پنجمین کنفرانس دوسالانه اقتصاد کشاورزی در ایران، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.
- ◀ عبداللهی، محمد (۱۳۸۶): اسکان عشایر و توسعه حیات اجتماعی آنان در ایران (مطالعه موردی طایفه وری علی نظر در استان ایلام)، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۲، صص ۵۳-۱۹.
- ◀ مرصوصی، نفیسه؛ بهرامی پاره، رحمت‌اله (۱۳۹۰): توسعه پایدار روستایی، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول تهران.
- ◀ مهدیزاده، جواد (۱۳۸۵): برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری، انتشارات پیام سیماگران، چاپ دوم، تهران.
- ◀ مهدوی، مسعود و رضایی، پژمان و قدیری معصوم، مجتبی (۱۳۸۶): روستاهای برآمده از اسکان عشایر و چالش‌های آن، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۱.
- ◀ نظم‌فر، حسین؛ علی بخشی، آمنه؛ باختر، سهیلا (۱۳۹۴): تحلیل فضایی توسعه منطقه‌ای استان کرمانشاه با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال ۱۵، شماره ۳۶، صص ۲۵۱-۲۲۹.

- ▶ Abetekov, A. Yusupov. H, (1994): Ancient iranlan nomads in western central asla, History of Civilisations of Central Asia, ISBN 978-92-3-102846-5, 1994 - en.unesco.org.
- ▶ Donald J.beduanha and Sabin M.schmidt ,(2000): Pastoralism and Protect Area Management in Mongolia,s Gobi National Park.
- ▶ Fao – Japan Cooperative Project,(1999): Collection of information on Animal Production and Health, //www.fao.org.
- ▶ Frazier, j (1997): Sustainable Development: modern elixir or sack dress? Environmental Concervation,vol.24.
- ▶ Kinahan, J, (1996): The archaeology of social rank among eighteenth-century nomadic pastoralists in Southern Namibia, African Archaeological Review, Volume 13, Issue4, pp 225-245.
- ▶ Kumar Dey, P. D. Nath Ghosh & A. Chand Mondal ,(2011): A MCDM Approach for Evaluating Bowlers Performance in IPL, Journal of Emerging Trends inComputing and Information Sciences,Vol 2, No11, pp563-573.
- ▶ Mulliner, E. K. Smallbone & M. Vida ,(2012): An Assessment of Sustainable Housing Affordability Using Multiple Criteria Decision Making Method, Omega the International Journal of Management Science,Vol. 41, Issue 2, 270- 279.
- ▶ Martinez, J, (2009): "The use of GIS and indicators to monitor intra-urban inequalities: A case study in Rosario, Argentina", Habitat International, 4:1-14.
- ▶ Podvezko,V ,(2011): The Comparative Analysis of MCDA Methods SAW and CO-PRAS, Inzinerine Ekonomika-Engineering Economics, 22 (2), 134-146.
- ▶ Walker, B. H, and.Janssen M ,(2002): Rangelands, pastoralist and governments: interlinked systemsofpeopleandnature,GPO Box, 284.Canberra.
- ▶ Vlahov, D., Galea., S., Gibble, E., Freudenberg, N., (2005): "Perspectives on urban health condition and population health", Cadernos de Saude Public, 21:949-957.

دعا و مناجات در بین عشایر طایفه ایلخاص بصری^۱

مهندس علی اکبری^۲

مقدمه

منطقه فارس به لحاظ شرایط آب و هوایی و تنوع اقلیمی از دیرباز یکی از مهمترین مراکز استقرار عشایر کوچنده بوده و هنوز ۴ ایل بزرگ قشقایی، خمسه، ممسنی و بویراحمد و ۸ طایفه مستقل در محدوده استان فارس دارای قلمروهای کوچ و استقرار هستند.

از نظر تعداد جمعیت و وسعت قلمرو استقرار، بزرگترین ایل استان فارس قشقایی می‌باشد و پس از آن اتحادیه ایلی خمسه قرار دارد. طوایف ایل خمسه شامل اینالو (اینالو)، بهارلو، بصری، عرب و نفر می‌باشد. هرچند که امروزه بسیاری از کارکردهای سنتی نظام ایلی عشایر از هم پاشیده، ولی تا گذشته‌ای نه‌چندان دور بصری‌ها از ارکان اصلی ایل خمسه به شمار می‌رفتند. ایل بصری دارای طوایف متعددی است که یکی از آنها طایفه ایلخاص می‌باشد.

قلمرو کوچ و زندگی بصری‌ها و طایفه ایلخاص در منطقه فارس بوده، ولی امروزه علاوه بر استان فارس، تعدادی از خانوارهای منسوب به ایل بصری را می‌توان در استان‌های کرمان و اصفهان نیز مشاهده کرد که عمدتاً در دوره قاجاریه تا قبل از اصلاحات ارضی به این مناطق مهاجرت کرده‌اند. از جمله دلایل مهاجرت آنها می‌توان به اختلاف با خوانین یا حکام محلی اشاره کرد که در اثر آن افراد و خانوارهای عشایری طی چندین مرحله از محل خود مهاجرت (گریخته) کرده و در نواحی دیگر استقرار یافته‌اند. امروزه غالب خانوارهای طایفه ایلخاص یکجانشین شده‌اند و محل اصلی سکونت آنها در روستاهای شهیدآباد و ... شهرستان خرمبید استان فارس می‌باشد. یکی از ویژگی‌های حسنه افراد و خانوارهای این طایفه که در مواردی آنها را از سایر طوایف متمایز می‌کند، متصف بودن و پایبندی عمیق آحاد طایفه به دین، باورهای مذهبی مستحکم، وفای به عهد، عمل به احکام، اهتمام وافر به انجام و رعایت امور شرعی می‌باشد. نمودهای عینی این ویژگی را میتوان در زوایای مختلف رفتاری مانند دعا و مناجات، صداقت، صمیمیت، حسن خلق و رعایت اخلاق مشاهده کرد.

یکی دیگر از ویژگی‌های افراد طایفه ایلخاص، طرفداری آنها از انقلاب و ایثارگری در این راه می‌باشد. اوج جان‌فشانی آنها را می‌توان در دوران دفاع مقدس ملاحظه کرد که با حضور گسترده در جبهه‌ها، نسبت به حفظ انقلاب و دفع تجاوز دشمن ادای دین کردند. افراد این طایفه با حضور در جنگ تحمیلی بالغ بر ۶۲ نفر شهید، ده‌ها آزاده و جانباز داشته است. امروزه خانوارهای طایفه ایلخاص در روستای شهیدآباد (شهرستان خرمبید استان فارس)، شهرهای شیراز، اصفهان، برآن اصفهان، حومه شهرستان مرودشت و ... سکونت دارند.

۱ - اقتباس از کتاب: فرهنگ عامه طایفه ایلخاص بصری، علی اکبری.

۲ - نماینده مردم شیراز در مجلس شورای اسلامی (رئیس سابق سازمان امور عشایر ایران).

◆ دعا و مناجات

دعا در لغت به معنی ندا و صدا زدن و به یاری طلبیدن و در اصطلاح اهل شرع، گفت‌وگو کردن با حق تعالی، به نحو طلب حاجت و درخواست حل مشکلات از درگاه او و یا به نحو مناجات و یاد صفات جلال و جمال ذات اقدس اوست. و بر حسب عرف و اصطلاح، توجه به سوی خدا و طلب رحمت از او به طور فقر و مسکنت و خضوع است و بر سپاس و ستایش و تسبیح و تنزیه باری تعالی نیز اطلاق می‌شود، زیرا سپاس و ستایش نیز نوعی درخواست و مسئلت عطا و موهبت است. کلمه دعا و مشتقاتش که حدوداً بیش از ۲۰۰ بار در آیات قرآن کریم به کار رفته است. از ریشه «دَعَوَ» و به معنی خواندن و حاجت خواستن و استمداد است و گاهی مطلق خواندن از آن منظور است.

عشایر مردمانی دیندار و به صورت ساده و بی‌آلایش معتقد به اصول و فروع دین و ملتزم به انجام احکام و موازین دینی، مذهبی و امور شرعی می‌باشند. عشایر کوچنده در مقایسه با جوامع یکجانشین شهری و روستایی از امکانات دینی و مذهبی بسیار کمتری برخوردار هستند و از نظر دسترسی به منابع کسب اطلاعات و احکام دینی و مذهبی، برخوردار از اماکن دینی و مذهبی مانند مساجد و حسینیه‌ها و اعزام مبلغ دینی و غیره در مضیقه و محرومیت هستند. به همین خاطر در بسیاری از موارد هنوز براساس اصول و مبانی اعتقادی سنتی اکتسابی از آبا و اجدادشان عمل می‌نمایند.

از جهت برگزاری آئین‌ها و مناسبت‌های دینی و مذهبی؛ توجه به شعائر، اعتقادات و مناسک دینی و مذهبی همچنان که در جوامع شهری و روستایی ایران نمود دارد، در جامعه عشایری نیز بسیار ریشه دار است. در بین ایلات و طوایف عشایری اقصی نقاط کشور، با خلوص فراوان، ساده و بیپیرایه، به آئین‌ها و مناسک دینی و مذهبی اهتمام می‌نمایند. مذهب عشایر طایفه ایلخاص شیعه اثنی اشعری است و در کنار برگزاری انواع مراسم و آئین‌های مذهبی، به برگزاری مراسم سالگرد سوگواری سالار شهیدان ابا عبدالله الحسین (ع) و حضرت ابوالفضل العباس اعتقاد و اهتمام خاصی دارند. در این منطقه حتی زمانی که ایام محرم با زمان حضور عشایر در اطرافگاه‌های ییلاقی مصادف می‌شود و خانوارهای عشایری دور از آبادی‌ها و به صورت پراکنده در اطرافگاه‌های موقت بسر می‌برند برای برگزاری مراسم عزاداری سالار شهیدان و باران با وفایش چادری در نظر گرفته و با نصب علم سیاه یا سبز رنگی به عنوان حسینیه یا تکیه استفاده می‌کنند.

برای رشد، ارتقا و تقویت اصول و مبانی اعتقادات دینی عشایر بایستی بخشی از رویکردها و اقدامات اجرایی که مجموعه ارگان‌های مذهبی - فرهنگی ذی‌ربط در روستاها و شهرها انجام می‌دهند در مناطق عشایری هم بکار گرفته شود. از طرف دیگر اهتمام به برنامه‌ریزی برای اعزام و حضور مستمر و منتظم مبلغین مذهبی در مناسبت‌های دینی و مذهبی در مناطق عشایری، در اختیار گذاشتن اقلام فرهنگ دینی و مذهبی، استفاده از شیوه‌های اطلاع‌رسانی جدید برای ابلاغ و اعلان آموزه‌های دینی و مذهبی، گسترش آموزش‌های اعتقادی در مناطق عشایری، برگزاری دوره‌ها، ایجاد اردوهای فرهنگی و کاروان‌های زیارتی، جشنواره‌های دینی و مذهبی و غیره می‌تواند در تأمین بخشی از نیازهای فرهنگ دینی عشایر و تقویت مبانی اعتقادی آن‌ها مفید و مؤثر باشد.

◆ دعاها

دعا نیاز اصلی انسان است و توسل به مرجعی بالاتر از آنچه انسان می‌بیند و مشاهده می‌کند و اعتقاد به منبع و تکیه گاهی ماورایی، کم و بیش در تمام آئین‌ها و مذاهب وجود دارد. چنین مراجعی محل مناجات، درد دل، بیان خواسته‌ها، آمال و آرزوها، استغاثه و تخلیه روانی و آرامش افراد است. در مکتب اسلام به‌ویژه در مذهب جعفری، دعا به درگاه ایزد توانا و توسل به ائمه اطهار (ع) و واسطه قراردادن اولیاء الهی همواره آرامبخش و نشاط‌آور و امری مؤکد بوده و به مسلمانان توصیه شده است. ادعیه فراوانی وجود دارد که انسان را تهییج، تحریک و آرام می‌کند. راهکارهایی را در برابر انسان قرار می‌دهد و امید و آرامش را در نهاد آدمی زنده نگه می‌دارد. این امر در میان ملل، اقشار، طوایف و اقوام مختلف قوت و ضعف دارد و هر کس نیاز درونی و انتظار و آمال خود را به گونه‌ای بازتاب می‌دهد. اهمیت این باور و اعتقاد به حدی است که رمالان و دعانویسان هم از این رهگذر بهره‌مند میشوند و گاه افراد ساده لوح را سرکیسه می‌کنند.

در طایفه ایلخاس به لحاظ پیشینه تاریخی و ریشه‌های عمیق مذهبی همه چیز رنگ و بوی مذهبی دارد. ذکر صلوات، نیایش، نوحه‌خوانی و دعا در پایان سفره و مهمانی و ... از جمله مواردی است که هنوز رواج دارد. در تمام کتب و دست‌نوشته‌هایی که هنوز در خانواده‌های مختلف برجای مانده و در دوران قدیم در مکتبخانه‌ها و یا در مراسم مذهبی مورد استفاده قرار می‌گرفته است، مضامین مذهبی بیش از موارد دیگر به چشم می‌خورد و در اغلب آن‌ها توسل به ائمه (ع) و استعانت از این منابع، رکن اصلی است. مطالب عمدتاً به صورت شعر فارسی و گاه به زبان ترکی است. ولی گویندگان آن‌ها غالباً معلوم نیست. بخش قابل توجهی از دعاها به زبان عربی نوشته شده بود که در این نوشتار از آن‌ها استفاده نشد و به جز اندکی بقیه حذف شد.

اشعاری که مربوط به نماز، نصایح و تحمیدیه است و یا صلوات‌نامه‌هایی که نوعی توسل به ائمه (ع) است، بیش از سایر موارد به چشم می‌خورد. آنچه در ادامه ملاحظه خواهید کرد، از دست-خط‌های موجود برگرفته شده و گاه با افراد مسنی که هنوز اشعار را در حافظه خود داشتند، تطبیق داده شده است تا در مواردی که خوانا نبوده و یا بد خوانده شده است، اصلاح شود و تا حد ممکن اشتباهات کاهش یابد. سعی شده است از مطالبی که بیشتر نوشته‌های مختلف تکرار شده استفاده شود.

آشنایی با قرآن و تلاوت آن در هر روز صبح زود در دل طبیعت و در میان چادرهای طایفه ایلخاس، امری رایج، پسندیده و گاه الزامی بوده و هست. به همین لحاظ در دوران زندگی عشایری، کمتر خانواری از طایفه پیدا میشد که سواد خواندن و نوشتن نداشته باشد. این رویه در مقایسه با سایر طوایف و ایلات اگر منحصربه‌فرد نباشد، بدون تردید کم نظیر است. علاوه بر قرآن مجید که مورد استفاده تقریباً همگان بوده و مفاتیح الجنان که در برخی خانوارهای طایفه وجود داشته، کتب دیگر مانند: شاهنامه، فلکناز، امیر ارسلان، مختارنامه، دیوان حافظ، لیلی و مجنون و ... رایج بوده است. عناوین برخی از موضوعات، داستان‌ها و کتب دیگری که در دوران مکتب‌داری بیشتر مورد استفاده قرار می‌گرفته است، به شرح زیرند:

◀ نصیحت نامه‌ها که متنوع هستند و عموماً مضامین مذهبی دارند.

◀ صلواتنامه.

- ◀ مناجاتنامه.
- ◀ معجزات جناب امیرالمومنین (ع).
- ◀ مناجاتنامه مجرم.
- ◀ لغتنامه.
- ◀ حاجی خداداد.
- ◀ اسکندرنامه.
- ◀ الله قلی.
- ◀ مرگ میش.
- ◀ مناجات با ۱۲ امام (ع).
- ◀ دوازده امام.
- ◀ ملاخطارث.
- ◀ سلطان جمجمه.
- ◀ مناجات با قاضی الحاجات.
- ◀ حکایت مرد شکاک.
- ◀ مهر خاور.
- ◀ عاق والدین.
- ◀ پیری و جوانی.
- ◀ حضرت موسی و سنگتراش.
- ◀ علی سینا.
- ◀ حیدر بیگ و سمنبر (به زبان ترکی).
- ◀ سلطان قیس.
- ◀ مناجات با ۲۹ حروف.
- ◀ مشاجره جام و قلیان.
- ◀ مختارنامه (به زبان ترکی).
- ◀ جهانگیرنامه.
- ◀ گل و بلبل و باغبان.
- ◀ توبه نصح.
- ◀ داستان قزلباش.
- ◀ حکایت مرد لر که رندان فریض دادند.
- ◀ مهمانی خواندن شبان خدا را.
- ◀ حکایت پیر گبر و پیغام دادن به خدا.
- ◀ کتاب ملحمه.
- ◀ داستان گرگ و روباه.
- ◀ داستان رستم با ببر.
- ◀ عجل علی ظهورک یا صاحب الزمان.
- ◀ جنگ علی بن ابی طالب با رستم و اسلام آوردن ایشان.

برخی از مطالب فوق عیناً در ادامه خواهند آمد. پاره‌ای از آن‌ها در پایان در بخش ضمیمه آورده شده است. تعدادی نیز به دلیل حجم زیاد فقط نامشان آمده است و تعداد قابل توجهی از مطالب هم، به همراه متون عربی حذف شده‌اند. در پاره‌ای موارد نیز، به ناچار ادغامی صورت گرفته است تا مواردی که در متون چند بار تکرار شده، حذف و یکجا آورده شوند.

◆ چاووش خوانی

در گذشته سفر به راحتی امروز نبود و به‌ویژه زیارت اماکن متبرکه، چندسالی یک بار اتفاق می‌افتاد. هر سفر چندین هفته و گاه چندین ماه به درازا می‌کشید. زائرین با پای پیاده و یا با استفاده از چهارپایان به زیارت مرقد امام رضا (ع)، کربلا و یا مکه می‌رفتند و در طول سفر ارتباط و تماس‌ها قطع می‌شد. در حرکت و بازگشت رسم چاووش خوانی برقرار بود. علاوه بر دعای خیر برای سلامت مسافران، زائرین کمک‌های نقدی و غیره را نیز برای اجابت دعای حاجتمندان جمع‌آوری نموده و نائب‌الزیاره می‌شدند. ندزی این و آن را با خود می‌بردند تا تقدیم مرجع مورد نظر کنند. به کمک‌های مادی خویشان، بستگان و مشایعت‌کنندگان فتح راه (فط راه، فطریه) می‌گفتند. در این امر اجباری در کار نبود و یک نوع احساس مشارکت در مزایای معنوی سفر به شمار می‌رفت. زائر و زائرین هم کمک‌کنندگان را بی‌نصیب نمی‌گذاشتند و از سوغاتی‌های سفر آنان را بهره‌مند می‌نمودند. مهر، تسبیح، عطر و جانماز بخشی از این رهاورد بود.

اگر کسی به زیارت مرقد امام هشتم حضرت علی بن موسی الرضا (ع) و یا مکه و کربلا می‌رفت، مردم هنگام عزیمت زوار آنان را بدرقه و در برگشتن به استقبال آن‌ها می‌رفتند. چاووش خوانی در هنگام حرکت کاروان زوار برای مکه و یا زیارت قبور ائمه (ع) و بدرقه آنان و در هنگام بازگشت ایشان از سفر بسیار مرسوم بوده است. افراد مختلفی با صدای خوش، چاووش خوانی می‌کردند تا مردم بیشتر برای بدرقه و یا استقبال زائرین جمع شوند. چاووشان، عموماً از مردان بودند؛ افرادی خدانشناس با خلوص نیت و دارای صدای خوش و نفس گرم مانند: کربلایی زین‌العابدین اکبری، حاج غضنفر اکبری و حاج نگهدار یوسفی که از جمله چاووش‌خوانان بنام فامیل بودند.

در گذشته اعزام زائرین به صورت گروهی و آن هم سالی یک یا دو بار و در ایام خاصی اتفاق می‌افتاد. در رفت و برگشت زائرین، اشعاری خوانده می‌شد که آنچه برای رفتن و عزیمت بیان می‌شد با اشعار بازگشت زائرین متفاوت بود. در هر حال جدا از احترام، تقدیس و جنبه‌های مذهبی آن، یک نوع اعلان عمومی و خبررسانی برای ورود یا خروج کاروان بود که امروزه خبری از آن نیست. در هنگام حرکت بخشی از چاووش‌خوانی نیز برای تحریک و تهییج دیگران بود و چه بسا برخی در همان لحظه تصمیم می‌گرفتند تا با کاروان همراه شده و عازم زیارت شوند؛ زیرا همه چیز از روی صداقت و یکرنگی بود.

هنگامی که کسی از مکه یا عتبات عالیات باز می‌گشت جمعی از خویشان و بستگان تا مسافتی به استقبال وی می‌رفتند و در مدخل ورودی از طرف خانواده، اقوام و دوستان نزدیک، گوسفند پیش پای او قربانی می‌کردند پس از دیده‌بوسی؛ حاجی، کربلایی یا مشهدی را با سلام و صلوات و در حالی که یک نفر چاووش می‌خواند و در مسیر راه او اسفند و گندر دود می‌شد، به خانه می‌آوردند. در بازگشت زائرین افراد محرم دیده‌بوسی می‌کردند، ولی افراد نامحرم گوشه‌کت یا قبای مردان و یا گوشه چادر زنان را به نشانه تبرک می‌بوسیدند. اعتقاد بر این بود که فرد زائر بهتر است تا

سه روز پس از بازگشت، از حمام کردن خودداری کند تا گرد لباس او مایه چشم‌روشنی باشد و بعد از سه روز ولیمه و مهمانی می‌دادند. امروزه با توجه به تحولات و گسترش امکانات و سهولت دسترسی در شرایط فعلی، رفتن به مراکز مذهبی امری عادی شده است و ممکن است به شکل مستمر و با وسایل مختلف، به صورت فردی و یا گروهی و حتی بخشی از آن با هدف تفریح و گردشگری صورت گیرد.

◆ بخشی از دعاهایی که در گذشته بیشتر رایج بوده به شرح زیر هستند:

◀ چاووش خوانی

◀ دعای بدرقه زائر

هم به جان علی و جان محمد صلوات
دوم به نجف شیر خدا را صلوات
در طوس غریب الغربا را صلوات

بارها گفت محمد که علی جان من است
اول به مدینه مصطفی را صلوات
در کرب و بلا به شمر ملعون لعنت

◀ دعایی دیگر

یافتم بوی بهشت از مرقد شاه رضا
آب کوثر در میانش شربت بیمارهاست
از حکیمان و طبیبان جهان او را شفاست
سنگ بر تعظیم او، از سنگ غلتان آمده
شرافتش ز وجود علی عمران آمده

شکرالله شد نصیبم مشهد شاه رضا
بر در اول، که سقاخانه آن حضرت است
هرکسی یک جام نوشد، درد او زایل شود
یوسفی از مصر خوبان، در خراسان آمده
اگرچه بیت سنگی شده زیارتگاه

◀ چاووش مخصوص کربلا

طلب نصرت از خدا کردیم
در کف دست خود عصا کردیم
رو به گلزار کربلا کردیم
در عوض ما به او دعا کردیم

چون که ما عزم کربلا کردیم
اول از شوق مدح بسم الله
دل ز شهر و دیار بر کنده
هرکه در حق ما بدی‌ها کرد

◀ وقت برگشت از کربلا و نجف این شعر را می‌خوانند

روی پر گرد و غبار از کربلا آورده‌ایم
در عوض ما به او دعا کردیم
بوی مشک و عنبر و عطر و گلاب آورده‌ایم
شکر الله در عوض بار ثواب آورده‌ایم

ما سلام از روضه شیر خدا آورده‌ایم
هر که در حق ما بدی‌ها کرد
بس که رخ مالیده‌ایم بر مرقد شاه نجف
برده بودیم ما بسی جرم و گنه در کربلا

◀ وقت برگشتن از زیارت امام رضا (ع) این دعا را می‌خوانند: چاووش نامه

شکر لله شد نصیبم شاه رضا
داد توفیقم خداوند کریم ذوالجلال
بود خالی جای یاران جملگی از مرد و زن
پا نهادم چون به مسجد یادم آمد از بهشت
ذکر گویان دیده گریان در میان کفش کن
بر در اول که سقاخانه آن حضرتست
هر که زو یک جام نوشد درد او زایل شود
چون زیارت نامه خواندم باز آوردم به یاد

یافتم بوی بهشت از مرقد شاه رضا
توتیای چشم کردم خاک ایوان طلا
در حریم کعبه سلطان علی بن موسی الرضا
صحن او دارد شرف بر قصر جنات العلی
پا نهادم اشک جاری شد مرا از دیده‌ها
آب کوثر در میانش شربت بیمارها
از حکیمان و طبیبان جهان او را شفا
حق حقداران و حق قوم و خویش و اقربا



قبر امام هشتم سلطان دین رضا
امام هشتمین جانم فدایش
خداوندا نما هر دم تو لعنت

از جان ببوس و بر در این بارگاه باش
بداده زهر کین مامون برایش
به هارون و به مامون تا قیامت



◀ دعای سفره

خواندن دعای سفره به عنوان یک سنت حسنه هنوز جاری است و در پایان مراسم دادن ولیمه‌ها و به‌ویژه هنگامی که شام و ناهاری به مناسبتی تدارک دیده شده و صرف شود. برخی از این دعاها خوانده می‌شود. ابیات و جملات عوض شده‌اند، اما اصل موضوع وجود دارد. برخی از مطالب قدیم و جدید به شرح زیرند:

◀ دعا در پایان مراسم سفره

بار الها به حق قرب نبی
آن کسانی که می‌دهند نون و ماس
آن کسانی که می‌دهند بلغور
آن کسانی که می‌دهند آبگوش
آن کسانی که می‌دهند پلو

به رسولت، محمد عربی
اجر ایشان به حضرت عباس
در قیامت بده تو جامه نور
در قیامت تو حللهای در پوش
در قیامت بپوش جامه نو

◀ نمونه‌ای دیگر از دعای سفره

خدایا ما کم کردیم، تو آن را زیاد کن

◀ نمونه‌ای دیگر از دعای سفره

الهی که این سفره معمور باد همیشه پر از نعمت و نور باد
که چشم بدانیدش و چشم حسود از این سفره و صاحبش دور باد

◀ دعای سفره به زبان عربی

این دعا هم اکنون نیز مرسوم است و معمولاً در پایان مراسم خوانده می‌شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ بِهِ نَسْتَعِينُ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَطْعَمُ وَ لَا يَطْعَمُ، زَادَ اللَّهُ النِّعْمَ وَ دَفَعَ اللَّهُ النِّقْمَ، بِحَقِّ سَيِّدِ الْعَرَبِ وَ الْعَجْمِ، هُنِيئاً
لِلْكَالِينِ وَ بَرَكَهَ لِلْبَادِلِينِ وَ صِحَّةَ لِلْجَالِسِينِ وَ شِفَاءً لِمَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ سَلَامَةً يَسْفِرُ
الْمَسَافِرِينَ وَ مَغْفِرَةً لِمَوَاتِ الْحَاضِرِينَ سِيَمَا امَوَاتِ صَاحِبِ الْأَطْعَمَةِ وَ الْأَشْرَبَةِ. اللَّهُمَّ طَيِّبْ تَرَابَهُمْ وَ
يَسِّرْ حِسَابَهُمْ وَ احْشُرْهُمْ مَعَ الْأَئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ قَبْرَهُمْ رَوْضَةً
مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَ لَا تَجْعَلْ قَبْرَهُمْ حُفْرَةً مِنْ حُفْرِ النَّيِّرَانِ بِحَقِّ سُورَةِ الْمَبَارَكَةِ الْفَاتِحَةِ مَعَ صَلَوَاتِ.

◀ تکبیر سفر سلامتی هر طعام

بادا همیشه با برکت خوان باذلین
با صاحب سفره و اطعام ای کریم
الخاص آنکه صاحب این خوان نعمت است
آری فتد زحمت اگر نقطه‌ای ز را
یا واهب العطیسه یا رازق الانعام
هرگونه نعمت است به فردوس ای کریم
بهر ضیافت و نعم و دفع هر بلا
وان بذله باده نوش گوارا چو انگبین
اطعام کن ز مائده جنت النعیم
از رحمت رحیم سزاوار رحمت است
زحمت شود به معاینه خود رحمت خدا
ده وسعتی به صاحب این خوان و این اطعام
بر والدین و جمله اموات وی رسان
خواند هر آنکه فاتحه، بیامرزدش خدا

◆ مکتب و مکتب‌خانه

طایفه ایلخاس از آن گروه‌های ایلی بوده‌اند که از ابتدا به آموزش و ضرورتاً برای آشنایی و قرائت قرآن اهمیت فراوانی قائل شده‌اند و تقریباً در تمامی خانوارها حتی در میان زنان، افرادی باسواد مکتب‌خانه‌ای وجود داشته و برخی از آن‌ها هنوز در قید حیات هستند. گزارش دوره یک مکتب‌خانه به شرح زیر بوده است:

ورود به مکتب‌خانه تابع تشریفات نبود. نوآموز ابتدا با یک کله قند، دو برگ کاغذ، قلم و دوات، زیرانداز به همراه فردی از اهل خانه وارد مکتب‌خانه می‌شد و دانش‌آموز تحویل ملا می‌شد. یادگیری الفبا آغاز می‌شد. از زمانی که درس شروع می‌شد تقریباً به شرح زیر بود:

در ابتدا ملا بر روی کاغذ می‌نوشت: بسم الله الرحمن الرحيم

درس اول: اول کار به نام خدا پس مبارک بود چو فرهما

درس بعد: رقم و نقطه ۱ ۲ ۳ سر بر زیر

درس بعد: دو سر (ءُ)، دو بر (ةُ)، دو زیر (ةُ)، مد را می کشیم
 درس بعد: جَزم را هم می زنیم، تشدید را سَخْت می گیریم، همزه را به جای الف می نشانیم.
 لغ پیوسته، لغ پیوسته و ...

حروف: الف، ب، ... یا

الف با سر: ا ب ت ...

الف با بر: ا ب ت ...

الف با زیر: ا ب ت ...

الف با دو سر و دو بر و دو زیر: ا ا ب ب ت ت ت ت ...

درس بعد: ابجد، هوز، حطی، کلمن، سَعَفَص، قَرَشَت، تَخَذ، ضَطْعَلَا

از این مرحله به بعد آموزش قرآن با سوره حمد و سایر سوره های کوچک قرآن (جزء سیام) شروع می شد و در مسیر آموزش اصطلاحاتی رایج بود که برخی به شرح زیرند:
 ◀ موقعی که دانش آموز به سوره همزه می رسید گفته می شد: ویل لکل دو مرغ کول؛ یعنی اینکه دو مرغ برای ملا بیاور، گرچه خیلی هم جدی نبود؛ گاهی عمل می شد و گاهی نیز بستگی به وضعیت اقتصادی خانواده داشت.

◀ موقعی که جزء سیام قرآن ختم می شد، گفته می شد: عمه قبا ی پرنبه. این قبا که زیر قبا ی اصلی استفاده می شد نوعی گرم کن بود و به ویژه در زمستان برای ملا آورده می شد. این جا مقطع تعیین کننده ای بود و دانش آموز از این پس تقریباً شروع به خواندن قرآن می کرد. لذا در برخی موارد بره هدیه می دادند و یا مقداری پول داده می شد که میزان هدایا به وسع خانواده بستگی داشت.
 دانش آموزی که به مکتب می آمد تا قبل از ختم جزء سیام قرآن یک کیسه پارچه ای به نام «قولوق» به همراه داشت که وسایل خود را در آن می گذاشت؛ ولی با ختم جزء مذکور چنته بر می داشت زیرا هم خود اعتباری پیدا کرده بود و هم قرآن، کتب دیگری برای خواندن، کاغذ، دو نمره قلم، جوهر، دوات، قلمدان و ... را باید در آن جای داد. چنین دانش آموزی هر صبح با ورود به مکتب خانه می بایست ابتدا یک جزء قرآن را بخواند، دو درس برای حفظ کردن از ملا بگیرد و تا عصر همان روز حفظ نموده و به ملا ارائه کند. بر روی یک برگ، خطی به عنوان سرمشق بگیرد و تمام آن برگ را تکراری بنویسد و در پایان به تأیید ملا برساند و ...

◆ مکتبداران شناخته شده طایفه ایلخاص به شرح زیر بوده اند:

سید علی باز ۲ - سید خدارحیم ۳ - ملا غریبعلی ۴ - ملا یوسف علی ۵ - ملا عبدالله ۶ - مشهدی سلیمان ۷ - حاج پنجعلی ۸ - حاج مظفر ۹ - حاج الیاس.

در طایفه ایلخاص هیچ فردی منتسب به ائمه و یا سادات وجود ندارد و مکتب دارانی که با نام سید در اینجا آورده شده اند مطمئناً از سایر طوایف و یا مناطق دیگر برای آموزش دعوت شده اند.

◆ صلوات نامه

در گذشته یکی از موضوعات رایج و عمومی در طایفه ایلخاص، اذکار صلوات نامه ها بوده است. در اوراقی که دسترسی به آنها میسر شد، تقریباً در اغلب آنها صلوات نامه وجود داشت. در هر کدام هم ابیات مشترک و هم ابیات مستقل و متفاوت دیده می شد که در این نوشتار در یکدیگر ادغام

و موارد تکراری نیز، حذف شده است. آنچه در زیر آمده، ابیات یکپارچه شده صلواتنامه است. با توجه به یکی از ابیات انتهایی به نظر می‌آید افراد گوناگونی هم ابیاتی به آن اضافه کرده‌اند. در دوران زندگی ایلی رسم بر این بود که عصر هر پنجشنبه و در آستانه روز جمعه، آن‌هایی که به مکتب‌خانه می‌رفتند دور هم جمع می‌شدند. ابتدا سوره‌های یس، الرحمن، واقع، جمعه، ملک، تبارک الذی، هل اتی، عم و ... به صورت چرخشی قرائت می‌شد. سپس نماز به جماعت برگزار می‌شد و امام جماعت نیز نوبتی بود که بایستی با صدای بلند قرائت می‌کرد. در پایان فرد و یا افرادی در ابتدا با صدای رسا اشعار صلواتنامه را می‌خواند و بقیه صلوات می‌فرستادند و در ادامه هم قصیده «علی سید علی سرور» خوانده می‌شد.

◆ دعای اختتامیه

در پایان نیایش‌ها، اشعار، صلواتنامه‌ها، تحمیدیه‌ها، اذکار و دعاها و مطالب نوشته شده که در دسترس قرار گرفت، شعر و یا اشعاری را برای اختتامیه استفاده می‌کردند که غالباً مدح، دعا و یا استمداد از ائمه (ع) است. هر کدام از این ابیات به صورت تک بیت، دو بیت و بیشتر در پایان هر مطلب اضافه شده بودند که معدودی به زبان ترکی هستند. نمونه‌های زیر از آن دسته‌اند که همه جمع‌آوری و در این قسمت یکجا آورده شده‌اند.

هزاران درود و هزاران صفا	◆◆◆	زما باد بر حضرت مصطفی
هر آنکس که گوش دهد بر این کتاب	◆◆◆	یا مرزدش ای کردگار وهاب
هزاران درود و هزار نور عین	◆◆◆	زما باد بر آن پاک حسین
نوشتیم و رفتیم و بگذاشتیم	◆◆◆	بدینگونه تخمی ور کاشتیم
الهی به حق جناب رسول	◆◆◆	اطاعات مارا بفرما قبول
کسانی که بیرون شدند از راه راست	◆◆◆	هدایت بفرمای چندان که خواست
تو یا رب به حق علی و ولی	◆◆◆	به سهل گردان تو هر مشکلی
به آن‌ها که بیراهه گشتند ز راه	◆◆◆	هدایت بفرما بیاور تو راه
مونو یازدوم یادگار قالماق ایچون	◆◆◆	اوخویا نلار بیر دعا قیلیمان ایچون

پیامدهای اقتصادی اسکان عشایر در کانون‌های توسعه استان آذربایجان غربی

دکتر احمد رحیمی^۱

چکیده:

اصولاً هر برنامه توسعه‌ای و عمرانی که اجرا می‌شود اثرات و پیامدهای مختلفی را به دنبال خود دارد. از جمله آن‌ها پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فضایی است. به علت گستردگی موضوع، در این مقاله فقط به جنبه‌های اقتصادی پرداخته می‌شود. هدف از این مقاله بررسی آثار و پیامدهای اقتصادی اسکان عشایر در سه کانون توسعه شیپلو، سیدآباد و شیخ معروف در استان آذربایجان غربی بوده است. روش تحقیق این پژوهش به صورت اسنادی و پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه، مصاحبه و مشاهده است. برای تعیین حجم نمونه از روش شارپ - کوکران استفاده شده و خانوارهای نمونه براساس شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای - فضایی تعیین گردید. پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ها، اطلاعات میدانی با استاندارد از نرم افزار SPSS استخراج و همبستگی داده‌ها براساس روش اسپیرمن آ تهیه شد. نتایج حاصله نشان داد پس از اسکان عشایر، میزان اراضی آنان افزایش یافته، مقدار تولیدات کشاورزی فزونی یافته و درآمد عشایر نیز افزایش یافته است. ولی این افزایش درآمد موجب رضایت عشایر نشده است زیرا به موازات افزایش درآمد عشایر میزان هزینه‌های عشایر نیز فزونی یافته است.

واژگان کلیدی: عشایر، اثرات اقتصادی، اسکان، آذربایجان غربی

مقدمه:

در طول تاریخ ایران، عشایر همواره نقش مؤثری در عرصه اقتصادی و سیاسی داشته‌اند. اگر چه با فروپاشی نظام ایلی نقش سیاسی عشایر به شدت از بین رفته و نقش اقتصادی آن‌ها نیز به دلایل مختلف مانند واردات محصولات کشاورزی از جمله گوشت قرمز، تخریب مراتع، سنتی ماندن شیوه دامداری، بی‌سوادی اکثر تولیدکنندگان، کمبود سرمایه‌گذاری و ... کاهش یافته است. از آنجا که ساماندهی به اسکان عشایر موجب تغییراتی در شیوه زیست و معیشت عشایر می‌شود، بدون شک این پدیده آثاری از خود به جای می‌گذارد. در طرح ساماندهی به اسکان عشایر، تلاش می‌شود تا به اقتصاد عشایر تنوع داده شده و فرصت‌های شغلی دیگری برای جامعه هدف ایجاد شود. به همین منظور واگذاری آب و زمین به خانوارهایی که اسکان داده می‌شوند و یا ایجاد دامداری‌های جدید از جمله این فعالیت‌ها است. لازم به ذکر است با توجه به شرایط

۱ - مدیرکل دفتر امور تعاونی‌ها و نظام بهره‌برداری سازمان امور عشایر ایران.

خاص طبیعی و انسانی هر منطقه، برنامه ویژه‌ای برای هر کانون در نظر گرفته می‌شود. از آنجا که بهره‌داری کامل از زمین‌ها نیازمند یک دوره زمانی حداقل ۵ ساله است، در اوایل اجرای طرح علی‌رغم کاهش درآمد عشایر از دامداری از یک طرف و افزایش نیافتن درآمد خانوارهای اسکان یافته از زمین‌های واگذاری از طرف دیگر و همچنین افزایش هزینه‌های زندگی آن‌ها، موجب نارضایتی بیشتر خانوارهای عشایری شده است. مطالعات دیگری هم که در این زمینه انجام شده نشان‌دهنده همین مطلب می‌باشد. به نحوی که در ارزیابی اقتصادی اسکان عشایر در دشت بکان فارس ۴۰ درصد خانوارهای اسکان‌یافته مدعی شده‌اند که پس از اسکان، وضع آن‌ها بدتر شده ولی اکثریت همین جامعه اعلام کرده‌اند حاضر به بازگشت به زندگی عشایری قبلی خود نمی‌باشند. (سلطانی و زیبایی، ۱۳۷۸). در مطالعه‌ای که در مورد اسکان عشایر همدان انجام شده ۲۴ درصد عشایر اظهار داشته‌اند پس از اسکان، درآمد آن‌ها کاهش یافته و ۳۵ درصد اظهار کرده‌اند درآمد آن‌ها فرقی نکرده است. (محمدی و جهانگیری، ۱۳۸۲). در مقاله‌ای که توسط سه نفر از محققین بر روی کانون‌های اسکان بکان در استان فارس، قراب در چهار محال و بختیاری و گل‌افشان در اصفهان انجام شده، مشخص گردیده درآمد عشایر پس از اسکان افزایش یافته است. (صدیایی، پاپلی یزدی و دیگران، ۱۳۸۳، ص ۶۴). در دو کانون ملای بلوط و تل شوره در استان فارس اگر چه مشکلات زندگی مردم به علت اسکان تاحدودی کاهش یافته، ولی اکثر عشایر بر ایجاد اشتغال به‌ویژه برای جوانان تأکید داشته‌اند. زیرا به دلیل کمبود فرصت‌های شغلی عشایر مجبور به انجام کارگری جهت تأمین درآمد خود شده‌اند (امیر عضدی، ۱۳۸۵). محقق دیگری در رساله دکتری خویش که در شش کانون توسعه در استان چهارمحال و بختیاری به انجام رسیده مدعی شده، در زمینه اجتماعی تأثیرات مثبتی در جامعه اسکان‌یافته مشاهده می‌شود ولی در زمینه اقتصادی، نه‌تنها پایداری ایجاد نشده، بلکه به ناپایداری و وضعیت اقتصادی خانوارها منجر شده است. (رضایی، ۱۳۸۶). لذا به نظر می‌رسد به منظور پایداری اسکان عشایر در کانون‌های توسعه باید به موضوع اشتغال و درآمد عشایر و در یک کلام اقتصاد خانوارهای عشایری توجه بیشتری صورت پذیرد. در این مقاله سعی شده به پیامدهای اقتصادی عشایر در سه کانون توسعه در استان آذربایجان غربی مورد بررسی قرار گیرد.

مواد و روش‌ها:

روش تحقیق این مقاله به صورت اسنادی^۱ و پیمایشی^۲ انجام شده است. اطلاعات مورد نظر به وسیله مشاهده، مصاحبه و تکمیل پرسش‌نامه جمع‌آوری گردیده است. با توجه به اهداف مطالعه، سئوالات و فرضیات، پرسش‌نامه‌ای با ۵۷ سوال تهیه و در مرحله اول اقدام به آزمایش مقدماتی^۳ در کانون‌ها شد. در مرحله دوم پس از اصلاحات لازم، اقدام به تکمیل پرسش‌نامه‌ها شد. برای تعیین حجم نمونه از روش آماری شارپ - کوکران استفاده گردید و با توجه به اینکه جامعه آماری در سه کانون مورد مطالعه ۳۱۰ خانوار بود حجم نمونه ۵۰ خانوار محاسبه شد که حدود ۲۰ درصد جامعه آماری را تشکیل می‌دهد که براساس تجربی نیز منطقی به نظر می‌رسد.

۱ - Documental

۲ - survey

۳ - pre - test

با توجه به اینکه تعداد خانوارها در سه کانون مورد مطالعه متفاوت بود، لذا براساس روش خوشه‌ای، فضایی از هر یک از کانون‌ها به نسبت تعداد خانوارهای ساکن اقدام به نمونه‌گیری و تکمیل پرسش‌نامه گردید. سپس با استفاده از نرم افزار SPSS اطلاعات به دست آمده از پرسش‌نامه‌ها پردازش، تجزیه و تحلیل و مورد آزمون قرار گرفت.

مبانی نظری و فرضیه:

برنامه دولت برای اسکان عشایر با هدف توسعه زندگی آن‌ها انجام می‌شود. با تغییر شیوه زندگی از کوچندگی به یکجانشینی باید برای خانوارها مشاغل جدیدی را ایجاد نمود. یکی از دیدگاه‌های مربوط به توسعه زندگی عشایر بحث اسکان عشایر است. براساس دیدگاه‌های موافق با اسکان عشایر و پایان کوچ نشینی، کاهش تدریجی جمعیت کوچ‌نشین و تنگ‌تر شدن عرصه و معیشت مبتنی بر دامداری سنتی و تحولات عمیق و فراگیر جوامع بشری در زمینه علمی، فرهنگی و ارتباطات، ادامه این شیوه از معیشت را بیش از پیش غیرمنطقی و ناممکن ساخته است. به علاوه جامعه متحول امروز که از انفجار تولید، انقلاب و اطلاعات و دنیای فراصنعتی سخن می‌گوید بی‌تردید عضو فلج و ناهمگون را در بلندمدت بر پیکره خود تحمل نخواهد کرد. براساس این نظریه دوران کوچ‌نشینی به سر آمده و در جهان متحول امروزی ادامه شیوه معیشت کوچ‌نشینی مورد پذیرش نیست (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳، ص ۲۵۵). طرفداران نظریه اسکان عشایر، سختی‌های زندگی کوچندگی و گرایش عشایر به سمت اسکان، تخریب مراتع به دلیل بهره‌برداری بی‌رویه و فشار دام بر مراتع و به هم خوردن تعادل اکولوژیک مراتع، محرومیت و فقر جامعه عشایری و در مجموع پایین بودن شاخص‌های توسعه انسانی را، دلیل اعتقاد خود برای اسکان عشایر می‌دانند. سازمان مدیریت و برخی از صاحب‌نظران دانشگاهی نیز به این دیدگاه اعتقاد دارند. البته در مجموع اکثریت عشایر نیز به دلیل سختی‌های زندگی کوچندگی و جاذبه‌های یکجانشینی به اسکان تمایل بیشتری دارند. این تمایل به‌ویژه در بین جوانان و زنان بیشتر است.

فرضیه:

با توجه به اقدامات دولت برای اسکان عشایر فرضیات زیر برای این تحقیق در نظر گرفته شد.
۱- اسکان و واگذاری زمین با امکانات دیگر به عشایر موجب بهبود وضعیت اقتصادی و رضایت آن‌ها از زندگی می‌شود.
۲- ایجاد مشاغل جدید در کانون‌های توسعه موجب کاهش تعداد دام و بهبود مراتع می‌شود.

محدوده جغرافیایی پژوهش:

این تحقیق در سه کانون اسکان عشایر در استان آذربایجان غربی انجام پذیرفته است. این نقاط عبارتند از: کانون‌های شیبیلو در شهرستان پلدشت که در حاشیه جنوبی دریاچه سد ارس (شمال استان) قرار گرفته است. کانون توسعه سیدآباد (کوم) در غرب شهرستان سلماس و نزدیکی مرز ترکیه واقع شده است. کانون توسعه شیخ معروف در شهرستان نقده (جنوب دریاچه ارومیه) و کنار جاده ارومیه - مهاباد قرار دارد.
کانون توسعه شیبیلو از نوع هدایتی (برنامه‌ریزی شده) و کانون‌های سیدآباد و شیخ معروف حمایتی (خودجوش) هستند.

عشایر کانون شیپلو کرد و از طایفه شیخ کانلو از ایل میلان هستند. مطالعات و عملیات اجرایی کانون شیپلو از اوایل دهه ۱۳۷۰ آغاز و در سال ۱۳۷۶ زمین‌ها به عشایر واگذار شده است. در این کانون توسط سازمان آب منطقه ای ایستگاه پمپاژ در کنار رود ارس احداث گردیده و آب به محل زمین‌ها توسط دو خط لوله منتقل شده است. امور عشایر استان نیز اقدام به احداث شبکه‌های ثانویه آبیاری، احداث زیرساخت‌های سایت اسکان (میلاد شهر)، واگذاری ۷۴۷ هکتار اراضی داخل شبکه برای اسکان ۱۷۱ خانوار نموده است.

عشایر کانون سیدآباد (کوم) از طایفه حسینی ایل سادات هستند. ایل سادات در بیشتر نقاط آذربایجان غربی پراکنده‌اند. ویژگی بارز اجتماعی آن‌ها سید بودن و از نظر مذهبی پیروی از مذهب اهل سنت بودن است. مطالعات مربوط به کانون سیدآباد از اواخر دهه ۱۳۷۰ آغاز گردید و عملیات اجرایی آن توسط بخش‌های مختلف جهاد کشاورزی طی یک اقدام مشترک و در قالب طرح ملی تعادل دام و مرتع و ساماندهی به اسکان عشایر به عنوان الگو انجام شده که عبارتند از: فعالیت‌های آبخیزداری، بهسازی و نوسازی اماکن دامی، آموزش‌های ترویجی، پرداخت تسهیلات جهت خرید دام سنگین و...

عشایر کانون شیخ معروف به طایفه مستقل حیدرلو وابسته هستند که در ۱۵ قشلاق سولدوز نقده پراکنده‌اند. مرکز قشلاق این عشایر روستای شیخ معروف است که در جنوب غربی کانون واقع شده است. براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ تعداد جمعیت این روستا ۲۳۸ نفر متشکل از ۴۸ خانوار بوده است. امور عشایر استان براساس مطالعات انجام یافته اقدام به حفر ۴ حلقه چاه مجهز به پمپ برقی نموده و هر حلقه چاه و زمین‌های پایاب آن به یک گروه بهره برداری واگذار شده است. در مجموع حدود ۱۴۰ هکتار زمین به ۳۴ خانوار عشایر واگذار شده که حداقل ۲/۵ و حداکثر ۵/۵ هکتار بوده است.

با توجه به مقدار زمین‌های واگذاری و بالا بودن PH خاک، در مجموع اراضی واگذاری نمی‌توانند درآمد کافی برای عشایر ایجاد نماید. همچنین برای ترویج گاوداری به ۱۰ نفر از اهالی تسهیلات خرید دام پرداخت شده است.

یافته‌های تحقیق:

♦ واگذاری اراضی زراعی به خانوارهای عشایری و تأثیر آن بر اسکان عشایر:

یکی از روشهای رایج در ساماندهی به زندگی عشایر، تبدیل زمین‌های مرتعی به زمین‌های زراعی آبی با فراهم کردن منابع آب به اشکال گوناگون، از جمله استفاده از آب رودخانه‌ها یا حفر چاه است. در محدوده مورد مطالعه، در دو کانون شیپلو و شیخ معروف با واگذاری زمین به عشایر کوچنده، سعی شده منابع درآمدی دیگری برای عشایر فراهم شود تا به این وسیله هم شیوه زیست عشایر تغییر پیدا کند، هم فشار دام بر مراتع کاهش یابد و هم در میزان درآمد خانوارهای عشایری افزایش حاصل شود. در کانون سیدآباد به دلیل نبودن منابع آب و خاک جدید یا واگذاری امکانات جهت ساخت اصطبل و ارائه وام جهت خرید دام، سعی در ساماندهی به زندگی عشایر شده است. لذا تعداد بالای سوالات بیجواب در این بخش به دلیل عدم واگذاری زمین به عشایر کانون سیدآباد است.

نتایج بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد، در کانون شیبلو به ۳۰/۸ درصد خانوارها کمتر از ۳ هکتار، به ۲۳/۱ درصد خانوارها ۴-۳ هکتار، به ۱۱/۵ درصد خانوارها ۵-۴ هکتار و به ۳/۸ درصد خانوارهای نمونه بیش از ۵ هکتار زمین واگذار شده است و ۳۰/۸ درصد خانوارها نیز به این سوال پاسخ نداده‌اند. در دو کانون سیدآباد و شیخ معروف که باید فقط آن را برای کانون شیخ معروف در نظر گرفت، هیچ یک از خانوارهای نمونه کمتر از ۳ هکتار زمین دریافت نکرده‌اند، ۴/۲ درصد خانوارها ۴-۳ هکتار زمین دریافت نموده‌اند، ۲۹/۲ درصد خانوارها ۵-۴ هکتار و به ۸/۳ خانوارها بیش از ۵ هکتار زمین واگذار شده است و ۵۸/۳ درصد خانوارها که همان خانوارهای نمونه کانون سیدآباد هستند، به این سوال پاسخ نداده‌اند. در مجموع سه کانون نیز به ۱۶ درصد خانوارها کمتر از ۳ هکتار، به ۱۴ درصد ۴-۳ هکتار، به ۲۰ درصد ۵-۴ هکتار و به ۶ درصد بیش از ۵ هکتار زمین واگذار شده و ۴۴ درصد خانوارهای کل سه کانون به این سوال پاسخ نداده‌اند. بنابراین در کل این سه کانون، اکثریت خانوارها از حدود ۲/۵ تا ۵ هکتار زمین دریافت کرده‌اند.

با توجه به این که گروهی از خانوارهای عشایری کانون‌ها قبل از اجرای طرح نیز دارای مقادیری زمین آبی و دیم در منطقه خود بوده‌اند، تأثیر میزان زمین‌های زراعی واگذاری بر مقدار زمین‌های زراعی فعلی آن‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن به شرح زیر است.

در کانون شیبلو ۳/۸ درصد سرپرستان خانوارها اظهار نموده‌اند زمین‌های زراعی آن‌ها نسبت به قبل از اجرای طرح کمتر شده است. با توجه به این که در اجرای طرح به عشایر زمین واگذار شده، احتمال این وجود دارد که پاسخگو (یک نفر) اقدام به فروش زمین‌های خود نموده است. ۱۱/۵ درصد خانوارها اظهار داشته‌اند در مقدار زمین‌های زراعی آن‌ها فرقی ایجاد نشده و ۶۵/۴ درصد خانوارها اظهار داشته‌اند، میزان زمین‌های زراعی آن‌ها نسبت به قبل از اسکان بیشتر شده است. در دو کانون سیدآباد و شیخ معروف ۵۴/۲ درصد خانوارها - که همان عشایر سیدآباد بوده‌اند - اظهار داشته‌اند در میزان زمین‌های زراعی آن‌ها تغییری ایجاد نشده و ۴۵/۸ درصد سرپرستان خانوارها گفته‌اند، زمین‌های زراعی آن‌ها پس از اسکان افزایش یافته است. در مجموع سه کانون، در ۲ درصد خانوارها زمین‌های زراعی کاهش یافته، در ۳۲ درصد خانوارها در میزان زمین‌های زراعی تغییری ایجاد نشده و ۵۶ درصد خانوارهای کل سه کانون اظهار داشته‌اند میزان زمین‌های آن‌ها افزایش یافته است. بنابراین میتوان گفت با اجرای طرح اسکان در بیش از نیمی از خانوارها زمین‌های عشایر افزایش یافته که همه آن‌ها نیز به صورت آبی کشت میشوند و یکی از نتایج اجرای طرح اسکان، افزایش زمین‌های زراعی عشایر است.

نحوه استفاده از زمین‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفته است. طبق نتایج تحقیقات میدانی، در کانون شیبلو ۷/۷ درصد از خانوارها زمین زراعی خود را در سال زراعی گذشته کشت نکرده بودند. در همین کانون ۶۱/۵ درصد خانوارها زمین مزروعی خود را با همکاری خانواده خود کشت کرده بودند. هیچ یک از خانوارها زمین خود را اجاره نداده بوده‌اند و هیچ کدام از آن‌ها به صورت مزارعه آن را در اختیار دیگران قرار نداده بودند. البته ۳۰/۸ درصد از خانوارها به این سوال پاسخ نداده‌اند که این گروه احتمالاً جزء افرادی هستند که یا زمین ندارند و یا احتمالاً زمین خود را به اصفهانیها جهت کشت هندوانه اجاره داده‌اند، ولی نخواستند موضوع اجاره زمین را اعلام نمایند. لازم به یادآوری است، تعدادی از کشاورزان اصفهانی پس از راه‌اندازی کانون شیبلو به این منطقه مراجعه و زمین زراعی عشایر را اجاره و در آن اقدام به کشت هندوانه می‌نمایند. البته گروهی از جوانان منطقه هم به عنوان کارگر کشاورزی، برای بهره برداران اجاره کار اقدام به کارگری به صورت روزمزد می‌نمایند.

در دو کانون سیدآباد و شیخ معروف ۴/۲ درصد از خانوارها اعلام نموده‌اند، در سال زراعی گذشته زمین آن‌ها کشت نشده (بایر - آیش) و ۷۰/۸ درصد آن‌ها اظهار کرده‌اند، زمین‌های خود را شخصاً با همکاری خانواده خود کشت نموده‌اند. بقیه نیز به این سوال پاسخ نداده‌اند. در مجموع سه کانون نیز ۶ درصد خانوارها زمین خود را کشت نکرده و ۶۶ درصد آن‌ها شخصاً اقدام به کشت زمین‌های خود کرده‌اند و ۲۸ درصد مجموع آن‌ها نیز به این سوال پاسخ نداده‌اند. همان طور که گفته شد این گروه احتمالاً فاقد زمین بوده‌اند.

◆ تأثیر طرح اسکان عشایر بر میزان تولیدات و درآمد عشایر از زراعت و باغداری:

با توجه به این که در اجرای طرح اسکان در کانون شیبلو و شیخ معروف اقدام به واگذاری زمین زراعی به عشایر شده، لذا پیشبینی می‌شود که عشایر با بهره‌گیری از این زمین‌ها، اقدام به تولید محصولات زراعی و باغی نمایند و کم کم سهم این تولیدات و درآمد آن‌ها از این بخش در زندگی آن‌ها افزایش یابد. بررسیهای میدانی نشان می‌دهد، در کانون شیبلو ۳/۸ درصد از سرپرستان خانوارها اظهار کرده‌اند پس از اسکان میزان تولیدات زراعی و باغی آن‌ها کاهش یافته، ۷/۷ درصد اعلام نموده‌اند تولیدات آن‌ها در این بخش فرقی نکرده، در ۶۵/۴ درصد خانوارها تولیدات زراعی و باغی بیشتر شده و ۷/۷ درصد اعتقاد داشته‌اند تولیدات آن‌ها در این بخش خیلی بیشتر شده است. ۱۵/۴ درصد افراد نیز به این سوال پاسخ نداده‌اند.

در دو کانون سیدآباد و شیخ معروف، در ۶۲/۵ درصد خانوارهای مشمول طرح، پس از اسکان تولیدات زراعی و باغی آن‌ها تفاوتی نکرده و در ۳۷/۵ درصد خانوارها تولیدات آن‌ها در این بخش افزایش یافته است. دلیل اصلی عدم تفاوت تولیدات زراعی و باغی عشایر در این کانون‌ها این است که در کانون سیدآباد زمین زراعی به عشایر واگذار نشده و این نتیجه منطقی است. در مجموع سه کانون، ۲ درصد اظهار نموده‌اند تولیدات آن‌ها کاهش یافته، در ۳۴ درصد خانوارها تولیدات فرقی نکرده، ۵۲ درصد پاسخگویان اظهار کرده‌اند تولیدات زراعی و باغی آن‌ها بیشتر شده و ۴ درصد اعلام کرده‌اند تولیدات آن‌ها خیلی بیشتر شده و ۸ درصد نیز به این سوال پاسخ نداده‌اند. در یک جمع‌بندی کلی میتوان گفت، واگذاری زمین زراعی موجب بیشتر شدن تولیدات زراعی در جامعه عشایری شده و سهم آن در میزان تولیدات آن‌ها افزایش یافته است.

در پرسش دیگری، درآمد عشایر مشمول طرح اسکان از زراعت و باغداری نیز مورد بررسی قرار گرفت. براساس نتایج این بررسی در کانون شیبلو درآمد ۲۳/۱ درصد خانوارها از زراعت و باغداری تفاوتی نکرده، در ۶۱/۵ درصد خانوارها درآمد زراعت و باغداری بیشتر شده و در ۳/۸ درصد خانوارها این بخش از درآمد خیلی بیشتر شده است. ۱۱/۵ درصد نیز به این سوال پاسخ نداده‌اند. در کانون‌های سیدآباد و شیخ معروف در ۴/۲ درصد خانوارها درآمد از زراعت و باغداری کاهش یافته، در ۶۲/۵ درصد آن‌ها فرقی نکرده و در ۳۳/۳ درصد خانوارها، درآمد عشایر از این بخش بیشتر شده است. تغییر نکردن درآمد اکثریت خانوارها در این بخش را میتوان به دلیل عدم واگذاری یا توسعه زمین‌های زراعی عشایر در کانون سیدآباد دانست. در مجموع سه کانون ۲ درصد پاسخگویان اظهار کرده‌اند درآمد آن‌ها از زراعت و باغداری کاهش یافته، ۴۲ درصد بیان کرده‌اند که درآمد آن‌ها فرقی نکرده، ۴۸ درصد آن‌ها اظهار کرده‌اند درآمد آن‌ها بیشتر شده و ۲ درصد نیز اعلام کرده‌اند درآمد آن‌ها خیلی بیشتر شده و ۶ درصد بقیه نیز به این سوال پاسخ نداده‌اند. در جمع‌بندی کلی میتوان گفت، طرح اسکان عشایر در این سه کانون با توجه به اینکه فقط در دو کانون زمین زراعی واگذار شده، به همان نسبت موجب افزایش تولیدات زراعی و در

نتیجه افزایش سهم درآمد عشایر از این محصولات شده است. افزایش درآمد عشایر از زراعت و باغداری در کانون شیپلو کاملاً محسوس و در کانون‌های حمایتی کمتر بوده و از این نظر اثرات زیادی در این کانون مشاهده نمی‌شود.

جدول شماره ۱: تأثیر طرح اسکان بر تولیدات و درآمد عشایر از زراعت و باغداری (به درصد)

سه کانون				سیدآباد - شیخ معروف				شیپلو				محدوده
خیلی بیشتر شده	بیشتر شده	فرقی نگرفته	کمتر شده	خیلی بیشتر شده	بیشتر شده	فرقی نگرفته	کمتر شده	خیلی بیشتر شده	بیشتر شده	فرقی نگرفته	کمتر شده	گزینه
۴	۵۲	۳۴	۲	--	۳۷/۵	۶۲/۵	--	۷/۷	۶۵/۴	۷/۷	۳/۸	میزان تولیدات زراعی و باغی
۲	۴۸	۴۲	۲	--	۳۳/۳	۶۲/۵	۴/۲	۳/۸	۶۱/۵	۲۳/۱	--	درآمد از زراعت و باغداری

منبع: تحقیقات میدانی نگارنده

◆ تأثیر اسکان بر تعداد دام خانوارها:

به منظور بررسی تأثیر اجرای طرح ساماندهی به اسکان عشایر تعداد دام خانوارها اعم از گوسفند و بره، بز و بزغاله، گاو و گوساله و دام بارکش قبل و بعد از اسکان عشایر مورد سوال قرار گرفت. با توجه به متفاوت بودن دام‌ها و تبدیل دام برخی از خانوارها از دام سبک به دام سنگین و برای امکان مقایسه، تعداد دام‌ها به واحد دامی براساس استانداردهای کشور انجام و واحد دامی خانوارها و کانون‌ها محاسبه و مورد مقایسه قرار گرفت.

براساس نتایج بدست آمده، در کانون شیپلو ۲۰/۷ درصد خانوارها قبل از اجرای طرح فاقد دام بوده‌اند که پس از اسکان، تعداد آن‌ها به ۵۸/۳ درصد رسیده است.

تعداد خانوارهایی که قبل از اسکان بین صفر تا ۵۰ واحد دامی داشته‌اند ۱۶/۷ درصد بوده که این تعداد بعد از اسکان نیز ثابت باقی مانده است. اما تعداد خانوارهایی که بین ۵۱ تا ۱۰۰ واحد دامی داشته‌اند از ۲۹/۲ درصد به ۲۰/۸ درصد کاهش یافته است. بر همین اساس تعداد خانوارهایی که بین ۱۰۱ تا ۱۵۰ واحد دامی داشته‌اند از ۲۰/۸ به ۴/۲ درصد کاهش داشته است و در مجموع قبل از اسکان ۱۲/۶ درصد خانوارها بیش از ۱۵۰ واحد دامی داشته‌اند که تعداد آن‌ها به صفر رسیده است. بنابراین با اجرای طرح اسکان و واگذاری زمین، تعداد خانوارهای دارای دام به شدت کاهش یافته است.

جدول شماره ۲: مقایسه تعداد واحد دامی عشایر قبل و بعد از اجرای طرح اسکان (به درصد)

سه کانون		سیدآباد - شیخ معروف		شیپلو		محدوده طبقات (واحد دامی)
بعد از اسکان	قبل از اسکان	بعد از اسکان	قبل از اسکان	بعد از اسکان	قبل از اسکان	
۳۱/۳	۱۰/۴	۴/۲	--	۵۸/۳	۲۰/۷	بدون دام
۲۲/۹	۱۸/۸	۲۹/۱	۲۰/۸	۱۶/۷	۱۶/۷	۱-۵۰
۲۰/۸	۲۷/۱	۲۰/۹	۲۵	۲۰/۸	۲۹/۲	۵۱-۱۰۰
۸/۳	۱۶/۶	۱۲/۵	۱۲/۵	۴/۲	۲۰/۸	۱۰۱-۱۵۰
۲/۱	۱۰/۴	۴/۱	۱۶/۷	--	۴/۲	۱۵۱-۲۰۰
--	۴/۲	--	--	--	۸/۴	۲۰۱-۲۵۰
۴/۲	۶/۳	۸/۴	۱۲/۵	--	--	۲۵۱-۳۰۰
۶/۳	۲	۱۲/۵	۴/۲	--	--	۳۰۱-۳۵۰
۴/۲	۴/۲	۸/۳	۸/۳	--	--	۳۵۱ و بیشتر

منبع: تحقیقات میدانی نگارنده

در دو کانون سیدآباد و شیخ معروف قبل از اجرای طرح اسکان هیچ خانوار بدون دام وجود نداشته ولی پس از اجرای طرح به ۴/۲ درصد رسیده است. تعداد خانوارهایی که بین یک تا ۵۰ واحد دامی داشته‌اند از ۲۰/۸ درصد به ۲۹/۱ درصد افزایش یافته است. به عبارت دیگر تعداد خانوارهای با دام کم افزایش یافته است، ولی در مقابل تعداد خانوارهایی که بین ۵۱ تا ۱۰۰ واحد دامی داشته‌اند از ۲۵ درصد به ۲۰/۹ درصد کاهش یافته است. تعداد خانوارهای دارای ۱۰۱ تا ۱۵۰ واحد دامی ثابت مانده و در مقابل تعداد خانوارهایی که بین ۱۵۱ تا ۲۰۰ واحد دامی داشته‌اند از ۱۶/۷ درصد به ۴/۱ درصد کاهش یافته است. این تغییرات در خانوارهای دارای ۲۵۰ رأس دام تا بیش از ۳۵۱ رأس دام نیز وجود داشته و در این گروه تعداد آن‌ها افزایش نشان می‌دهد. با توجه به این که در کانون سیدآباد شیوه ساماندهی به اسکان عشایر بر مبنای توسعه دامداری و تبدیل دام سبک به دام سنگین بوده و در کانون شیخ معروف زمین‌های واگذاری دارای کیفیت بسیار خوبی نمی‌باشند، در مجموع طرح اسکان موجب کاهش زیاد در تعداد دام عشایر نشده است. اما در کل سه کانون تعداد خانوارهای بدون دام از ۱۰/۴ درصد به ۳۱/۳ درصد افزایش یافته است. تعداد خانوارهایی که بین یک تا ۵۰ واحد دامی داشته‌اند افزایش و تعداد خانوارهایی که بین ۵۱ تا ۱۰۰ واحد دامی داشته‌اند کاهش یافته است. در طبقات میانی تعداد دام عشایر کاهش یافته، ولی تعداد خانوارهایی که دارای بیش از ۳۰۰ واحد دامی و بیشتر بوده‌اند اندکی افزایش نشان می‌دهد. جمعیتی کلی نشان می‌دهد در مناطق عشایری با افزایش میزان زمین زراعی، تعداد دام کاهش می‌یابد و در کانون‌هایی که زمین واگذار شده تعداد دام بیشتر نمود یافته، ولی در نقاطی که زمین زراعی مناسب به عشایر واگذار نشده، اجرای طرح در کاهش تعداد دام تأثیر زیادی نداشته است.

◆ تغییرات شیوه دامداری:

با اجرای طرح ساماندهی به اسکان عشایر، تغییراتی در شیوه دامداری عشایر نیز حاصل می‌شود. از جمله آن‌ها تغییر در وضع و اندازه اصطبل دامداری، هزینه‌ها، درآمد و تغذیه دام‌ها می‌باشد. تغییر وضعیت بهداشتی اصطبل‌های دامداری عشایر یکی از این نوع تغییرات در شیوه دامداری عشایر است. براساس نتایج بررسی‌های میدانی، در کانون شیبلو ۱۵/۴ درصد پاسخگویان اعلام نموده‌اند پس از اسکان در وضعیت بهداشتی اماکن دامی آن‌ها تغییراتی ایجاد نشده است. با توجه به اینکه گروهی از ساکنین کانون شیبلو هنوز دارای دام هستند و دام‌های خود را در قشلاق-های قبلی نگهداری میکنند، به نظر میرسد این گروه هنوز در محل جدید زندگی خود، اصطبل احداث نکرده‌اند. ۳۰/۸ درصد آن‌ها اظهار داشته‌اند، وضعیت بهداشتی اماکن آن‌ها بهتر شده و ۳۴/۶ درصد نیز به این سوال پاسخ نداده‌اند که مشمول گروهی شامل که کلاً دامداری را کنار گذاشته‌اند. در دو کانون سیدآباد و شیخ معروف، در ۲۵ درصد اماکن دامی خانوارها تغییری ایجاد نشده، در ۵۴ درصد بهتر و ۲۰ درصد نیز اعلام کرده‌اند وضعیت بهداشتی اماکن دامی آن‌ها خیلی بهتر شده است. در مجموع سه کانون، ۲۰ درصد بدون تغییر باقی مانده، در ۴۲ درصد بهتر شده و در ۲۰ درصد خیلی بهتر شده است. ۱۸ درصد نیز به این سوال پاسخ نداده‌اند. مجموعاً اجرای طرح ساماندهی به اسکان عشایر تا حدود زیادی موجب بهداشتی شدن اصطبل‌های دامداری عشایر شده است. این تغییر در کانون‌های شیبلو و سیدآباد بیشتر محسوس است و در کانون شیخ معروف تغییر قابل توجهی مشاهده نمی‌شود. تغییر در وسعت دامداریها سوال دیگری بوده که در پرسشنامه مطرح، و نظر سرپرستان نمونه اخذ و مورد بررسی قرار گرفته است. در کانون شیبلو ۱۵/۴ درصد خانوارها اعلام کرده‌اند، وسعت اماکن دامی آن‌ها کوچکتر شده، ۱۵/۴ درصد نیز اظهار داشته‌اند، در وسعت اماکن دامی آن‌ها تغییری ایجاد نشده و ۲۶/۹ درصد نیز اعلام کرده‌اند وسعت اصطبل دامداری آن‌ها بیشتر شده است. ۴۲ درصد پاسخگویان هم به این سوال جواب نداده‌اند. در دو کانون سیدآباد و شیخ معروف در وسعت ۵۴/۲ درصد اصطبل‌های دامداری عشایر تغییری ایجاد نشده و ۳۷/۱ درصد نیز اعلام کرده‌اند وسعت دامداری آن‌ها افزایش و ۸/۳ درصد نیز به سوال پاسخ نداده‌اند. در مجموع سه کانون، اجرای طرح موجب شده در وسعت اصطبل‌های دامداری ۳۴ درصد خانوارها تغییری ایجاد نشود و در ۳۲ درصد خانوارها این وسعت افزایش یافته و ۲۶ درصد نیز به این سوال پاسخ نداده‌اند. با توجه به اینکه در کانون شیبلو تعداد دام و خانوارهای دامدار کاهش یافته، به نظر میرسد اکنون عشایر دارای اصطبل‌های بزرگتری هستند که تعداد دام کمتری در آن‌ها نگهداری می‌کنند و در مجموع پس از اسکان، تراکم دام در اماکن دامی عشایر کاهش یافته است. تأثیر اسکان بر روی هزینه‌های دامداری عشایر سوال دیگر پرسشنامه بوده است. طبق بررسی‌های به عمل آمده، برای ۱۹/۲ درصد خانوارهای کانون شیبلو هزینه‌های دامداری پس از اسکان بیشتر شده، در ۱۸/۵ درصد آن‌ها این هزینه‌ها فرقی نکرده و در ۲۳/۱ درصد آن‌ها هزینه‌ها کمتر شده است. همچنین ۴۶/۲ درصد آن‌ها نیز به این سوال پاسخ نداده‌اند. در دو کانون سیدآباد و شیخ

معروف در ۶۶/۷ درصد خانوارها اجرای طرح موجب افزایش هزینه‌های دامداری شده است و ۲۵ درصد خانوارها گفته‌اند فرقی در هزینه‌های دامداری آن‌ها ایجاد نشده و ۸/۳ درصد نیز اظهار داشته‌اند هزینه‌های آن‌ها برای دامداری کمتر شده است. در مجموع سه کانون اجرای طرح ساماندهی به اسکان عشایر، در ۴۲ درصد خانوارها موجب بیشتر شدن هزینه‌های دامداری شده، در ۱۸ درصد خانوارها هزینه‌ها فرقی نکرده و در ۱۶ درصد کاهش یافته و ۲۴ درصد نیز به این سوال پاسخ نداده‌اند. در مجموع می‌توان گفت اجرای طرح ساماندهی موجب افزایش هزینه‌های دامداری به‌ویژه در دو کانون سیدآباد و شیخ معروف شده است.

درآمد عشایر از دامداری پس از اسکان نیز مورد بررسی قرار گرفته است. در کانون شیبلو، ۲۳/۱ درصد خانوارها اظهار داشته‌اند پس از اسکان درآمد آن‌ها از دامداری کاهش یافته است. ۱۹/۲ درصد گفته‌اند درآمد آن‌ها فرقی نکرده و ۴۹/۲ درصد نیز اعلام کرده‌اند درآمد آن‌ها بیشتر شده است. همچنین ۳۸/۵ درصد آن‌ها به این سوال پاسخ نداده‌اند که شامل خانوارهایی می‌شده که پس از اسکان فاقد دام بوده‌اند. در دو کانون سیدآباد و شیخ معروف اکثریت خانوارها (۵۸/۳ درصد) اظهار داشته‌اند در درآمد آن‌ها از دامداری تفاوتی ایجاد نشده، ۸/۳ درصد اعلام کرده‌اند این درآمد کمتر و ۳۳/۳ درصد گفته‌اند، طرح اسکان موجب افزایش درآمد آن‌ها از محل دامداری شده است. در مجموع سه کانون نیز درآمد ۱۶ درصد خانوارها از دامداری کاهش یافته، در ۳۸ درصد آن‌ها فرقی نکرده و در ۲۶ درصد خانوارها این طرح موجب افزایش درآمد شده است. به نظر می‌رسد در کانون سیدآباد و شیخ معروف، اجرای طرح با توجه به تأکید بیشتر روی دامداری، موجب افزایش نسبی درآمد عشایر از دامداری شده ولی در کانون هدایتی شیبلو، روند درآمد خانوارها از دامداری در حال کاهش می‌باشد.

یکی از ویژگی‌های دامداری عشایری، وابستگی دام عشایر به مراتع است. پس از اجرای طرح اسکان، به دلایل مختلف انتظار می‌رود این وابستگی کاهش یابد. طبق نتایج تحقیقات میدانی در ۷/۷ درصد خانوارهای شیبلو تغذیه دستی دام کمتر شده، در ۱۹/۲ درصد خانوارها تغذیه دستی دام فرقی نکرده و در ۴۶/۲ درصد خانوارها استفاده از علوفه دستی برای تغذیه دام‌ها بیشتر شده است. این نسبتها برای دو کانون سیدآباد و شیبلو به ترتیب ۴/۲ درصد، ۳۳/۳ درصد و ۶۲/۵ درصد بوده است. در مجموع سه کانون ۶ درصد خانوارهای نمونه اعلام کرده‌اند پس از اسکان تغذیه دستی دام کمتر شده، ۲۶ درصد آن‌ها اظهار داشته‌اند تغذیه دستی دام فرقی نکرده و ۵۴ درصد خانوارها معتقد بوده‌اند پس از اسکان تغذیه دام‌ها با علوفه دستی افزایش یافته است. کم شدن علاقه عشایر به کوچ به دلایل سختی‌های آن، تبدیل دام کوچک به دام بزرگ، مقرون به صرفه نبودن کوچ به بیلاق به دلیل کم شدن تعداد دام‌ها و بالاخره، لغو پروانه چرای مراتع بیلاقی آن گروه از عشایر که در کانون شیبلو زمین دریافت کرده‌اند، از جمله دلایل این موضوع است. همچنین افزایش تغذیه دستی دام‌ها نشان دهنده کاهش فشار دام بر مراتع است.

یکی از مشکلات زندگی عشایر تلفات زیاد دام‌ها به دلایل مختلف است. با توجه به اسکان عشایر در یک محدوده و خودداری آن‌ها از کوچ به‌ویژه کاهش کوچ‌های سنتی دام‌ها، انتظار می‌رود پس

از اسکان، تعداد تلفات دام‌ها کاهش یابد. براساس یافته‌های این تحقیق، در کانون شیبلیو ۱۱/۵ درصد خانوارها اظهار داشته‌اند پس از اسکان تعداد تلفات دام آن‌ها کاهش یافته است. این ارقام برای دو کانون سیدآباد و شیخ معروف به ترتیب ۲۹/۲ و ۷۱/۸ درصد بوده و در مجموع سه کانون نیز ۲۰ درصد خانوارها اظهار کرده‌اند تلفات دامی پس از اسکان فرقی نداشته و در مقابل ۷۰ درصد پاسخگویان بر کاهش تلفات دامی اعتقاد داشته‌اند. در جمع‌بندی کلی میتوان گفت تلفات دامی عشایر پس از اجرای طرح اسکان کاهش یافته است.

◆ وضعیت استفاده از تسهیلات بانکی:

معمولاً شرایط زندگی عشایر به گونه‌ای است که کمتر می‌توانند از تسهیلات بانکی استفاده نمایند. نداشتن سند رسمی، دسترسی کمتر به ضامن کارمند و امثال آن، از دلایل استفاده کمتر عشایر از تسهیلات بانکی است. طرح اسکان از جمله عواملی است که عشایر را به جرگه استفاده-کنندگان از وام‌های بانکی اضافه می‌نماید.

براساس نتایج استخراج شده از تحقیقات میدانی، تعداد خانوارهایی که از تسهیلات بانکی استفاده کرده‌اند در کانون شیبلیو به این شرح است: خرید علوفه ۳/۸ درصد، ساخت مسکن ۷۶/۹ درصد، ساخت اصطبل ۳۴/۶ درصد و کشاورزی ۳/۸ درصد، در دو کانون سیدآباد و شیخ معروف: ساخت اصطبل ۴/۲ درصد، کشاورزی ۴/۲ درصد و خرید دام ۳۷/۵ درصد خانوارها. در کل سه کانون: خرید علوفه ۲ درصد، ساخت مسکن ۴۰ درصد، ساخت اصطبل ۲۰ درصد، کشاورزی ۴ درصد و خرید دام در ۱۸ درصد خانوارها.

لذا مشاهده می‌شود اجرای طرح موجب ارتباط بیشتر عشایر با سیستم بانکی شده و گروهی از آن‌ها از تسهیلات بانکی استفاده نموده‌اند.

◆ تولید صنایع دستی:

در رابطه با تولید صنایع دستی توسط خانوارها نیز بررسی شد که مشخص گردید تولید صنایع دستی در هیچ یک از کانون‌ها رواج ندارد و در بین ۵۰ خانوار نمونه فقط یک خانوار در کانون شیبلیو به تولید صنایع دستی می‌پردازد. با توجه به اسکان عشایر و ایجاد زمینه تولید صنایع دستی و بیشتر شدن اوقات فراغت زنان، به نظر میرسد زمینه مناسبی برای ترویج صنایع دستی در بین زنان و دختران وجود داشته باشد. در هر حال اسکان عشایر منجر به گسترش تولید صنایع دستی در جامعه عشایری نمونه نشده است.

◆ بررسی تغییرات مالکیت پس از اسکان:

وقتی شیوه زیست کوچندگی تبدیل به یکجانشینی می‌شود، در نوع مالکیت خانوارها نیز تغییراتی ایجاد می‌شود. به منظور سنجش این موضوع، اقدام به بررسی آن در بین خانوارهای نمونه شد. همان‌طور که قبلاً گفته شد، با اجرای طرح اسکان میزان مالکیت عشایر بر دام کاهش یافت. اما در مقابل، میزان مالکیت عشایر بر مسکن، زمین زراعی، اصطبل با دوام و اثاثیه منزل افزایش یافته است.

جدول شماره ۳: تأثیر اسکان بر میزان و نوع مالکیت عشایر (به درصد)

نوع مالکیت	شیبلو			سیدآباد - شیخ معروف			سه کانون		
	کمتر شده	فرقی نکرده	بیشتر شده	کمتر شده	فرقی نکرده	بیشتر شده	کمتر شده	فرقی نکرده	بیشتر شده
مسکن با دوام	۷/۷	۱۱/۵	۷۳/۱	--	۷۵	۲۵	۴	۴۲	۵۰
زمین زراعی	۷/۷	۷/۷	۶۵/۴	--	۵۴/۲	۴۵/۸	۴	۳۰	۵۸
اصطبل با دوام	۷/۷	۲۶/۹	۴۶/۲	--	۴۱/۷	۵۸/۳	۴	۳۴	۵۲
اثاثیه منزل	--	--	۹۲/۳	--	۱۲/۵	۸۷/۵	--	۶	۹۰

منبع: تحقیقات میدانی نگارنده

همان‌گونه که در جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود، در کانون شیبلو ۷/۷ درصد خانوارها اظهار نموده‌اند پس از اسکان میزان مالکیت آن‌ها بر مسکن با دوام کمتر شده، ۱۱/۵ درصد اعلام کرده‌اند فرقی نکرده و در مقابل ۷۳/۱ درصد سرپرستان خانوارها اظهار کرده‌اند، پس از اسکان میزان مالکیت آن‌ها بر مسکن بادام افزایش یافته است. در دو کانون سیدآباد و شیخ معروف ۷۵ درصد خانوارها اعلام کرده‌اند پس از اجرای طرح در میزان مالکیت آن‌ها بر مسکن با دوام تفاوتی ایجاد نشده و ۲۵ درصد اعتقاد داشته‌اند در میزان مالکیت آن‌ها بر مسکن افزوده شده است.

دلیل تفاوت بین کانون شیبلو (هدایتی) با دو کانون دیگر این است که در کانون شیبلو اقدام به ساخت شهرک شده و لذا عشایر با کمک دولت اقدام به ساخت مسکن جدید نموده‌اند. در مجموع سه کانون ۴ درصد خانوارها اظهار داشته‌اند میزان مالکیت آن‌ها بر مسکن کاهش یافته، ۴۲ درصد معتقد بوده‌اند در میزان مالکیت آن‌ها تفاوتی ایجاد نشده و ۵۰ درصد نیز اعلام کرده‌اند میزان مالکیت آن‌ها بر مسکن افزایش یافته است.

در رابطه با زمین زراعی نیز این افزایش در کانون شیبلو بیشتر بوده و در دو کانون سیدآباد و شیخ معروف به دلیل اینکه در کانون سیدآباد زمین زراعی واگذار نشده میزان افزایش مالکیت بر زمین‌های زراعی کمتر است. در مجموع ۴۵/۸ درصد از پاسخگویان کانونهای حمایتی اعلام کرده‌اند، زمین‌های زراعی آن‌ها افزایش یافته که مربوط به کانون شیخ معروف است. در مجموع سه کانون نیز ۵۸ درصد خانوارهای نمونه اظهار کرده‌اند میزان مالکیت آن‌ها بر زمین‌های زراعی بیشتر شده است.

در رابطه با اصطبل با دوام، در کانون شیبلو میزان افزایش مالکیت نسبت به دو کانون شیخ معروف و سیدآباد کمتر است. زیرا در کانون شیبلو در ۴۶/۲ خانوارها مالکیت بر اصطبل با دوام افزایش یافته در حالی که در دو کانون سیدآباد و شیخ معروف در ۵۸/۳ درصد خانوارها میزان مالکیت بر اصطبل با دوام افزایش نشان می‌دهد. دلیل آن این است که در طرح ساماندهی کانون سیدآباد، اکثریت قریب به اتفاق خانوارها با کمک دولت اقدام به ساخت اصطبل جدید و بهداشتی برای دام‌های خود نموده‌اند.

در رابطه با مالکیت بر ائاثیه منزل این افزایش بیشتر است. ۹۲/۳ درصد سرپرستان خانوارها اظهار داشته‌اند میزان مالکیت آن‌ها بر ائاثیه منزل افزایش داشته است. این ارقام در دو کانون سیدآباد و شیخ معروف و مجموع سه کانون به ترتیب ۸۷/۵ و ۹۰ درصد بوده است. افزایش میزان ائاثیه منزل به دلیل بهبود اوضاع اقتصادی و شیوه زیست جدید است. چون در زندگی کوچندگی عشایر نمی‌توانند ائاثیه زیادی را با خود به ییلاق و قشلاق حمل نمایند.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت با اسکان عشایر میزان مالکیت عشایر بر دام کمتر شده و در مقابل بر مالکیت اموال غیرمنقول (مسکن، زمین زراعی و اصطبل) افزوده می‌شود. میزان این افزایشها بستگی به نوع اجرای طرح دارد. در کانون‌هایی که زمین واگذار می‌شود، این افزایش در مالکیت زمین‌های زراعی بیشتر است. در کانون‌های هدایتی که اقدام به احداث شهرک مسکونی می‌شود، میزان مالکیت بر مسکن با دوام افزایش بیشتری دارد. در خصوص افزایش میزان ائاثیه منزل نیز با توجه به بهبود وضع اقتصادی عشایر و همچنین تغییر شیوه زیست، این افزایش طبیعی است.

◆ دیدگاه کلی عشایر نسبت به تحولات اقتصادی و رفاهی:

یکی از مهمترین اهداف طرح ساماندهی به اسکان عشایر، افزایش اشتغال، درآمد و در مجموع رضایت از زندگی است. یکی از هدف‌ها ایجاد اشتغال به‌ویژه برای جوانان است. نتایج بررسی‌ها در جدول شماره ۴ درج شده است.

جدول شماره ۴: تغییرات اقتصادی و رفاهی جامعه پس از اسکان (به درصد)

محدوده گزینیه	شیبلو			سیدآباد - شیخ معروف			سه کانون		
	کمتر شده	بیشتر شده	تغییر نکرده	کمتر شده	بیشتر شده	تغییر نکرده	کمتر شده	بیشتر شده	تغییر نکرده
اشتغال	۳/۸	۲۶/۹	۶۹/۲	۴/۲	۴۱/۷	۵۴/۲	۴	۳۴	۶۲
مشاغل جنبی در روستا	--	۱۹/۲	۷۶/۶	۴/۲	۴۱/۷	۵۴/۲	۲	۳۰	۶۶
هزینه‌های زندگی	--	۱۱/۵	۸۸/۵	--	۸/۳	۹۱/۷	--	۱۰	۹۰
تنوع در غذا	۳/۸	۱۱/۵	۸۴/۶	--	۱۶/۷	۸۳/۳	۲	۱۴	۸۴
درآمد	۲۶/۹	۱۹/۲	۵۰	۲۵	۵۴/۲	۲۰/۸	۲۶	۳۶	۳۶
رضایت از زندگی	۱۱/۵	۳/۸	۸۰/۸	۴/۲	۲۵	۷۰/۸	۸	۱۴	۷۶

◀ منبع: تحقیقات میدانی نگارنده

براساس بررسی‌های به عمل آمده، در کانون شیبلو پس از اسکان ۳/۸ درصد از خانوارها اظهار داشته‌اند اشتغال کمتر شده، ۲۶/۹ درصد معتقد بوده‌اند میزان اشتغال فرقی نکرده و ۶۹/۲ درصد گفته‌اند میزان اشتغال بیشتر شده است. در کانون‌های سیدآباد و شیخ معروف این ارقام به ترتیب ۴/۲ درصد، ۴۱/۷ درصد و ۵۴/۲ درصد بوده است. در مجموع سه کانون به اعتقاد ۴

درصد خانوارها سطح اشتغال کمتر شده، ۳۴ درصد آنان اظهار داشته‌اند میزان اشتغال پس از اسکان فرقی نکرده و در مجموع از نظر ۶۲ درصد کل سرپرستان نمونه، طرح ساماندهی به اسکان، موجب افزایش سطح اشتغال شده است. در کانون هدایتی شیپلو به دلیل واگذاری زمین زراعی، افزایش سطح اشتغال بیش از دو کانون دیگر بوده است.

علاوه بر اشتغال در بخش کشاورزی، اجرای طرح ساماندهی به اسکان عشایر موجب ایجاد تغییراتی در مشاغل جنبی در کانون‌های توسعه می‌شود. با اجرای طرح، فعالیت‌هایی از جمله ساخت و ساز مسکن، اصطبل، خرید و فروش تولیدات زراعی، راندگی، مغازهداری در کانون‌های توسعه بیشتر شده است. به این منظور تأثیر طرح اسکان بر ایجاد مشاغل جنبی در کانون‌های توسعه نیز مورد بررسی قرار گرفت. از نظر هیچ یک از خانوارها، مشاغل جنبی پس از اسکان کاهش نیافته است. ۱۹/۲ درصد خانوارها اعتقاد داشته‌اند مشاغل جنبی در کانون نسبت به قبل از اجرای طرح تفاوتی نداشته و در مقابل ۷۶/۹ درصد خانوارها اظهار داشته‌اند اجرای طرح موجب افزایش مشاغل جنبی در کانون شده است. در دو کانون سیدآباد و شیخ معروف، میزان افزایش اشتغال جنبی در کانون‌ها کمتر از کانون شیپلو بوده است. زیرا ۴/۲ درصد خانوارها اظهار داشته‌اند این مشاغل پس از اسکان کاهش یافته، ۴۱/۷ درصد آن‌ها معتقد بوده‌اند مشاغل جنبی پس از اسکان فرقی نکرده، و ۵۴/۲ پاسخگویان گفته‌اند مشاغل جنبی در کانون‌های توسعه افزایش یافته است. بنابراین، در این کانون‌ها نیز مشاغل جنبی توسعه یافته، ولی میزان آن نسبت به کانون شیپلو کمتر بوده است. در مجموع سه کانون نیز ۶۶ درصد سرپرستان اعتقاد داشته‌اند مشاغل جنبی پس از اسکان افزایش یافته است.

تغییر در میزان درآمد، یکی از مولفه‌های مهم در تحولات اقتصادی خانوارها است. طبق نتایج تحقیقات میدانی، ۲۶/۹ درصد خانوارهای نمونه کانون شیپلو اظهار نموده‌اند پس از اسکان درآمد آن‌ها کاهش یافته، ۱۹/۲ درصد آن‌ها معتقد بوده‌اند درآمد آن‌ها فرقی نکرده و ۵۰ درصد بر افزایش درآمد تأکید کرده‌اند. این ارقام در دو کانون حمایتی سیدآباد و شیخ معروف به ترتیب ۲۵ درصد، ۵۴/۲ درصد و ۲۰/۸ درصد بوده است. به عبارت دیگر در دو کانون حمایتی، تأثیر طرح اسکان در افزایش درآمد خانوارها کمتر بوده است. زیرا در حالی که در کانون شیپلو به دلیل واگذاری زمین، درآمد ۵۰ درصد خانوارها افزایش یافته، ولی این افزایش در دو کانون حمایتی مورد مطالعه از ۲۰/۸ درصد خانوارها تجاوز نمی‌کند. در مقابل، در مجموع سه کانون حدود یک چهارم خانوارها بر کاهش درآمد خود پس از اسکان تأکید کرده‌اند که بایستی به این مسئله به صورت جداگانه پرداخته شود. در مجموع ۳۶ درصد خانوارها اظهار کرده‌اند درآمد آن‌ها پس از اسکان تفاوتی نداشته و به همین نسبت نیز اظهار کرده‌اند اسکان موجب افزایش درآمد آن‌ها شده است.

در مورد هزینه‌های زندگی پس از اسکان، اکثریت قریب به اتفاق خانوارها معتقد بوده‌اند اسکان موجب افزایش هزینه‌های زندگی آنان شده است.

در کانون شیپلو ۸۸/۵ درصد، در کانون‌های سیدآباد و شیخ معروف ۹۱/۷ درصد و در مجموع سه کانون ۹۰ درصد خانوارها اعتقاد به افزایش هزینه‌های زندگی داشته‌اند. از این نظر تفاوت زیادی بین کانون‌های هدایتی و حمایتی وجود ندارد.

در زندگی عشایری اصولاً تنوع غذایی به دلایل مختلف کمتر از جوامع شهری و روستایی است. از جمله عوامل این موضوع وابستگی به دامداری، عدم دسترسی به مراکز تولید و توزیع مواد غذایی، فقر بیشتر خانوارها، نوع فرهنگ و ... است. با اجرای طرح اسکان و تغییر در شیوه زیست، در تنوع غذایی عشایر نیز تغییراتی ایجاد شده است. در ۸۴/۶ درصد خانوارهای شیپلو و ۸۳/۳ درصد خانوارهای دو کانون سیدآباد و شیخ معروف و در ۸۴ درصد مجموع سه کانون، تنوع غذایی خانوارها پس از اسکان بیشتر شده و این نشان از بهبود شرایط زندگی خانوارهای اسکان یافته است.

رضایت از زندگی در کانون‌های توسعه، مولفه دیگر مورد بررسی بوده است. چرا که در نهایت اجرای طرح، رضایت خانوارها برای زندگی در کانون‌ها، ملاک اساسی برای ارزشیابی موفقیت طرح است. طبق نتایج تحقیقات میدانی، در کانون شیپلو رضایت ۱۱/۵ درصد از خانوارها از اسکان در کانون‌ها کمتر شده، در ۳/۵ درصد خانوارها فرقی نداشته و رضایت ۸۰/۸ درصد خانوارها از زندگی در کانون بیشتر شده است. در دو کانون حمایتی مورد مطالعه، این ارقام به ترتیب ۴/۲ درصد، ۲۵ درصد و ۷۰/۸ درصد به دست آمده است. به عبارت دیگر میزان رضایت از زندگی پس از اجرای طرح در کانون هدایتی شیپلو به دلیل تغییرات اساسی در شیوه زیست بیشتر بوده است. در مجموع سه کانون نیز رضایت ۸ درصد از خانوارها کمتر شده، در ۱۴ درصد خانوارها تفاوتی ایجاد نشده و در ۷۶ درصد کل خانوارهای نمونه میزان رضایت از زندگی فزونی یافته است.

◆ تغییرات استفاده از مراتع و وضعیت آن‌ها:

چنان که قبلاً بحث شد، تعداد دام عشایر به‌ویژه در کانون شیپلو پس از اسکان کاهش یافته و از میزان کوچندگی خانوارها نیز کاسته شده است. به منظور بررسی بیشتر وضعیت بهره‌برداری از هیزم و بوته‌های مراتع جهت استفاده برای سوخت و پخت و پز، این موضوع از سرپرستان خانوارها سوال شده است. در کانون شیپلو ۵۰ درصد خانوارها اظهار داشته‌اند میزان استفاده از بوته‌ها برای سوخت کمتر و ۵۰ درصد بقیه گفته‌اند میزان استفاده از بوته‌ها خیلی کمتر شده است. به عبارت دیگر ۱۰۰ درصد خانوارها بر کاهش استفاده از بوته‌ها برای سوخت و پخت و پز تأکید کرده‌اند. در کانون‌های سیدآباد و شیخ معروف این ارقام ۵۴/۲ و ۴۵/۸ درصد بوده و در کل سه کانون نیز ۵۲ درصد اعتقاد داشته‌اند استفاده از هیزم و بوته‌های مراتع برای سوخت کمتر و ۴۸ درصد اظهار داشته‌اند خیلی کمتر شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت طرح اسکان عشایر که همراه با اجرای طرح جایگزینی سوخت فسیلی اجرا شده، منجر به کاهش استفاده از بوته‌ها و هیزم، جهت پخت و پز و ایجاد گرما شده است.

وضعیت مراتع ییلاقی از دیدگاه سرپرستان نمونه مورد بررسی قرار گرفته است. در کانون شیپلو ۷/۷ درصد پاسخگویان اظهار داشته‌اند وضع مراتع بدتر شده، ۲۶/۹ درصد معتقد بوده‌اند شرایط مراتع ییلاقی فرقی نکرده و ۵۰ درصد گفته‌اند وضعیت بهتر شده است. در دو کانون سیدآباد و شیخ معروف، هیچ یک از پاسخگویان اعتقاد نداشته‌اند وضعیت مراتع ییلاقی بدتر شده، ۸/۳ درصد گفته‌اند فرقی نکرده، ۸۳/۳ درصد اعتقاد داشته‌اند وضعیت بهتر شده و ۸/۳ درصد نیز اظهار داشته‌اند وضعیت مراتع ییلاقی خیلی بهتر شده است. در مجموع سه کانون، ۴ درصد به بدتر شدن، ۱۸ درصد به عدم تفاوت، ۶۶ درصد به بهتر شدن مراتع ییلاقی و ۴ درصد به خیلی

بهبتر شدن مراتع ییلاقی پس از اجرای طرح اسکان اعتقاد داشته‌اند. بنابراین به نظر ۷۰ درصد کل پاسخگویان وضعیت مراتع ییلاقی نسبت به قبل از اجرای طرح بهتر یا خیلی بهتر شده است. همین سوال در باره وضعیت مراتع اطراف روستا (قشلاقی) نیز مطرح شده که پاسخ خانوارهای نمونه در جدول شماره ۶-۱۵ درج گردیده است. براساس دیدگاه پاسخگویان وضعیت مراتع اطراف روستا نسبت به قبل از اسکان بهبود پیدا کرده، ولی این تغییرات به اندازه مراتع ییلاقی نبوده است.

جدول شماره ۵: وضعیت مراتع پس از اجرای طرح اسکان (به درصد)

محدوده کانون‌ها			سیدآباد - شیخ معروف				شیبلو				محدوده ییلاق و قشلاق	
سه کانون	سه کانون	سه کانون	سه کانون	سه کانون	سه کانون	سه کانون	سه کانون	سه کانون	سه کانون	سه کانون		
۴	۶۶	۱۸	۴	۸/۳	۸۳/۳	۸/۳	—	—	۵۰	۲۶/۹	۷/۷	مراتع ییلاقی
۲	۵۶	۳۶	۴	۴/۲	۷۰/۸	۲۵	—	—	۴۲/۳	۴۶/۲	۷/۷	مراتع اطراف روستا (قشلاقی)

منبع: تحقیقات میدانی نگارنده

در مقایسه بین مراتع ییلاقی و قشلاقی، همانطور که در جدول ملاحظه می‌شود، از نظر عشایر شیبلو، در مراتع ییلاقی تغییرات مثبت بیشتری اتفاق افتاده است. زیرا به اعتقاد ۵۰ درصد خانوارها مراتع ییلاقی بهبود یافته، ولی این رقم برای مراتع قشلاقی ۴۲/۳ درصد بوده است. در دو کانون سیدآباد و شیخ معروف نیز این تفاوت دیدگاه عشایر نسبت به بهبود مراتع ییلاقی و قشلاقی وجود دارد. زیرا در حالی که ۸۳/۳ درصد خانوارها بر بهبود مراتع ییلاقی و ۸/۳ درصد بر خیلی بهتر شدن مراتع ییلاقی تأکید کرده‌اند، این ارقام برای مراتع قشلاقی ۷۰/۸ و ۴/۲ درصد بوده است. در مجموع سه کانون نیز این تفاوت به چشم می‌خورد و کلاً ۷۰ درصد خانوارها اعتقاد داشته‌اند، مراتع ییلاقی بهتر یا خیلی بهتر شده و این رقم برای مناطق قشلاقی ۵۸ درصد بوده است.

در جمع‌بندی کلی از این مبحث می‌توان گفت به دلیل کاهش تعداد دام وابسته به مراتع، کمتر شدن کوچ عشایر و کاهش استفاده از بوته مراتع برای سوخت، طرح ساماندهی به اسکان عشایر موجب بهبود وضعیت مراتع در ییلاق و قشلاق شده، ولی این بهبودی در مراتع ییلاقی بیشتر است. دلیل این موضوع به این جهت می‌باشد که به خاطر عدم کوچ برخی از خانوارها، این گروه دام‌های خود را در مراتع اطراف روستا توسط یکی از اعضای خانوار یا چوپان به چرا می‌برند. تفاوت جغرافیایی دیگر بین دو کانون سیدآباد و شیخ معروف در مقایسه با کانون شیبلو بوده که به‌ویژه در کانون سیدآباد به دلیل اجرای طرح تعادل دام و مرتع، وضعیت مراتع از دیدگاه عشایر بهبودی بیشتری حاصل کرده است. بنابراین، اجرای طرح ساماندهی به اسکان عشایر در بهبود وضعیت محیط تأثیر مثبت داشته است.

نتیجه‌گیری و آزمون فرضیات:

در جمع بندی و نتیجه‌گیری از اجرای طرح اسکان عشایر در این سه کانون می‌توان اظهار داشت اقدام‌های دولت در راستای اسکان عشایر و کاهش تعداد و تغییر نوع دام عشایر و بهبود شرایط زیستی و اقتصادی آن‌ها انجام می‌شود. شرایط جغرافیایی تا حدود زیادی برنامه‌های اسکان عشایر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر چه پس از اسکان تغییراتی در شرایط اقتصادی در کانون‌های مختلف متفاوت است.

از جمع‌بندی یافته‌های تحقیق این نتایج حاصل می‌شود:

- ◆ یکی از نتایج طرح اسکان زمین دار شدن اکثر خانوارها است و موجب افزایش سرمایه ملکی عشایر شده است.
- ◆ به علت عدم آشنایی عشایر اسکان یافته با زراعت، گروهی از آنان اراضی خود را در کانون شیبلو به کشاورزان اصفهانی جهت کشت هندوانه اجاره داده‌اند.
- ◆ نظام بهره برداری از اراضی به صورت بهره برداری خانوادگی انجام شده است.
- ◆ اسکان و واگذاری اراضی موجب افزایش میزان تولیدات زراعی شده است.
- ◆ یک سوم کل خانوارهای اسکان یافته اعلام کرده‌اند درآمد آن‌ها از زراعت افزایش یافته است. این افزایش در کانون شیبلو بسیار بیشتر از دو کانون دیگر بوده است.
- ◆ اسکان عشایر موجب کاهش تعداد دام خانوارهای عشایری و افزایش تعداد خانوارهای بدون دام تا حدود یک سوم خانوارها رسیده است. البته در کانون‌هایی که زمین به عشایر واگذار نشده کاهش تعداد دام کمتر اتفاق افتاده است.
- ◆ اسکان عشایر موجب شده وضعیت اصطبل‌های دامداری عشایر نسبت به قبل از لحاظ اندازه و بهداشتی بودن بهتر شده است.
- ◆ پس از اسکان در کانون شیبلو که زمین به عشایر واگذار شده تغییرات محسوسی در درآمد عشایر از دامداری ایجاد نشده، ولی در دو کانون سیدآباد و شیخ معروف درآمد عشایر از دامداری، اندکی افزایش یافته است.
- ◆ پس از اسکان میزان وابستگی دام عشایر به مراتع کاهش یافته و در مقابل میزان وابستگی علوفه دستی افزایش یافته است. کم شدن علاقه عشایر به کوچ به دلیل سختی‌های آن، تبدیل دام کوچک به دام بزرگ، مقرون به صرفه نبودن کوچ به بیلاق به دلیل کاهش تعداد دام‌ها و بالاخره لغو پروانه چرای دام در مراتع بیلاقی آن گروه از عشایر که در کانون شیبلو زمین دریافت کرده‌اند از جمله این دلایل است. همچنین افزایش تغذیه دستی می‌تواند نشان دهنده فشار دام بر مراتع گردد.
- ◆ اسکان موجب کاهش تلفات دامی عشایر شده است.
- ◆ اجرای طرح اسکان موجب افزایش استفاده عشایر از تسهیلات بانکی شده است.
- ◆ پس از اسکان میزان تولیدات صنایع دستی در خانوارها کاهش پیدا کرده است.
- ◆ پس از اسکان میزان مالکیت عشایر بر دام کاهش یافته ولی در مقابل میزان مالکیت بر مسکن، زمین زراعی، اصطبل با دوام و ائانه منزل افزایش یافته است.
- ◆ اسکان موجب افزایش اشتغال در کانون‌های توسعه شده، مشاغل جنبی نیز افزایش یافته و رضایت از زندگی نیز افزایش یافته است. همچنین وضعیت غذایی عشایر متنوع تر شده است.

- ◆ در مجموع هزینه‌های زندگی عشایر به دلیل اسکان افزایش یافته است.
- ◆ اسکان موجب کاهش استفاده از بوته‌ها و هیزم درختان برای سوخت شده است.
- ◆ از نظر عشایر پس از اسکان مراتع ییلاقی بهبود یافته است ولی در مراتع اطراف روستا تغییرات محسوسی ایجاد نشده است.

همان طور که گفته شد در این پژوهش دو فرضیه در نظر گرفته شده بود. برای آزمون این فرضیات اقدام به بررسی میزان همبستگی بین داده‌های میدانی مرتبط گردید. با توجه به رتبه ای بودن متغیرها روش اسپیرمن انتخاب و با استفاده از نرم افزار SPSS میزان همبستگی‌ها تعیین شد. در فرضیه اول مربوط به اسکان و واگذاری زمین یا امکانات دیگر به عشایر و تأثیر آن در بهبود وضعیت اقتصادی و رضایت از زندگی عشایر بود که مشخص گردید بین افزایش مقدار زمین‌های زراعی بعد از اسکان با میزان تولیدات زراعی همبستگی مستقیم وجود دارد. همچنین بین زمین‌های زراعی و درآمد خانوارهای اسکان یافته همبستگی مستقیم وجود دارد و با افزایش زمین‌های عشایر درآمد آن‌ها نیز افزایش یافته است ولی آزمون دیگری که بین مقدار مجموع زمین‌های زراعی با رضایت از اجرای طرح، میزان درآمد و میزان رضایت از اجرای طرح برقرار گردید نشان داد بین هیچ یک از آزمون‌ها همبستگی وجود ندارد. به بیان دیگر علی‌رغم افزایش درآمد عشایر، رضایت آن‌ها فزونی نیافته است. بنابراین قسمت اول فرضیه مبنی بر افزایش درآمد پس از اسکان تأیید ولی قسمت دوم یعنی میزان رضایت بیشتر بر اثر افزایش درآمد رد شد. به نظر می‌رسد عدم رضایت عشایر به دلیل افزایش هزینه‌های زندگی عشایر بر اثر اسکان بوده است. فرضیه دوم نشان داد بین ایجاد مشاغل جنبی و کاهش دام همبستگی مستقیم و منفی وجود دارد. یعنی با افزایش میزان مشاغل، تعداد دام کاهش می‌یابد. همچنین بین میزان اسکان (عدم کوچ) و کاهش تعداد دام نیز همبستگی منفی وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش سکونت عشایر در کانون‌ها، تعداد دام آن‌ها کاهش می‌یابد. از آن جا که کاهش تعداد دام وابسته به مراتع موجب کاهش فشار دام بر مراتع شده و در نهایت موجب بهبود وضعیت مراتع می‌شود. می‌توان اظهار داشت با اسکان عشایر در وضعیت مراتع بهبودی حاصل می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها:

همان‌طور که اشاره شد سیاست دولت ساماندهی به اسکان عشایر در کانون‌های خودجوش و هدایتی است. استان آذربایجان غربی براساس اطلاعات موجود در سازمان امور عشایر ایران بیشترین تعداد کانون خود جوش در بین استان‌ها را دارد. با توجه به این که ایجاد شغل و افزایش درآمد باید مبنای توسعه زندگی عشایر باشد، احداث سایت‌های اسکان همانند شیبیلو (میلاد شهر) برای سایر نقاط این استان توصیه نمی‌شود چون عشایر این استان بیشتر ماه‌های سال را در آبادی‌های قشلاق خود سکونت دارند. برای بهبود زندگی آن‌ها باید خدمات اقتصادی و اجتماعی در این کانون‌ها توسعه یابد. از آنجا که شرایط طبیعی این استان ویژگی‌های مناسبی دارد توسعه گردشگری در مناطق عشایری این استان یکی از راه‌های افزایش اشتغال و درآمد برای آن‌ها باید مورد توجه قرار گیرد.

◆ سایر پیشنهادها برای توسعه زندگی عشایر استان:

۱. تنوع بخشی به مشاغل عشایر
۲. تأکید بر منابع موجود و افزایش بهره‌وری
۳. واگذاری منابع آب و خاک جدید به عشایر به‌ویژه در مناطقی که حوضه دریاچه ارومیه قرار ندارند.
۴. بهره‌برداری بهینه از مراتع با اصلاح نظام بهره‌برداری
۵. شناسایی، آموزش و ترویج استفاده از گیاهان دارویی
۶. آموزش بیش از پیش عشایر جهت افزایش بهره‌وری در کشاورزی و دامداری
۷. تأمین نهاده‌های دامی و گسترش پروار بندی
۸. توسعه آبیاری تحت فشار در مناطقی که عشایر اراضی کشاورزی دارند.
۹. احداث بندهای ذخیره آب و بند انحرافی و خطوط انتقال آب به اراضی زراعی
۱۰. استفاده بهینه از منابع آبی شمال استان به‌ویژه در منطقه بورالان
۱۱. افزایش امنیت برای توسعه سرمایه‌گذاری، گسترش و گردشگری و ...
۱۲. ایجاد بازارچه مرزی با توجه به این که این استان با سه کشور هم‌مرز می‌باشد و در مسیر جاده ترانزیتی ایران - ترکیه - اروپا واقع شده است.
۱۳. گسترش سایر فعالیت‌های مربوط به بخش کشاورزی از جمله پرورش طیور، زنبورداری و آبی‌پروری
۱۴. توسعه باغداری با توجه به شرایط آب و هوایی و مناسب بودن منطقه برای تولید سیب درختی.
۱۵. توسعه صنایع دستی در کانون‌های اسکان عشایر با توجه به سکونت عشایر در بخش عمده سال در قشلاقات به‌ویژه بین مردان.
۱۶. اجرای طرح‌های در روستاهای قشلاقی با اولویت روستاهای مرکزی و بزرگتر.
۱۷. توسعه خدمات آموزشی، رفاهی و ارتباطی از جمله توسعه مدارس، امکانات بهداشتی، راه‌های مناطق عشایری
۱۸. تسهیل در دریافت وام جهت احداث و نوسازی مسکن عشایر و اماکن دامی و بهداشتی.
۱۹. گسترش صنایع تبدیلی با توجه به تولیدات زیاد بخش کشاورزی در این استان.

منابع:

- ◀ ازکیا، مصطفی غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران. تهران. نشر نی.
- ◀ امیر عضدی، طوبی. (۱۳۸۵). بررسی اثرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اسکان عشایر. نمونه موردی: کانون‌های تل‌شوره و ملایی بلوط شهرستان کازرون، رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی. (چاپ نشده)
- ◀ رحیمی، احمد (۱۳۸۸). بررسی و تحلیل آثار و نتایج اسکان عشایر (نمونه موردی آذربایجان غربی). فصلنامه جغرافیایی سرزمین، شماره ۲۱ بهار ۱۳۸۸. صص ۱۳ - ۱.
- ◀ رحیمی، احمد (۱۳۸۷). بررسی آثار فضایی و اجتماعی اسکان عشایر. مطالعه موردی کانون‌های شیبلو، سیدآباد و شیخ معروف در استان آذربایجان غربی، رساله دکتری چاپ نشده. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.

- ◀ سلطانی، غلامرضا و زیبایی، منصور (۱۳۷۸). ارزیابی اقتصادی طرح اسکان عشایر در دشت بکان اقلید. سازمان امور عشایر ایران و دانشگاه شیراز، گزارش.
- ◀ رضایی، پژمان. (۱۳۸۶).
- ◀ صیدایی، اسکندر و پاپلی یزدی، محمد حسین و دیگران، ژان پیر. (۱۳۸۳). ارزیابی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کانون‌های اسکان عشایر، مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایری ایران. تهران: انتشارات نقش بیان. صص ۶۶ - ۴۷.
- ◀ نجفی، بهاء‌الدین (۱۳۸۳). نقش عشایر در توسعه اقتصادی ایران. مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران. تهران: سازمان امور عشایر ایران. صص ۳۷۲ - ۳۴۹.
- ◀ مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵) نتایج آمارگیری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵. سایت اینترنتی درگاه ملی ایران.

پیامدهای اقتصادی طرح‌های اسکان بر جوامع عشایری (مطالعه موردی شهرک میلاد در دشت شیبلوی استان آذربایجان غربی)

دکتر وحید ریاحی^۱

خدیدجه کریمی^۲

چکیده

اسکان عشایر از جمله طرح‌هایی است که قبل و بعد از انقلاب اسلامی در ایران به اجرا درآمد و در هر دوره حساسیت‌های زیادی به همراه داشته است و امروزه یکی از راهکارهای عملی برای توسعه جامعه عشایری شناخته شده است. اگر این پدیده به صورت اختیاری و با تمایل و رغبت خود عشایر صورت بگیرد موثرترین راهبرد پذیرفته شده برای حل مشکلات این قشر است. هدف تحقیق حاضر بررسی پیامدهای اقتصادی در بین عشایر اسکان یافته عشایر میلان (سایت میلاد) در دشت شیبلو در استان آذربایجان غربی است. جامعه آماری تحقیق عشایر اسکان یافته میلان و جامعه نمونه بر اساس روش کوکران و با سطح اطمینان ۹۵٪، حدود ۱۴۱ نفر از همین عشایر اسکان یافته است. روش تحقیق از نوع توصیفی و تحلیلی می باشد. اطلاعات مورد نیاز از طریق بررسی محلی، پرسشگری و تکمیل پرسشنامه جمع آوری شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می دهد که اسکان عشایر در دشت شیبلو از نظر تولید محصولات کشاورزی موثر بوده و باعث افزایش تولید محصولات کشاورزی شده ولی در زمینه دامداری و صنایع دستی تاثیر مطلوبی نداشته است و موجب کاهش این فعالیت‌ها شده است. همچنین هزینه‌های زندگی بعد از اسکان نسبت به قبل بیشتر شده و جامعه خودکفای عشایر را به جامعه ای مصرف کننده تبدیل کرده است. نتایج تحقیق نشان داد که بازنگری در طرح اسکان عشایر در دشت شیبلوی استان آذربایجان غربی ضروری بوده و برنامه‌ریزی متوازن با اولویت شغلی در امور دامی می تواند به توسعه پایدار عشایر میلان کمک کند.

واژگان کلیدی: عشایر، اسکان، اقتصادی، عشایر میلان، دشت شیبلو

۱ - عضو هیات علمی گروه جغرافیای دانشگاه خوارزمی.

۲ - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی.

مقدمه:

یکی از مهم‌ترین اهداف برنامه‌های توسعه در هر کشور، بهبود وضع موجود و حرکت به سمت تحول و توسعه است. موقعیت توسعه یک مفهوم نظری خیلی پیچیده می‌باشد و بررسی مناسب آن مشتمل بر آگاهی بهتری در تداوم توسعه‌یافتگی - تحت توسعه‌گی همراه با توجه جامع از رفاه انسانی به عنوان هدف توسعه مطرح می‌گردد (بهبروز، ۱۳۷۹: ۱۰۹). علی‌رغم اهداف اجتماعی و برخورداری از امکانات و خدمات در برنامه‌ریزی‌های عشایری، یکی از اهداف بسیار مهم تحول اقتصادی در بین عشایر است (رئیس‌دانا، ۱۳۸۰: ۳۸۹). اسکان عشایر کوچنده از دیدگاه رشد و توسعه و تحول عبارت است از تغییر رفتار اقتصادی و اجتماعی آنان به منظور بهبود کیفیت زندگی و بالابردن سطح زندگی خویش و گام‌گذاردن در مسیر تحول و پیشرفت دائمی (یاسوری، ۱۳۹۱: ۲۱۸).

اسکان عشایر یا ساکن شدن کوچندگان پدیده‌ای است که با رویکردهای مختلفی از سال ۱۳۱۲ تا کنون به آن پرداخته شده و متناسب با رویکرد غالب هر دوره که نشأت گرفته از هدف‌ها و سیاست‌های حاکم بر همان دوره می‌باشد طرح‌ها و برنامه‌های مختلفی تصویب و اجرا شده است. طی دهه‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ به همت شماری از اندیشمندان از جمله نادر افشار نادری، در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران بررسی‌هایی با دید توسعه و عمران در برخی از مناطق ایلی کشور انجام گرفت که عمدتاً در قالب طرح باقی مانده و فقط معدودی از آن‌ها به اجرا درآمدند. تدوین طرح‌های اسکان عشایر با نگرش توسعه و عمران و با توجه به هماهنگی با برنامه‌ریزی‌های توسعه کشور و بر اساس پتانسیل سنجی و ملحوظ داشتن دیدگاه‌های عشایر، نخستین بار به سال ۱۳۷۰ برمی‌گردد. تعدادی از طرح‌های اسکان عملاً در قالب کانون‌های اسکان عشایر در قلمروهای ایلی اجرا شده است (صالحی، ۱۳۸۴: ۴۸-۱۱) یکی از دلایل اسکان عشایر کاهش و یا جلوگیری از تخریب عرصه‌های مرتعی و جنگلی توسط دام‌های عشایر عنوان می‌شود که پس از اسکان عشایر تغییر محسوسی در کاهش این گونه تخریب مشاهده نشده است. ایل میلان دومین ایل بزرگ ایل استان بعد از ایل جلالی است به طوری که ۲۹/۹ درصد خانوارهای کوچنده ی منطقه را که شامل ۱۳۷۸ خانوار است در ۱۲۴ اوبه سازمان یافته است. در حال حاضر جوانان عشایری از این رده بندی اطلاعات بسیار ضعیفی دارند و اسکان یافته‌های عشایری به روستاهای عشایری مبدل شده‌اند که تنها فرهنگ خود را حفظ نموده ولی فرهنگ کوچ را از دست داده‌اند (صافی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۵۳). قلمرو اولیه این ایل منطقه ی وسیعی از آذربایجان غربی و ترکیه را شامل می‌شد که در جوار ایلات و طوایف وابسته ی خود به حیات ایلی ادامه می‌داد. براساس تحقیقات به عمل آمده، مشخص شده است که این ایل با ایلات شکاک، تاگوری، کردهای قوچان، سارمانلو، مقری، گراوی، خودی، شمسکی، حسلانلو، مرزکی و جبرانلو خویشاوند است. از ایلات فوق ایل شکاک و طایفه ی مدرومی، ایل تاگوری در منطقه موجود هستند و کردهای قوچان نیز توسط نادرشاه افشار از این منطقه انتقال داده شده‌اند. بقیه ایلات فوق هم اکنون در ترکیه و آن سوی مرز می‌باشند و از چند و چون آن‌ها اطلاعی در دست نیست.

ایل میلان شامل ۱۲ طایفه است که قسمت اعظم آن اسکان یافته و در حال حاضر کوچ نمی‌کنند (اسکندری‌نیا، ۱۳۶۶: ۲۵۷). اسکان عشایر میلان به دنبال فعالیت‌های عمرانی در دشت شیبلو

و جلوگیری از تخریب مراتع حاشیه رود ارس صورت گرفته است. بررسی تجارب اسکان جوامع کوچنده در جهان و ایران گویای آن است که پیامدهای نامطلوب اجتماعی - اقتصادی به‌ویژه در پروژه‌های دولتی در خور توجه می‌باشد. با این مقدمه در این تحقیق این سوال اساسی مطرح است که اقتصاد خانوارهای عشایر اسکان‌یافته چه تحولاتی داشته است که به دنبال آن سوالات زیر مطرح می‌شود:

- ◆ چه تغییراتی در نوع معیشت خانوارهای اسکان‌یافته نسبت به قبل از اسکان به‌وجود آمده است؟
- ◆ تغییر در درآمد و هزینه‌های عشایر اسکان‌یافته به چه صورتی می‌باشد؟
- ◆ آیا این تحولات بر رضایت از اسکان تاثیر گذاشته است؟

اهداف تحقیق:

هدف اصلی تحقیق شناسایی تحولات اقتصادی خانوارهای اسکان یافته و همچنین شیوه‌های معیشتی و رضایت مندی این خانوارها از وضعیت زندگی خود و مقایسه آنها با قبل از اسکان است که به صورت موارد زیر نمود یافته است:

- ◆ بررسی اقتصاد عشایر اسکان یافته قبل و بعد از اسکان
- ◆ بررسی درصد دام قبل و بعد از اسکان
- ◆ بررسی میزان رضایت مندی عشایر اسکان یافته از وضعیت اقتصادی خود

مبانی نظری تحقیق:

امروزه اصلی‌ترین هدف از تغییرات و دگرگونی در شیوه زندگی و معیشت، رسیدن به توسعه است. تودارو در تعریف توسعه بیان می‌دارد که توسعه جریانی چند بعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عام مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است (تودارو، ۱۳۶۷: ۱۳۶). امروزه توسعه همپای زندگی بهتر تلقی می‌شود و جوامع نسبت به گذشته از آن بیشتر منتفع می‌گردند. گاه توسعه بیشتر با روش‌ها، سیاست‌ها و شیوه‌های اقتصادی پیش برده می‌شود که هم در زمینه تعیین و سنجش ارزش واقعی منابع محیطی و انسانی و هم به خاطر محدودیت‌هایی که در صورت افزایش بیش از حد، انسانیت و سایر انواع حیات را تهدید می‌کنند شکست خورده و ناکام مانده‌اند (بارو، ۱۳۷۶: ۴۸). توسعه گاه توسعه فرهنگی و گاه توسعه اجتماعی را شامل می‌شود و در مواردی توسعه اقتصادی است و مسائل و شرایط ویژه ای دارد (توسلی، ۱۳۷۴: ۸۶) هدف توسعه بالا بردن کیفیت زندگی توده‌های مردم و آزاد کردن نیروهای خلاقه آنان است. توسعه نوعی فرایند بنیادی تحول اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که در آن نقش اصلی را باید اکثریت اعضای جامعه خود بر عهده داشته باشند (عبیداله خان، ۱۳۶۵: ۶۳). توسعه به وضعیتی معین و جاری در جامعه و روندهای دگرگون ساز آن باز می‌گردد. در جنبه نظری، توسعه یافتگی بدین معناست که افراد و گروه‌های اجتماعی یک کشور قادر به تعیین سرنوشت خویش شوند و بتوانند اهداف ملی را با انتخابی آگاهانه بر اساس شرایط و امکانات خویش به پیش برند، بدون اینکه در مناسبات و روابط خود با مشکلاتی چون بحران، استثمار، وابستگی و

سلطه مواجه شوند (سعیدی، ۱۳۸۸: ۱۷۱) و دستیابی به توسعه مستلزم توجه به همه ابعاد محیطی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و نهادی - مدیریتی است (افراخته، ۱۳۹۱: ۴۰) می‌توان ابراز داشت که در هر حال توسعه‌های بیشتر در زمینه‌های مدرنیزه‌شدن و جایگزینی فعالیت‌های نوع اول متمرکز شده کار با سرمایه فشرده برای بهبود آینده و پیشرفت در کشورهای در حال توسعه جهان مفید خواهد بود (بهفروز، ۱۹۹۸: ۱۶).

کانون‌های اسکان عشایر یکی از راهکارهای توسعه برای جامعه عشایر داوطلب اسکان هستند. برای اسکان عشایر در سطح جهانی با آغاز قرن بیستم اقدامات پر دامنه‌ای از سوی حکومت‌ها اعمال شد (سو: ۱۳۸۰، ۵۸-۵۹). برای توسعه پایدار جامعه عشایری دیدگاه‌ها و نظریات مختلفی توسط صاحبان اندیشه مطرح شده است. از جمله دیدگاه تغییرات اجتماعی (گی‌روشه)، دیدگاه نوسازی (آیزنشتات)، دیدگاه وابستگی (سمیر امین)، دیدگاه تامین نیازهای اساسی (مازلو) و دیدگاه زیست‌محیطی وجود دارد. از بین دیدگاه‌های مطرح شده دیدگاه نوسازی به علت رابطه نزدیک با اسکان عشایر دشت شیپلو مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در آغاز قرن ۲۱، تحولات جهانی و تحولات قرن اخیر جامعه ایران، نقش و جایگاه جامعه عشایری را کلی دگرگون کرده و از اواسط دوره قاجار که ایران در مدار جامعه صنعتی قرار گرفت و از سال ۱۳۰۰ که تحولات همه جانبه، عمیق، سریع و موثری تحت عنوان «فرایند نوسازی»^۱ جامعه ما را به شدت متحول کرده و به نفع جامعه شهری تقویت شد. اندیشه نوسازی زیربنا و قالب فکری بسیاری از نظریه‌پردازان توسعه بوده است (پاپلی و ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۷۳) نوسازی فرایندی است که جوامع را به دو گروه سنتی و مدرن تقسیم می‌نماید که دسته اول از ویژگی‌هایی همچون بی‌سوادی کم‌بازده، بسته‌بودن اجتماع، خانواده‌های گسترده و ... برخوردار بوده و دسته دوم دارای ویژگی‌هایی کاملاً متضاد آن هستند که جوامع عشایری در گروه اول قرار دارد و با انجام اسکان (فرایند نوسازی) وارد مرحله گذر می‌شوند. آبراهام معتقد است فرایند نوسازی، فرایندی پیچیده و چندلایه برای توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... است (Abraham, ۱۹۹۸: ۵) همچنین راجرز نوسازی را جریانی می‌داند که طی آن روش زندگی سنتی افراد یک جامعه به سیستمی پیچیده‌تر و از نظر تکنیکی پیشرفته‌تر و مرفه‌تر تحول می‌یابد (از کیا، ۱۳۷۰: ۲۵).

افرادی چون آیزنشتات معتقدند که نوسازی از درون گروه‌های قبیله‌ای، جوامع دهقانی، روستایی و با میزان متفاوت شهرنشینی آغاز می‌شود (کرمی و فناپی، ۱۳۷۳: ۴۷) رابرت وارد نوسازی را حرکتی به سوی جامعه نو تعریف می‌کند (Ward ۱۹۶۳: ۵۹) ویلبرت مور در تعریف نوسازی می‌گوید: نوسازی دلالت بر دگرگونی کامل یک جامعه سنتی و یا ماقبل‌مدرن به یک جامعه با انواع تکنولوژی و سازمان اجتماعی مربوط به آن دارد (Moor ۱۹۶۳: ۸۹).

طی سال‌های ۱۳۰۰ه.ش به بعد دولت‌ها، عشایر را به عنوان تهدیدی برای اقدامات خود تلقی می‌کردند و رویه نیز به همان شکل ادامه پیدا کرد و نتیجه نهایی چنین روندی تغییر تحولات بوجود آمده در جامعه عشایری بود پس از انقلاب اسلامی دیدگاه نوسازی مورد توجه قرار گرفت و به جای رفاه حال طبقات بالای جامعه و شهرنشینان تامین نیازهای انسانی دهقانان روستانشین، عشایر و فقرا را در نظر گرفت (سو، ۱۳۸۰: ۳۱۲). با توجه به شرایط خاص زندگی عشایری و

متحرک بودن جامعه بحث اسکان از زمان پهلوی اول (به دلایل سیاسی) و دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی (به دلایل خدمات رسانی و ارتقاء سطح زندگی این جامعه) تغییرات مهمی در وجه نظر مسئولین نسبت به جامعه عشایری پدید آمد و سیاست اسکان عشایر در راستای ساماندهی به زندگی عشایر مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران جامعه عشایری قرار گرفت و به‌ویژه از سال ۱۳۷۱ این بحث در قالب کانون‌های اسکان تبلور پیدا کرده است.

بر این اساس می‌توان گفت که دیدگاه نوسازی در تحول گروه‌های کوچ رو به گروه‌های یکجانشین و تغییر معیشت عشایری به معیشت یکجانشینی و نیز تحولات رو به رشد عشایر به اجتماعات یکجانشین و در نهایت اسکان عشایر نقش موثری را فراهم آورده است. براساس این مکتب اسکان عشایر و یکجانشینی اقدامی در جهت توسعه این جامعه است. امروزه بر خلاف گذشته عشایر ایران نه تنها مخالف اسکان نیستند بلکه خود متقاضی و خواهان اسکان اند. چنین اسکانی جنبه سیاسی و اجباری نداشته و فرایندی داوطلبانه و برنامه‌ریزی شده است که به منظور توسعه و بهبود زندگی عشایر صورت می‌گیرد. شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بیانگر آن است که در اغلب زمینه‌ها کوچ‌نشینان محروم‌تر از یکجانشینان هستند، بنابراین لزوم تغییر زندگی کوچ‌نشینانی به شیوه دیگری از زندگی به شدت احساس می‌گردد. جامعه عشایری به دلیل رویارویی با موانع و مشکلات زیاد، جمعیت خود را به نفع جوامع یکجانشین از دست می‌دهد. بنابراین بدون برنامه‌ریزی اصولی، نوعی اسکان طبیعی در جامعه عشایری رخ می‌دهد که پیامدهای نابه‌هنجاری در پی خواهد داشت. در هر صورت اسکان عشایر چه داوطلبانه یا هدایتی باشد آثاری را بر جای خواهد گذاشت. ارزیابی همه جانبه برای اطلاع از اقدامات انجام شده، بازنگری در طرح‌ها و برنامه‌ها، تایید و تقویت رویه‌های گذشته و انجام اصلاحات لازم در بهبود برنامه‌های آتی از ضرورت‌های قطعی است (عزیزی، ۱۳۸۳: ۱۱). ولی به هر حال اسکان عشایر به لحاظ پیامدهای منفی متعدد و هزینه‌های زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی که در پی دارد راه حل مناسبی برای توسعه جامعه مذکور نمی‌باشد (یاسوری، ۱۳۹۱: ۲۳۰). اسکان ایلات و عشایر باید با مطالعه دقیق وضع امکانات اقتصادی ناحیه‌ای که محل کوچ تابستانی و زمستانی آن‌ها را تشکیل می‌دهد با گذر از این مرحله بینابین مثلاً نیمه‌کوچ نشینی صورت گیرد (جوان، ۱۳۸۰: ۱۳۲).

چگونگی و شکل اسکان در عشایر که تابعی است از تمایلات عشایر، وضعیت اقتصادی موجود آنان و نوع اشتغال آنان در حالت اسکان به اشکال زیر است: اسکان با اشتغالات کشاورزی بطور اعم توأم با دامداری و دامپروری، اسکان با اشتغالات دامداری و دامپروری (صنعتی)، و اسکان با اشتغالات دامپروری و صنعتی (دبیر خانه شورای عالی عشایر ایران، ۱۳۶۶: ۳۷). اسکان عشایر یا ساکن شدن کوچندگان پدیده‌ای است که با رویکردهای مختلفی از سال ۱۳۱۲ تاکنون به آن پرداخته شده و متناسب با رویکرد غالب هر دوره که نشأت گرفته از هدف‌ها و سیاست‌های حاکم بر همان دوره می‌باشد طرح‌ها و برنامه‌های مختلفی تصویب و اجرا شده است برخی از دلایل اسکان عشایر در جدول شماره ۱ آورده شده است.

جدول شماره ۱: دلایل اسکان در دوره‌های تاریخی مختلف

دوره تاریخی	دلایل اسکان
صفویه	برای جلوگیری از هجوم ترکمن‌ها در شمال شرق، اقوام قاجار مقیم آذربایجان در گرگان اسکان یافتند.
افشاریه	حفظ و حراست از سرزمین‌های تازه تسخیر شده
زندیه	در دوره کریم‌خان زند، وی در اواخر حکومت خود در جهت اسکان عشایر کوشش نمود، به خصوص توصیه کرد با عشایر با شفقت رفتار شود و آنان را در مساکن اصلی خود مستقر سازند.
پهلوی اول	در دوره رضاخان (۱۳۲۰-۱۳۰۰) که اقدام به تخت‌قاچاق نمودن عشایر نمود و به دلیل قهری بودن این اقدام، بعد از سقوط رضاخان دوباره روند کوچ‌نشینی از سر گرفته شد.
پهلوی دوم	اسکان در دوره محمد رضا شاه نیز ادامه یافت، ولی یک روند واحد نسبت به عشایر (نظیر پدرش) وجود نداشت.
پس از پیروزی انقلاب اسلامی	هیأت دولت به منظور رفع مظالم گذشته و به منظور عدالت اجتماعی، ابتدا راهبرد احیا و تقویت کوچندگی و ارائه خدمات حین کوچ را دنبال کرد.
	در دهه دوم، ضرورت اسکان احساس گردید که هدف بالا بردن سطح زندگی عشایر و اشتغال‌زایی و برخورداری از سرویس و خدمات ضروری برای زندگی عشایر بود. در نتیجه برنامه دوم اقتصادی و اجتماعی کشور که در قالب طرح زیست‌بوم‌های عشایری برای اسکان ۲۰ هزار خانواده اقدام کردند و با صرف حدود ۴۰ میلیارد تومان اسکان‌هایی صورت گرفت، ولی اشتغال‌زایی و ارزش افزوده با این سرمایه‌گذاری جایگاه مشخصی ندارد (بخشنده نصرت، ۱۳۷۸: ۹).

◀ مأخذ: بررسی‌های محقق

غیر از موارد ذکر شده گاهی عمران یک منطقه موجب اسکان ایلات اطراف آن منطقه گردیده است چنانچه عمران دشت مغان موجب اسکان ایلات شاهسون در آن منطقه گردید (بدیعی، ۱۳۶۲: ۱۵۴-۱۵۵) در همین راستا آبرسانی از رود ارس به دشت شیبیلو موجب اسکان عشایر ایلات میلان در آن منطقه گردید. با گذشت زمان و تحولات سیاست‌گذاری آنچه که این فرایند را مورد تردید قرار داد سرعت و روند رو به افزایش حاشیه‌نشینی مخرب در مناطق عشایری کشور و به‌ویژه در حاشیه شهرهای این مناطق بود. این حرکت نه‌تنها بسیاری از پتانسیل‌های بالقوه و به خصوص بالفعل مناطق روستایی و عشایری را به شدت تضعیف نمود، بلکه با گسترش حاشیه‌نشینی در شهرهای این مناطق، خود سبب رشد چشمگیر بحران‌های متعدد اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی در مناطق و نواحی مستعد کشور گردید (رشنو، ۱۳۸۴: ۶۵).

در زمینه عشایر با تاکید بر پدیده اسکان و پیامدهای آن مطالعات زیادی صورت گرفته است از جمله شکور و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان بررسی و مقایسه الگوهای اقتصادی تولید در ایل قشقایی فیروزآباد و نگرش آنان به تغییر شیوه به این نتیجه رسیده‌اند که شیوه کوچ‌نشینی موجبات برخوردار نشدن از امکانات لازم و کافی اقتصادی و رفاهی و زیستی خواهد گردید و با توجه به اهداف برنامه توسعه اجتماعی و اقتصادی ضرورت اسکان عشایر کاملاً مشهود است چون نوع معیشت سنتی عشایری با نظام توسعه اقتصادی و اجتماعی به معنی بهینه آن سازگار نیست به علاوه هرگونه برنامه‌ریزی برای اسکان باید بر اساس شرایط جغرافیایی طبیعی حاکم، باورهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی باشد در غیر این صورت ممکن است به فقر بیشتر بینجامد. رباحی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی نقش طرح‌های اسکان در توسعه اقتصادی و اجتماعی عشایر پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که این طرح‌ها در زمینه اقتصادی موفق نبوده است ولی از نظر اجتماعی (امکان تحصیل، دسترسی به بهداشت)، موفقیت زیادی را برای مردم اسکان یافته به همراه داشته است. توکلی (۱۳۸۸) در بررسی پیامدهای فضایی اسکان عشایر اشاره می‌کند که اسکان بیش از آنکه تحولی در جهت توسعه همه‌جانبه باشد تغییری تک‌بعدی، بروکراتیک و ناظر بر انتقال از چادر به چار دیواری است. چنین فرآیندی با کاهش دام به عنوان منبع اصلی درآمد، موجب بیکاری و افزایش مهاجرت‌های فصلی برای تامین معاش خانوار شده است. سلطانی (۱۳۷۸) بررسی دیگری را از بعد اقتصادی در مورد اسکان عشایر دشت بکان اقلید انجام داد که نتایج حاکی از آن است که پس از اسکان سهم زراعت در ترکیب فعالیت‌های جمعیت مورد بررسی افزایش یافته و تنوع فعالیت‌ها بیشتر شده است. شاطری و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی به واکاوی اثرات اقتصادی - اجتماعی اسکان خود جوش عشایر در بخش دهدز شهرستان ایذه استان خوزستان پرداخته‌اند که نتایج تحقیق حاکی از آن است که در بعد اجتماعی تحولات مطلوبی در وضعیت آموزش، سواد و بهداشت ایجاد شده است در بعد اقتصادی نیز درآمد و پس انداز خانوارها افزایش یافته میزان استفاده از امکانات تولیدی نسبت به قبل از اسکان بیشتر شده و اشتغال اصلی مردم از دامداری به فعالیت‌های خدماتی و کارگری تغییر نموده است. دکتر رفیع‌فر و همکاران (۱۳۸۶) از بعد فرهنگی به اسکان عشایر تالش پرداخته‌اند و در زمینه اقتصادی عنوان کرده‌اند که در گذشته منطقه طولارود به لحاظ اقتصادی کاملاً خود کفا بوده و تا حدودی تمام نیازهای خانوار در آن تهیه می‌شده ولی امروزه به صورت یک جامعه مصرفی درآمدی و تقریباً در زمینه‌های مختلف، لوازم مورد نیاز خود را از بازار تهیه می‌کنند.

روش تحقیق:

در تحقیق حاضر روش کار توصیفی - تحلیلی است که در روش توصیفی به بیان دیدگاه‌هایی در مورد اسکان عشایر پرداخته شده است و در روش تحلیلی، روند کار بر اساس پرسشنامه و تحلیل بوده است. اطلاعات مورد نیاز از طریق بررسی محلی، پرسشگری و تکمیل پرسشنامه جمع‌آوری شده است. داده‌های جمع‌آوری شده از طریق آمار توصیفی و مطالعه تطبیقی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. جامعه آماری مشتمل بر ۲۲۳ خانوار ساکن در سایت میلاد می‌باشد که حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران^۱ و با سطح اطمینان ۹۵ درصد حدود ۱۴۱ سرپرست خانوار می‌باشد که در اینجا $p=q=5/0$ و $z=1.96$ و $d=0.5$ می‌باشد.

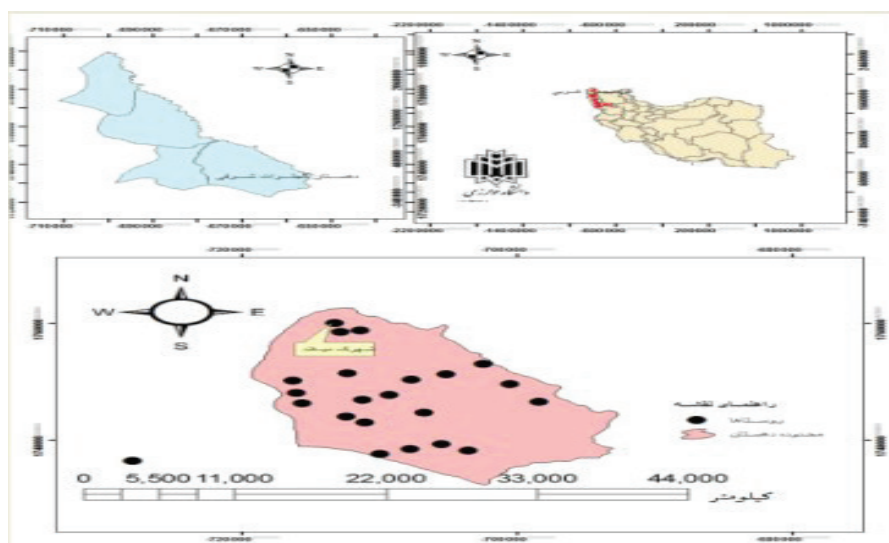
$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)} - 1$$

محدوده مورد مطالعه:

محدوده مورد مطالعه اسکان عشایر در دشت شیپلو در استان آذربایجان غربی با عنوان کانون شهرک میلاد است این کانون (شهرک میلاد) واقع در بخش ارس شهرستان پلدشت (نقشه شماره ۱) از سال ۱۳۷۶ احداث و اسکان عشایر در آن از سال ۱۳۷۹ شروع شده است و همچنان روند اسکان ادامه دارد. دشت شیپلو سرزمینی است که از هر نظر دارای استعداد فوق العاده‌ای برای فعالیت‌های گوناگون کشاورزی، دامپروری، ایجاد مراکز صنعتی بوده و آمادگی کامل برای کشت و زرع محصولات مختلف با روش‌های مدرن آبیاری را خواهد داشت این نظریه متکی بر آب و هوای مناسب، خاک حاصلخیز، آب کافی و رضایتبخش آن منطقه است. بررسی‌ها نشان داد از مجموع خانوارهای اسکان‌یافته در این کانون بیش از ۷۰ درصد رومه‌گردان بوده‌اند که بعد از تاسیس شهرک اسکان دائم یافته‌اند.

کانون توسعه شهرک میلاد بین ۳۹ درجه و ۱۰ دقیقه و ۳۴ ثانیه عرض جغرافیایی و ۴۵ درجه و ۱۰ دقیقه ۱۴ ثانیه طول جغرافیایی واقع شده است. کانون مورد مطالعه از نوع کانون‌های هدایتی است که در محدوده قشلاقی ایجاد شده است (محدوده بیلاقی این ایل مناطق مرزی ترکیه در حاشیه کوه آزارات و مناطق قشلاقی آن در حاشیه رود ارس قرار داشت). عشایر میلان با کمک مالی و اعتباری دولت در ازای دریافت وام و زمین کشاورزی و با تعهد تحویل مراتع بیلاقی و قشلاقی به تدریج از ۱۰ سال گذشته به اسکان روی آورده‌ند. عشایر میلان متشکل از دو طایفه میلان و شیخ کانلو هستند و اکثریت عشایر اسکان‌یافته از ایل میلان می‌باشند که در اوایل اسکان با اختلافات زیادی روبه‌رو بودند به طوری که هر کدام از ایل‌ها به صورت جداگانه در یک منطقه از شهرک بدون ارتباط با افراد سایر ایلات اسکان داده شده بودند ولی به تدریج از میزان اختلافات کاسته شده است.

◀ نقشه شماره ۱: موقعیت شهرک میلاد در استان آذربایجان غربی



یافته‌های تحقیق:

◆ دلایل اسکان:

از بین ۱۴۱ نفر پاسخگو ۱۰۹ نفر مرد و ۳۲ نفر زن بوده‌اند. از نظر سطح سواد بیشترین پاسخ دهندگان مربوط به دوره دیپلم بوده است و دوره‌های دیپلم به بالا در اقلیت می باشد که حاکی از آن است که عشایر اسکان یافته دشت شیپلو تمایل چندانی به ادامه تحصیل نداشته‌اند (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲: ویژگی‌های جمعیتی نمونه مورد مطالعه

میزان سواد	بی سواد	ابتدایی	راهنمایی	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس و بالاتر	جمع
فراوانی	۴۰	۲۹	۲۶	۴۵	۱	-	۱۴۱
درصد	۲۸,۴	۲۰,۶	۱۸,۴	۳۱,۹	۰,۷	-	۱۰۰

◀ مأخذ: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۳)

عشایر اسکان یافته در این دشت که به دنبال فعالیت عمرانی و آبرسانی از رود ارس به این دشت در سایت میلاد اسکان یافته‌اند برای دلایل اسکان در این دشت به ترتیب ۹۷,۹ درصد پاسخ دهندگان بنا به پیشنهاد دولت اسکان را پذیرفته‌اند و این بیانگر این است که عشایر در قبال دریافت امتیازاتی از جمله دریافت زمین کشاورزی، دریافت وام مسکن، اسکان را پذیرفته‌اند و میل و خواست عشایر و پیشنهاد افراد ایل و همچنین اجبار تاثیر چندانی در اسکان نداشته است. (نمودار شماره ۱).

نمودار شماره ۱: دلایل اسکان عشایر دشت شیپلو



◆ معیشت عشایر:

در زمینه معیشت نوع فعالیت اصلی ساکنان شهرک قبل و بعد از اسکان مورد بررسی قرار گرفت که بررسی نوع فعالیت و تعداد مالکیت دام قبل و بعد از اسکان حاکی از آن است که نوع فعالیت عشایر اسکان یافته تغییر چشم‌گیری داشته است. بر اساس برداشت‌های میدانی صورت گرفته مساحت اسکان در جدول شماره ۳ آورده شده است. بر اساس برداشت‌های میدانی صورت گرفته مساحت زمین‌های زراعی کانون ۸۰۰ هکتار می‌باشد که ۷۷۰ هکتار آن زیر کشت آبی و ۳۰ هکتار به صورت دیم می‌باشد. همچنین از مجموع ۲۲۳ خانوار کانون حدود ۱۷۰ خانوار زارع می‌باشند و با توجه به این ارقام، سرانه اراضی زراعی در کانون مورد مطالعه برای هر خانوار حدود ۴/۷ هکتار (۴/۵ هکتار اراضی آبی و ۰/۲ هکتار اراضی دیم) می‌باشد که نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً مناسب اراضی می‌باشد بنا بر بررسی‌های میدانی، رکن اصلی فعالیت‌های اقتصادی خانوارهای عشایری قبل از اسکان دامداری به صورت نگهداری و پرورش گوسفند و بز و فروش تولیدات دامی بوده است و بعد از اسکان به زراعت (کاشت محصولات جالیزی یا گندم) یا زراعت در کنار دامداری روی آورده‌اند. خانوارهای اسکان یافته در این کانون قبلاً دامدار بوده‌اند و اسکان باعث تغییر شکل شیوه معیشت آنها شده است با توجه به این وضع، بعد از اسکان از تعداد دام خانوارها به شدت کاسته شده است.

جدول شماره ۳: نوع فعالیت اصلی ساکنان سایت میلاد

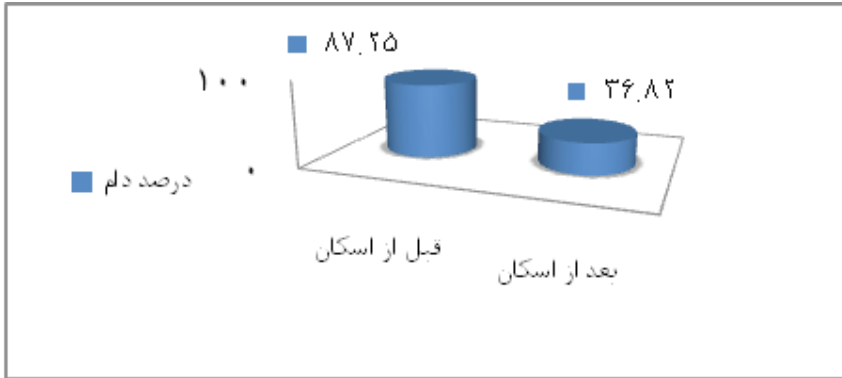
جمع		سایر		زراعت (کشت محصولات جالیزی، گندم)		دامداری - زراعت		دامداری (نگهداری گوسفند و بز)		نوع فعالیت
۱۰۰	۱۴۱	۳,۵	۵	-	-	-	-	۹۵,۵	۱۳۶	قبل از اسکان
		۷,۵	۱۱	۰,۵	۷	۸۷,۲	۱۲۳	-	-	بعد از اسکان

◀ مأخذ: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۳)

مقایسه تعداد دام قبل و بعد از اسکان نشان از کاهش شدید دام در میان ساکنین و وابستگی آنها به محصولات دامی می‌باشد مهمترین چالش‌های پیش روی دامداری در این کانون علاوه بر کمبود مرتع و علوفه، سنتی بودن شیوه دامداری به دلیل کوچک بودن قطعات مسکونی که امکان

دامپروری بسته مقدور نمی‌باشد، عدم توانایی مالی جهت احداث تاسیسات دامپروری، واگذاری زمین در قبال لغو پروانه چرای بیلاقی بوده که اخیراً اداره منابع طبیعی پروانه قشلاقی عشایر را هم لغو کرده است.

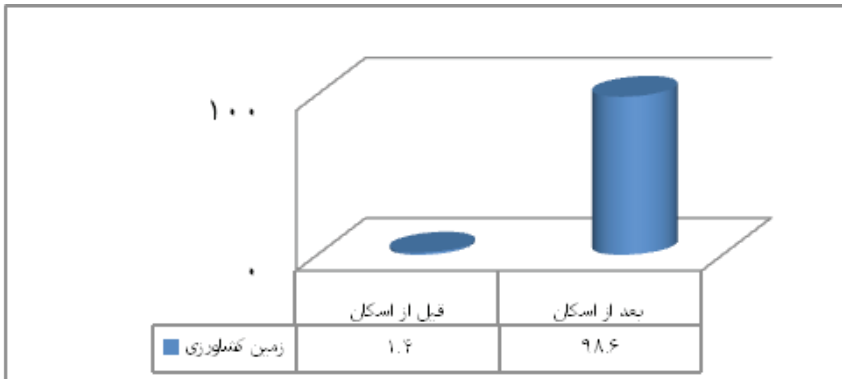
نمودار شماره ۲: مقایسه درصد دام قبل و بعد از اسکان



◀ مأخذ: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۳)

مقایسه میزان زمین کشاورزی قبل و بعد از اسکان نشان می‌دهد که ۹۸٫۶ درصد عشایر اسکان یافته دارای زمین کشاورزی شده‌اند که این میزان قبل از اسکان ۱٫۴ درصد بوده است. (نمودار شماره ۳)

نمودار شماره ۳: مقایسه میزان زمین کشاورزی قبل و بعد از اسکان



◀ مأخذ: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۳)

با توجه به کشت آبی منطقه دولت باید با برنامه‌ریزی صحیح و آموزش عشایر اسکان یافته در این منطقه مبنی بر انتخاب نوع کشت مناسب و شیوه‌های کشت و آبیاری صحیح علاوه بر عمران منطقه باعث ایجاد اشتغال در بین عشایر اسکان یافته شود و همچنین اتخاذ تدابیر برای حفظ، حراست و بهره‌برداری مناسب از اراضی دشت شیبلو در پایداری فعالیت‌ها موثر خواهد بود. در مورد صنعت فرش‌بافی که جزوه فعالیت‌های اصلی عشایر کوچنده می‌باشد پس از اسکان به

علت نبود امکانات به فراموشی سپرده شده است و درآمد حاصل از این صنعت به طور چشم‌گیری کاهش یافته است. خانوارهای اسکان‌یافته در کانون مورد مطالعه قبل از اسکان صنایع دستی مختلفی از جمله قالی و قالیچه، گلیم و خورجین تولید می‌کرده‌اند، اما بعد از اسکان بسیاری از این محصولات تولید نمی‌شوند و در وضع موجود تنها به صورت محدود فروش تولید می‌شود و تولید آن به صورت خانگی است که عمده تولید آن برای عرضه به بازار است (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۴: وضعیت صنعت فرش در بین عشایر اسکان‌یافته

صنایع دستی		فراوانی			درصد	
		بله	خیر	بله	خیر	
آیا گلیم‌بافی در میان شما رواج دارد؟		۴	۱۳۵	۲,۸	۹۵,۷	
تغییر صنعت فرش پس از اسکان		کاهش	افزایش	تغییری نکرده	کاهش	افزایش
		۱۳۵	۳	۳	۹۵,۷	۲,۱
						تغییری نکرده
						۲,۱

◀ مأخذ: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۳)

زنان در عشایر مورد مطالعه در دوره قبل از اسکان نقش بارزی را بازی می‌کردند اما در حال حاضر اگر چه در بخش زراعت و دامداری که ادامه دارد فعالیت جزئی را دارند ولی می‌توان با فراهم کردن مشاغلی مانند ایجاد کارگاه‌های صنایع دستی و ... به‌ویژه برای زنان با تجربه در کانون مورد مطالعه از این نیروی کار به نحو مطلوب استفاده کرد و بهره‌برداری کرد.

◆ اثرات اقتصادی اسکان عشایر:

برای دست‌یافتن به رشد اقتصادی باید هزینه‌ها و درآمدهای گروه خاص مورد بررسی قرار گیرد لذا هزینه‌ها و درآمدهای عشایر اسکان‌یافته میلاد مورد تحلیل قرار گرفت و نتیجه آن بر طبق جدول شماره ۵ می‌باشد. همان‌طور که قبلاً ذکر شد شغل اصلی عشایر قیل از اسکان دامداری بوده است که با اسکان آنها و عدم دسترسی به مناطق ییلاقی و قشلاقی، میزان دام کم شده و به دنبال آن درآمد حاصل از آن کاهش پیدا کرده است. پس از اسکان به هر یک از عشایر اسکان‌یافته حدود ۳ هکتار زمین کشاورزی داده شده است که به تبعیت از آن شغل دامداری - کشاورزی جای شغل صرف دامداری را گرفته است و به علت فعالیت‌های عمرانی و آب‌رسانی به دشت شیبیلو کشاورزی منطقه از نوع آبی بوده و محصولاتی از جمله گندم، یونجه و محصولات جالیزی کشت می‌شود و در شهرهای اطراف به صورت نقدی به فروش می‌رسد لذا درآمد عشایر اسکان‌یافته در زمینه کشاورزی رشد چشمگیری داشته است.

جدول شماره ۵: مقایسه درآمد عشایر اسکان یافته

میانگین درآمد	جمع	بدون تغییر		کاهش		افزایش		درآمد		
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی			
۲,۴۲۱۸	۱۴۱	۰.۷	۱	۸,۵	۱۴۱	۸۴,۴	۱۱۹	۶,۴	۹	درآمد دامداری
	۱۴۱	-	-	۵,۷	۸	۰.۵	۷	۸۹,۴	۱۲۶	درآمد کشاورزی

◀ مأخذ: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۳)

کوچ‌نشینان یک جامعه خودکفایی هستند که اکثر نیازهای خود را تامین می‌کنند با یکجانشین شدن از میزان خودکفایی آن‌ها کاسته می‌شود و با وابستگی این جامعه به جوامع شهری بر میزان هزینه‌های زندگی افزوده می‌شود. بنابراین بر اساس دیدگاه پاسخ‌دهندگان هزینه‌های زندگی نسبت به قبل از اسکان افزایش یافته است. (جدول شماره ۶)

جدول شماره ۶: مقایسه هزینه‌های عشایر اسکان یافته

میانگین هزینه‌ها	جمع	بدون تغییر		کاهش		افزایش		هزینه‌ها
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲,۱۰۱۲	۱۴۱	۳۵,۵	۵۰	۰.۱۷	۲۴	۴۷,۵	۶۷	هزینه‌های درمانی
	۱۴۱	۱۲,۱	۱۷	۲,۱	۳	۸۵,۸	۱۲۱	هزینه‌های تحصیل فرزندان
	۱۴۱	۶,۴	۹	۲,۱	۳	۹۱,۵	۱۲۹	هزینه تامین مواد غذایی

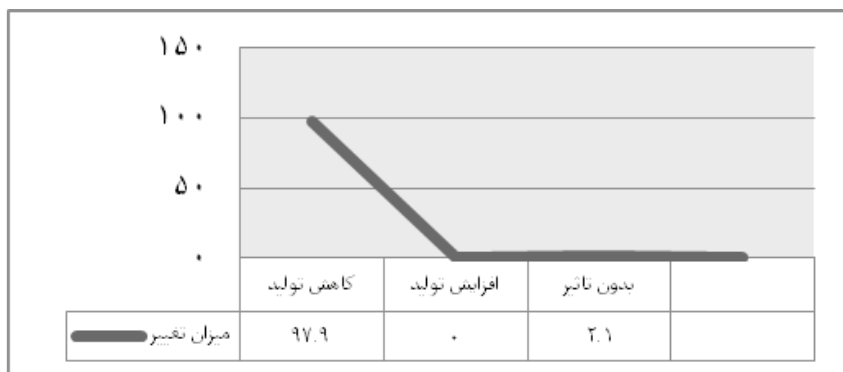
◀ مأخذ: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۳)

مقایسه میانگین درآمد و هزینه‌ها حاکی از آن است که با وجود افزایش درآمد کشاورزی، درآمد حاصل از دامداری و همچنین درآمد حاصل از صنایع دستی پایین آمده و تغییر چندانی از لحاظ درآمد در بین عشایر اسکان یافته صورت نگرفته است افزایش هزینه‌ها حاکی از شدت یافتن مصرف‌گرایی در بین عشایر اسکان یافته می‌باشد.

مروری بر تحولات اقتصادی اخیر حکایت از آن دارد که اقتصاد ایران پیوسته در معرض انبساط‌های پولی و به تعبیری شوک‌های پولی قرار داشته است. بخش کشاورزی به عنوان یکی از مهمترین بخش‌های اقتصادی کشور، از این تحولات تاثیر زیادی پذیرفته است عشایر اسکان یافته نیز به

علت اشتغال به فعالیت‌های دامداری و کشاورزی از قربانیان اصلی این تحولات هستند ۸۳,۷ درصد پاسخ‌دهندگان تحولات اقتصادی اخیر را روی فعالیت‌های کشاورزی و دامداری شان تاثیرگذار دانسته‌اند و میزان این تاثیر را به صورت زیر ارزش‌گذاری کرده‌اند (نمودار شماره ۴).

نمودار شماره ۴: نوع تاثیر تحولات اقتصادی بر فعالیت‌های کشاورزی



◀ مأخذ: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۳)

بر اساس تغییرات صورت گرفته، سنجش اثرات اقتصادی اسکان عشایر از گویه مشابه استفاده شد و در این باره از مخاطبان درباره شیوه سکونت و معیشت در صورت امکان پرسش شد. برای پاسخ به این سوال که تحولات اقتصادی تا چه حدی برنگرش عشایر اسکان یافته در مورد اسکان تاثیر داشته، دیدگاه آن‌ها بر اساس پرسشنامه مورد تحلیل قرار گرفت که نتیجه آن به شرح جدول شماره ۷ می‌باشد (جدول شماره ۷).

جدول شماره ۷: دیدگاه عشایر اسکان یافته نسبت به اسکان

دیدگاه عشایر		بله		خیر	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
آیا از این شهرک به شهر یا منطقه خاصی مهاجرت خواهید کرد؟		۵۳,۲	۷۴	۴۶,۸	۶۶
اگر به گذشته برگردید دوباره اسکان را خواهید پذیرفت؟		۲۴,۸	۳۵	۷۵,۲	۱۰۶

◀ مأخذ: یافته‌های تحقیق (۱۳۹۳)

با وجود افزایش درآمد در زمینه کشاورزی، ۷۵,۲ درصد عشایر اسکان یافته از اسکان ناراضی هستند که این میزان در بین اقشار مسن بیشتر دیده می‌شود و نسل جدید به علت گرایش به زندگی یکجانشینی تمایل چندانی برای کوچ‌نشینی ندارند. از جمله دلایلی که می‌توان جزو عوامل

نارضایتی برشمرد این است که طبیعت رمه‌گردانی کوچ‌نشینان با یکجانشین کردن دام‌سازگاری ندارد و مردم این سایت تا اواخر اردیبهشت حق استفاده از مراتع اطراف را ندارند و نگهداری دام در یک فضای بسته با وجود نبود فضای کافی دشوار می‌باشد. ضمناً تعهداتی که دولت در قبال دریافت ییلاق و قشلاق به عشایر داده بود به طور کلی عملی نشده و نوعی بی‌اعتمادی را در بین عشایر اسکان‌یافته به وجود آورده است. پس از گذشت ۱۰ سال و بیشتر اکثر طرح‌های ایجادشده در این شهرک نیمه‌تمام مانده و وضعیت کالبدی شهرک وضعیت چندان مناسبی ندارد. خیابان‌کشی و آسفالت معابر عمومی پس از گذشت چندین سال به صورت کامل اجرا نشده و اکثریت ساکنین شهرک از این وضعیت احساس نارضایتی داشتند.

بر اساس پیش‌بینی در شهرک‌های ایجاد شده برای عشایر باید تاسیسات و فضاهای فرهنگی، اداری، بهداشتی، تجاری، دامپزشکی، مخابرات، پارک و فضای سبز ایجاد می‌گشت که متأسفانه در بازدیدهای میدانی صورت گرفته بخش عمده‌ای از فضاهای مذکور در شهرک ایجاد نشده و باتوجه به شیوه جدید معیشتی و استقرار در شهرک‌ها و نوع فعالیت دامپروری و کشاورزی به نظر می‌رسد تحقق نیافتن موارد ذکر شده می‌تواند مسایل و مشکلاتی برای ساکنین ایجاد کرده و باعث افزایش نارضایتی از اسکان گردد.

نتیجه‌گیری:

عشایر در تهیه و اجرای برنامه‌های توسعه نقش چندانی ندارند. مثلاً برنامه‌های اسکان انتخاب مکان، پیش‌بینی نوع فعالیت‌ها پس از اسکان و روابط اجتماعی بین گروه‌ها و حتی مدیریت اراضی بدون ملاحظات مشارکتی انجام شده است. راهبرد اثرگذار و کارآمد مدیریت اراضی نیازمند مشارکت پایدار و حمایت همه‌خبرگان محلی دارد (پورطاهری، ۱۳۹۰: ۱۶۲) اسکان عشایر دشت شیبیلو بیش از آنکه تحولی از نظر اقتصادی داشته باشد به جز در مواردی باعث کاهش شدید دام به عنوان مهم‌ترین منبع درآمدی شده است و سبب نابودی صنایعی از قبیل جاجیم‌بافی و گلیم‌بافی و خورجین‌بافی که جزو صنایع دستی مهم در بین عشایر ایل میلان بوده است شده است و بیکاری در بین زنان خانوار و کاهش درآمد خانوار را شدت بخشیده است و باعث وابستگی زنان به مردان شده است و از استقلال زنان در زمینه اقتصادی کاسته است در واقع پدیده اسکان برای این عشایر نوعی وابستگی به زندگی شهری و تبدیل جمعیت فعال عشایری به نیروی بیکار شده است و مصرف‌گرایی را در بین آن‌ها شدت بخشیده است. عشایر، سنت و سابقه دیرینه‌ای در دامداری دارند، از طرفی تقریباً تمام روستاهای ما روستاهای کشاورزی هستند. اگر قرار باشد مراکز اسکان جدیدی با جماعت‌های عشایری کوچنده پدید آید باید فعالیت اصلی آن‌ها بر محور پرورش دام، آن هم تا جایی که ممکن باشد دامپروری نوین امروزی صورت گیرد. گفتنی است که اسکان فی‌نفسه هدف نیست، بلکه وسیله و محملی است برای ایجاد تحول در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زندگی مردم. این پروژه‌ها هرچند در بعضی موارد موجب بر خورداری امکانات و خدمات شدند، لیکن پیامدهای منفی قابل تأملی داشته‌اند. بنابراین اسکان عشایر باید مبتنی بر یافته‌های علمی حاصل از مطالعه وضعیت موجود، ترسیم وضعیت مطلوب در همه جنبه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری زندگی عشایر باشد و با همفکری، همدلی، همراهی و همکاری موثر خود آنان صورت گیرد.

به دلیل نبود امکانات مناسب در شهرک مورد مطالعه ۵۳٫۲ درصد ساکنان در آرزوی مهاجرت هستند. لذا پیشنهاد می‌شود قبل از اسکان عشایر دسترسی به شاخص‌های توسعه از جمله درآمد، اشتغال، آموزش و دسترسی به خدمات در سیاست‌گذاری‌ها مورد توجه قرار گیرد و این شیوه باید حتما بر اساس علایق و توانمندی‌های منطقه باشد و بعد تقویت پایداری و آینده‌نگری مورد توجه قرار گیرد. نوع و کیفیت واحدهای مسکونی در کانون‌های توسعه و نوع کاربری‌ها باید با دقت و مشارکت فکری و تجارب عشایر صورت گیرد تا محدودیت‌هایی از قبیل نبود فضای کافی برای نگهداری دام پیش نیاید. همچنین تقویت زیرساخت‌ها اتمام طرح‌های نیمه‌تمام (اجرای طرح هادی) و دسترسی به شاخص‌های توسعه از جمله: خدمات آموزشی، بهداشتی - درمانی، برق، آب، خدمات ارتباطی، ورزشی - تفریحی و وسایل و تجهیزات زندگی در پایداری این شهرک‌ها ضروری است. لذا پیشنهاد می‌شود جهت کاهش اثرات منفی اسکان برنامه‌های اسکان بعد از گذشت چند سال مورد بررسی و بازنگری قرار گیرد. این بررسی‌ها باید با اهداف زیر و به طور مستمر، به صورت منطقه‌ای انجام شده تا نقش عوامل محلی، قومیت و ویژگی‌های دیگر در این برنامه‌ها مشخص شود:

- ◆ شناخت اقتصاد عشایر در قبل و بعد اسکان در منطقه مورد مطالعه.
- ◆ آگاهی از کمبودها و نواقص مراکز اسکان و ارائه راهبردهای لازم در جهت بهبود روش‌ها.
- ◆ آگاهی از میزان رضایت عشایر اسکان یافته از وضعیت جدید زندگی و مشکلات موجود.

منابع:

- ◀ فراخته، حسن (۱۳۹۱) اقتصاد فضا و توسعه روستایی، مجله اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سالی کم، شماره ۱، دانشگاه خوارزمی، دانشکده علوم جغرافیایی، تهران.
- ◀ ازکیا، مصطفی (۱۳۷۰) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، انتشارات اطلاعات، تهران.
- ◀ اسکندری‌نیا، ابراهیم، ۱۳۶۶، ساختار سازمان ایلات و شیوه معیشت عشایر آذربایجان غربی، انتشارات انزلی.
- ◀ بارو، سی. جی (۱۳۷۶)، توسعه پایدار: مفهوم، ارزش و عمل، ترجمه سید علی بدری، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی؛ شماره پیاپی.
- ◀ بخشنده نصرت، عباس، ۱۳۷۰، برنامه‌ریزی توسعه زندگی عشایر از دیدگاه فضایی، مجموع مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، چاپ اول، تهران، انتشارات: عشایری
- ◀ بدیعی، ربیع، ۱۳۶۲، جغرافیای مفصل ایران، جلد اول، جغرافیای طبیعی، جلد دوم، جغرافیای انسانی، چاپ اول، تهران، انتشارات اقبال.
- ◀ بهفروز، فاطمه (۱۳۷۹) تحلیلی جغرافیایی بر توسعه و تبیین رفاه انسانی در دنیا، پژوهش‌های جغرافیایی شماره ۳۸، صص ۹۷-۱۱۳.
- ◀ بهفروز، فاطمه (۱۳۷۷)، توزیع فضایی اشتغال سه گانه فعالیت‌های اقتصادی در استان‌های ایران، تحقیقات جغرافیایی ۱۴: ۲۴-۳۵.
- ◀ پاپلی یزدی، محمدحسین و محمدامیر ابراهیمی (۱۳۸۷)، نظریه‌های توسعه روستایی، انتشارات سمت، تهران.

- ◀ پورطاهری - مهدی، رکن‌الدین افتخاری - عبدالرضا، بدری - سیدعلی (۱۳۹۰)، راهبردها و سیاست‌های توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی، تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- ◀ توکلی، جعفر و محمد حسین ضیاءتوانا (۱۳۸۸)، پیامدهای فضایی اسکان عشایر در استان چهارمحال بختیاری، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره ۱، صص ۵۳-۸۶.
- ◀ تودارو، مایکل (۱۳۶۷) توسعه اقتصادی در جهان سوم، جلد اول، ترجمه غلامعلی فرجادی، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- ◀ توسلی، غلام عباس، (۱۳۷۴)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات سمت.
- ◀ جوان، جعفر، ۱۳۸۰، جغرافیای جمعیت ایران، چاپ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- ◀ دبیرخانه شورای عالی عشایر ایران، خط مشی بیست ساله آینده زندگی عشایر، ۱۳۶۶، انتشارات عشایری.
- ◀ رفیع‌فر، جلال‌الدین و قربانی ریگ رضا (۱۳۸۶) تغییرات فرهنگی از کوچ به اسکان (نمونه موردی عشایر تالش در طول سه نسل)، مطالعات جامعه‌شناختی شماره ۳۱ صص ۵۷-۸۰.
- ◀ رئیس‌دانا، فریبرز، ۱۳۷۰، ارائه یک راهبرد در توسعه عشایری، مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایری.
- ◀ رشنو، نبی‌الله (۱۳۸۴) فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال دوم، شماره ششم، تابستان.
- ◀ ریاحی، وحید، راشد احمدی و آئی‌عزیمی، (۱۳۹۱)، بررسی نقش‌های اسکان در توسعه اقتصادی و اجتماعی عشایر مطالعه موردی کانون‌های اسکان عشایر استان کهگیلویه و بویر احمد، نشریه کاربردی علوم جغرافیایی سال سیزدهم، شماره ۲۸، بهار ۹۲.
- ◀ عبداللّه خان، ا.ز.م، ۱۳۶۵، برنامه‌ریزی در سطح محلی و توسعه روستایی، ترجمه: عباس مخبر، وزارت برنامه و بودجه، دفتر مدارک و انتشارات.
- ◀ عزیززی، نصر، ۱۳۸۳، الگوی ارزیابی مراکز اسکان عشایر، فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، شماره ۴۳-۴۴.
- ◀ کرمی، عزت‌الله و سید ابوطالب فنایی (۱۳۷۳) بررسی نظریه‌پردازی‌ها در ترویج، جلد ۱، جهاد سازندگی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی.
- ◀ سعیدی، عباس (۱۳۸۸)، مبانی جغرافیای روستایی، تهران، انتشارات سمت.
- ◀ سلطانی، غلامرضا (۱۳۷۸)، ارزیابی اقتصادی طرح اسکان عشایر در دشت بکان افلید، سازمان امور عشایر، تهران.
- ◀ شاطری، مفید و حجت‌الله صادقی (۱۳۹۱) واکاوی اثرات اقتصادی - اجتماعی اسکان خودجوش عشایر (مطالعه موردی: عشایر بخش دهدز شهرستان ایذه استان خوزستان)، مجله علمی و تخصصی برنامه‌ریزی فضایی، سال دوم، شماره دوم، پاییز ۹۱ صص: ۱۲۸-۱۰۵.
- ◀ شکور، علی و محمدرضا رضایی (۱۳۸۹)، بررسی و مقایسه الگوهای اقتصادی تولید در ایل قشقایی فیروزآباد و سنجش و گرایش آنان به تغییر، فصلنامه علمی و پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره دوم.
- ◀ صالحی، اصغر (۱۳۸۴) ارزشیابی اثرات اقتصادی - اجتماعی طرح‌های ساماندهی عشایر در کانون‌های گل‌افشان و چشمه رحمان اصفهان، مجموعه مقالات ساماندهی جامعه عشایر ایران، تهران، انتشارات: نقش بیان با همکاری سازمان امور عشایر ایران.

- ◀ صفی‌نژاد، جواد (۱۳۸۳) ساختار اجتماعی عشایر ایران، فصلنامه مطالعات ملی شماره ۱۷، سال پنجم صص ۴۳-۸۴.
- ◀ صیدائی، سید اسکندر، بررسی مسایل اساسی کانون‌های اسکان عشایر و ارائه راهکارهای علمی و کاربردی (نمونه موردی: بکان، گل افشان، قراب)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره صفحه پیاپی ۱۶۳۸۳-۱۶۴۱۰.
- ◀ یاسوری، مجید، (۱۳۹۱)، عشایر و مسائل برنامه‌ریزی آن در ایران، چاپ توکل.
- ◀ ی. سو، آلوین (۱۳۸۰) تغییر اجتماعی و توسعه، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.

- ▶ Abraham, Francis, m (1998) perspective on modernization: toward a general theory of third world development. Newyork. Frcpre.
- ▶ Mooriwilbert.E (1963) social change. Englewppd cliffs, Newjersey Prentice Hell.Inc.
- ▶ Ward, Robert (1963) Political modernization, world politics, VOI.15, No 5, OCT.

درآمدی بر شناخت ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده ایران

دکتر مهدی میزبان^۱

مقدمه

الگوی زیست و معیشت عشایری مبتنی بر دامداری شبانی و متحرک یکی از قدیمی‌ترین اشکال حیات اجتماعی است که بعد از آغاز انقلاب کشاورزی (اهلی کردن حیوانات و زراعت) آغاز شده و باتوجه به انطباق‌پذیری بسیار بالای آن در سازگاری با شرایط متحول زیست محیطی، اجتماعی - اقتصادی و سیاسی، علی‌رغم پشت سر گذاشتن فراز و فرودهای تاریخی زیاد تا به امروز تداوم یافته است. زیرا که عشایر کوچنده - برخلاف یکجانشینان - به جای تلاش برای تسلط و فائق آمدن بر شرایط نامساعد محیطی، برای تسهیل وضعیت و فراهم آوردن شرایط مناسب برای زندگیشان، عمدتاً در صدد انطباق و سازگاری شیوه زندگی خود با شرایط زیست محیطی برآمدند و به جای تلاش برای ابداع شیوه‌های ساخت و ساز و به کارگیری فن‌آوری‌های مناسب برای مقابله با شرایط سخت و متحول محیطی؛ کوچ (کوچ‌نشینی) را به عنوان تکنیکی برای احتراز از سرما و گرمای شدید و دسترسی دام‌هایشان به علوفه مرتعی تازه به کار گرفتند.

عشایر کوچنده با داشتن قلمرو در بیش از نیمی از فضای جغرافیایی کشور، به عنوان یک الگوی زیست و معیشت، بخشی از اجزای نظام اجتماعی و اکوسیستم (شرایط زیست‌بومی) کشور محسوب می‌شوند و با استفاده از کوچ به عنوان تکنیکی برای جابه‌جایی اعضای خانوار و رساندن احشام به علوفه مرتعی تازه در مناطق ییلاقی، قشلاقی، بهارچر و پائیزچر، در واقع منابعی را به ارزش افزوده و تولیدات اقتصادی تبدیل میکنند که در صورت عدم بهره‌برداری این منابع براساس دامداری متحرک عشایری، اکثراً بلااستفاده باقی مانده و موجب ایراد ضرر و زیان به اقتصاد ملی می‌شود.

از گذشته‌های تاریخی دور تا به امروز بخش زیادی از عرصه‌های منابع طبیعی کشور به شیوه دامداری عشایری متحرک مورد استفاده قرار می‌گرفته است. وسعت زیاد سرزمین ایران با تعدد و تنوع شرایط اقلیمی - جغرافیایی آن باعث شده است افراد و گروه‌های عشایری مناطق مختلف کشور در سعی مداوم برای همزیستی و تعامل با شرایط محیطی و اجتماعی - اقتصادی متفاوت زیست‌بوم‌هایشان، از اشکال متنوعی از الگوی زیست و معیشت، شیوه‌های کوچ و استقرار، نظام سکونتگاهی، بهره‌برداری از منابع محیطی، عرف و عادات و شیوه‌های قومی خاص برخوردار شده‌اند.

۱ - مدرس دانشگاه و مدیرکل دفتر مطالعات جامع عشایر.

درهم آمیختگی الگوی زندگی و فعالیت‌های عشایری با شرایط و مقتضیات محیط زیست مناطق ییلاقی، قشلاقی و مسیره‌های کوچشان؛ بیانگر این واقعیت است هر گروه عشایری از جهات مختلف از وضعیت خاص و منحصر به فردی برخوردار می‌باشند که لزوماً باید در امور مدیریت، خدمات‌رسانی، برنامه‌ریزی، ساماندهی و توسعه زندگی آن‌ها به الزامات و مقتضیات ناشی از ماهیت این جامعه و تعدد و تنوع مورد اشاره، توجه داشت و در برنامه‌ریزی‌ها بدون متناسب‌سازی رویکردها و الگوهای برنامه‌ریزی توسعه با شرایط و مقتضیات اجتماعی - اقتصادی و زیست محیطی عشایر مورد نظر، از ارائه و تعمیم الگو یا رویکردهای توسعه‌ای مناطق یکجانشین به مناطق عشایری و از ارائه الگوی واحد برای عشایر مناطق مختلف کشور خودداری کرد. شناخت ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی، منابع و ظرفیت‌های مناطق عشایری زمینه‌ساز برنامه‌ریزی هدفمند برای ساماندهی خدمات‌رسانی، کوچ و زندگی عشایر می‌باشد که باید از طرف نظام برنامه‌ریزی کشور و دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط در امور عشایر در سطوح ملی و استانی مورد توجه قرار گرفته و نسبت به تامین نیازها و برنامه‌های ساماندهی و توسعه جامعه و مناطق عشایری اقدام نمایند.

◆ وضعیت پراکنش عشایر کوچنده در فضای جغرافیایی کشور

براساس نتایج سومین سرشماری اجتماعی- اقتصادی عشایر کوچنده در سال ۱۳۸۷، غیر از استان کردستان در بقیه استان‌های کشور حداقل در یکی از دوره‌های استقرار ییلاقی یا قشلاقی عشایر کوچنده استقرار دارند.^۱

نتایج مطالعات سازمان برنامه و بودجه در سال ۱۳۶۹^۲ نشان می‌دهد جمعیت عشایر کوچنده در گستره‌ای به وسعت ۹۶۳ هزار کیلومتر مربع از فضای جغرافیایی کشور دارای قلمرو هستند. این عرصه حدود ۵۹ درصد از کل وسعت کشور را در بر می‌گیرد.

منظور از داشتن قلمرو عشایری در عرصه مورد اشاره به معنی آن است که حوضه‌های کوچ و استقرار عشایر مانند زیست‌بوم‌های ییلاقی و قشلاقی، ایله‌ها، اطراقگاه‌های مناطق میانبند که عشایر به صورت تاریخی و عرفی از آنجا عبور و یا استقرار می‌یابند در عرصه ۵۹ درصد از فضای جغرافیایی کشور قرار دارد. این عرصه در محدوده سیاسی کلیه ۳۱ استان کشور قابل مشاهده است. هرچند که تراکم و تمرکز قلمروهای استقرار عشایر در مناطق و استان‌های واقع در امتداد سلسله جبال زاگرس، سبلان و سه‌هند، البرز، جبال بارز، تفتان، بینالود و هزارمسجد بیش از سایر نواحی کشور می‌باشد.

۱ - تنها استان کشور که جمعیت عشایر کوچنده برای آن ثبت نشده استان کردستان است. البته عدم ثبت جمعیت عشایری در کردستان به معنی فقدان ایلات و طوایف عشایر کوچنده در این استان نیست، بلکه به خاطر این است که در زمان تهیه چارچوب (طرح) سرشماری عشایر کوچنده بین سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۶ به دلیل ناامنی اغلب مناطق عشایری استان کردستان در آن دوره، فهرست ایلات و طوایف مستقل عشایری استان کردستان تهیه نشده و به تبع آن در سرشماری عشایری سال ۱۳۶۶ و سرشماری‌های عشایر بعدی جمعیت و جوامع عشایری کردستان مورد شمارش قرار نگرفته است. در حالی که تفاوت زیادی بین نظام ایلی و ساختار اجتماعی ایلات و طوایف کردستان با عشایر استان‌های همجوار مانند کرمانشاه و آذربایجان غربی وجود ندارد.

۲ - سازمان برنامه و بودجه، طرح مطالعات جامع عشایر، گروه مطالعات هامون، ۱۳۶۹.

طی قرن ششمی معاصر با اجرای برنامه‌های نوسازی و گسترش روز افزون یکجانشینی همواره از فضای جغرافیایی و عرصه‌های کوچ و استقرار عشایر کاسته شده است. به طوری که در اغلب قلمروهای عشایری تعداد زیادی شهرهای جدیدالاحداث، آبادی‌های روستایی و عشایری، نواحی صنعتی، خدماتی، مزارع کشاورزی و غیره به وجود آمده است؛ این وضعیت در موارد زیادی فضاهای زیستی عشایر را کاملاً از بین برده و یا محدوده‌های شهرها و روستاها تا دل مراتع و ایلراه‌های عشایر کشیده شده‌اند. به همین خاطر در برخی مناطق عشایر بخاطر از دست دادن قلمرو کوچ یا از دست دادن یکی از قطب‌های استقرار بیلاقی و قشلاقی و ... خواسته و ناخواسته و در اثر اسکان‌های خودجوش و یا اعمال سیاست‌های منجر به یکجانشین کردن، سکونت ثابت اختیار کرده و یا به اشکال دیگری از کوچندگی مانند نیمه کوچندگی، رمهگردانی، و فعالیت مثل دامداری متحرک با کشاورزی و غیره ادامه کوچ می‌دهند.

علیرغم اینکه از حدود یک سده گذشته تاکنون بخش زیادی از قلمروهای عشایری تغییر کاربری داده و از دسترس آن‌ها خارج شده است، ولی هنوز هم در بسیاری از مناطق کشور عشایر دارای زیست‌بوم‌ها و قلمروهای زیستی مستقل هستند که عرفاً و قانوناً به عنوان قلمروهای خاص کوچ و استقرار عشایر محسوب می‌شوند.

از نظر وضعیت توزیع استانی عشایر کوچنده، در سال ۱۳۸۷ استان‌های فارس، کرمان و آذربایجان غربی با پذیرش بیش از ۱۰۰ هزار نفر جمعیت عشایری، جزو استان‌های بیلاقی مهم بودند و استان‌های خوزستان، فارس و کرمان که بیش از ۱۰۰ هزار نفر جمعیت عشایری را در دوره قشلاق در خود جای داده بودند از استان‌های مهم قشلاقی محسوب می‌شوند.

نتایج سرشماری عشایری سال ۱۳۸۷ نشانگر آن است که عشایر استان آذربایجان غربی عمدتاً جزو عشایر درون‌کوچ می‌باشند، زیرا قلمروهای بیلاقی و قشلاقی آنها در محدوده یک استان (آذربایجان غربی) قرار دارد. در حالی که بقیه استان‌ها عمدتاً دارای عشایر برون کوچ می‌باشند.

اطلاعات جدول شماره (۱) نشان‌دهنده وضعیت توزیع و سهم جمعیت عشایری استان‌های کشور است. این اطلاعات حاکی از آن است که به ترتیب استان‌های فارس با ۱۱/۹۱ درصد، کرمان با ۸/۸ درصد و آذربایجان غربی با ۸/۶ درصد دارای بیشترین جمعیت عشایر کوچنده می‌باشند.

براساس اطلاعات حاصل از جدول مورد اشاره، استان‌های کشور از نظر تعداد جمعیت عشایر کوچنده به شرح زیر قابل طبقه‌بندی هستند:

۱. استان‌هایی که بیش از ۱۰۰ هزار نفر جمعیت عشایر کوچنده دارند به ترتیب عبارتند از: استان‌های فارس، کرمان و آذربایجان غربی.
۲. استان‌هایی که بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر جمعیت عشایر کوچنده دارند، که شامل استان‌های آذربایجان شرقی، اردبیل، ایلام، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خوزستان، سیستان و بلوچستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد و لرستان می‌باشند.
۳. استان‌هایی که بین ۱۰ تا ۵۰ هزار نفر جمعیت عشایر کوچنده دارند که شامل استان‌های اصفهان، بوشهر، خراسان رضوی، خراسان شمالی، سمنان و گلستان هستند.
۴. استان‌هایی که کمتر از ۱۰ هزار نفر جمعیت عشایر کوچنده دارند، عبارتند از استان‌های تهران، مرکزی، هرمزگان، همدان، یزد، گیلان، مازندران، زنجان، قزوین و قم می‌باشند.

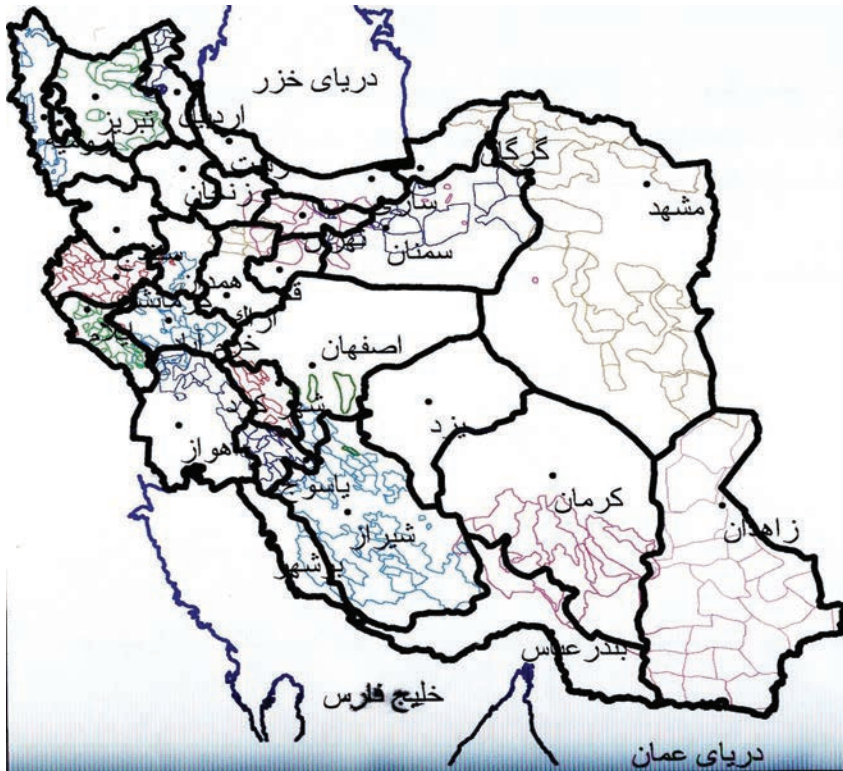
جدول شماره (۱): تعداد و نسبت جمعیت عشایر کوچنده به تفکیک استان‌ها در سال ۱۳۸۷

ردیف	استان	جمعیت در سال ۱۳۸۷	نسبت از کل
۱	آذربایجان شرقی	۵۴۹۹۰	۴,۶۴
۲	آذربایجان غربی	۱۰۲۴۹۵	۸,۶۴
۳	اردبیل	۵۶۸۴۴	۴,۷۹
۴	اصفهان	۲۲۳۹۷	۱,۸۹
۵	ایلام	۵۵۳۷۴	۴,۶۷
۶	بوشهر	۱۰۱۶۸	۰,۸۶
۷	تهران	۵۴۲۷	۰,۴۶
۸	جیرفت و کهنوج	همراه استان کرمان	۰,۰۰
۹	چهارمحال و بختیاری	۵۸۵۰۸	۴,۹۳
۱۰	خراسان جنوبی	۷۵۳۳۴	۶,۳۵
۱۱	خراسان رضوی	۲۲۹۶۳	۱,۹۴
۱۲	خراسان شمالی	۱۷۳۳۲	۱,۱۰
۱۳	خوزستان	۹۷۷۸۰	۸,۲۴
۱۴	سمنان	۱۳۴۵۹	۱,۱۰
۱۵	سیستان و بلوچستان	۹۹۳۰۳	۸,۳۷
۱۶	فارس	۱۴۱۳۱۵	۱۱,۹۱
۱۷	کرمان	۱۰۵۳۹۸	۸,۸۸
۱۸	کرمانشاه	۷۵۹۵۹	۶,۴۰
۱۹	کهگیلویه و بویراحمد	۶۶۳۵۷	۵,۵۹
۲۰	گلستان	۱۶۱۰۷	۱,۳۶
۲۱	لرستان	۷۲۰۵۱	۶,۱۰
۲۲	مرکزی	۲۲۸۱	۰,۱۹
۲۳	هرمزگان	۴۵۵۷	۰,۳۸
۲۴	همدان	۵۰۲۱	۰,۴۲
۲۵	یزد	۲۰۷۱	۰,۱۷
۲۶	گیلان	۳۰۵۲	۰,۲۶

۰,۱۱	۱۳۰۲	مازندران	۲۷
۰,۰۰	-	کردستان	۲۸
۰,۱۵	۱۷۵۹	زنجان	۲۹
۰,۰۳	۳۲۳	قم	۳۰
۰,۱۱	۱۳۵۵	قزوین	۳۱
۱۰۰,۰۰	۱۱۹۱۲۸۲	جمع	۳۲

◀ مأخذ: نتایج سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده سال ۱۳۸۷.

نقشه شماره (۱) وضعیت پراکنش عشایر کوچنده در عرصه فضای جغرافیایی کشور



برخی از مناطق و استان‌های کشور به دلیل شرایط اکولوژیک، عمدتاً قلمرو قشلاقی و برخی دیگر قلمرو بیلاقی عشایر محسوب می‌شوند و تعدادی دیگر هر دو قلمرو بیلاقی و قشلاقی را به صورت یکجا در داخل استان دارند. معمولاً زمان استقرار عشایر در مناطق قشلاقی بیشتر از بیلاقی است و بدون توجه به مدت زمان کوچ عشایر بین این دو منطقه و تفاوت‌های منطقه‌ای، زمان استقرار در قشلاق ۷ ماه و در بیلاقی ۵ ماه محسوب می‌شود.

یکی از ویژگی‌های قلمروهای کوچ و استقرار عشایر مربوط به عدم انطباق آن‌ها با تقسیمات کشوری می‌باشد. یعنی به خاطر اینکه اکثر جابه‌جایی‌ها و استقرار عشایر در مناطق بیلاقی و قشلاقی کنونی عمدتاً طی دوره‌های قبل از آغاز قرن چهاردهم شمسی اتفاق افتاده و در آن زمان هنوز تقسیمات سیاسی و کشوری به شیوه امروزی تعیین نشده بود، امروزه حدود قلمروهای عشایری لزوماً با مرزهای تقسیمات کشوری (استان، شهرستان، بخش و دهستان) و حتی مرزهای سیاسی کشور انطباق کامل ندارند و در موارد زیادی بیلاقی و قشلاق برخی ایلات و طوایف بیرون از محدوده‌های دهستان، بخش، شهرستان، استان و حتی خارج از مرزهای کشور قرار گرفته است. این مسئله باعث می‌شود در برنامه‌ریزی‌های مکتبی بر نظام تقسیمات کشوری مانند استان و شهرستان، منابع، ظرفیت‌ها، نیازها و برنامه‌های گروه‌های عشایری به صورت جامع مورد توجه قرار نگرفته و در اسناد و متون برنامه‌های توسعه وارد نمی‌شوند.

◆ ویژگی‌های جمعیت و نیروی انسانی

براساس برآوردهای جمعیتی، تا حدود یک سده گذشته بالغ بر ۲۵ درصد از جمعیت کشور را عشایر کوچنده تشکیل می‌دادند^۱. از آن زمان تاکنون، همواره از نسبت جمعیت عشایری کشور کاسته شده، تا اینکه در سال ۱۳۸۷ جمعیت عشایر کوچنده به ۱۱۸۶۳۹۸ نفر رسیده است. براساس نتایج آخرین سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده کشور در سال ۱۳۸۷، عشایر کوچنده با تعداد ۲۱۲۶۶۰ خانوار، ۱۰۴ ایل، ۵۵۲ طایفه مستقل حداقل در یکی از دوره‌های کوچ بیلاقی یا قشلاقی در کلیه استان کشور استقرار داشته‌اند و با تعداد جمعیت مورد اشاره حدود ۱/۶ درصد از جمعیت کل کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره (۲) روند تحولات جمعیت عشایری از سال ۱۲۸۸ شمسی تا سال ۱۳۸۷

نسبت جمعیت عشایری	جمعیت ایلات و عشایر	جمعیت کل کشور	سال برآورد جمعیت (هجری شمسی)
۲۵	۲/۵۰۰/۰۰۰	۱۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۲۸۸
۳۲	۴/۰۰۰/۰۰۰	۱۲/۴۲۰/۰۰۰	۱۳۰۸
۲۰	۳/۰۰۱/۰۰۰	۱۵/۰۹۰/۰۰۰	۱۳۱۵
۲/۷	۷۰۰/۰۰۰	۲۵/۷۸۰/۰۰۰	۱۳۴۵
۲/۳	۱/۱۵۰/۰۰۰	۴۹/۵۰۰/۰۰۰	۱۳۶۶
			۱۳۷۷
۱/۶	۱/۱۸۳/۰۰۰	۷۳/۰۰۰/۰۰۰	۱۳۸۷

◀ مأخذ: منابع تاریخی.

۱ - اکبری، علی و مهدی میزبان. درآمدی برشناخت ویژگی‌های جمعیت و جوامع عشایری ایران. مجله مطالعات ملی، سال پنجم، شماره ۱. ۱۳۸۳.

◆ بعد خانوار جمعیت کل کشور و عشایر کوچنده

متناسب با کاهش رشد جمعیت کشور طی سال‌های اخیر، متوسط بعد خانوار نیز که در سال ۱۳۸۵ در کل کشور معادل ۴ نفر بوده، در سرشماری سال ۱۳۹۰ به ۳/۵ نفر رسیده است. بعد خانوار عشایر کوچنده نیز جهت کاهشی داشته است. به طوری که طی دوره‌های سرشماری‌های سال‌های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷ به ترتیب ۶،۴، ۶،۵ و ۵،۵ بوده و بیانگر آن است که علیرغم کاهش نسبی بعد خانوار در مناطق عشایری، ولی هنوز هم تعداد اعضاء و اندازه (بعد) خانوارهای عشایری از مناطق شهری و روستایی کشور بیشتر می‌باشد.

◆ وضعیت سواد جمعیت کل کشور و عشایر کوچنده

براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در آبان ماه سال ۱۳۹۰ از کل جمعیت ۶ ساله و بیشتر کشور، ۸۴،۸۱ درصد (۵۷۳۶۱۶۸۲ نفر) با سواد بودند. نرخ باسوادی در جمعیت مردان برابر ۸۸،۴ درصد و در جمعیت زنان ۸۱،۱ درصد است. درصد باسوادی در جمعیت شهری ۸۸،۶ درصد و در مناطق روستایی ۷۵ درصد بوده است. در مناطق روستایی نسبت باسوادی مردان ۸۰،۶ درصد و باسوادی زنان ۶۹،۴ بوده است. از نظر توزیع سنی، نسبت باسوادی در گروه سنی ۶ تا ۱۰ ساله ۹۳،۲۵ درصد، در گروه سنی ۶۴ - ۱۵ ساله ۸۲،۳۳ درصد و در گروه سنی ۶۵ ساله و بیشتر ۲۷،۸۲ درصد بوده است.

بررسی وضعیت سواد عشایر کوچنده طی سه دوره سرشماری‌های عشایری نشان‌دهنده افزایش نسبی باسوادی در این جامعه می‌باشد. به طوری که در زمان انجام اولین دوره سرشماری عشایری در سال ۱۳۶۶، نرخ باسوادی جمعیت ۶ ساله و بیشتر جامعه عشایری ۲۷ درصد بوده که در سال ۱۳۷۷ به ۵۱/۳۶ درصد رسیده است. این نسبت نشان‌دهنده افزایش نزدیک به دو برابری باسوادی در بین عشایر است. در سال ۱۳۸۷ نیز نرخ باسوادی جمعیت ۶ ساله و بیشتر عشایر بالغ بر ۶۳ درصد بوده، و علیرغم اینکه پیش‌بینی می‌شود از سال ۱۳۸۷ تاکنون نسبت باسوادی عشایر افزایش یافته باشد؛ با این حال حتی اگر به ۷۰ درصد هم رسیده باشد، هنوز با نسبت ۸۴/۶۱ درصدی متوسط باسوادی در سطح کشور حدود ۱۴،۶۱ واحد فاصله دارد.

جدول شماره (۳) روند تغییرات برخی شاخص‌های اجتماعی و جمعیتی عشایر
کوچنده طی سه دوره سرشماری عشایری

شرح عناوین	واحد	سرشماری ۱۳۶۶	سرشماری ۱۳۷۷	سرشماری ۱۳۸۷
تعداد خانوار	خانوار	۱۸۰۲۳۳	۱۹۹۹۷۵	۲۱۳۶۶۰
جمعیت	نفر	۱۱۵۲۰۹۹	۱۳۰۴۰۸۹	۱۱۹۱۲۸۲
بعد خانوار	نفر	۶/۳۹	۶/۵۲	۵/۵۸
نسبت جنسی	درصد	۱۰۸	۱۰۷	۱۰۶
تعداد ایل	ایل	۹۲	۱۰۲	۱۰۴
تعداد طایفه	طایفه	۵۴۷	۵۹۳	۵۵۲
میزان باسواد	درصد	۲۷	۵۰	۶۳
نرخ بیکاری	درصد	۱	۳	۴
تعداد تشکل‌های عشایری	مورد	۱۹۸	۲۱۱	۲۷۵

مأخذ: سرشماری‌های عشایر کوچنده سال‌های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷.

◆ وضعیت اقتصادی عشایر

◆ بار تکفل و نسبت بستگی

میزان بار تکفل در جامعه عشایری به دلیل شیوه زندگی و نوع فعالیت نسبت به جامعه روستایی و شهری پایین است. براساس نتایج سرشماری عشایری سال ۱۳۸۷ میزان بار تکفل جمعیت عشایری حدود ۱,۳ نفر است که در مقایسه با سال ۱۳۷۷ که بار تکفل اقتصادی جامعه کوچندگان ۱,۵ نفر بوده، میزان بار تکفل در سطح جامعه عشایری کشور کاهش داشته است. در سال ۱۳۶۶ نیز بار تکفل برابر ۱/۷ بوده و این ارقام نشان دهنده بهبود نسبی وضعیت بار تکفل در جامعه عشایر کوچنده کشور طی یک دهه بین سرشماری سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۷ است. یعنی در سال ۱۳۸۷، نسبت جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر عشایر به ۸۱ درصد رسیده که در مقایسه با دوره‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۷۷ وضعیت متحول شده و بار تکفل طی این دوره به ۱/۳ کاهش یافته است.

تغییرات بار تکفل تحت تأثیر ساختار سنی جمعیت، باروری، سطح اشتغال، میزان رشد جمعیت، سطح آموزش و چگونگی عوامل مؤثر بر ورود و خروج افراد در گروه فعالان خواهد بود. با توجه به اقدامات صورت گرفته در زمینه ساماندهی و اسکان عشایر، پایین آمدن نرخ رشد جمعیت و کاهش مولید و نیز بالا رفتن سطح اشتغال و افزایش تعداد شاغلین در بخش‌های مختلف اقتصادی نسبت به سرشماری دوره قبل، از میزان بار تکفل جامعه عشایری کشور کاسته شده است.

◆ بررسی وضعیت جمعیت فعال، شاغل و بیکار

براساس نتایج سرشماری اقتصادی و اجتماعی عشایر سال ۱۳۸۷، تعداد جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر عشایر کوچنده کشور بالغ بر ۹۶۱۰۷۵ نفر بوده که ۸۱ درصد کل جمعیت عشایری را در بر می‌گیرد. بررسی وضعیت جمعیت فعال جامعه عشایری در سال ۱۳۸۷ نشان می‌دهد از مجموع جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر، ۷۰/۲ درصد شاغل بوده‌اند. همچنین جمعیت بیکار جویای کار ۴ درصد، جمعیت محصل ۱۳/۷ درصد، جمعیت زنان صرفاً خانه‌دار ۸/۶ درصد، جمعیت دارای درآمد بدون کار ۱/۱ درصد، سایر ۲/۱ درصد و اظهار نشده ۰/۳ درصد بوده است. این بررسی نشان دهنده نرخ بالای فعالیت و اشتغال در جامعه عشایری به‌ویژه در بین زنان است چرا که جمعیت زنان صرفاً خانه‌دار این جامعه تنها ۸/۶ درصد است.

آمارهای مربوط به بیکاری نیز مؤید همین مطلب است و نرخ بیکاری ۴ درصد در سال ۱۳۸۷ نشان‌دهنده نرخ بالای اشتغال است هرچند که باید توجه داشت که در زمان سرشماری عشایری سال ۱۳۶۶ میزان بیکاری در جامعه عشایری ۱ درصد بود و افزایش آن به ۴ درصد در سال ۸۷ نشانگر روند رو به افزایش بیکاری در میان عشایر بوده و برای جلوگیری از افزایش هرچه بیشتر بیکاری در جامعه مولد عشایری بایستی امور مربوط به جامعه و مناطق عشایری بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و در برنامه‌ریزی‌های کوتاه، میان‌مدت و راهبردی ظرفیت‌ها و نیازهای این جامعه بیشتر مورد توجه قرار گیرند.

از جمله ویژگی‌های شیوه زندگی عشایر، فعالیت و مشارکت مؤثر زنان عشایر در چرخه فعالیت‌های روزمره است که پا به پای مردان در امور دامداری شرکت دارند و علاوه بر آن زنان عشایر به صورت مستقیم مسئولیت انجام و مدیریت مجموعه دیگری از فعالیت‌های خانوارهای عشایری را به عهده دارند که از آن میان می‌توان به مدیریت منزل، پخت و پز، شستشو، رفت و روب، دوخت و دوز، فراوری محصولات دامی، پشم‌ریسی، تهیه و تولید صنایع دستی و سنتی، تهیه و حمل آب آشامیدنی، جمع‌آوری و حمل سوخت‌های نباتی و حیوانی و غیره اشاره کرد.

یکی دیگر از ویژگی‌های فعالیت در جامعه عشایری تقسیم کار اجتماعی در خانوارها است که کلیه اعضای خانوارها متناسب با شرایط سنی، جنس و موقعیت اجتماعی در فرایند کار و فعالیت‌های خانواده مشارکت می‌کنند که در این میان زنان فعالیت‌های متعدد و متنوعی داشته و سهم و نقش در خور توجهی در اقتصاد خانوار دارند.

درباره اثربخشی و بهره‌وری فعالیت در اقتصاد خانوارهای عشایری قابل ذکر است که حجم زیاد فعالیت و نرخ بالای اشتغال در این جامعه به خودی خود نشان‌دهنده شرایط اقتصادی مطلوب و به‌ویژه درآمد بالا نیست، چرا که بسیاری از فعالیت‌هایی که افراد مشغول کار می‌باشند از نظر هزینه و فایده، کمیت و کیفیت برخی محصولات تولیدی در مقایسه با انرژی و زمان صرف شده، صرفه اقتصادی بالایی ندارند. و علی‌رغم خروج نسبی از خودکفایی و خوداتکایی قبلی، هنوز بخش زیادی از فعالیت‌های تولیدی جهت‌گیری معیشتی داشته و در حوزه‌هایی هم تجاری شده است. کما اینکه در بسیاری از مناطق عشایری تولید محصولات دامی و صنایع دستی در وهله اول جنبه خود مصرفی دارند و در صورت مزاد بر نیاز یا احتیاج به نقدینگی به بازار عرضه می‌شود و معمولاً بین قیمت خریداری شده این محصولات از عشایر با قیمت فروش فاصله قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که بیشتر به نفع فروشنده است تا تولیدکننده.

◆ دام و دامداری

براساس نتایج سرشماری عشایری سال ۱۳۶۶ تعداد دامهای عشایر ۱۷/۴ میلیون رأس بود. این رقم در سال ۱۳۷۷ به ۲۲/۷ میلیون رأس و در سال ۱۳۸۷ به ۲۲/۲۴ میلیون رأس رسیده است. مقایسه داده‌های سرشماری‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۷۷ نشان می‌دهد از نظر تغییرات مربوط به ترکیب دام، سهم گوسفند و بره در کل دام عشایر کشور افزایش یافته است. به طوری که این سهم از ۵۳/۲ درصد در سال ۱۳۶۶ به ۵۸/۹ درصد افزایش یافته است. این در حالی است که در این دوره سهم بز کاهش یافته و از ۴۴ درصد دام عشایر در سال ۱۳۶۶ به ۳۹/۷ درصد در سال ۱۳۷۷ تقلیل یافته است.

جدول شماره (۴) تحولات تعداد و ترکیب دام عشایر کشور برحسب نوع در مقاطع ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷

متوسط تعداد دام هر خانوار	دام گوشتی و شیری										سال		
	شتر و بچه شتر		گاومیش و بچه گاومیش		گاو و گوساله		بز و بزغاله		گوسفند و بره			جمع	
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد			
۹۵	۰,۱۷	۲۹۶۹۰	۰,۰۴	۶۵۰۸	۱,۰۶	۱۸۵۸۰۰	۴۴	۷۶۷۸۷۵۵	۵۳,۲	۹۲۸۲۸۴۶	۱۰۰	۱۷۴۴۶۸۴۶	۱۳۶۶
۱۱۲	۰,۱۹	۴۵۳۵۵	۰,۰۴	۹۲۲۳	۱	۲۲۹۳۹۷	۳۹,۷	۹۰۱۶۴۶۸	۵۸,۹	۱۳۱۷۰۹۴۳	۱۰۰	۲۲۷۱۴۸۶۸	۱۳۷۷
۱۱۱	۰,۱۸	۴۱۶۴۲	۰,۰۴	۹۲۷۱	۱,۱	۲۵۳۸۷۷	۳۷,۶	۸۳۴۸۵۲۹	۶۱,۲	۱۳۵۸۵۶۸۹	۱۰۰	۲۳۶۰۱۵۲۰	۱۳۸۸

◆ زراعت

نتایج سرشماری عشایری سال ۱۳۸۷ بیانگر آن است که، کل اراضی زراعی عشایر بالغ بر ۶۵۹۴۳۵ هکتار بوده است. از مجموع اراضی زیر کشت سالانه، ۲۹/۷ درصد آبی و ۷۰/۳ درصد دیم است. مقایسه این دوره با دوره ۱۳۷۷ علیرغم افزایش میزان اراضی آبی متعلق به عشایر، نشان‌دهنده

کاهش نسبت اراضی آبی و افزایش سهم اراضی دیم است. همچنین در سال ۱۳۸۷ از مجموع اراضی آیش، ۲۶/۴ درصد آبی و ۷۳/۶ درصد دیم بوده است. در سال ۱۳۶۶ متوسط اراضی زراعی زیر کشت سالانه هر خانوار عشایری ۱/۵۳ هکتار بوده که با احتساب ۰/۷۶ هکتار اراضی آیش متوسط کل اراضی زراعی عشایر ۲/۲۹ هکتار است. در سال ۱۳۷۷ نیز متوسط اراضی زراعی هر خانوار عشایری بالغ بر ۲/۱۴ هکتار بوده که در مقایسه با زمان سرشماری سال ۱۳۶۶ از کاهش نسبی برخوردار شده و این امر به افزایش تعداد خانوارهای عشایری و کاهش متوسط سرانه زمین خانوارها نیز باز می‌گردد. در سال ۱۳۷۷ در قلمروهای بیلاقی، متوسط سرانه زمین زراعی هر خانوار ۰/۸۵ هکتار بوده و در قلمروهای قشلاقی ۱/۲۹ هکتار می‌باشد.

در سال ۱۳۸۷ نیز علیرغم افزایش تعداد خانوار، متوسط اراضی زراعی هر خانوار به ۳،۱ هکتار رسیده است. متوسط اراضی زراعی زیر کشت سالانه هر خانوار نیز در آن سال برابر ۲/۴ هکتار و متوسط اراضی زراعی آیش هر خانوار برابر ۰/۷ هکتار بوده است. مقایسه متوسط اراضی خانوارهای عشایری در سال ۱۳۸۷ نسبت به دوره‌های قبل نشان دهنده افزایش نسبی آن است که این موضوع به افزایش مقدار اراضی زراعی عشایر در مقایسه با سرشماریهای ۱۳۶۶ و ۱۳۷۷ باز می‌گردد که بخشی از آن مربوط به اجرای برنامه‌های ساماندهی و توسعه و یکجانشینی عشایر است که در قالب طرح‌های ساماندهی، اراضی زراعی دریافت کرده‌اند.

◆ باغداری

همچون امور زراعی، باغداری نیز نقش فرعی در فرآیند فعالیت، تولید و درآمد خانوارهای عشایری دارد و حتی در مقایسه با زراعت سهم آن پایینتر نیز می‌باشد. در سال ۱۳۶۶ مجموع اراضی باغ و قلمستان عشایر کشور ۱۵۶۹۹ هکتار بوده که ۸۵ درصد آن آبی و ۱۵ درصد دیم بوده است. از مجموع اراضی باغ و قلمستان ۵۴/۶ درصد آن در قلمرو بیلاق و ۴۵/۴ درصد آن در قلمرو قشلاق بوده است.

در سال ۱۳۷۷ نیز مجموع اراضی باغ و قلمستان عشایر ۲۰۳۸۹ هکتار بوده که در مقایسه با سال ۱۳۶۶، به میزان ۴۶۹۰ هکتار اضافه شده است. در دوره ۱۳۷۷ از مجموع اراضی باغ و قلمستان ۸۹/۷ درصد آبی و ۱۰/۳ درصد دیم بوده که نشان دهنده افزایش اراضی آبی به دیم طی این دوره است. در سال ۱۳۷۷ از مجموع اراضی باغ و قلمستان قلمرو قشلاق ۹۳ درصد آبی و ۱۷ درصد دیم و در قلمرو بیلاق به ترتیب ۸۶/۹ درصد آبی و ۱۳/۱ درصد دیم بوده که نشان می‌دهد آبی‌شدن اراضی باغ و قلمستان عمدتاً در قلمروهای قشلاقی اتفاق افتاده است.

در سال ۱۳۸۷ نیز مجموع اراضی باغ و قلمستان عشایر ۶۱۴۶۶ هکتار بوده که ۸۹/۴ درصد آن آبی و ۱۰/۶ درصد دیم است. در آن سال از مجموع اراضی باغ و قلمستان قلمرو قشلاق ۹۰/۴

درصد آبی و ۹/۶ درصد دیم و در قلمرو ییلاق به ترتیب ۸۸/۳ درصد آبی و ۱۱/۷ درصد دیم بوده است. مقایسه اراضی باغی سال ۱۳۸۷ با سال ۱۳۷۷ نشان دهنده افزایش این اراضی است که از ۲۰۳۸۹ هکتار به ۶۱۴۶۶ هکتار رسیده است و نشان‌دهنده افزایش اهمیت و سهم باغداری در مقایسه با سال ۱۳۷۷ است.

◆ تولیدات صنایع دستی و سنتی عشایر

یکی از ویژگی‌های اقتصاد سنتی عشایر، خودکفایی و خوداتکایی نسبی آن بود. یعنی در گذشته خانوارهای عشایری بخش زیادی از اقلام مصرفی در زمینه‌های خوراک، پوشاک، اسباب و اثاث منزل، ابزار کار و فعالیت را خودشان تولید کرده یا می‌ساختند. به همین دلیل یکی از ویژگی‌های عشایر توانایی و مهارت آن‌ها - به‌ویژه زنان - در تولید (ساخت و بافت) انواع صنایع دستی و سنتی بود. به همین خاطر مبادرت به تولید صنایع دستی امری رایج در خانواده‌های عشایری بود. امروزه نیز صنایع دستی به عنوان بخش مکمل، در کنار دامداری و زراعت نقش مهمی در فعالیت و اشتغال عشایر، به‌ویژه زنان دارد. از جمله ویژگی‌های صنایع دستی تولیدی عشایر می‌توان به جنبه‌های فرهنگی و هویتی آن‌ها اشاره داشت که ریشه در ساختار اجتماعی و تاریخی آن‌ها داشته و به عنوان میراث معنوی جامعه عشایری محسوب می‌شوند. هرچند که در حال حاضر به صورت روزافزون از تولیدکنندگان و تولیدات صنایع دستی عشایر کاسته شده و بخش زیادی از این میراث به جرگه مهارت‌ها و هنرهای فراموش شده یا در حال فراموشی می‌پیوندند. از مهم‌ترین صنایع دستی و سنتی تولیدی دستبافت جامعه عشایری می‌توان به انواع قاللی، قالیچه، گلیم، زیلو، جاجیم، خورجین، توبره، گبه، ورنی، برک، حصیر، انواع طناب، دستکش، جوراب، کلاه، انواع پوشاک و تزئینات آن و پوشش انواع چادرهای موئین و پشمی و غیره اشاره کرد. در سال ۱۳۸۷ عشایر کوچنده سالانه بالغ بر ۱،۴۷ میلیون متر مربع صنایع دستی داری و ۸۹۰۰۰ مورد صنایع دستی غیرداری تولید می‌کنند که از نظر کمی حدود ۳۵ درصد کل صنایع دستی تولیدی کشور را در بر می‌گیرد.

◆ وضعیت درآمد عشایر

بر اساس بررسی‌های انجام شده ۵۷ درصد درآمد سالانه عشایر وابسته به دامداری، ۳۴ درصد درآمد وابسته به زراعت و باغداری، ۶ درصد وابسته به صنایع دستی و ۲ درصد مابقی از سایر تولیدات و منابع تأمین می‌شود. در سال ۱۳۹۰ متوسط درآمد خالص سالانه عشایر حدود ۸۰ میلیون ریال بوده است که این رقم در قیاس با درآمد سایر اقشار، زحمات طاقت‌فرسا و نیز انجام کار جمعی خانوار، درآمد ناچیزی است.

جدول شماره (۵) وضعیت اقتصادی عشایر طی سه دوره سرشماری عشایر کوچنده

عنوان	واحد	۱۳۶۶	۱۳۷۷	۱۳۸۷	درصد رشد کل	درصد رشد سالانه
جمعیت دامی	واحد دامی	۱۷۷۶۵۰۰۰	۲۲۶۸۲۰۰۰	۲۳۹۸۷۰۰۰	۳۵/۱	۷۵/۱
دام قابل عرضه	واحد دامی	۵۹۰۰۰۰۰	۷۶۰۰۰۰۰	۸۵۰۰۰۰۰	۴۴/۱	۲/۲
تولید گوشت	تن	۱۰۵۰۰۰	۱۴۳۰۰۰	۱۶۷۰۰۰	۵۹	۹۵/۲
تولید شیر	تن	۲۷۰۰۰۰	۳۴۰۰۰۰	۳۶۰۰۰۰	۳۳/۳	۷/۱
تولید پشم	تن	۹۷۰۰	۱۱۷۶۰	۱۲۳۴۰	۲۷/۲	۴/۱
اراضی زراعی آبی	هکتار	۱۱۲۴۵۴	۱۱۴۲۳۱	۲۶۷۵۲۸	۱۳۸	۹/۶
اراضی زراعی دیم	هکتار	۲۱۸۲۷۱	۲۳۰۵۳۱	۴۱۹۵۱۳	۹۲/۲	۶/۴
باغات	هکتار	۱۵۶۶۹	۲۰۷۸۹	۶۳۴۶۶	۳۰۵	۲۵/۱۵
میزان کل اراضی	هکتار	۳۴۶۳۹۴	۳۶۵۵۴۱	۷۵۰۵۰۷	۱۱۷	۸۳/۵
تولیدات زراعی و باغی	تن	۱۳۷۰۰۰۰	۱۸۲۰۰۰۰	۳۹۵۰۰۰۰	۱۸۸	۴۲/۹
میزان مراتع	میلیون هکتار	۲۹	۳۳	۳۲/۵	۱۲/۱	۶/۰
صنایع دستی	متر مربع	۱۴۸۰۰۰۰	۱۳۶۵۰۰۰	۱۴۰۰۰۰۰	۵/۴	۳/۰
میزان کل تولیدات	تن	۲۸۳۴۰۰۰	۳۲۶۰۰۰۰	۵۱۰۶۰۰۰	۸۰/۲	۴
ارزش تولیدات	میلیارد ریال	۱۱۵۷۰	۱۳۴۸۰	۲۶۰۰۰	۱۲۵	۲/۶
درآمد ناخالص سرانه خانوار	میلیون ریال	۶۴	۶۷	۱۲۲	۹۱	۵۳/۴
متوسط سرانه دام خانوار	واحد دامی	۹۷	۱۱۵	۱۱۳	۱۶/۵	۸۲/۰
متوسط سرانه زمین خانوار	هکتار	۱/۹	۱/۸	۳	۵۸	۹/۲
ارزش منابع تولید	میلیارد ریال	۵۲۸۸۹	۶۲۱۱۸	۱۰۲۴۸۴	۹۴	۷/۴

◆ جمع‌بندی وضعیت اقتصادی جامعه عشایری

جامعه عشایر کوچنده با داشتن بالغ بر ۲۴ میلیون واحد دامی (۲۸ درصد دام سبک و ۴ درصد دام سنگین) کشور، حدود ۲۵ درصد گوشت قرمز و سایر تولیدات وابسته به دام را تولید می‌کنند. این جامعه بالغ بر ۳۲ میلیون هکتار مرتع و ۷۵۰ هزار هکتار اراضی کشاورزی را در اختیار دارند، حدود ۳۵ درصد صنایع دستی و در مجموع سالانه ۵/۷ میلیون تن محصولات دامی، زراعی، باغی و غیره را با شرایط محصول سالم و حتی ارگانیک، به ارزش ۵۵۰۰۰ میلیارد ریال تولید می‌کنند. با توجه به ظرفیت‌های بالای منابع مناطق عشایری و روحیه تلاش و سخت‌کوشی عشایر، در صورت تخصیص و تجهیز منابع تولید، کمک به تأمین نهاده‌های مورد نیاز، ارائه کمک‌های فنی و اعتباری، ساماندهی بازاریابی و بازاریابی محصولات تولیدی، حجم تولیدات عشایری به همین اندازه قابل افزایش می‌باشد.

◆ بررسی وضعیت فرهنگی عشایر

فرهنگ و ساختار فرهنگی در اجتماعات عشایری از اهمیت زیادی برخوردار است و علاوه بر مطرح بودن آن به عنوان میراث معنوی، هنوز هم ذخایر اطلاعات فرهنگ سنتی به عنوان عوامل نهادی بسیاری از امور روزمره زندگی، روابط و مناسبات درون و برون گروهی اجتماعات عشایری دارای کارکردهای زیادی هستند و هنوز هم در بسیاری از مناطق عشایری شاهد برگزاری مراسم، مناسک دینی و مذهبی، آئین‌ها و شعائری هستیم که هر کدام گویای نظام ارزشی و واجد عناصر و ترکیبات فرهنگی اصیل قومی، ایلی، عشیره‌ای، منطقه‌ای و بومی هستیم که مربوط و چه بسا منحصر به همان ایل و طایفه و محل باشد. با این حال سرعت تغییرات اجتماعی باعث شده است به صورت روزافزون از کارکردهای فرهنگ سنتی عشایر کاهش یافته و در مقابل استفاده از عناصر و ترکیبات عوامل فرهنگی - تمدنی جدید در زندگی عشایر رواج یافته است. در چنین شرایطی عدم توجه به آثار و نتایج انتقال و شیوع عوامل دگرگونه‌ساز در فرهنگ عمومی عشایر هم موجب بروز خسارت‌های زیاد بر بنیان‌های فرهنگ سنتی و بومی عشایر شده و هم اینکه بی‌متولی بودن مدیریت فرهنگی عشایر و تداوم بی‌سامانی در شرایط آمیختگی شتابان عناصر فرهنگ سنتی و جدید در زندگی عشایر، منجر به بروز آسیب‌ها و بی‌هنجاریه‌های متعدد در نظام‌های نهادین، نهادهای اجتماعی و روابط و مناسبات عشایر شده و خواهد شد که در صورت استمرار و تشدید، این وضعیت منجر به افزایش آسیب‌ها و مسائل اجتماعی - فرهنگی مختلف در زندگی عشایر خواهد شد.

◆ اثرات تغییرات مورد اشاره بر الگوی زیست و آینده زندگی عشایر کوچنده

در شرایط کنونی متأثر از روند تغییر و تحولات اجتماعی - اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور، و تأثیر و تأثر ناشی از گسترش روابط و مناسبات جامعه عشایری با ارکان مختلف جامعه ملی،

همانند بسیاری از اجزا و ارکان ساختار اجتماعی کشور، الگوی زیست و معیشت و سازمان اجتماعی - فرهنگی عشایر نیز در معرض تغییرات شالوده شکن مختلف قرار گرفته و در حال حاضر، شیوه فعالیت و زندگی این جامعه نیز نه کاملاً سنتی است نه مدرن؛ بلکه فرهنگ عشایری نیز آمیخته‌های از عناصر فرهنگ بومی - محلی، قومی - عشیره‌ای، ایرانی - اسلامی و حتی دارای عناصر و ترکیب‌هایی از فرهنگ غرب است.

متأثر از جریان دگرگونی‌های مورد اشاره و رهیافت‌های تطبیقی - تمهیدی درون و برون جامعه‌ای عشایر برای سازگاری و نوسازی الگوی زیست خود با ساختارهای جدید، و گسترش روزافزون حضور و خدمات‌رسانی دولت، اجتماعات عشایری امروز به جوامعی در حال تغییر تبدیل شده و در حوزه‌های مختلف در هم‌تنیدگی‌های زیادی بین جامعه و مناطق روستایی و عشایری و حتی در مواردی شهری به وجود آمده است. در اثر بکارگیری رهیافت‌های فوق انسجام اجتماعی و نظام ایلی سنتی عشایر تضعیف شده و یا فروریخته و اجتماعات عشایری از جهت اجتماعی - اقتصادی انسجام سنتی خود را از دست داده‌اند؛ با این حال پیش‌بینی می‌شود تا زمانی که جریان کوچ ادامه داشته باشد، ارزش‌های سنتی در همه زمینه‌ها کاملاً از بین نرفته و امکان ظهور و بروز خواهند داشت و علیرغم رواج برخی الگوهای جدید، شرایط به سمت نوعی همسازی میان اشکال سازمانی جدید و اشکال سنتی مألوف سوق پیدا می‌کند.

در گذشته کوچ به عنوان نوعی الگوی زیست و معیشت کامل مطرح بود و به تبع آن به این الگوی زیست «جامعه» اطلاق می‌شد. رواج کوچ‌های ناقص، به جهت عوامل تاثیرگذار مانند: عدم حضور کلیه اعضای خانوار در کوچ‌ها، اقدام به کوچ انفرادی - خانوادگی در حد خانواده یا رده بالاتر از آن مانند اولاد؛ به جای کوچ‌های بزرگ در حد تیره و طایفه، عمومیت نسبی کوچ‌های ماشینی و غیره، پایه‌های کوچ و زندگی سنتی عشایری را سست کرده است؛ ولی این وضعیت به معنی فروپاشی این الگوی زیست نیست و به نظر می‌رسد تا زمانی که امر کوچ به عنوان شیوه‌ای برای جابه‌جایی و دسترسی دام‌ها به علوفه مرتعی تازه در مناطق ییلاقی و قشلاقی تداوم داشته باشد؛ به تبع، بعضی از الگوهای انطباق و سازگاری با شرایط اقلیمی - جغرافیایی (محیطی)، بخشی از عناصر و ارزش‌های فرهنگی، مراسم و آئین‌های مربوط به زندگی متحرک استمرار خواهند داشت. مجموعه عوامل و مؤلفه‌های مورد اشاره بیانگر این واقعیت هستند که جامعه عشایری خواسته و ناخواسته در مسیر تغییر و تحول قرار گرفته و در صورت عدم توجه به ماهیت و روند این تغییرات و سوق ندادن آن در مسیر برنامه‌های توسعه ملی، منطقه‌ای و محلی، چه بسا جریان تغییرات، مسیرهایی غیر از الزامات توسعه متوازن و پایدار را طی کنند که در این صورت تبعات اجتماعی - اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی آن هم متوجه خود جامعه عشایری، اجتماعات پیرامونی و نهایتاً جامعه ملی خواهد شد که از آن میان می‌توان به تشدید مهاجرت عشایر به مناطق شهری و افزایش حاشیه‌نشینی، بروز آسیب‌های اجتماعی، کاهش تولیدات دامی و غیره اشاره کرد.

تغییرات اجتماعی - فرهنگی حوزه‌های مختلف زندگی عشایری آثار و پیامدهای مثبت و منفی زیادی داشته و اجتناب‌ناپذیری تداوم این روند، بروز اثرات دگرگونه‌ساز بیشتری روی نهادها و ساختارهای نهادین سنتی زندگی عشایری را نوید می‌دهد. تغییر و تطور برخی

عناصر فرهنگ عشایری غیر قابل ترمیم، احیا و جایگزینی هستند به همین خاطر در وهله اول بایستی سعی شود:

الف - متناسب با وضعیت آسیب‌پذیری عشایر مناطق مختلف کشور، زمینه‌های ظهور و بروز، رشد و بالندگی عناصر فرهنگ سنتی، ایلی - عشیره‌ای، قومی، بومی - محلی در معرض تغییر و فروپاشی را فراهم کرد.

ب - عوامل و متغیرهای تأثیرگذار در بروز و تشدید عوامل دگرگونه‌ساز شناسایی و مشخص، و با بکارگیری ساز و کارهای لازم در سطوح درون و برون جامعه‌ای نسبت به کاهش آثار و عوارض آن‌ها اهتمام کرد. در این خصوص ایفای نقش دستگاه‌های برنامه‌ریزی و اجرایی فرهنگی و مشارکت آحاد جمعیت و جوامع محلی و در معرض تغییرات بسیار کارساز و راهگشا خواهد بود. پ - استفاده از تجارب سایر کشورها در مستندسازی و ثبت و ضبط آثار فرهنگی جوامع در حال تغییر، با همکاری محافل علمی و دانشگاهی، مراکز فرهنگی، مشارکت آحاد جمعیت جوامع محلی به عنوان بخشی از گنجینه میراث فرهنگی و معنوی انسانی که در معرض تغییر و فروپاشی قرار دارند.

منابع و مأخذ:

- ◀ اکبری، علی؛ میزبان، مهدی (۱۳۸۳): درآمدی بر شناخت ویژگی‌های جمعیت و جوامع عشایری ایران، فصلنامه مطالعات ملی، ۱۷، سال پنجم، شماره ۱.
- ◀ صفرزاده، میرولی. (۱۳۹۱)، نقش و جایگاه مدیریت جهادی در ایجاد امکانات و خدمات زیربنایی در مناطق عشایری. فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب. شماره ۵۷.
- ◀ سازمان امور عشایر ایران (۱۳۹۳)، برنامه راهبردی ساماندهی و توسعه جامعه عشایر کوچنده.
- ◀ مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری‌های اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده سال‌های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷.
- ◀ مرکز آمار ایران. نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰. مرکز آمار ایران.

نقش شتر در اقتصاد کویرنشینان مورد: روستای رضا آباد شهرستان شاهرود

دکتر حسن افراخته^۱

علیرضا شاه‌حسینی^۲

۱ - مقدمه

شتر حیوانی است که می‌تواند در شرایط کویری زندگی پرورش داده شود. شترداری به دلیل توان استقامت در برابر کم‌آبی مناطق خشک، جایگاه ویژه‌ای دارد و به همین دلیل، کشتی بیابان و کویر بی‌آب و علف معرفی شده است. در مناطق کویری که فاصله آبادی‌ها از یکدیگر زیاد و منابع آب کمیاب است و سایر چهارپایان مانند اسب، قاطر و الاغ توانایی و تحمل طی این فواصل را بدون مصرف آب ندارند، از شتر برای حمل کالا استفاده می‌شده است.

پرورش و نگهداری شتر به عنوان دام چندمنظوره، از قدیم‌الایام در روستاهای حاشیه کویری رواج داشته است. مردم این منطقه با شناخت محدودیت‌های اقلیمی موجود و توانایی‌های شتر در سازگاری با اقلیم خشک، از قدیم بخشی از نیازهای پروتئینی کشور را از راه پرورش شتر تأمین می‌کردند.

نیاز روزافزون جهان به مواد پروتئینی به دلیل افزایش جمعیت، مسئله تأمین مواد غذایی یکی از دغدغه‌های اصلی کنونی است. بشر، برای حل این مسئله، نیازمند جستجوی منابع جدیدی است. شتر حیوان چندمنظوره‌ای است که به وسیله بشر برای قرن‌ها از جنبه‌های مختلف بهره‌برداری شده است.

کشور ایران به دلیل مناطق وسیع کویری، پتانسیل زیادی برای شترداری دارد، اکوسیستم مناطق فراخشک، خشک و نیمه‌خشک، حدود دو سوم مساحت ایران را شامل می‌شود و وسعت آن حدود یک میلیون و دویست هزار کیلومتر مربع است (راسخ افشار، ۱۳۹۴: ۳۴) مناطق مذکور شرایط مناسبی برای پرورش شتر است؛ این حیوان تولیدکننده گوشت سالم (ارگانیک) است. بنابراین پرورش آن کمک قابل توجهی به امنیت غذایی کشور می‌کند. شتر دارای یک توانایی منحصر به فرد برای تبدیل منابع گیاهی اندک صحرا به گوشت و شیر است؛ اما علیرغم نقش فعال شتر در تولید مواد غذایی دامی، به اهمیت آن کمتر توجه شده است.

۱ - استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی.

۲ - دانشجوی دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی (سیاست‌گذاری روستایی)، دانشگاه خوارزمی.

تولید سالانه گوشت قرمز در ایران ۴۷۶ هزار تن در سال ۱۳۹۴ بوده است که از این مقدار حدود ۵ هزار تن آن (کمی بیش از یک درصد) گوشت شتر است (مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سال ۱۳۹۴). یکی دیگر از تولیدات شتر، شیر این حیوان است. در مناطق بیابانی، شتر چهار برابر گاو شیر تولید می‌کند. از طرفی توانایی‌هایش برای ادامه شیردهی در خشک‌سالی‌ها، بیشتر از سایر حیوانات است. (عبداللهی، ۱۳۹: ۱). شیر شتر از نظر چربی، مواد معدنی، پروتئین‌ها و ویتامین‌ها نسبت به شیر سایر دام‌ها مناسب‌تر است؛ و خواص دارویی بسیار زیادی دارد و برای کودکان و افراد مسن فواید زیادی دارد. (زارع، مصطفی‌لو، ۱۳۹۳).

ساکنان کویر از پشم و کرک شتر انواع صنایع دستی از جمله عبا، پوشاک، سجاده، دستکش، سفره آرد، سفره خمیر و ... تولید می‌کنند. عبا بافان نائین بهترین عباهای خود را از پشم شتر می‌بافند.

این حیوان مقاوم تا گذشته‌های نه چندان دور، نقش مهمی در جابه‌جایی کالا و مسافر در کشور ایفاء می‌کرد، اما با ورود وسایل نقلیه موتوری، جایگاه خود را در صنعت حمل و نقل از دست داد؛ با این وجود، امروزه می‌تواند نقش مهمی در گردشگری ایفاء کند.

تعداد شتر در جهان حدود ۲۴ میلیون نفر گزارش شده است که از این تعداد ۲۰ میلیون نفر در آفریقا (۸۳/۶ درصد)، ۳/۹ میلیون نفر (۶/۳ درصد) در آسیا و تعداد کمی در اروپاست. ایران با داشتن ۱۵۵ هزار نفر شتر، از این لحاظ رتبه هفتم را در آسیا و بیستم را در جهان دارد. براساس آخرین آمارهای رسمی تعداد شتر کشور ۱۵۱۹۳۲ نفر گزارش شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

پرورش شتر در ۲۱ استان کشور رواج دارد. بیشترین تعداد شتر کشور در استان‌های سیستان و بلوچستان (۳۳/۸ درصد)، کرمان (۱۱/۴ درصد)، و خراسان جنوبی (۱۰/۴ درصد) است. استان سمنان با ۵/۴ درصد شتر کشور مقام ششم کشور را داراست.

روستاهای طرود، رضاآباد و احمدآباد خوار توران، در شهرستان شاهرود، عباسآباد در شهرستان میامی، حسناآباد دامغان و خیرآباد سمنان از مهمترین نقاط پرورش شتر در استان سمنان به شمار می‌آیند. در مناطق مختلف استان سمنان بیش از ۱۴ هزار نفر شتر پرورش داده می‌شود. گرچه شتر اهمیت خود را به عنوان حیوان باربر به تدریج از دست داده است و دیگر در صنعت حمل و نقل جایگاهی ندارد، اما هنوز هم به عنوان مصرف‌کننده خشبی‌ترین گیاهان نقش مؤثری در تأمین پروتئین مناطق محروم و دور افتاده ایفاء می‌کند.

هدف اصلی این تحقیق، بررسی وضعیت شترداری و نقش آن در اقتصاد ساکنان روستاهای کویری از نظر اشتغال و درآمد است و کوشش می‌شود. اقتصاد شترداری روستای «رضآباد» به عنوان یکی از مهمترین روستاهای نمونه کویری استان سمنان مورد مطالعه قرار گیرد. این روستا بعد از روستای طرود، دومین قطب پرورش شتر در استان سمنان به شمار می‌رود که حدود ۱۵ درصد شتر استان سمنان توسط ساکنان این روستا نگهداری می‌شود.

۲ - پیشینه تحقیق

در زمینه شتر و شترداری تاکنون پژوهش‌ها و مطالعات متعددی انجام پذیرفته است. بیشتر پژوهش‌های انجام شده در خصوص شتر در زمینه فیزیولوژی و ویژگی‌های زیست‌شناختی شتر بوده است و کمتر به جنبه‌های اقتصادی و فرهنگی این حیوان پرداخته شده است^۱ (شاه حسینی، ۱۳۷۴:۳۶).

مرتضی هنری (۱۳۵۴) در مقاله شترداری در کویر به بررسی جزییات زندگی شتر با ذکر نام‌های این حیوان نزد مردم خور (استان اصفهان) پرداخته است. شفیع‌ی راد (۱۳۶۷) در مقاله شتر و شترداری در مناطق کویری ایران ویژگی‌های شتر را در مناطق مذکور از لحاظ رفتار شناسی بررسی کرده است.

قرهباش و همکاران (۵۶-۱۳۸۷، ۶۷) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه پرورش شتر یک کوهانه ترکمن و تولیدات آن در استان گلستان» به پرورش شتر به شیوه سنتی و همچنین مواردی در رابطه با شیر و فرآورده‌های آن پرداخته‌اند. این مقاله با استفاده از داده‌هایی تألیف شده است که از طریق مصاحبه با شترداران و تکمیل پرسشنامه به دست آمده است.

در تحقیق دیگر یکی از دانشجویان در پروژه کارشناسی خود تحت عنوان «بررسی اجمالی شترداری در منطقه دیر و هره از مراتع استان قم»، دانش، مهارت و تجربه شترداران و ساربانان را مورد بحث و بررسی قرار داده است که می‌تواند یکی از تحقیقات اندک در این زمینه به شمار آید. (کریمی، ۱۳۸۷).

یکی دیگر از محققان در پژوهشی با نام «شتر و شترداری در فرهنگ مردم استان سمنان» به وضعیت پرورش شتر در استان سمنان با تأکید بر جایگاه فرهنگی آن پرداخته است. (ترحمی، ۱۳۸۹). در این تحقیق به مواردی چون تولید مثل و زایش، تغذیه و چرای دام در مراتع، نیاز آبی و تحمل تشنگی، تولید شیر و فرآورده‌های آن، اشاره شده است.

بارانی و شهرکی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان فرهنگ و دانش عامیانه، مطالعه موردی: شیوه‌های سنتی و دانش بومی شترداری، دانش بومی شترداران ترکمن منطقه گمیشان در استان گلستان را در زمینه‌های چراگاه، ترکیب گله، تولید مثل و زایش، جایگاه نگهداری شتر و نشانه‌گذاری گله‌ها معرفی کرده‌اند.

یکی از کارشناسان باتجربه دامپروری در کتابی با عنوان «شتر و توسعه پایدار» به مزایای پرورش شتر نسبت به سایر دام‌ها (در نواحی نیمه‌بیابانی و بیابانی) و تولیدات شتر از قبیل گوشت، شیر، پشم، کرک و ... پرداخته است. (راسخ افشار، ۱۳۹۴). مطالعات انجام شده در زمینه شتر در استان سمنان به مباحث کلی پرداخته است.

عامری و طباطبایی (۱۳۹۶) در پژوهش به شیوه میدانی، مهم‌ترین واژگان و اصطلاحات مرتبط با پیشه شترداری در دهستان طرود شهرستان شاهرود را بررسی کرده‌اند.

۱ - رک شاه حسینی، علیرضا. کتاب‌شناسی شتر. سمنان مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استان سمنان، ص ۳۶، ۱۳۷۴.

در این تحقیق با استفاده از اطلاعات دقیق منتج از پرسشنامه‌هایی که از کلیه شترداران روستای رضآباد به دست آمده است و مصاحبه‌های عمیقی که با برخی از شترداران مطلع انجام شده است، به وضعیت و نقش شتر در اقتصاد روستاهای کویری پرداخته شده است. به این امید که نتیجه تحقیق مورد استفاده متولیان توسعه ناحیه و کشور قرار گیرد.

۳ - مبانی نظری

قرارگیری ایران در منطقه خشک و نیمه خشک مردم را مجبور به همزیستی و تطبیق زندگی خود با طبیعت پیرامون خود کرده بود. در طی قرن‌ها بیابانی که زنده بودن محال کرده بود به محل زیست خود تبدیل کردند و در آنجا آرام گرفتند و قدرت خلاقانه‌ای در برابر سختی خصمانه بیابان به دست آوردند. زندگی در بیابان به آن‌ها آموخت بر این پهنه خشک و سخت حکم‌فرمایی کنند (بیزلی و هارورسن، ۱۳۹۲: ۲۵). شتر انطباق شگفت‌آوری با شرایط سخت محیطی دارد. این حیوان دارای مکانیسم‌های انطباقی متمایز رفتاری، فیزیولوژیکی، و ژنتیکی و تغذیه‌ای است که آن‌ها را در برابر تنش‌های مستقیم و غیرمستقیم زیست محیطی قادر به مقاومت می‌سازد (راسخ افشار ۱۳۹۴: ۸۰). شتر در مقایسه با سایر دام‌های نواحی کویری و بیابانی، بهترین دام به شمار می‌رود زیرا رفتار چرای این حیوان کاملاً سازگار با پوشش گیاهی پراکنده بوده و در نتیجه این حیوان می‌تواند چندین روز را بدون نوشیدن آب سپری کند و همین ویژگی آن را قادر می‌سازد تا بتواند از مراتع بسیار دور تغذیه کند. یکی دیگر از مزایای این حیوان آن است که با پاهای نرم و صافی که دارد فرسایش را به حداقل می‌رساند (منصوری نژند و همکاران، ۱۳۹۵).

برای مراتع مناطق بیابانی شتر به مراتب مناسب‌تر از گاو و نشخوارکنندگان کوچک است. برخلاف گوسفند و به خصوص بز که هر قطعه از پوشش گیاهی را تا ریشه پاک می‌کند، شتر از هر بوته یک یا چند لقمه را جدا کرده و سپس به سمت دیگری حرکت می‌کند. آن‌ها سرشاخه‌خوار واقعی هستند (عبداللهی، ۱۳۹۵، همان). پرورش شتر از لحاظ اقتصادی نیز حائز اهمیت است. این حیوان در مقایسه با گاو ضریب تبدیل بالایی دارد و در قیاس با گوسفند و بز، نسبت به وزنش ماده خشک کمتری مصرف می‌کند. گوشت شتر به‌ویژه هاشی (شتر جوان) قابل قیاس با گوشت گوساله است. و از نظر مغذی بودن نیز از گوشت گوسفند، گوساله و مرغ بهتر است (منصوری نژند و همکاران، ۱۳۹۵). شتر در مقایسه با دیگر دام‌ها در برابر بیماری‌ها مقاوم‌تر است.

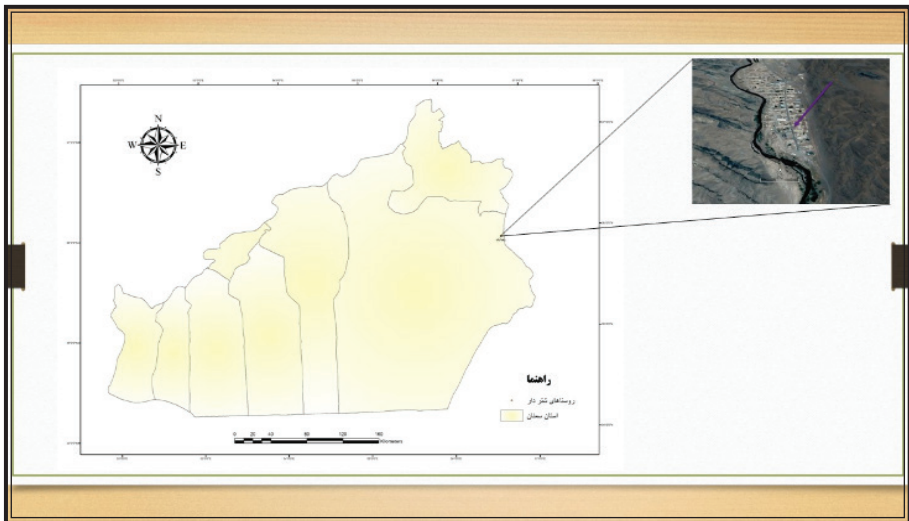
۴ - روش تحقیق

در این مقاله سعی بر آن است که با بررسی محلی و اسنادی اطلاعات لازم گردآوری شود. برای اطلاع از برخی آثار، اطلاعات و داده‌ها از منابع مدون استفاده شده است. برای جمع‌آوری داده‌های میدانی، پرسشنامه تحقیق برای تمامی جامعه آماری (شترداران رضآباد) تکمیل می‌شود.

داده‌های این تحقیق شامل ویژگی‌های شترداران، تعداد شتر، هزینه‌های شترداری (ساربان، علوفه دستی در خشک‌سالی‌ها)، آب شرب، بهداشت و درمان، حمل و نقل و سایر (خسارات به مزارع)؛ میزان درآمد (فروش انواع شتر و ...)، مبادلات و معاملات (خرید نهاده‌ها و فروش تولیدات)، تلفات و میزان خسارات وارده و ... است.

داده‌های جمع‌آوری شده پس از جمع‌بندی، آمار توصیفی و تحلیل محتوای کیفی تجزیه و تحلیل شده است و در پایان برای بهبود وضعیت شترداری پیشنهادهایی ارائه شده است. رضآباد در شرق استان سمنان، از توابع دهستان خوار و توران بخش بیارجمند و در مختصات ۵۶ درجه و ۴۱ دقیقه طول شرقی و ۵ درجه و ۵۷ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. (نقشه شماره ۲). رضآباد تا مرکز شهرستان (شاهرود) ۲۵۰ و تا بیارجمند (مرکز بخش) ۱۲۳ کیلومتر فاصله دارد. ارتفاع این آبادی از سطح دریا ۸۹۰ متر است. (شاه حسینی، ۱۳۸۳، ۳۹). قلمرو شترداران رضآباد در شمال دهستان خوار و توران قرار دارد. از لحاظ توپوگرافی شامل دشت، تپه ماهورهای کم ارتفاع و تپه‌های ماسه‌ای است.

در این منطقه بیشتر بارش‌ها به صورت باران است و عمدتاً در فصل بهار اتفاق می‌افتد. میانگین سالانه بارندگی این منطقه حدود ۱۱۲ میلی‌متر است.^۱ خاک این منطقه شور و قلیایی است. پوشش گیاهی مراتع آن به علت واقع شدن در اقلیم خشک دارای پوشش غالبی از گونه‌های گیاهی شورپسند از قبیل تاغ، اسکنبیل، شور، سبد و گز می‌باشد. این منطقه از لحاظ آب سطحی و زیرزمینی بسیار فقیر است و آب آشامیدنی اهالی از یک حلقه چاه نیمه‌عمیق و آب شرب دام‌ها از چاه‌های مالدار (چاه‌های دستی کم‌عمق) تأمین می‌شود. نقشه شماره ۱ موقعیت روستای رضآباد در استان سمنان را نشان می‌دهد.



تمام ساکنان این روستا از طایفه چوداری هستند که تا دهه ۱۳۴۰ در زمره کوچندگان محض (کاملاً کوچ‌رو) بوده‌اند و با مسیر کوچ طولانی و عمودی به ارتفاعات کوه شاهجهان در نیشابور و اسفراین کوچ می‌کردند، اما پس از آن به دنبال وقوع خشک‌سالی به تدریج در محل کنونی روستا، اسکان یافتند، اما هنوز با کوچ افقی و کوتاه از مراتع قشلاقی اطراف آبادی خود بهره‌برداری می‌کنند.

۱ - اطلاعات دریافتی از ایستگاه باران‌سنجی رضآباد.

اقتصاد رضآباد بر پایه دامداری سنتی، شامل پرورش دام سبک (گوسفند و بز) و شترداری استوار است. این آبادی ۷۰ خانوار سکنه دارد. آن‌ها حدود ۷۰۰۰ رأس گوسفند و بز و حدود ۲۰۰۰ نفر شتر پرورش می‌دهند.

دامداران منطقه به دلیل نداشتن مراتع ییلاقی و میان بند، از مراتع موجود به صورت تناوبی بهره‌برداری می‌کنند.

از فرآورده‌های دامی بسیار مهم دامداران منطقه می‌توان به گوشت قرمز و دیگر محصولات از جمله فرآورده‌های لبنی، پشم و کرک اشاره کرد که نقش تعیین کننده‌ای در رفع نیازهای مردم بومی منطقه دارد.

صنایع دستی یکی دیگر از فعالیت‌های اهالی به‌ویژه زنان است که در خشک‌سالی‌ها که درآمد حاصل از دامداری کاهش می‌یابد، رونق بیشتری می‌گیرد.

رضآباد یکی از مهمترین روستاهای پرورش شتر در شهرستان شاهرود محسوب می‌شود. مراتع وسیع کویری و نبود فرصت‌های شغلی در سایر فعالیت‌ها از جمله کشاورزی، باعث شده تا ساکنان به دامداری سنتی به‌ویژه شترداری روی آورند؛ این روستا مهمترین قطب پرورش شتر استان سمنان پس از روستای تروند است. حدود ۱۵ درصد شترهای استان سمنان متعلق به این روستاست.

۵ - یافته‌های تحقیق

۵-۱ - ویژگی‌های شتر

شتر یک حیوان منحصر به فرد و سازگار به محیط‌های گرم و خشک است. نقش و تأثیر بسزای شتر را نمی‌توان در مناطق کویری نادیده گرفت. شتر یک حیوان اهلی غیرمعمول است. این حیوان توانایی مقاومت در برابر اثرات سوء خشک‌سالی شدید را داراست و در مقایسه با نشخوار کنندگان بزرگ و کوچک دیگر، نرخ مرگ و میر در شترهای بزرگسال حتی در شرایط خشک‌سالی بسیار کم است (عبداللهی ۱۱، ۱۳۹۳). این حیوان زینی از گوشت [منظور کوهان] بر پشت دارد با چالاک‌کی از سرزمین‌های شنی می‌گذرد. در خطرناک‌ترین جاها شایستگی خود را به اثبات می‌رساند (فرانک، براونستون، ۶۹، ۱۳۸۷). در خشک‌سالی سال ۱۹۷۳ میلادی در آفریقا که منجر به مرگ ۱۵۰۰۰۰ انسان و بسیاری از احشام گردید، ۱۰۰ درصد گاوها از بین رفتند و حال آن که تنها ۲۰ تا ۳۰ درصد شترها تلف شدند؛ و مردمانی که منبع معاش آن‌ها شتر بود، جان سالم به در بردند (نیاسری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۱).

شتر سازگارترین دام در بحران آبی است. توانایی شتر در ثابت نگه‌داشتن مقدار آب در خون به نحوی تکامل یافته که می‌تواند ۳۰ درصد از وزن خود را در زمان از دست دادن آب کم کند که چیزی معادل ۱۵۰ تا ۲۰۰ لیتر آب می‌باشد (طاهری نیا و همکاران، ۱۳۹۵).

یکی از ویژگی‌های شتر، بویایی قوی حیوان است. این حیوان می‌تواند آب را از فاصله ۸۰ کیلومتری به وسیله استشمام که محصول باکتری‌های هوازی در آب است را حس کند (مقصودی، ۱۹، ۱۳۹۴). شتر در فصل بهار به خاطر وجود علوفه سبز در مراتع و وجود برکه‌های آب (دق) حاصل از بارندگی، کمتر به آب احتیاج پیدا می‌کند و در سال‌های مساعد از لحاظ بارندگی (ترسالی‌ها) این حیوان به مدت سه ماه نیاز به آب ندارد.

در فصل تابستان شتر هر روز نیاز به آب دارد. ضرب‌المثلی بدین مضمون در بین شترداران منطقه رایج است: «در تابستان سه دست و پای شتر در آب و یک دست یا پای دیگرش، در چراگاه باشد» نشانگر اهمیت آب برای این حیوان در فصل تابستان است.

در فصل پاییز شترها هنار می‌شوند، بدین معنی که حیوان یک روز آب می‌نوشد و روز دیگر آب نمی‌خواهد (هنار است).

شتر می‌تواند آبی را بنوشد که درصد شوری آن از آب دریا نیز بیشتر باشد (بیش از ۳ درصد). و یا گیاهانی بخورد که برای بقیه موجودات سمی است. شتر به دلیل داشتن خصوصیات ویژه آناتومی و فیزیولوژی بدن در بین پستانداران معروف است. مکانیسم‌هایی در شتر توسعه یافته که هدر رفت آب را در بیابان‌های داغ کاهش می‌دهد. در شتر مکانیسم‌های کلی دفع آب در بدن موجودات با مدفوع خشک، تعرق و ادرار کم کاهش یافته است. در حالی که گاو ۲۰ تا ۴۰ لیتر مایع را به این صورت از دست می‌دهد، شتر تنها ۱/۳ لیتر آب را از این طریق دفع می‌کند.^۱ (مقصودی، همان)

ساختمان اصلی کوهان از بافت‌های چربی و فیبری تشکیل گردیده و بزرگی آن علامت سلامتی شتر است. بیشترین ذخیره بافت چربی شتر در کوهان جمع شده که به سراسر بدن منتشر می‌شود. این سازگاری جهت انتقال گرما است. در قسمت زیرین بافت کوهان، مقدار زیادی چربی وجود دارد که بستگی به سلامت شتر دارد. شکل و اندازه کوهان از حیوانی به حیوان دیگر با توجه به سازگاری حیوان متفاوت است و پوست به آسانی با کوهان منبسط و منقبض می‌شود. وزن کوهان در شترهای یک کوهانه با تغذیه سالم بین ۱۵ تا ۲۰ کیلوگرم و در حیوان ضعیف‌تر کوچک‌تر و در بعضی از مواقع به کلی از بین می‌رود (شکرچی و همکاران ۱۳۹۵، ۲۴ - ۲۵). اغلب، کوهان را مخزن آب نامیده‌اند چون بر اثر اکسیداسیون یک گرم چربی ۱/۷ گرم آب تولید می‌شود. مقدار اکسیژن لازم برای اکسیداسیون چربی از هوای تنفسی اخذ می‌گردد. به هر جهت کوهان منبع انرژی شتر را تشکیل می‌دهد چون چربی نسبت به سایر مواد غذایی انرژی بیشتری تولید می‌کند. جمع شدن چربی فقط در ناحیه کوهان خود از محسنات وزن شتر می‌باشد. چون اگر چربی در سراسر بدن پخش می‌شد کنترل حرارت و تبدیل آن به آب و مواد غذایی در مواقع احتیاج مشکل می‌گردید (شکرچی، همان).

پشم شتر نازک و نرم است که هم عایق گرمایی و هم خنک‌کننده است، ضمن آن که نور خورشید نمی‌تواند به داخل آن نفوذ کند ولی گرمای بدن به راحتی از آن خارج می‌گردد. (طاهری‌نیا، ۱۳۹۵). پشم شتر به واسطه خاصیت عایق بودن باعث می‌شود که حرارت بدن شتر بالا نرود که نتیجه آن پس‌ندادن آب بدن است که در این حالت شتر برای خنک کردن خود مجبور نیست شدیداً عرق کند و از این طریق مقدار زیادی از آب بدن خود را از دست دهد (ناظرعدل، ۱۳۶۵، ۵۲).

۵-۲- ویژگی های اجتماعی شترداران

در زمان تحقیق (زمستان ۱۳۹۵) تعداد ۸۱ بهره‌بردار در روستای رضآباد خوار و توران به شترداری اشتغال داشته‌اند. از این تعداد ۸۲/۷ درصد ساکن رضآباد و ۱۴ خانوار (۱۷/۳ درصد) در شهر سبزواری و روستاهای تابع آن مانند کلاته مزینان و غنی آباد ساکن بوده‌اند. از مجموع شترداران ۷۷ نفر (۹۵ درصد) مرد و ۴ نفر (۵ درصد) زن بوده‌اند. میانگین سنی شترداران ۴۱ سال محاسبه شده است.

۸۱/۱ درصد شترداران باسواد و ۱۸/۹ درصد بی‌سواد بوده‌اند. مدرک تحصیلی ۶۸/۷ درصد ابتدایی، ۴/۹ درصد سیکل، ۲۰/۳ درصد دیپلم و تنها ۴/۶ درصد تحصیلات بالاتر از دیپلم داشته‌اند. شترداران با تحصیلات بالاتر از دیپلم در خارج از رضآباد ساکن هستند.

۵-۳- ویژگی های اقتصادی شترداران

از ۸۱ خانوار بهره‌بردار در زمینه پرورش شتر، ۲۱ خانوار (۲۶ درصد) تنها به حرفه شترداری؛ ۳۹ خانوار، (۴۸/۲ درصد) علاوه بر شترداری به پرورش دام سبک (گوسفند و بز) اشتغال دارند. ۹ بهره‌بردار (۱۱ درصد) نیز علاوه بر شترداری به ساربان‌های دیگر شترداران خرده‌پا و ۱۲ بهره‌بردار (۱۴/۸ درصد) که عمدتاً ساکن سبزواری و یا روستاهای آن هستند. شترداران اخیر در سال‌های گذشته از رضآباد مهاجرت کردند. اما با رضآباد ارتباط دارند و مرتع و خانه پدری خود را حفظ کرده‌اند. این گروه علاوه بر پرورش شتر به سایر مشاغل غیردولتی مانند مکانیکی، دلالی و ... اشتغال داشته‌اند.

به طور میانگین هر خانوار ۲۴/۸ نفر شتر در اختیار داشته است که کمترین آن ۳ نفر و بیشترین آن ۹۸ نفر شتر بوده است. (جدول شماره ۱).

جدول شماره (۱): توزیع شترداران به تفکیک طبقات مختلف

طبقات (نفر)	تعداد شتردار	درصد	درصد تجمعی
کمتر از ۱۰	۱۷	۲۱	۲۱
۱۱ - ۲۰	۳۳	۴۰/۷	۶۱/۷
۲۱ - ۴۰	۱۶	۱۹/۸	۸۱/۵
۴۱ - ۶۰	۹	۱۱/۱	۹۲/۶
۶۱ - ۸۰	۵	۶/۲	۹۸/۸
۸۱ - ۱۰۰	۱	۱/۲	۱۰۰
جمع	۸۱	۱۰۰	۱۰۰

۵-۴- شیوه شترداری و هزینه‌های آن

۵-۴-۱- در یک گله نمونه

چرای شتر در رضآباد به دو شیوه دست‌چران (دارای ساربان) و هوادار (نظارت از دور) رواج دارد. به طور کلی ساربان‌های هوادار شش ماه از سال هوادارند و شش ماه دیگر از سال مجبورند از «بن‌گله» به شیوه «دست‌چرانی» نگهداری کنند. در فصول بهار و پاییز معمولاً هوادار و در فصول تابستان و زمستان به شکل دست‌چران عمل می‌کنند. نیاز هر روزه شترها به آب در فصل تابستان و ضرورت مواظبت‌های تازه متولد شده از گزند حیوانات درنده مثل گرگ، امکان نگهداری از آن‌ها را به شکل هوادار با مشکل مواجه می‌سازد.

هزینه و درآمد یک گله شتر در سال ۱۳۹۵

مهم‌ترین هزینه‌های شترداری، شامل هزینه‌های ساربانی، علوفه دستی، آب شرب و دارو و درمان است. هزینه‌های ساربانی برای هر نفر شتر ماهیانه ۲۰ هزار تومان است البته به استثنای‌های کمی کمتر از یک سال. اما چنانچه شترداری ۵۰ تا ۶۰ نفر شتر داشته باشد ساربان مستقلاً استخدام می‌کند و به او ماهانه ۱ میلیون و سیصد هزار تومان حقوق می‌پردازد. ضمن این که خود شتردار نیز مدیریت و تدارکات را به عهده دارد. دوم: هزینه‌های مربوط به علوفه دستی است. آرد جو، کاه، ذرت و تفاله از مهم‌ترین علوفه‌های دستی هستند که به مصرف شتر می‌رسد. میزان مصرف علوفه دستی در خشک‌سالی‌ها و سال‌های عادی (از لحاظ بارش) متفاوت است. در خشک‌سالی‌ها مصرف علوفه دستی افزایش قابل توجهی می‌یابد. اما در سال‌های دیگر تنها به شترهای لاغر و پیر، شترهای تازه زایمان کرده و لوک‌ها در آستانه فصل جفتگیری علوفه داده می‌شود. در سال ۱۳۹۵، هزینه‌های علوفه دستی برای یک گله ۷۰ نفری، ۱۱ میلیون و ۲۶۰ هزار تومان برای ۱۸/۵ تن انواع علوفه بوده است. به عبارت دیگر این هزینه برای هر نفر شتر ۱۶۰ هزار تومان محاسبه شده است. (جدول شماره ۲). سایر هزینه‌های شترداری شامل تأمین آب شرب (سوخ‌ت برای پمپ آب و یا تعمیر آن)، دارو و سموم و روغن منداب است که هزینه‌های مذکور، حدود ۷۰۰ هزار تومان محاسبه شده است یعنی برای هر نفر شتر ۱۰ هزار تومان.

جدول شماره (۲): هزینه‌های علوفه دستی برای یک گله ۷۰ نفری شتر در روستای

رضآباد خوار و توران ۱۳۹۵

نوع علوفه	مقدار (کیلوگرم)	قیمت واحد (تومان)	جمع (هزار تومان)
ذرت	۲۰۰۰	۳۶۰	۷۲۰
تفاله	۲۰۰۰	۳۵۰	۷۰۰
کاه	۱۲۰۰۰	۶۰۰	۷۲۰۰
آرد جو	۲۵۰۰	۱۲۰۰	۳۰۰۰
جمع	۱۸۵۰۰۰	-	۱۱/۶۲۰

درآمد

مهم‌ترین منبع در آمد شترداران، فروش انواع شتر به‌ویژه هاشی‌های نر است و هاشی‌های ماده در گله نگهداری می‌شوند تا جایگزین اروانه‌های پیر شوند. ضمن این کهلوک‌ها و اروانه‌های پیر و مازاد نیز در فصول مختلف سال از گله خارج و به فروش می‌رسند. در گله نمونه، شتردار ۲۲ نفر از انواع شتر به مبلغ ۶۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان به فروش رسانده است. (جدول شماره ۳).

جدول شماره (۳): فروش انواع شتر در گله نمونه

نوع شتر	تعداد	قیمت واحد (میلیون تومان)	جمع قیمت (میلیون تومان)
هاشی	۱۶	۲/۱	۳۳/۶
لوک	۱	۳/۶	۳/۶
اروانه خلفه (بدون هاشی)	۲	۴	۸
اروانه زایی	۳	۶	۱۸
جمع	۲۲	-	۶۳/۲

درآمد خالص - ۱۹/۳۸ میلیون تومان

درآمد خالص

درآمد خالص یک واحد شترداری سنتی در روستای رضا آباد، ۱۹ میلیون و ۸۲۰ هزار تومان محاسبه شده است. البته در سال‌های غیر خشک‌سالی این میزان در آمد، به دلیل کاهش هزینه‌های خشک‌سالی افزایش می‌یابد.

۵-۴-۲- هزینه و در آمد شترداری در روستای رضا آباد

هزینه‌های جاری پرورش شتر شامل ساربانی، آب شرب، دارو و درمان و علوفه دستی است.

الف - ساربانی

مهم‌ترین و بیشترین هزینه جاری شترداری سنتی، مربوط به ساربانی است. در سال ۱۳۹۵، دستمزد ماهانه چرای هر نفر شتر، دویست هزار ریال (بیست هزار تومان) بوده است؛ به عبارت دیگر هر شتردار سالیانه مبلغ ۲۴۰ هزار تومان بابت ساربانی هر نفر شتر خود می‌پردازد. هزینه ساربانی به‌هاشی‌ها تا پایان دوره شیرخوارگی تعلق نمی‌گیرد، اما همه شترداران برای چرای شترهای خود دستمزد نمی‌پردازند. تنها شش شتردار بزرگ (۷/۵ درصد) ساربان استخدام کرده‌اند که تمامی ساربان‌ها بومی‌روستا هستند. ۱۱ نفر از شترداران (۱۳/۶ درصد) هم ساربانی شترهای خود را به فرزندان‌شان سپرده‌اند. ۲۳ نفر از آن‌ها (۲۸/۴ درصد) نیز به ساربانان دستمزد می‌دهند و ۴۱ نفر (۵۰/۱ درصد) نیز خود ساربانی می‌کنند.

ب - علوفه دستی

شترداران معمولاً برای جلوگیری از تلفات، لاغر شدن حیوان، تقویت لوک‌ها در دوره جفت‌گیری دوره رگای‌های و زایمان اروانه‌ها آن‌ها را با علوفه دستی مقوی تغذیه می‌کنند. در غیر این صورت تلفات دام افزایش، میزان زایش اروانه‌ها کاهش می‌یابد. و شترداران متحمل خسارات می‌شوند. دوره و میزان تعلیف دستی در خشک‌سالی‌ها افزایش می‌یابد. این امر هزینه‌های شترداری را افزایش می‌دهد. شترداران علوفه دستی مورد نیاز را شامل جو (که بعداً تبدیل به آرد جو می‌شود)، کاه گندم، یونجه و در برخی موارد کنسانتره و پنبه دانه را از مناطق دیگر خریداری می‌کنند. در سال ۱۳۹۵ میانگین هزینه سرانه علوفه دستی هر نفر شتر ۷۱ هزار و پانصد تومان بوده است. و در مجموع ۱۴۳ میلیون تومان هزینه علوفه دستی محاسبه شده است. که ۲۴/۹ درصد هزینه‌های شترداری بوده است. (جدول شماره ۳).

ج: آب شرب

شتر در فصل بهار به خاطر وجود علوفه سبز در مراتع و وجود برکه‌های آب (دق) حاصل از بارندگی، کمتر به آب احتیاج دارد و در سال‌های مساعد از لحاظ بارندگی، شتر به مدت سه ماه (۱۵ فروردین تا ۱۵ خرداد) نیاز به آب ندارد. در صورتی که شتر در این فصل در دشت‌هایی که گیاهان شور دارند تعلیف کند، این مدت به دو ماه (تا ۱۵ اردیبهشت) کاهش می‌یابد. در فصل تابستان، ساریان هر روز ظهر بن گله را به چاه مالداري چراگاه شتر هدایت و با استفاده از آب چاه، آن‌ها را سیراب می‌کند. به قول یکی از شترداران، در این فصل می‌بایست سه دست و پای شتر در آب و یک دست یا پای دیگرش در چراگاه باشد.

در فصل پائیز شترها هَنار^۱ هستند و یک روز در میان به آن‌ها آب می‌دهند. آب مورد نیاز هر نفر شتر در این فصل در هر نوبت ۱۰۰ - ۸۰ لیتر است. شترداران چوداری بر این باورند که چنانچه شتر در فصل زمستان علف توچین^۲ بخورد، حیوان هر سه روز یک بار نیاز به آب دارد. اما چنانچه شتران ساریان داشته باشند، سعی می‌شود یک روز در میان حیوان را سیراب کنند. در حقیقت گله شتر یک روز آبی و روز دیگر هَنار است. آب مورد نیاز شترهای رضآباد از چاه‌های کم عمق معروف به چاه‌های مالداري، تأمین می‌شود. عمق این چاه‌ها حدود ۷ تا ۳۰ متر است.

در مراتع رضا آباد ۱۶ حلقه چاه مالداري وجود دارد که عبارتند از: چاه غلامرضا، چاه شیرازی، چاه شور، چاه سگری (۵ حلقه)، چاه شیرین (۴ حلقه)، چاه گل محمد (دو حلقه)، سه تاشی (دو حلقه). به طور میانگین از هر حلقه چاه ۱۳۰ نفر شتر آب می‌نوشند.

در گذشته استحصال آب از چاه، کار بسیار سخت و طاقت فرسایی بود و به عهده ساریانان بود، اما امروزه با نصب موتور پمپ بر روی چاه‌ها این کار به سهولت صورت می‌گیرد. به طور کلی شترها

۱ - هَنار، hanâr بر اساس یک سنت دیرینه، عشایر حوزه کویری، از جمله چوداری‌ها، از اواخر پاییز تا اواخر زمستان دام‌ها را «هَنار» می‌کنند. بدین معنی که دام‌ها را یک روز در میان آب می‌دهند. اما مدت هَناری (روزهایی که شتر آب نمی‌نوشد بسیار طولانی است). به روزی که به دام آب می‌دهند، آبی و به روز (روزهایی) که به دام‌ها آب نمی‌دهند، هَنار می‌گویند.

۲ - علف توچین: علوفه گل‌چین و خوش‌خوراک.

۸ ماه از سال از آب چاه استفاده می‌کنند و ۴ ماه دیگر به‌ویژه در بهار از منابع آب‌های سطحی بهره می‌گیرند و یا این که نیاز به آب ندارند. شتر در فصل بهار به دلیل وجود علوفه سبز در مراتع و وجود برکه‌های آب (دَق) حاصل از بارندگی کمتر به آب احتیاج دارد و درسال‌های مساعد از لحاظ بارندگی (ترسالی‌ها) شتر به مدت سه ماه (۱۵ فروردین تا ۱۵ خرداد) به آب نیاز ندارد. هزینه سوخت و تعمیر پمپ هر چاه سالانه حدود ۱۶۵۰۰۰۰ تومان و هزینه مجموع چاه‌های مالداري منطقه ۲۳ میلیون تومان محاسبه شده است. و سرانه هزینه هر نفر شتر ۱۱۵۰۰ تومان محاسبه شده است. که ۴ درصد هزینه شترداری را شامل می‌شود (جدول شماره ۴).

د: هزینه‌های دارو و درمان

شتر در برابر بیماری‌ها مقاوم است اما با این حال به دلایل مختلف از جمله کم‌آبی، خشک‌سالی و عدم رعایت اصول بهداشتی به بیماری‌هایی نظیر گری، ناهاز، کوری و زردی، مبتلا می‌شود. متأسفانه شترداران منطقه به ندرت دام‌های خود را علیه بیماری‌ها واکسینه می‌کنند و سم‌پاشی جایگاه‌ها نیز انجام نمی‌شود. بیشتر هزینه در بخش بهداشت صرف خرید دارو و روغن منداب می‌شود. ۱/۵ درصد هزینه‌های شترداری مربوط به بخش دارو و درمان است. (جدول: شماره ۴)

جدول: شماره (۴): هزینه‌های جاری شترداری در روستای رضاآباد در سال (۱۳۹۵)

ردیف	نوع هزینه	هزینه سالانه (میلیون تومان)	درصد
۱	ساربان	۳۸۴	۷/۶۶
۲	علوفه دستی	۱۴۳	۹/۲۴
۳	دارو و درمان	۸/۸	۵/۱
۴	آب شرب	۲۳	۴
۵	سایر	۱۷	۹/۲
جمع	---	۸/۵۷۵	۱۰۰

ه: خسارات وارده به مزارع کشاورزی

با این که رضاآباد فاقد اراضی کشاورزی است، شترهای این آبادی به دلیل چرای آزاد و عدم کنترل آن توسط ساربان به مزارع روستاهای مجاور خسارات وارد می‌سازد. در خشک‌سالی‌ها به دلیل فقر مراتع، خسارات وارده به مزارع افزایش می‌یابد. این امر در فصل تابستان نمود بیشتری دارد. در این فصل شتر به آب بیشتری نیاز دارد و برای خوردن آب، خود را به مزارع کشاورزی نزدیک می‌کند. کمتر شترداری در رضاآباد پیدا می‌شود که در طول سال، خساراتی را بابت زیان شتر به مزارع نپردازد. در این حالت صاحب مزرعه، شتر را در بهار بند توقیف کرده و به صاحب آن اطلاع

می‌دهد، سپس میزان خسارت با توافق طرفین و یا پادرمیانی ریش سفیدان تعیین می‌گردد. به این پرداخت خسارت در اصطلاح «خرابی» گفته می‌شود.

در سال ۱۳۹۵، شترداران رضآباد ۸/۲۰ میلیون تومان خسارت به کشاورزان روستاهای هم‌جوار مراتع خود از جمله احمدآباد، دستجرد، پروند، کلاته مزینان، صبری و سگری پرداخت کرده‌اند.

و: تلفات شتر

تلفات شتر هر ساله خسارات سنگینی را به شترداران وارد می‌سازد. این امر در خشک‌سالی‌ها شدت بیشتری دارد.

مهم‌ترین دلیل تلفات شتر در رضآباد عبارتند از: بیماری، سقط جنین، ضعف و لاغری ناشی از کمبود علوفه و خشک‌سالی، حمله حیوانات (گرگ، شغال، روباه و کفتار)، غرق شدن در باتلاق‌ها، عفونت حین زایمان، سرما، تصادف، عفونت بر اثر نشان‌گذاری (داغ) بر صورت‌هاشی، شکستگی دست و پا بر اثر درگیری بین شترها و سرقت. (جدول شماره ۵).

جدول شماره (۵): علل تلفات انواع شتر روستای رضآباد در سال ۱۳۹۵

علت تلفات	هاشی	اروانه	لوک
حیوانات درنده	۲۰	-	-
بیماری	۶۴	۲۳	۲
حین زایمان و سقط جنین	۲۸	۵	-
سرما	۳	-	-
شکستگی	۲	۳	۲
عفونت ناشی از داغ زدن	۲	-	-
غرق شدن	۳	۳	-
تصادف	-	۲	-
نامعلوم و مفقودی	۸	۱۹	۱
لاغری	-	۴	-
جمع	۱۳۰	۵۹	۵

بیشترین علت مرگ هاشی‌ها، گرگ‌زدگی و سرما است. اهمال ساربانان و نداشتن جایگاه مناسب مهمترین علل مرگ و میر هاشی‌ها است.

اروانه‌ها (شترهای ماده) بیشتر در حین زایمان یا به دلیل بیماری تلف می‌شوند. عدم رعایت اصول بهداشتی (سمپاشی نکردن جایگاه، نداشتن سرپناه و جایگاه مناسب، چرب با

روغن منداب، عدم واکسیناسیون) نداشتن آبشخور بهداشتی، عدم رعایت مراقبت‌های بهداشتی در حین زایمان باعث شده است تا تلفات دام افزایش یابد. در سال ۱۳۹۵ در مجموع ۱۹۴ نفر انواع شتر به دلایل یادشده در رضآباد تلف شده‌اند. بیشترین تلفات به ترتیب: هاشی، اروانه و لوک بوده است (جدول شماره ۶) که ارزش اقتصادی آن ۴۹۰/۳۴ میلیون تومان برآورد شده است.

۵- ۴- ۳- درآمد حاصله از شترداری

در حال حاضر تنها درآمد شترداران از فروش هاشی نر (بچه شتر نر) و شترهای نر (لوک) و شتر ماده (اروانه) سالمند است. هاشی‌های نر در ۸- ۱۰ ماهگی به بازار عرضه می‌شوند. در برخی موارد دلان و واسطه‌ها در محل آن‌ها را خریداری و روانه کشتارگاه می‌کنند. سبزواری و بردسکن در استان خراسان رضوی (به دلیل مجاورت و نزدیکی به منطقه) از مهمترین مراکز عرضه شتر است. متقاضیان اروانه‌های هاشیدار یا آستن، عمدتاً ترکمن‌ها هستند. هدف اصلی آن‌ها از خرید اروانه‌ها، بهره‌گیری از شیر آن‌ها است. آن‌ها به اتفاق همسرانشان برای انتخاب اروانه‌های شیروار و اطمینان از سلامت حیوان وارد معامله می‌شوند. دلان و واسطه‌هایی نیز از شهرهای شاهرود و گرمسار نیز برای خرید شتر به رضآباد می‌آیند. در سال‌های اخیر علاقه جوانان رضآباد به پرورش شتر افزایش یافته و آن‌ها نیز برای خرید شتر مازاد شترداران روستای خود اقدام می‌کنند. از بهمن ۱۳۹۴ تا بهمن ۱۳۹۵ شترداران رضآباد ۴۸۹ نفر انواع شتر (هاشی، لوک و اروانه) را به فروش رسانده‌اند (جدول شماره ۲).

جدول شماره (۶): فروش تعداد و انواع شتر و ارزش اقتصادی آن در روستای رضآباد (۱۳۹۵)

نوع شتر	تعداد	میانگین قیمت (میلیون تومان)	ارزش اقتصادی (میلیون تومان)
هاشی	۳۴۵	۱/۹۰۰	۶۵۵/۵
اروانه	۸۸	۳/۷۶۰	۳۳۱
لوک	۵۶	۴/۳۰۰	۲۴۱
جمع	۴۸۹	-	۱۲۲۷/۵

مجموع ارزش اقتصادی فروش شتر در رضآباد، سالانه برابر یک میلیارد و دویست و بیست و هفت میلیون و پانصد هزار تومان محاسبه شده است. به طور میانگین هر خانوار شتردار ۱۵/۲ میلیون تومان، از فروش شتر درآمد داشته است. در سال ۱۳۹۵ اهالی رضآباد ۱۱ نفر هاشی را به مناسبت‌های مختلف ذبح و گوشت آن را مصرف کردند که ارزش اقتصادی آن ۲۲ میلیون تومان محاسبه شده است.

جدول شماره (۷): ارزش اقتصادی شترهای تلف شده شترداران رضآباد (۱۳۹۵)

نوع شتر	تعداد (نفر)	ارزش (میلیون تومان)
هاشی	۱۳۰	۲۴۷
اروانه	۵۹	۲۲۱/۸۴
لوک	۵	۲۱/۵
جمع	۱۹۴	۴۹۰/۳۴

محاسبه درآمد خالص

بر اساس محاسبات به عمل آمده، در مجموع درآمد سالانه از شترداری در روستای رضآباد، ۱۲۲۷/۵ میلیون تومان بوده است که تمام آن حاصل از فروش شتر بوده است. درآمد خالص شترداری در این روستا ۶۵۱/۷ میلیون تومان بوده که میانگین آن برای هر شتردار ۷/۷۹۰ هزار تومان است. کل هزینه شترداری در روستای رضآباد ۵۷۵/۸ میلیون تومان بوده است که ۶۶/۷ درصد آن مربوط به ساربانان است. که عمدتاً توسط خود اهالی انجام می‌شود. هزینه علوفه دستی که بیشتر در خشک‌سالی‌ها به شترداران تحمیل می‌شود نیز ۲۴/۹ درصد از هزینه‌ها را شامل می‌شود. به طور کلی حدود ۹۲ درصد هزینه‌ها را ساربان و علوفه دستی تشکیل می‌دهد و سایر هزینه‌ها شامل آب شرب، دارو و درمان و حمل و نقل، تنها ۸/۴ درصد هزینه‌هاست. اما چنانچه هزینه ساربانان از هزینه‌ها کسر شود درآمد هر خانوار از شترداری ۱۲/۱۰۰ هزار تومان خواهد بود. از طرف دیگر خسارات ناشی از تلفات بالاست. در سال ۱۳۹۵، ۴۸۹/۵ میلیون تومان خسارت ناشی از تلف شدن ۱۹۴ نفر شتر بوده است که یک چهارم ارزش شترهای فروخته شده بود. به خسارت‌های وارده به شترداران باید به خسارتی که شترداران بابت آسیب شترها به مزارع روستاهای منطقه پرداخت می‌کنند اشاره کرد که رقم قابل توجهی (حدود ۲۱ میلیون تومان در سال ۱۳۹۵) بوده است. از آنجا که پرورش شتر مزیت‌های بسیاری از جمله مقاوم بودن در برابر خشک‌سالی، کم‌آبی و بد آبی، بیماری‌ها، مصرف کننده خشکی‌ترین گیاهان مرتعی دارد. با مدیریت صحیح می‌توان درآمد شترداران را به طور چشمگیری افزایش داد. افزایش هزینه‌های شترداری سنتی ناشی از دو عامل است: یکی عوامل طبیعی که پیامد آن خشک‌سالی است. در خشک‌سالی‌ها، مصرف علوفه دستی، آب شرب و داروهای دامی افزایش قابل توجهی دارند. مسئله دوم، مدیریت شترداری است. استخدام نکردن ساربان دائمی که خسارات سنگینی از جمله خسارات وارده به کشاورزان که باید غرامت بپردازند، در معرض حمله حیوانات درنده قرار گرفتن شترها به‌ویژه هاشی‌ها و تصادف با وسایط نقلیه، عدم توجه به مسائل بهداشتی (واکسیناسیون و ...).

از طرف دیگر با مدیریت صحیح می‌توان درآمد شترداران را با راهکارهایی افزایش داد از جمله با استخدام ساربان می‌توان شترها را رام کرد. رام کردن شترها سبب می‌شود تا بهره‌گیری از شیر و پشم حیوان به سهولت انجام گیرد. در گردشگری از آن بهره جست و به طور کلی از حیوان بهره بیشتری برد. و به درآمد شترداران افزود.

۵-۵ - مزیت اکولوژیکی و سازگاری با محیط

۵-۶ - سابقه و مهارت مردمی

پرورش شتر به عنوان یک دام چند منظوره، از قدیم‌الایام در روستاهای حاشیه کویری از جمله در رضآباد رواج داشته است. تا پیش از سال ۱۳۴۰ چوداری‌ها به هنگام کوچ، از شتر به عنوان وسیله نقلیه استفاده می‌کردند، بنابراین تنها به قابلیت این حیوان برای سواری و بارکشی توجه می‌شد. گرچه شتر اهمیت خود را به عنوان حیوان باربر به‌ویژه در کوچ از دست داد و دیگر در صنعت حمل و نقل جایگاهی ندارد اما در حال حاضر به عنوان مصرف‌کننده خشبی‌ترین گیاهان نقش مؤثری در تأمین پروتئین کشور ایفا می‌کند. امروزه پرورش شتر صرفاً برای تولید گوشت است و شیر شتر نیز به صورت محدود مورد مصرف ساربانان قرار می‌گیرد و یا به مصرف طب سنتی می‌رسد.

۵-۷ - تولیدات ارگانیک

گوشت شتر به دلیل چرای دائمی این حیوان در مراتع، گوشت ارگانیک (زیستی) محسوب می‌شود. روش پرورش شتر در ایران بسیاری از شرایط تولید ارگانیک را دارا می‌باشد. لذا می‌توان آن را گوشت قرمز ارگانیک نامید (دریایی، ۱۳۹۰: ۲۹). گوشت شتر میزان چربی و کلسترول خیلی کمی را دارا است (عبداللهی ۴: ۱۳). و برای بیماران قلبی مفید است (صدری ۱۳۹۵). گوشت شتر از جهت شیمیایی با گوشت سایر دام‌های اهلی تفاوت دارد و در مقایسه با گوشت گاو میزان چربی و خاکستر کمتری دارد (محمدزاده کاخکی و خیاطزاده کوچکی ۱۳۹۵). شیر شتر از نظر چربی، مواد معدنی، پروتئین‌ها و ویتامین‌ها نسبت به شیر سایر دام‌ها مناسب‌تر است، و خواص دارویی بسیار زیادی دارد و برای کودکان و افراد مسن فواید زیادی دارد. (زارع، مصطفیلو ۱۳۹۳). شیر شتر خاصیت ضدسرطانی، آلرژی‌زایی، دیابتی و ضدپاییت است. آنالیز نتایج حاصل از شیر شتر با شیر بز و گوسفند نشان داد که تفاوت قابل توجهی از جهت ارزش غذایی بین شیر شتر و فرآورده‌های لبنی حاصل از آن وجود ندارد و حتی میزان ویتامین موجود در شیر شتر به مراتب بالاتر از دام‌های کوچک است (صدری ۱۳۹۵).

۵-۸ - نقش شتر در توسعه گردشگری

شتر نقش مهمی می‌تواند در گردشگری ایفا نماید. از گذشته‌های دور مسابقات شترسواری ورزش سنتی و میراث بزرگی در کشورهای حوزه خلیج فارس بوده است. شترسواری در تپه‌های ماسه‌ای بسیار مفرح و لذت بخش خواهد بود. هم‌چنین راه‌اندازی تورهای شترسواری در جاده‌های تاریخی همانند جاده صفوی سنگ‌فرش و بازدید از مجموعه‌های تاریخی کویری و حیات وحش کویر جذاب است. استفاده از شتر در مراسم سوگواری امام حسین (ع)، مراسم عروسی سنتی اقوام ساک در حاشیه کویر، مسابقات شترسواری، برگزاری جشنواره‌هایی از قبیل انتخاب «لوک برتر» نیز می‌تواند موجبات جذب گردشگر را به مناطق کویری فراهم سازد. استفاده از نقش شتر در گردشگری متأسفانه مغفول مانده است. امید است تا به پتانسیل این حیوان ارزشمند بیش از پیش توجه گردد.

۶ - نتیجه گیری

شتر ویژگی‌های منحصر به فردی را برای تولید شیر و گوشت در مناطق خشک و نیمه‌خشک داشته و بهره‌وری از آن به خاطر پارامترهای تولیدی‌اش، سازگاری فوق‌العاده‌ای بر محیط‌های خشن و پایداری تولید در سراسر فصل باید مورد توجه قرار گیرد. این حقایق نشان می‌دهد که شتر می‌تواند به طور قابل توجهی معیشت بسیاری از ساکنان روستاها و شهرهای کوچک حاشیه کویر را بهبود بخشد. البته شرط آن بهبود و اصلاح روش‌های سنتی شترداری و یا تغییر آن به شیوه‌های نوین پرورش این حیوان است. برای برنامه‌ریزی منسجم‌تر بهتر آن است که دانش بومی با دانش رسمی تلفیق شوند تا سریع‌تر به اهداف مورد نظر منتج شود. گرچه دانش‌های بومی حاصل تجربیات ارزشمند چند هزار ساله اجدادمان است اما از طرف دیگر تلفیق این دانش با دانش نوین و رسمی که با امکانات روز همخوانی دارد می‌تواند بسیار مؤثر واقع شود. به هر حال با وجود ارزشمند بودن این حیوان، پتانسیل تولیدی‌اش نادیده گرفته شده است. وجود ۱۶۰ هزار شتر در کشور، و ۱۷ میلیون نفر شتر در جهان با توجه به گرم‌شدن کره زمین در سطح جهان و تلاش در جهت کاهش گازهای گلخانه‌ای در کشورهای مختلف صنعتی و نیمه‌صنعتی جهان از شتر به عنوان دام آینده و جایگزین یاد می‌شود. اقدامات فوق می‌تواند منجر به بهره‌برداری از این حیوان به عنوان یک منبع طبیعی برای مقابله با تقاضای غذایی جمعیت روزافزون کره زمین شود.

۷ - پیشنهادها

- ۱ - بیمه شتر از طریق بانک کشاورزی به منظور حفظ سرمایه و آرامش خاطر شترداران.
- ۲ - ایجاد سرپناه (آغل) ویژه شتر در سطح اتراقگاه‌ها با هدف کاهش تلفات به‌ویژه در دوره زایمان و مصون ماندن هاشی‌ها از حمله حیوانات درنده و سرما.
- ۳ - ایجاد کارگاه آسیاب به منظور آرد کردن جو با هدف کاهش هزینه‌های علوفه دستی.
- ۴ - ایجاد آبشخور بهداشتی در آبگاه‌ها در جوار چاه‌های مالداری.
- ۵ - تأکید بر استخدام ساریان، با هدف کاهش تلفات به‌ویژه در دوره زایش، کاهش خسارات وارده به مزارع روستاییان، رام کردن شترها به منظور بهره‌گیری از شیر و پشم و سواری برای گردشگران.
- ۶ - در اختیار نهادن داروهای دامی، روغن منداب، سمپاشی جایگاه‌ها، و واکسیناسیون شترها توسط سازمان‌های ذی‌ربط از جمله دامپزشکی.
- ۷ - تأسیس شرکت تعاونی شترداران با هدف خدمات‌دهی به شترداران و داشتن تشکل صنفی به منظور پیگیری مطالبات.
- ۸ - ترویج پروراندی شترهای مازاد، قبل از فروش یا پیش از آن که روانه کشتارگاه شوند. این امر ضمن این که اشتغال‌زایی فصلی را برای تعدادی از ساکنین فراهم می‌سازد، ارزش افزوده آن نیز نصیب بومیان می‌شود.

منابع و مأخذ

◀ اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، معاونت بررسی‌های اقتصادی، مرکز گردآوری و تحلیل آمار [بی‌تا]. بررسی وضعیت تولید و مصرف گوشت قرمز در ایران. تهران.

- ◀ بارانی، حسین، شهرکی، رضا. فرهنگ و دانش عامیانه (مطالعه موردی: شیوه‌های سنتی و دانش شترداری). دو فصلنامه دانش بومی ایران، س ۱، ش ۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۳).
- ◀ بیزلی، الیزابت، هارور سن، مایکل (۱۳۹۲). معماری و آبادانی بیابان. ترجمه مهدی گلچین و نگار محمدی. تهران، روزنه.
- ◀ ترجمی محمد (۱۳۸۹). شتر و شترداری در فرهنگ مردم استان سمنان. سمنان: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز سمنان.
- ◀ حکمت یغمایی، عبدالکریم. (۱۳۷۰) بر ساحل کویر نمک. تهران، توس.
- ◀ دریایی، محمد (۱۳۹۰). معجزات غذایی و درمانی گوشت و شیر شتر. تهران:
- ◀ راسخ افشار، محمد (۱۳۹۴) شتر و توسعه پایدار. سمنان: حبله رود.
- ◀ شاه حسینی، علیرضا (۱۳۷۴). کتاب‌شناسی شتر، سمنان: مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استان سمنان.
- ◀ شاه حسینی، علیرضا، چوداری‌ها قبیله‌ای کویرنشین، (ویرایش دوم) سمنان: حبله‌رود، ۱۳۹۶
- ◀ شفیع‌راده، محمد رضا. (۱۳۶۷). شتر و شترداری در مناطق کویری ایران. کشاورز، س دهم، ش ۱۱۰
- ◀ شکرچی، هاجر، کدیور، مهدی. (۱۳۷۷). تعیین خصوصیات فیزیکی و شیمیایی چربی کوهان شتر و بررسی موارد کاربرد آن در صنعت روغن‌های خوراکی، در هجدهمین کنگره ملی علوم و صنایع غذایی مشهد، پژوهشکده علوم و صنایع غذایی خراسان رضوی پارک علم و فناوری استان خراسان رضوی، ۲۴ - ۲۵ مهر ۱۳۷۷.
- ◀ صدری، رؤیا (۱۳۹۵). بررسی مقایسه‌ای ارزش غذایی شیر شتر با نشخوارکنندگان کوچک و اهمیت اقتصادی پرورش شتر در ایران. در: دومین کنگره ملی شتر، بندر عباس، دانشگاه هرمزگان.
- ◀ طاهری‌نیا، جواد، اسکندری، امیر، عابدی، علی. (۱۳۹۵) شتر، مقاومت در برابر بحران، در دومین کنگره ملی شتر، دوم و سوم بهمن ۱۳۹۵، بهمن ماه ۱۳۹۵. بندر عباس، دانشگاه هرمزگان.
- ◀ عامری، جواد، طباطبایی، سید حسین. واژگان و اصطلاحات شترداری در گونه زبانی طرود. فرهنگ و ادبیات عامه. س ۵، ش ۱۶ (مهر و آبان ۱۳۹۶).
- ◀ عبداللهی، وحیده. اهمیت اقتصادی شتر به عنوان یک جایگزین منحصر به فرد در شرایط بحران در اولین کنفرانس ملی راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار در بخش کشاورزی، منابع طبیعی و محیط زیست.
- ◀ فرانک، آیرین، دیوید براونستون (۱۳۸۷) جاده ابریشم. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: سروش.
- ◀ قره‌باش، آشور محمد، مسعود احمدی، حسن اکبرپور و قربان محمد، آنه قره چه (۱۳۸۷). پرورش شتر یک‌کوهانه ترکمن و تولیدات آن در استان گلستان. مجله الکترونیک کشاورزی و منابع طبیعی گلستان، ج اول، س اول.
- ◀ کریمی، اصغر (۱۳۸۹) سفرنامه کویر، سمنان: حبله‌رود.
- ◀ محمدزاده کاخکی، وحید، خیاطزاده کوچکی، سیما (۱۳۹۵). شتر، رفتارشناسی، تولیدات و فرآورده‌ها و خواص آن در دومین کنگره ملی شتر، بندر عباس، دانشگاه هرمزگان، دوم و سوم بهمن ماه.
- ◀ مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). سالنامه آماری ایران سال ۱۳۹۴، تهران.
- ◀ مقصودی، شهرام. (۱۳۹۴) پرورش شتر، تهران، آقای کتاب.
- ◀ منصوری نژند، لادن، حدادی سی سخت، فائزه، هاشمیان میمندی، علی. (۱۳۹۵). پرورش اقتصادی و صنعتی شتر. بندر عباس ۲ و ۳ بهمن ۱۳۹۵، دانشگاه هرمزگان.
- ◀ ناظر عدل، کامبیز، (۱۳۶۵) پرورش شتر. تبریز: جهاد دانشگاهی دانشگاه تبریز.
- ◀ هنری، مرتضی. شترداری در کویر. مردم‌شناسی و فرهنگ عامه ایران. ش ۲، (پاییز ۱۳۵۴).

پیامدهای خشک‌سالی بر نظام مراتع و دامداری جامعه عشایری (مطالعه موردی: ایل بویراحمد علیا)

سید امیر توفیق‌یان اصل^۱

چکیده

خشک‌سالی به عنوان یکی از نموده‌های نوسانات اقلیمی، یک فاجعه آب و هوایی است که به دلیل ایجاد هزینه‌هایی که برای پایداری معیشت کشاورزان و سیستم‌های کشاورزی به طور گسترده دارد به عنوان بی‌سروصداترین بلای طبیعی شناخته شده است. به طوری که فقدان برنامه‌ریزی راهبردی خشک‌سالی و تأخیر در تصمیم‌گیری‌ها موجب افزایش هزینه‌ها برای کاهش خسارت خشک‌سالی می‌گردد. جامعه عشایری که تولید، درآمد و اشتغالشان به طبیعت وابسته است، معمولاً بیشتر در معرض خسارات خشک‌سالی قرار می‌گیرند. بنابراین، هدف از پژوهش حاضر بررسی خشک‌سالی و چگونگی مدیریت آن در برابر نظام مراتع و دامداری جامعه عشایری ایل بویراحمد علیا هست. با توجه به پیامدهای خشک‌سالی در منطقه مورد مطالعه این مسائل به نوبه خود ساختار اجتماعی عشایر منطقه را به دلیل خشک‌سالی، رویکرد انسان بر طبیعت و عدم مدیریت صحیح به جای رویکرد زیست‌بوم محور با مدیریت عشایر روزبه‌روز ضعیف‌تر می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بروز خشک‌سالی در مرحله نخست بر فعالیت‌های دامپروری و سبک زندگی عشایر تأثیر گذاشته است و کمبود علوفه، تولیدکنندگان عشایری را مجبور به عرضه دام‌های مولد و نارس کرده است که در نهایت موجب از بین رفتن منابع شرب دام‌ها، افزایش تلفات و سوءتغذیه دام‌ها و کاهش تولید شده است. همچنین، عشایر بویراحمد علیا پس از تحمل هزینه‌های زیاد نگهداری دام در مناطق گرمسیری هم‌زمان با کوچ به مناطق بیلاقی به دلیل نداشتن شرایط نگهداری و عدم وجود نقدینگی و سرمایه در گردش، به ناچار بخشی از دام‌های مولد و بره‌های کم وزن خود را زودتر از موعد روانه بازار فروش کرده‌اند. در همین راستا پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان دولتی بر سرمایه‌های موجود به‌ویژه از لحاظ اجتماعی مانند عضویت دامداران در تشکل‌ها، نهادهای محلی و مشارکت دادن ذی‌نفعان در طراحی و اجرای یک نظام پایدار دامداری توجه کنند.

واژگان کلیدی: خشک‌سالی، مراتع، دامداری پایدار، رویکرد زیست‌بوم محور، ایل بویراحمد علیا.

بیان مسئله

خشک‌سالی از جمله مخاطرات طبیعی است که منجر به بی‌نظمی در سامانه اکولوژیکی یک منطقه می‌شود. همچنین این پدیده موجبات اختلال و یا نابودی شرایط فیزیکی و محیطی را فراهم می‌کند. این پدیده اقلیمی و تکرارپذیر در همه طبقات اقلیمی رخ داده و خصوصیات آن عمدتاً از یک منطقه به مناطق دیگر تغییر می‌یابد. در واقع، خشک‌سالی حاصل انحراف موقتی از توزیع نرمال اقلیمی یک ناحیه بوده و متفاوت از خشکی می‌باشد. به عبارت دیگر، خشکی محدود به مناطق کم بارانی خواهد شد که دارای یک شکل اقلیمی باشند (یزدانی و حق‌شنو، ۱۳۸۶). خشک‌سالی از منظر بوم‌شناسی و کشاورزی، به ناکافی بودن رطوبت برای رشد محصول اطلاق می‌شود. به طور کلی، این پدیده تأثیرات زیادی بر استانداردهای اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی دارد. اثرات مستقیم آن طیف وسیعی مثل کاهش محصول، کاهش سطوح آب، افزایش مخاطرات آتش‌سوزی، افزایش نرخ مرگ‌ومیر دام‌های اهلی و حیات وحش را در بردارد. اما، به طور غیرمستقیم کاهش عملکرد محصولات، درآمد کمتر کشاورز، افزایش قیمت مواد غذایی، بیکاری و مهاجرت را به دنبال دارد (NDMC، ۲۰۰۹).

عوامل متعددی در پیدایش خشک‌سالی مؤثرند که هنوز به طور کامل شناخته نشده‌اند، به گونه‌ای که تغییر و دخالت در آن‌ها به منظور جلوگیری از بروز و وقوع خشک‌سالی، از توان بشر خارج و عملاً غیرممکن است. اغلب عواملی چون وضعیت لکه‌های خورشیدی (کینگ^۱، ۱۹۷۲)، جریان‌های آب و هوایی النینو و لانینا^۲ و همچنین افزایش مقدار دی‌اکسید کربن در جو کره زمین را در پیدایش خشک‌سالی مؤثر می‌دانند. این پدیده ممکن است در کشورهای ثروتمند و فقیر، مرطوب و خشک، پیشرفته و در حال توسعه اتفاق افتد. با این تفاوت که در کشورهای توسعه‌یافته، خشک‌سالی از لحاظ اقتصادی زیان‌ها و خسارت‌هایی را به نظام تولید محصولات کشاورزی وارد می‌کند، در حالی که در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته شرایط زندگی بخش زیادی از مردم را تهدید کرده و سلامت آن‌ها را با خطر مواجه می‌کند. با این وجود فرضیه‌هایی در مورد علل و عوامل مؤثر در خشک‌سالی‌ها، وقوع، تداوم و تشدید آن‌ها وجود دارد (کردوانی، ۱۳۸۵).

بنابراین، این بلای طبیعی همواره جوامع انسانی، گیاهی و به طور کلی بوم‌شناختی محیط را دگرگون کرده و اثرات تخریبی آن به کندی پدیدار می‌شود. وقوع مکرر خشک‌سالی و خسارت شدید آن بر اقتصاد و منابع طبیعی تفکر تشکیل یک راهبرد یا برنامه عملی برای مدیریت خشک‌سالی در کشور را موجب شده است (حیدری شریف باد و آ میزبانی، ۲۰۰۶). فقدان برنامه‌ریزی راهبردی خشک‌سالی و تأخیر در تصمیم‌گیری‌ها موجب افزایش هزینه‌ها برای کاهش خسارت خشک‌سالی شد. جامعه عشایری که تولید، درآمد و اشتغالشان به طبیعت وابسته است، معمولاً بیشتر در معرض خسارت خشک‌سالی قرار می‌گیرند، این پدیده فزون بر تلفات انسانی کم، نسبت به سایر بلاهای طبیعی، اثرهای مخرب زیست‌محیطی فراوانی را به دنبال دارد که بالطبع اقتصاد مناطق را دچار بحران می‌سازد. در مواردی که شدت خشک‌سالی‌ها زیاد باشد،

۱- King

۲- El NiNo and La Nina

جبران خسارت‌ها به راحتی و در مدت زمان کوتاه امکان‌پذیر نبوده و نیازمند فرصت‌ها، تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری‌های زیادی است.

به طور مسلم، افزون فناوریانه در عصر حاضر امکان مقابله با این بلایا یا هرگونه بلایا طبیعی وجود ندارد، بلکه تنها راه ممکن، شناخت اصولی بلایا و برنامه‌ریزی در جهت نوعی همزیستی با آن‌هاست. به عبارتی برای مصونیت از آسیب‌های خشک‌سالی، الزاماً باید برنامه‌ریزی‌هایی در پرتو آن صورت گیرد. یکی از عمده گروه‌هایی که به دلیل ماهیت زندگیشان، آسیب زیادی از پدیده خشک‌سالی می‌بینند، جامعه عشایری است. عشایر، طی هزاران سال با شناخت کامل عوامل طبیعی وابسته به رشد گیاهی و روابط دو سویه محیط با اجزای زنده آن و با اتکا به فرآیند کوچ‌روی، از منابع طبیعی بهره‌برداری کرده‌اند. با وقوع خشک‌سالی نظام تولیدی و زندگی اجتماعی و زیست‌محیطی عشایر را با چالش‌ها و مشکلات فراوان روبه‌رو می‌کند به طوری که، کاهش میانگین تعداد دام هر خانوار، کاهش شدید میانگین وزن دام، تخریب مراتع و کاهش مقدار کیفیت علوفه تولیدی مرتع، مهاجرت‌های فصلی و موقتی و از هم پاشیدگی نظام ایلی و کندی روند توسعه شده است. بنابراین، شناخت و آگاه نمودن جامعه عشایر نسبت به خشک‌سالی با آموزش و حمایت‌های سازمانی باعث مدیریت رفتار مقابله با خشک‌سالی در برابر نظام مراتع و دامداری خواهد شد. اقتصاد جوامع عشایر بر پرورش دام، به‌ویژه گوسفند و بز استوار است و پرورش اقتصادی این دام‌ها به مراتع، اعلان اراضی و محصولات فرعی نظیر کاه و کلش متکی است. لذا، برای تأمین علوفه مورد نیاز، حرکت و نقل مکان بین مراتع ییلاقی و قشلاقی (کوچ) ضرورت می‌یابد. از آنجا که بخش عمده هزینه‌های پرورش دام را هزینه‌های تغذیه تشکیل می‌دهد، بهره‌برداری از مراتع موجب کاهش هزینه‌های پرورش و سبب افزایش بازده اقتصادی این شیوهی معیشتی می‌شود. نظام عشایری از بُعد اقتصادی با بهره‌برداری از اراضی حاشیه‌ای، برای اقتصاد ملی یک فرصت تلقی می‌شود که موجب افزایش درآمد ملی، صرفه‌جویی ارزی و اشتغال بخشی از جمعیت کشور می‌شود.

با توجه به پیامدهای خشک‌سالی در استان و به طور خاص در منطقه ایل مورد مطالعه (بویراحمد علیا)، این مسائل به نوبه خود ساختار اجتماعی عشایر منطقه را به دلیل خشک‌سالی، رویکرد انسان بر طبیعت و عدم مدیریت صحیح به جای رویکرد زیست‌بوم محور با مدیریت عشایر روزبه‌روز ضعیفتر می‌شود. از سوی دیگر، نهادها و اندام‌های دولتی به تنهایی و بدون مشارکت این جامعه که به صورت مستقیم در ارتباط با شیوه‌های بهره‌برداری از طبیعت هستند، نمی‌توانند فعالیت یا برنامه‌ای منسجم در راستای مدیریت خشک‌سالی و عواقب ناشی از آن با استفاده از دانش بومی و اعمال مدیریت چرا داشته باشند. اهمیت موضوع بیانگر این مطلب هست که برای انجام تحقیقات در زمینه خشک‌سالی باید تأکید بیشتری شود تا نتایج به دست آمده آن‌ها بتواند به عنوان ابزاری در برنامه‌ریزی‌های توسعه کشاورزی و دامداری در جهت ماندگاری ساخت اجتماعی و اقتصادی جامعه عشایری مورد استفاده قرار گیرد. پس، هدف از پژوهش حاضر واکاوی نگرش عشایر نسبت به خشک‌سالی و چگونگی مدیریت آن در برابر نظام مراتع و دامداری است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تقریباً نیمی از مساحت کشور ایران را مراتع تشکیل می‌دهد. سطح قابل توجهی از اراضی کشور به دلیل کوهستانی بودن و واقع شدن در مناطق با بارندگی کم و با محدودیت منابع آبی، قابلیت کشت و کار آبی و دیم را ندارد و صرفاً باید به صورت مرتع یا جنگل مدیریت و بهره‌برداری شود. مراتع با تأمین بخشی از علوفه مورد نیاز دام‌ها و تأمین نیاز غذایی و پناهگاه احشام، کمک به حفظ آب و خاک با کاهش دادن فرسایش آبی و بادی، کاهش دادن تولید روان آب و سیلاب، قابلیت تفرجگاهی برای بشر با دارا بودن گونه‌های متنوع گیاهی در چشم‌اندازی از کوه، صخره، دشت و دامنه، رویشگاهی طبیعی از گیاهان دارویی شناخته‌شده و ناشناخته و مخزنی از انواع گونه‌های گیاهی به عنوان ذخیره‌گاه ژنی، منافع بسیار زیادی را به طور مستقیم و غیرمستقیم عاید جامعه می‌نماید. از جمله مهم‌ترین ارکان اقتصادی جامعه عشایری مرتع است. زندگی کوچ‌نشینی بدون مرتع امکان‌پذیر نیست زیرا؛ کوچ و کوچ‌نشینی زمانی مصداق می‌یابد که عشایر به منظور چرای دام‌ها در مراتع به حرکت در می‌آیند (ترکمان، ۱۳۶۴: ۸۳). مطالعات نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین دلایل پیدایش تشکلهای قبیله‌ای و عشایری در کشور ما، ضرورت تنظیم و تنسيق استفاده از مراتع و یا به سخن دیگر انتظام بخش به بهره‌برداری از مراتع بوده است (ازکبا، ۱۳۷۴: ۱۶) و از نظر اقتصادی نیز مراتع به لحاظ تأمین علوفه مورد نیاز دامداران، علاوه بر رونق فعالیت‌های دامداری و تأمین بخش مهمی از نیاز گوشت، لبنیات، پشم و سایر فرآورده‌های دامی و همچنین بخشی از گیاهان صنعتی و دارویی کشور، قابلیت مهمی در ایجاد فرصت‌های شغلی و کسب درآمد برای نیروی کار جوامع روستایی و عشایری دارد. بنابراین، در جوامع عشایری دام و مرتع نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کنند و مناسبات تولیدی و بهره‌کشی بر مبنای استفاده مشترک از مراتع است و تولید علوفه و زراعت در درجه بعدی قرار دارند و می‌توان گفت که بخش مهمی از عشایر با دام زنده‌اند و با کارگری و زراعت و صنایع دستی در مرحله آخر زندگانی می‌کنند. بدین ترتیب مبانی زندگی اقتصادی عشایر در درجه اول دامداری است و نظام دامداری شبانی مبتنی بر تکثیر دام است نه پرورش دام و نه برای مصرف بلکه به عنوان تولید و ارائه به بازار مصرف در جهت تأمین زندگی خود و خانواده آن‌ها انجام می‌گیرد.

مرتع به اراضی دایر یا بایر اطلاق می‌شود که رستنی‌ها در آن به حالت طبیعی رشد کرده، میزان بارندگی آن منطقه نسبتاً کم باشد و به وسیله حیوانات اهلی و وحشی مورد چرای واقع گردد و هیچ عاملی آن را محدود ننماید. (کریمی، ۱۳۶۹). اگر چه در یک مفهوم عمومی مرتع به معنای علوفه و گیاه تلقی می‌شود اما در حقیقت مرتع به یک محیط مناسب طبیعی اطلاق می‌شود که دارای علوفه تازه و آب کافی و قابل شرب و بوم‌شناسی مناسبی برای پرورش دام‌ها محسوب شود در واقع حیات کوچ‌نشینان وابسته به پرورش دام و تولیدات دامی و دام و دامداری نیز به مرتع و بوم‌شناسی مرتع وابسته است (مستوفی الم مالکی، ۱۳۷۷: ۳۸)؛ بنابراین، در کشور ما هر زمین یا سرزمینی که دارای حتی مختصر پوشش گیاهی است که دام می‌تواند برای مدتی در آن بچرد، مرتع یا چراگاه نامیده می‌شود (کردوانی، ۱۳۷۱: ۷۱). پس مرتع در صورتی قابل بهره‌برداری اقتصادی است که حداقل ظرفیت آن برابر با ۱/۴ واحد دامی در هکتار در فصل چرا (۱۰۰ روز) باشد (بخشنده نصرت، ۱۳۸۴: ۹۸).

گروه‌های عشایری ایران به میزان ۶۰ درصد از قلمرو سرزمینی و ۸۰ درصد از حوضه‌های آبریز کشور را با جمعیتی حدود ۱/۶ میلیون نفر در قالب ۲۱۲۶۶۰ خانوار، تحت پوشش بیلاق و قشلاق خود قرار داده‌اند. این عرصه استقرار و تعامل به عنوان یک استعداد محیطی و ظرفیتی غالب جغرافیایی با بهره‌برداری بهینه از منابع مرتعی می‌تواند ارزش افزوده ملی قابل توجهی را به همراه داشته باشد. به علاوه این عرصه گوبای این است که عشایر ضمن اینکه میراثداران ارزش‌های فرهنگی و تاریخی ایران‌زمین هستند، دارای دام‌های سازگار با ذخایر طبیعی و ژن‌شناختی‌ای بوده و نیز برخوردار از مهارت‌های متناسب و متنوع در تولیدات دامی برای حضوری مؤثر در چرخه اقتصادی می‌باشند (رنو، ۱۳۸۴: ۶۹).

نتایج تحقیق قنبری (۱۳۸۰) نشان می‌دهد که خشک‌سالی باعث مهاجرت زود هنگام عشایر از قشلاق به بیلاق، کاهش سطح کشتزارهای دیم، کاهش درآمد، کاهش رشد و پوشش مراتع و کمبود شدید علوفه شده است. نساجی زوال (۱۳۸۰) آثار خشک‌سالی را به دو دسته مستقیم و غیرمستقیم تقسیم‌بندی کرده است. در این تحقیق، کاهش تولیدات زراعی و حاصلخیزی جنگل‌ها و مراتع، افزایش خطر آتش‌سوزی، کاهش سطح آب، افزایش نرخ و مرگ‌ومیر دام و حیات وحش، به مخاطره افتادن زیستگاه ماهیان و حیات وحش مثال‌هایی از آثار مستقیم خشک‌سالی و کاهش درآمد کشاورزان و شاغلان بخش کشاورزی و افزایش قیمت غذا، بیکاری و مهاجرت نمونه‌هایی از آثار غیرمستقیم ذکر شده است. همچنین، سلطانی و کرباسی (۱۳۸۲) در تحقیق خود بیان نموده‌اند که خسارات ناشی از خشک‌سالی در منطقه سیستان و بلوچستان منجر به افزایش نرخ بیکاری به دو برابر متوسط کشوری در سال‌های خشک‌سالی در این استان شده است.

بهریمانی و همکاران (۱۳۸۴) در بررسی خود نشان دادند که از سال ۱۳۷۷ متأسفانه بخش‌های وسیعی از ایران، از جمله استان سیستان و بلوچستان با خشک‌سالی روبه‌رو شده‌اند. با توجه به استمرار پدیده خشک‌سالی در سال‌های بعد که هنوز ادامه دارد، نه تنها بخش قابل توجهی از مراتع به عنوان مهم‌ترین منبع تأمین علوفه دامی از بین رفته است، بلکه دام که اساس اقتصاد زندگی عشایر را تشکیل می‌دهد، نیز خسارت جبران‌ناپذیری دیده و به تبع آن فرآورده‌های آن نیز کاهش یافته و یا از بین رفته است. افراخته (۱۳۸۴) با مطالعه خشک‌سالی و تحول معیشت نیمه‌کوچ‌نشینان تفتان نشان داد که گروهی که دارای اراضی زراعی «سنگان» هستند، فعالیت زراعی و تولیدات خود را تغییر داده و تعدادی دام را به صورت دامداری حفظ کرده‌اند. زیرا دولت به روش‌های مختلف از کشاورزان در برابر خشک‌سالی حمایت کرده است. گروه کوچک دیگری معیشت خود را از نیمه‌کوچ‌نشینی به رمه‌گردانی تغییر داده و در ناحیه کوهستانی تفتان «شونده» ساکن شده‌اند. این دو گروه می‌توانند زندگی قبلی خود را با استفاده از بارش‌های اخیر و میان‌دوره خشک‌سالی مبتنی بر بهره‌برداری از مراتع طبیعی از سر بگیرند.

در تحقیق ولایتی (۱۳۸۵) مهاجرت روستاییان به شهر، بالارفتن هزینه حفاری و پمپاژ آب زیرزمینی، شور شدن تدریجی آب خانه‌ها و کاهش حجم فضاهای خالی و در نتیجه نشست زمین را به عنوان اثرات خشک‌سالی بر شمرده است. در مطالعه دیگری، کرمی و همکاران (۱۳۸۵) نگرش کشاورزان در زمینه خشک‌سالی را در دو حیطة نگرش نسبت به پیامدهای اجتماعی خشک‌سالی و نگرش کشاورزان نسبت به قابلیت کنترل پیامدهای خشک‌سالی مورد سنجش قرار

داده‌اند. با توجه به این مطالعه، آنچه از اهمیت زیادی برخوردار است، بررسی و شناخت گروه‌های مختلف در مورد خسارت‌ها و اثرات خشک‌سالی است که تأثیر مهمی در گزینش راهکارهای مقابله و کنترل خشک‌سالی دارد.

قناعت و مامن پوش (۱۳۸۸) در پژوهش با عنوان تأثیر مدیریت آبیاری مشارکت‌مدارانه بر نگرش کشاورزان نسبت به خشک‌سالی و کمبود آب به این نتیجه دست یافتند که پیدایش مشکلات ناشی از خشک‌سالی و کمبود آب در شبکه باعث کاهش رضایتمندی کشاورزان از مدیریت بهره‌برداری از شبکه‌ها شده است که مهم‌ترین علت این موضوع را می‌توان در عدم مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه دانست. پدیده خشک‌سالی و آثار زیست‌محیطی، اقتصاد و اجتماعی آن توسط کری و همکاران (۱۳۸۶) مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که تأثیرات اقتصادی خشک‌سالی نسبت به سایر تأثیرات اجتماعی - روان‌شناختی و زیست‌محیطی و در نهایت اثرات اجتماعی - روان‌شناختی قرار دارد.

با توجه به اینکه، تأثیر خشک‌سالی بر فرآیند زندگی عشایری توسط سالم (۱۳۸۷) مورد بررسی قرار گرفته است وی این اثرات را در دو دسته اثرات اقتصادی (کاهش میانگین تعداد دام هر خانوار، کاهش شدید تعداد دام‌های سنگین و سبک، کاهش شدید میانگین وزن دام‌ها، کاهش تولیدات صنایع دستی، کاهش تولید و میانگین درآمد هر خانوار) و اثرات اجتماعی (کاهش جمعیت طایفه، وقوع مهاجرت به‌ویژه مهاجرت‌های فصلی و موقت، تخریب مراتع و کاهش مقدار و کیفیت علوفه تولیدی) بر می‌شمارد. زمانی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش بررسی راهبردهای مقابله روانی کشاورزان استان فارس با خشک‌سالی به این نتیجه دست یافته‌اند که به هنگام وقوع خشک‌سالی، از دید کشاورزان منابعی که دچار تهدید یا آسیب می‌شوند به ترتیب عبارت‌اند از: منابع فیزیکی، پیرامونی، شخصی و انرژی‌زا. همچنین کشاورزان مناطق با شدت خشک‌سالی خیلی زیاد بیش از سایرین احساس می‌کنند که در اثر خشک‌سالی منابع آن‌ها در خطر بوده و یا این منابع را از دست داده‌اند و کشاورزان مناطق با شدت خشک‌سالی متوسط کمتر از سایرین این احساس را داشتند. همچنین نتایج این مطالعه نشان داد که اکثریت کشاورزان مورد مطالعه، خشک‌سالی را خطری در از دست دادن منابع خویش (نگرش تهدیدزا) تلقی می‌کردند.

یزدان‌پناه (۱۳۹۱) در بررسی خود با عنوان تعیین‌کننده‌های هنجار و نگرش نسبت به مدیریت خشک‌سالی در استان بوشهر به این نتیجه دست یافت که کارشناسان نگرش و دانش مطلوبی نسبت به مدیریت خشک‌سالی ندارند. از طرف دیگر، تحلیل رگرسیون نشان داد درک امکان‌پذیری مدیریت خشک‌سالی مهم‌ترین متغیر پیش‌بینی‌کننده هنجار اخلاقی نسبت به مدیریت خشک‌سالی بوده و متغیرهای دانش، درک امکان‌پذیری و نگرش نسبت به پیامدهای خشک‌سالی می‌تواند در حدود ۶۷ درصد از تغییرات نگرش نسبت به مدیریت خشک‌سالی را پیش‌بینی نماید. علیپور و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی خود نشان دادند که اثرات خشک‌سالی بر وضعیت اقتصادی کشاورزان، در پنج عامل افزایش هزینه‌های تولید، کاهش تولید گندم، کاهش توان اقتصادی کشاورز، کاهش توان تولیدی آبی کشاورز و خروج از بخش کشاورزی و اثرات اجتماعی خشک‌سالی بر وضعیت کشاورزان در پنج عامل افزایش آسیب‌های اجتماعی، کاهش سطح بهداشت و تغذیه، اثرات روحی روانی خشک‌سالی، بروز اختلافات اجتماعی و ایجاد فقر در جامعه دسته‌بندی شدند.

Hong و همکاران (۲۰۰۰) خشک‌سالی در منطقه هوی را بحرانی توصیف نموده به نحوی که میزان آب مورد استفاده در بخش کشاورزی از ۶۴ درصد به ۳۱ درصد در سال‌های ۲۰۰۱ - ۱۹۹۳ رسید و این خشک‌سالی باعث کاهش سطح زیر کشت آبی محصول برنج و همچنین تولی و عملکرد آن شده است. Keck و Dinar (۲۰۰۰) آثار خشک‌سالی در جوامع روستایی کشورهای جنوب آفریقا را بر هفت بخش شامل محصولات زراعی، دام، آب، اشتغال، قیمت‌های مواد غذایی، چراگاه و سوخت طبقه‌بندی نمودند. ایشان اثر خشک‌سالی بر بخش آب روستایی را به صورت آلوده شدن و کاهش آب توصیف کرد و عواقب این امر را بیماری‌های انسانی و مرگ‌ومیر احشام، افت و اتلاف محصولات و مهاجرت دانستند.

در مطالعه‌ای دیگر توسط کانتی (Kanti, ۱۹۹۸) با عنوان مکانیسم‌های مقابله با خشک‌سالی، در منطقه بنگال واقع در شمال بنگلادش، وضعیت افرادی که از این پدیده زیان دیده‌اند، بررسی گردیده که نتایج این مطالعه نشان می‌دهد خشک‌سالی پدیده قابل‌برگشت و دوره‌ای در بنگلادش بوده که فزون بر تأثیرگذاری بر رشد گیاهان، باعث کاهش تولید محصولات زراعی، کمبود غذا برای بسیاری از مردم و در نهایت قحطی و گرسنگی می‌شود. به جهت مقابله و کاهش اثرات خشک‌سالی بنگلادش، تعدیل‌هایی از طرف دولت و منابع غیردولتی صورت گرفت که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: الف) تعدیل‌های کشاورزی در سطح خانوار و ب) تعدیل‌های غیرکشاورزی در سطح خانوارها.

روش پژوهش

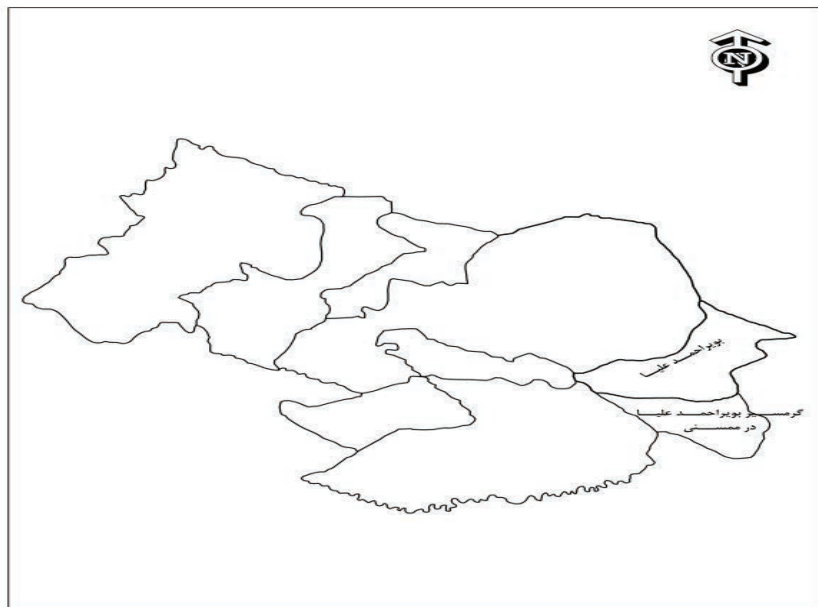
پژوهش انجام‌یافته از نوع تحقیقات موردی و بر مبنای روش از نوع توصیفی و از نظر گردآوری داده‌ها، میدانی و در نهایت به لحاظ قابلیت تعمیم‌یافته‌ها، از نوع پیمایشی و از سویی دیگر چون هدف آن توسعه دانش کاربردی در زمینه خشک‌سالی است، یک تحقیق کاربردی محسوب می‌شود. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق به صورت مصاحبه و مشاهده بوده است.

محدوده مورد مطالعه

محدوده مکانی این تحقیق عشایر ایل بویراحمد علیا از توابع شهرستان بویراحمد از استان کهگیلویه و بویراحمد است. بویراحمد علیا منطقه‌ای است به وسعت ۱۰۰۰ کیلومتر مربع سرزمین اصلی و حدود ۵۰۰ کیلومتر مربع وسعت گرمسیری در منطقه ممسنی با ۲۶۲۲ خانوار و جمعیتی ۱ برابر با ۱۱۸۲۸ نفر در بیلاق و ۵۰۰۷ نفر در قشلاق زندگی می‌کنند و این جمعیت از طوایف (آقایی نرمایی - آقایی بابکانی - امامزاده محمود - اولاد نبی - اولاد علی مؤمن - جلیل حسنی - جلیل حسینی - حاتم - حاجتی - سادات امامزاده علی - سادات سید محمد - سادات شاه مختار - سادات شاهزاده قاسم - سادات میر - صیدالی - عمله - قائد گیوی دشتروم - قائد گیوی سپیدار - کاولیخان - گنجه‌ای - محمدصادقی) و تیره‌های (تالیشاهی - کرکر - علی دادی - جاوید - حاج مهمدی - محمدعلی - دهراب - علی سینا - تاج امیری - امیر گپی - منگویی - رضا توفیقی - اسماعیلی - عباسی - علایی - احمدی - سید محمد و سید یحیی - تیرابگون) تشکیل گردیده است.

مرزهای غربی را دامنه‌های شرقی کوه سیوک و کوه چال کلاغ و کوه‌های زر آورد و ساورد تشکیل می‌دهد که مرز بین بویراحمد علیا و منطقه باوی است ولی در شمال همسایه بویراحمد علیا، بویراحمد سفلی و در جنوب با ایلات ممسنی و در مشرق در کنار قشقای‌ها بسر می‌برند. نقشه (۱) محدوده ایل مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

نقشه (۱): محدوده ایل بویراحمد علیا



یافته‌ها

◆ تأثیر خشک‌سالی بر مراتع

یکی از مشکلات اصلی دامداری در کشور تعداد بیش از حد دام نسبت به ظرفیت چرای مراتع می‌باشد که در طی چند سال گذشته، زیاد بودن تعداد دام باعث شده است مسئله کم‌آبی خود را بیشتر نشان دهد. بنابراین دولت می‌بایستی از طریق خرید دام مازاد با قیمت مناسب از عشایر تعداد دام مازاد را کاهش داد و به نوعی با این بحران مقابله نماید. وسعت مراتع استان ۴۸۰۴۴۹ هکتار می‌باشد که از این میزان حدود ۳۸۴۴۵۰ هکتار (۸۰ درصد) قلمرو زیست عشایر به حساب می‌آید. وسعت مراتع بیلاقی استان ۱۵۳۷۴۳ هکتار و وسعت مراتع قشلاقی ۳۱۷۰۹۶ هکتار می‌باشد. به علاوه مراتع میان بند متعلق به عشایر ۷۶۸۸ هکتار می‌باشد. حدود ۴۵ درصد مراتع عشایر دارای وضعیت خوب، ۵۰ درصد متوسط و ۵ درصد وضعیت ضعیف دارند. ۳۰۲۵۸۲ هکتار از این مراتع ممیزی شده و ۲۷۶۸۵۷ هکتار ممیزی نشده و در ۱۱۴۹۷۸ هکتار طرح‌های مرتع‌داری در حال اجرا می‌باشد. میزان متوسط علوفه قابل برداشت از مراتع بیلاقی ۳۱۵ کیلوگرم در هکتار و مراتع قشلاقی ۱۲۰ کیلوگرم در هکتار می‌باشد (۶۰ درصد ضریب برداشت).

کل دام متعلق به عشایر در بیلاق و قشلاق به ترتیب ۷۹۴۴۰۸ و ۷۳۵۱۸۸ واحد دامی است. بر این اساس ۱۱۶۵۴۵۱ واحد دامی مازاد بر ظرفیت مراتع در استان موجود است که باید با اجرای عملیات اصلاح و احیا مراتع، افزایش تولید علوفه و تأمین میزان کمبود علوفه توسط دستگاه‌های ذی‌ربط و ایجاد اشتغال برای مرتع‌داران بدون اتکا به مرتع و ایجاد واحدهای اقتصادی و تلفیقی از چرای بی‌رویه مراتع جلوگیری کرد. بررسی توزیع دام در مراتع ییلاقی و قشلاقی نشان می‌دهد که علی‌رغم وسعت دو برابری مراتع قشلاقی نسبت به مراتع ییلاقی، تعداد دام مراتع ییلاقی تقریباً با مراتع قشلاقی برابر می‌باشد که این عامل تخریب شدید مراتع ییلاقی را بیش از پیش تشدید می‌کند. جدول (۱) متوسط تعداد گوسفند، بره، بز و بزغاله در محل استقرار قشلاق و بیلاق گذشته و تعداد رأس روز استفاده از مرتع و تعلیف را نشان می‌دهد.

جدول (۱): متوسط تعداد انواع دام در محل استقرار و تعداد رأس روز استفاده از مرتع و تعلیف ایل بویراحمد علیا

متوسط تعداد گوسفند، بره، بز و بزغاله در محل استقرار قشلاق گذشته و تعداد رأس روز استفاده از مرتع و تعلیف			
متوسط تعداد گوسفند، بره، بز و بزغاله	رأس روز استفاده از مرتع (هزار رأس روز)	رأس روز استفاده از تعلیف (هزار رأس روز)	رأس روز استفاده از مرتع و تعلیف به صورت توأم (هزار رأس روز)
۱۸۸۲۰۵	۶۴۴۳	۸۷۰۴	۲۵۸۰۴
متوسط تعداد گوسفند و بره و بز و بزغاله در محل استقرار ییلاق گذشته و تعداد رأس روز استفاده از مرتع و تعلیف			
متوسط تعداد گوسفند، بره، بز و بزغاله	رأس روز استفاده از مرتع (هزار رأس روز)	رأس روز استفاده از تعلیف (هزار رأس روز)	رأس روز استفاده از مرتع و تعلیف به صورت توأم (هزار رأس روز)
۱۸۸۱۴۶	۲۲۳۳۹	۱۷۵۶	۳۷۱۴

در منطقه عشایری ایل بویراحمد علیا به دلیل کمبود آب تولید انبوه علوفه مصنوعی قابل توجه نیست و در واقع کشاورزی بیشتر به صورت یک فعالیت جنبی و کمکی در جامعه عشایری به منظور تأمین بخشی از نیازهای زندگی مطرح بوده است و این شکل از کشاورزی به صورت خود معیشتی بود در حد مصرف خانوار و محصولاتی از قبیل خیار سبز، باقلا، گوجه‌فرنگی، ذرت، نخود، گندم و ... کشت می‌کنند. اما پس از خشک‌سالی‌های اخیر به‌ویژه از دهه ۱۳۸۰ به بعد

تمایل عشایر منطقه به شیوه نیمه کوچ نشینی و اسکان بیشتر شده است و محصولات فصلی کمتری کشت می کنند. کاهش بارندگی و خشک سالی در سال های اخیر در نخستین گام تولید علوفه مرتعی و محصولات دامی و فشار بر مراتع را ضربه اولیه ناشی از پدیده خشک سالی کاهش علوفه قابل دسترس برای دام است که منجر به کاهش عملکرد دام می شود به طوری که عشایر این منطقه بر اثر خشک شدن مراتع با استفاده سرشاخه درختان (کیکم، بَنک یا پسته وحشی، جاشیر حیوانی و گیاهان خوراکی مثل بیلهر) به عنوان تنها منبع تغلیف دام ها روی آورده اند. نظر به گستردگی مراتع و تحت تأثیر قرار گرفتن دام و مردمی که حیاتشان به مراتع وابسته است بروز خشک سالی در مرحله نخست بر فعالیت های دام پروری و سبک زندگی عشایر تأثیر گذاشته است و کمبود علوفه، تولیدکنندگان عشایری را مجبور به عرضه دام های مولد و نارس نموده است که در نهایت موجب از بین رفتن منابع شرب دام ها، افزایش تلفات و سوء تغذیه دام ها و کاهش تولید شده است. در سالیان اخیر به دلیل وقوع خشک سالی، اکثر چشمه ها و منابع تأمین آب عشایر خشک شده و بخش قابل توجهی از جامعه عشایر به شدت در معرض تهدید و عدم تأمین آب قرار گرفته اند و توان تأمین آب را هم ندارند. از طرفی مراتع عشایر در مناطق بیلاقی و قشلاقی نیز به دلیل خشک سالی فاقد علوفه مورد نیاز دام عشایر می باشد. به طوری که در حال حاضر بیشتر عشایر با تغذیه دستی دام خود را نگهداری نموده و متحمل هزینه زیادی شده اند و بیش از این توان خرید علوفه را ندارند. یکی از موارد دیگر، زمان ورود زودتر از موعد دام به منطقه می باشد که گذشته از آنکه باعث نابودی گیاهان مرتعی می شود، بلکه به علت بالا بودن رطوبت نسبی خاک در اثر تردد دام باعث سفتی و غیر قابل نفوذ شدن خاک می گردد که این یکی از عوامل تخریب مراتع می شود. همچنین، مسئله خشک سالی و کمبود آب در مراتع گرمسیری گذشته از آنکه خود به طور مستقیم باعث عدم رشد کافی گیاه و نابودی مراتع شده است به طور غیرمستقیم باعث جدا انداختن کوچ عشایر و تخریب مضاعف مراتع سردسیری شده است.

◆ تأثیر خشک سالی بر دامداری

یکی از مشکلات همیشگی دامداران کوچ رو تأمین آب مورد نیاز دام های خود بوده است که عمده ترین راه های تأمین آب دام عشایر از محل رودخانه های فصلی یا دائمی، چشمه ها، قنات و برکه ها می باشد. کمبود آب و پایین بودن کیفیت آن از لحاظ پایین بودن فاکتورهای آب، یکی از مهم ترین عوامل کاهش وزن دام و مستعد کردن دام برای ابتلا به بیماری های انگلی می باشد. دامداری در استان کهگیلویه و بویراحمد اساس معیشت را تشکیل می دهد در منطقه عشایری ایل بویراحمد علیا غلبه بر دام سبک گوسفند و بره (۸۴۴۴۰) رأس و بز و بزغاله (۷۸۹۴۷) رأس است (جدول ۲). اساس اقتصادی و معیشت مردم این منطقه به دام وابسته است بر اساس مطالعات میدانی، خشکالی باعث تلف شدن و کاهش ۷/۲۳ درصد بز و بزغاله و ۱۱/۲ درصد گوسفند و بره و ۱/۲ درصد گاو و گوساله شده است به طور میانگین حدود ۸ درصد دام سبک در خانوار تلف شده است.

جدول (۲): تعداد انواع دام ایل بویراحمد علیا (رأس - نفر)

گوسفند و بره	بز و بزغاله	گاو و گوساله	گاو میش و بچه گاو میش	شتر و بچه شتر	اسب و کره اسب	قاطر و استر	الاغ و کره الاغ
۸۴۴۴۰	۷۸۹۴۷	۱۶۲۵	۳۶	۶	۲۴	۱۷	۲۴۹۷

◀ مأخذ: سرشماری عشایر کوچنده کشور، ۱۳۸۷.

جدول (۳): عوامل موثر تلف‌شدن دام از نظر عشایر

عوامل موثر از بین رفتن دام	کمبود آب	کمبود علوفه	بیماری	گیاهان سمی	حشرات هجوم و حمله	نبودن دارو
درصد	۱۰،۱	۱۸،۲	۲۹،۴	۱۳،۷	۱۰،۳	۱۸،۳

زندگی عشایر به علت ماهیت کوچ‌نشینی و متحرک بودن آن کمتر می‌تواند آثار و خسارات ناشی از خشک‌سالی را به مسئولین ذی‌ربط منتقل نماید و همین مسئله باعث گردیده است که در بحران خشک‌سالی مشکلات آنان کمتر مورد توجه قرار گیرد. همچنین وابستگی این جامعه به منابع گیاهی و آبی مراتع و دور بودن محل زندگی آن‌ها از مراکز باعث گردیده است که کمک‌های احتمالی دولت در حد ناچیز و آن هم به دست آن‌ها برسد که این مسئله به وخامت موضوع می‌افزاید. خشک‌سالی به عنوان یکی از وقایع محیطی باعث می‌شود که پوشش گیاهی مراتع از بین برود و میزان علوفه در دسترس برای دام‌ها کاهش پیدا کند و منجر به خسارت‌های سنگین به دامداران شود. خشک‌سالی تمام تولیدکنندگان محصولات کشاورزی و عملیات دام را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین بخش دام به دلیل وابستگی مراتع و علوفه و تغییر بارش یکی از بخش‌هایی است که در معرض بیش‌ترین آسیب‌پذیری ناشی از خشک‌سالی قرار دارد و نوسانات جوی به طور مستقیم و غیرمستقیم بر تولید و بهره‌وری دام تأثیر می‌گذارد. با توجه به نتایج بر گرفته از مطالعات میدانی (جدول ۳) و مصاحبه با خانوارهای عشایری ایل مربوطه، بیماری‌های مختلف مهم‌ترین عاملی هست که موجب تلفات دام‌ها گردیده است هر چند عواملی دیگری همچون کمبود علوفه، نبودن دارو، گیاهان سمی و آب در این وضعیت دخیل می‌باشند. طی کردن مسافت‌های زیاد دام در هر روز برای رسیدن به آب‌شخور باعث کاهش شدید وزن دام‌ها می‌شود از

این رو یکی از عوامل مهم در بهبود وضعیت دامداری در این مراتع تعیین فواصل نسبی آبشخور و تأمین آب کافی برای دام می‌باشد. بروز خشک‌سالی در مرحله نخست بر فعالیت‌های دامپروری و سبک زندگی عشایر تأثیر گذاشته است و کمبود علوفه، تولیدکنندگان عشایری را مجبور به عرضه دام‌های مولد و نارس نموده است که در نهایت موجب از بین رفتن منابع شرب دام‌ها، افزایش تلفات و سوءتغذیه دام‌ها و کاهش تولید شده است.

جدول (۴): میزان کاهش تعداد و وزن دام‌ها بر اثر خشک‌سالی از نظر عشایر

گزینه‌ها	خیلی کم	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد
کاهش تعداد دام‌ها	۶,۸	۸,۶	۱۶,۹	۲۴,۰	۴۲,۳
کاهش وزن دام‌ها	۴,۲	۱۱,۳	۱۲,۷	۴۳,۷	۲۶,۸

با توجه به نتایج (جدول ۴)، کاهش وزن‌ها دام‌ها به طور زیاد و خیلی زیاد کاملاً مشهود می‌باشد. با بررسی صورت گرفته از خانوارهای عشایری که بیشتر متکی بر مصاحبه باز بوده، این نتایج حاصل شد که وزن دام بر اثر نبود علوفه و طی کردن مسافت طولانی به علت نبود علوفه در چراگاه‌های نزدیک کاهش زیادی داشته است. بنابراین، قبل از توسعه ارتباطات و احداث راه‌های داخلی و بین‌المللی وقوع خشک‌سالی‌ها لطمات و خسارات بسیار شدیدی به همراه داشته است. اما، جامعه عشایری به دلیل وجود ساماندهی اجتماعی، قدرت و فرصت تحرک در فضاهای جغرافیایی امکان دستیابی بیشتر به منابع طبیعی تغذیه (میوه‌های جنگلی، برگ گیاهان خوراکی و ...) وجود تعاون و همیاری ریشه‌داری در بین گروه‌های ایلی داشت و احشام پرتاقت و بهره‌دهی چون بز و شتر در مقایسه با جوامع شهری و روستایی خسارات کمتری را تحمل می‌کرده است و چه بسیار از یکجانشینان شهری و روستایی که نجات خود را مدیون خانوارهای دامدار عشایر بوده‌اند با گسترش و توسعه راه‌های ارتباطی، حمل‌ونقل آسان، آذوقه از کشوری به کشور دیگر و از شهری به شهر دیگر، امکان ذخیره‌سازی مواد غذایی در شهرها، توسعه تکنولوژی و حفر چاه‌های عمیق و انتقال آب از راه‌های دور در سال‌های اخیر وضع جوامع یکجانشین را نسبت به جامعه عشایری در مواقع خشک‌سالی بهبود زیادی بخشیده است. طی سال‌های گذشته، عشایر و دام آنان به علت ماهیت زندگی کوچ‌نشینی و وابسته‌بودن به منابع آبی فراوان مراتع کمتر و شاید اصلاً در معرض مشکلات ناشی از کم‌آبی یا بی‌آبی نبوده‌اند و این مشکل دامن‌گیر مناطق شهری و یکجانشینی بوده و شاید همین مسئله باعث شده است که عشایر جایگاهی در این بحران نداشته باشند ولی در سال‌های گذشته خشک‌سالی شدیداً اقتصاد، زندگی عشایر و دام محدود مورد مطالعه را تهدید کرده است. به طور کلی، عشایر نه تنها بهبود وضع در مقابل خشک‌سالی را نیافته‌اند، بلکه به دلایل بسیاری امکانات و فرصت‌های مقابله با خشک‌سالی را نیز از دست داده‌اند.

◆ پیامدهای خشک‌سالی بر جامعه عشایری بویراحمد علیا

۱. کاهش منابع آب شرب عشایر و دام‌های آنان.
 ۲. کاهش تأمین علوفه.
 ۳. فروش اجباری بخشی از دام مولد و بره‌های کم وزن.
 ۴. افزایش تنش‌های اجتماعی و ایلی بر سر موضوعات آب و مرتع.
 ۵. عرضه انبوه دام به بازار و افت قیمت دام.
 ۶. ایجاد مشکلات معیشتی عشایر و تغییر شیوه زندگی.
 ۷. کاهش تولید گوشت قرمز.
 ۸. شیوع بیماری‌های دامی و انسانی به دلیل فقر تغذیه و کمبود آب.
 ۹. کوچ زود هنگام عشایر و افزایش نارضایتی در میان جامعه عشایری.
- همچنین، عشایر بویراحمد پس از تحمل هزینه‌های زیاد نگهداری دام در مناطق گرمسیری همزمان با کوچ به مناطق بیلاقی به دلیل نداشتن شرایط نگهداری و عدم وجود نقدینگی و سرمایه در گردش، به ناچار بخشی از دام‌های مولد و بره‌های کم وزن خود را زودتر از موعد روانه بازار فروش نموده‌اند. همزمان با عرضه انبوه دام عشایر به بازار، موجب کاهش قیمت دام زنده شده و بنابراین در صورت عدم اتخاذ راهکار مناسب دسترنج یک ساله عشایر با نازل‌ترین قیمت و گاهاً به نسیه از بین خواهد رفت و این امر گرفتار شدن آنان به دست دلان و واسطه‌های سودجو را به دنبال خواهد داشت. شیوع بیماری‌های دامی و انسانی به دلیل فقر تغذیه و کمبود آب و بهداشت، کوچ زود هنگام عشایر و افزایش نارضایتی در میان جامعه عشایری، مهاجرت به حاشیه شهرها و یا سایر نقاط و روی آوردن به مشاغل کاذب و بعضاً خلاف از روی ناچاری به دلیل نداشتن تخصص، مهارت و منبع درآمد دیگر، کاهش درآمد سرانه منطقه، بیکاری، فقر و در نتیجه مهاجرت کشاورزان و دامداران منطقه از دیگر پیامدهای خشک‌سالی می‌باشد که در صورت ادامه این روند پایداری دامی - زراعی، اقتصادی و اجتماعی این منطقه در بلندمدت تهدید می‌شود. از منظر آسیب‌پذیری، دامداران منطقه از خشک‌سالی‌های اخیر آسیب زیادی دیده‌اند. همچنین دامداران بیشتر آسیب‌دیده دارای کارایی سازگاری کمتری نسبت به سایر دامداران هستند. با توجه به این روند، پیش‌بینی می‌شود که با توجه به وضعیت بحرانی کم‌آبی و خشک‌سالی در کشور، نظام دامداری منطقه در آینده رو به ناسازگاری شدیدتری می‌رود. بنابراین، راهکارهای ۱۴ گانه سازگاری دامداران با خشک‌سالی را می‌توان به دو دسته راهکارهای فنی و مالی تقسیم کرد. راهکارهای فنی متشکل از چهار راهکار چرای چرخشی، تغییر نوع دام، تولید علوفه و دریافت سبوس یارانه‌ای. راهکارهای مالی نیز به دو دسته راهکارهای مالی دامداری و غیردامداری تقسیم شدند. راهکارهای مالی دامداری شامل فروش دام، بیمه دام، خرید علوفه، اجاره گاه و کلبه، خرید کنسانتره و اجاره مرتع و راهکارهای مالی غیر دامداری نیز متشکل از راهکارهای عضویت در تعاونی، اشتغال در مشاغل کشاورزی، اشتغال در مشاغل غیر کشاورزی و مهاجرت موقت است.

نتیجه‌گیری

جامعه عشایری ایران، به طور اعم و عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد به طور خاص، از فعال‌ترین و در عین حال آسیب‌پذیرترین اقشار در رویارویی با تحولات فن‌آوری، اجتماعی، اقتصادی به‌ویژه شرایط محیطی است. وقوع خشک‌سالی‌های اخیر در کشور، این استان محروم را بیش از پیش مظلوم‌تر کرده است، زیرا؛ تا حدود زیادی معیشت و اساس اقتصادی استان متکی به گروه کشاورزی و وابسته به طبیعت می‌باشد و یکی از مشاغل مرتبط در این استان که به محیط وابستگی تام دارد، دامداری می‌باشد به طوری که این شیوه معیشت در سرتاسر استان مشهود می‌باشد. از سوی دیگر، این استان از پتانسیل و توانمندی‌های زیادی در راستای محیط اکولوژیکی دارد اما به دلیل عدم مدیریت ریسک و همین‌طور مدیریت بحران این سرمایه‌خدادادی به هدر می‌رود و این امر تا حدود زیادی انگیزه جامعه عشایر را نسبت به دامداری کاهش می‌دهد. اما، با توجه به عوامل متعدد و عدم بازدهی مناسب دامداری سنتی، معیشت عشایر مبتنی بر دامداری با مشکل مواجه می‌شود. وقوع خشک‌سالی در دهه اخیر در منطقه و محدوده ایل بویراحمد علیا اثرات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی نامطلوبی بر جای گذاشته است. کاهش میانگین دام در خانوار، کاهش تعداد دام‌ها نسبت به دوره پیش از خشک‌سالی، کاهش وزن دام‌ها (بر اثر نبود علوفه و طی‌کردن مسافت طولانی)، شیوع بیماری‌های دامی، کاهش تولید و درآمد خانوارها، مهاجرت‌های روزانه و گرایش به مشاغل کاذب، کاهش فعالیت عشایری و تخریب مراتع و خشک‌شدن چاه‌ها و چشمه‌ها از مهم‌ترین تأثیرات خشک‌سالی بر زندگی عشایر در منطقه مورد مطالعه است. همچنین، تلفات دام در این منطقه وابستگی زیادی به انواع بیماری‌های مختلف، کمبود مراتع دارد هر چند که وجود گیاهان سمی و هجوم حملات و حشرات و عدم دارو سهم بسزایی در این امر دارند.

به طور کلی، تدوین نظام پایدار دامداری که بتواند تولیدکنندگان را با نوسان‌های اقلیمی سازگارتر کند؛ تدوین این نظام با توجه به پیچیدگی‌های موجود تنها از طریق تولید مشارکتی دانش با همکاری سازمان‌های دولتی و دامداران امکان‌پذیر خواهد بود که در همین راستا پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان دولتی بر سرمایه‌های موجود به‌ویژه از لحاظ اجتماعی مانند عضویت دامداران در نهادهای محلی و مشارکت دادن ذی‌نفعان در طراحی و اجرای یک نظام پایدار دامداری توجه کنند. همچنین با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود به منظور دستیابی به نظام پایدار دامداری، جنبه‌های مختلف اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی اثرگذار بر فعالیت‌های دامداری مورد بررسی دقیق قرار گیرند و طراحی و باز طراحی راهکارهای اثربخش سازگاری در برنامه کار نهادهای متولی مدیریت دام کشور قرار گیرد که از ضروریات رسیدن به یک نظام دامداری پایدار است.

منابع

- ◀ ازکیا، مصطفی (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستای ایران، انتشارات اطلاعات، تهران.
- ◀ افراخته، حسن (۱۳۸۴)، خشک‌سالی و تحول معیشت نیمه کوچ‌نشینان تفتان، علوم جغرافیایی، ۴ (۵): ۱۰۷-۱۲۶.
- ◀ بخشنده نصرت، عباس (۱۳۸۴)، مبانی کوچ و کوچندگی در ایران، انتشارات دانشگاه تربیت معلم.
- ◀ زمانی، غلام‌حسین، زرافشانی، کیومرث و مرادی، خدیجه (۱۳۸۸)، بررسی راهبردهای مقابله روانی کشاورزان استان فارس هنگام خشک‌سالی، مرکز پژوهشی تحقیقات توسعه اقتصادی، اجتماعی دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی، کرمانشاه، کرمانشاه، ایران: ۱-۱۰.
- ◀ سالم، جلال (۱۳۸۷)، تأثیر خشک‌سالی بر فرایند زندگی عشایر طایفه طاهری در حوزه شهرستان طبس، روستا و توسعه، ۱۱ (۴): ۸۹-۱۲۴.
- ◀ قناعت، محسن و مأمینپوش، علیرضا (۱۳۸۸) تأثیر مدیریت آبیاری مشارکت مدارانه بر نگرش کشاورزان نسبت به خشک‌سالی و کمبود آب، دومین همایش ملی اثرات خشک‌سالی و راهکارهای مدیریت آن، اصفهان.
- ◀ قنبری، یوسف (۱۳۸۰)، اثرات اقتصادی و اجتماعی خشک‌سالی بر عشایر ایل قشقایی، مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی بررسی راهکارهای مقابل با بحران آب، دانشگاه زابل. مجلد اول. صص ۲۹۳-۲۷۳.
- ◀ کردوانی، پرویز (۱۳۸۵)، خشک‌سالی و راه‌های مقابله با آن در ایران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ◀ کرمی، علی، کشاورز، محمد و کامگارحقیقی، علی‌اکبر و لاری، محمداقبر. (۱۳۸۵)، نگرش‌ها، رفتارها و مدیریت خشک‌سالی توسط کشاورزان، شیراز: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان فارس.
- ◀ مستوفی الممالکی، رضا (۱۳۷۷)، جغرافیای کوچ‌نشینی «عمومی و ایران با تأکید به ایل قشقایی»، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول.
- ◀ نساجی زواره، مجتبی (۱۳۸۰)، بررسی اثرات اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی خشک‌سالی، اولین کنفرانس ملی برای راه‌کارهای مقابله با خشک‌سالی، ۹ تا ۱۰ اسفند، ۱۳۷۹، دانشگاه باهنر کرمان، کرمان.
- ◀ یزدان‌پناه، مسعود (۱۳۹۱)، تعیین‌کننده‌های هنجار و نگرش نسبت به مدیریت خشک‌سالی در استان بوشهر، فناوریهای نوین کشاورزی، ۵ (۲): ۱۳۷-۱۵۱.
- ◀ یزدانی سعید و حق شنو، موژان (۱۳۸۶)، مدیریت خشک‌سالی و ارائه راه‌کارهایی برای مقابله با آن. مجموعه مقالات ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد.

► Heidari Sharifabad, H. and. Ameziane, T. E. (2006). Guidelines for establishing the national strategy and action plan on drought management for the agricultural sector Contribution of the Project Coordination Unit. Ministry of Jihad -e -Agriculture, Tehran: 126 ,Iran

► Kanti, P. (1998). Coping mechanisms practiced by drought victims (1994 5-) in Bangladesh. Applied Geography, 18(4): 355 373-.

► National Drought Mitigation Center (NDMC). (2009). University of Nebraska - Lincoln. Available at: drought.unl.edu/. Tellis. w.(1997). Application of a case study methodology. the qualitative report. 3(3). Available at: <http://www.nova.edu/ssss/qr/qr3 3-tellis2.htm>.

گزارش برگزاری جلسات شورای عالی عشایر و مصوبات آن

سیاوش احمدی میرقائد^۱

با عنایت به نقش و جایگاه مهم «شورای عالی عشایر» در ایجاد هماهنگی و ساماندهی امور جامعه عشایری کوچنده کشور، این شورا از سال ۱۳۶۵ تا قبل از تشکیل دولت تدبیر و امید، ۱۱ بار تشکیل جلسه داده که آخرین آن در سال ۱۳۸۱ بوده است. متأسفانه پس از آن به دلایل مختلف امکان بهره‌برداری از این ظرفیت مهم و قانونی برای رفع مشکلات و تنگناهای عشایر کشور فراهم نگردید که با روی کار آمدن دولت یازدهم و رویکرد امیدبخش و توجهی که به طور جدی برای حل مسائل و مشکلات جامعه عشایری به وجود آمد، برای استفاده از ظرفیت این شورا، پیگیری قابل توجهی انجام گرفت و خوشبختانه در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۵، جلسه شورای عالی عشایر دو بار به ریاست معاون اول محترم رئیس جمهور تشکیل جلسه داد. این جلسات مصوبات بسیار ارزشمندی داشته است که به اهم آن‌ها اشاره می‌شود:

الف - مصوبات دوازدهمین جلسه شورای عالی عشایر به تاریخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۰ در دفتر معاون اول محترم رئیس جمهور:

- ۱- دستور بررسی آسیب‌شناسی مسائل و مشکلات و برنامه‌های مرتبط با عشایر و اعمال آن در برنامه ششم.
- ۲- دستور شناسایی نقاط استقرار دائمی عشایر و پیگیری برای کددار نمودن آن‌ها از مراجع ذی‌ربط.
- ۳- مصوب شدن تشکیل جلسات شورای عالی عشایر حداقل سالی دوبار و همچنین موظف نمودن استانداران و فرمانداران استان‌ها و شهرستان‌های دارای جمعیت عشایری به تشکیل جلسات شورای عشایری بر اساس تصویب‌نامه شورای عالی عشایر.
- ۴- تاکید به دستگاه‌های اجرایی مبنی بر اجرای «آیین‌نامه ساماندهی عشایر» و ارائه گزارش آن به دبیرخانه شورای عالی عشایر.
- ۵- تصویب اختصاص ۵۰۰ میلیارد ریال به عنوان کمک دولت به افزایش سرمایه‌گذاری‌های عشایری.
- ۶- دستور تشکیل سه کارگروه برای تدوین طرح‌هایی برای حل مشلات فرهنگی و اجتماعی عشایر، مرکب از نمایندگان سازمان برنامه و بودجه کشور، وزارت جهاد کشاورزی، سازمان امور عشایر و نمایندگان هر یک از وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور، فرهنگ و ارشاد اسلامی، کار، رفاه و تأمین اجتماعی و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط و موظف نمودن آن‌ها به تهیه طرح‌های زیر:

◀ «برنامه جامع ارتقاء سطح دانش و سواد در مناطق عشایری».

۱- مدیرکل دفتر ساماندهی و هماهنگی سازمان امور عشایر ایران

«طرح ویژه ارائه خدمات فرهنگی و مذهبی به جامعه عشایری».

«برنامه ویژه ارتقاء سطح برخورداری از بهداشت، درمان، بیمه‌ها و خدمات حمایتی در مناطق عشایری».

که با تلاش، پیگیری و فعالیت گسترده دبیرخانه شورای عالی در سازمان امور عشایر ایران و مشارکت بیش از ۲۵ وزارتخانه، سازمان و نهاد و طی بیش از ۴۵ جلسه کارشناسی و مدیریتی و با صرف بیش از ۱۱۰۰ نفر - ساعت کار کارشناسی «برنامه جامع ارتقاء سطح دانش و سواد در مناطق عشایری» و «طرح ویژه ارائه خدمات فرهنگی و مذهبی به جامعه عشایری» تهیه و در سیزدهمین جلسه شورا مطرح، بررسی و تصویب شد و در دی ماه سال ۱۳۹۵ در قالب یک مصوبه به تصویب هیات محترم وزیران رسیده و جهت اجرا ابلاغ شد.

ب - مصوبات سیزدهمین جلسه مورخ ۱۳۹۵/۵/۳۰ شورای عالی عشایر:

۱ - تایید «برنامه جامع ارتقاء سطح سواد، دانش و مهارت در مناطق عشایری» تدوین شده در کارگروه مربوطه و ارسال به هیأت دولت جهت تصویب.

۲ - تایید «طرح ویژه ارائه خدمات فرهنگی و مذهبی به جامعه عشایری» تدوین شده در کارگروه مربوطه و ارسال به هیأت دولت جهت تصویب.

۳ - تایید کلیات «برنامه ویژه ارتقاء سطح برخورداری از بهداشت، درمان، بیمه‌ها و خدمات حمایتی در مناطق عشایری» و تعیین مهلت به دستگاه‌های ذیربط جهت تکمیل و نهایی کردن آن و ارسال هیأت دولت جهت تصویب.

۴ - موظف‌نمودن سازمان‌های برنامه و بودجه و اداری و استخدامی و وزارت آموزش و پرورش به پیگیری برقراری امتیازات خاص برای معلمان.

۵ - موظف‌نمودن سازمان برنامه و بودجه برای تأمین اعتبار باقیمانده از ۵۰۰ میلیارد مصوب جلسه قبلی شورای عالی عشایر، به عنوان کمک دولت به افزایش سرمایه تشکل‌های عشایری.

۶ - تشکیل کمیته‌ای مرکب از نمایندگان سازمان برنامه و بودجه، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت نفت، وزارت نیرو، معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست جمهوری و سازمان امور عشایر ایران (با محوریت سازمان برنامه و بودجه) برای بررسی ابعاد پیشنهادی چهارگانه زیر توسط سازمان امور عشایر ایران و ارائه راه حل برای اجرایی‌نمودن پیشنهادها:

«پیشنهاد تصویب اعتبارات مورد نیاز برای تأمین هزینه حمل سوخت فسیلی به مناطق عشایری».

«پیشنهاد تصویب اعتبارات مورد نیاز برای تأمین هزینه حمل آرد به مناطق عشایری».

«پیشنهاد تصویب پادارنمودن ردیف اعتباری مستقل ملی «طرح جامع ارائه خدمات به کوچندگان»».

«پیشنهاد تصویب اعتبار مورد نیاز تأمین و تجهیز مناطق عشایری به مولدهای انرژی تجدیدپذیر (خورشیدی و بادی)».

۷ - تصویب تشکیل کارگروه توسعه گردشگری و صنایع دستی عشایر: «شورای عالی عشایر» با هدف توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی خانوارهای عشایری، حفظ موارث و ارزش‌های فرهنگی اصیل عشایر، شناسایی و معرفی ظرفیت‌ها و جاذبه‌های گردشگری مناطق عشایری، حمایت از تولید و توسعه صنایع دستی در مناطق عشایری، تنوع بخشی

به فعالیت‌ها و منابع درآمدی و افزایش سطح اشتغال خانوارهای عشایری و شفاف‌سازی وظایف و هم‌افزایی دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط (سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، سازمان امور عشایر و ...) «کارگروه توسعه گردشگری و صنایع دستی عشایر» را در جلسه مذکور مصوب و دستورالعمل آن را ابلاغ کرد.

فعال‌سازی شوراهای عشایری در سطح استان‌ها و شهرستان‌ها:

۱۶۵

با توجه به تاکید «شورای عالی عشایر» به استانداران برای فعال‌سازی و تشکیل شوراهای استانی و شهرستانی برای هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف اجرایی و ارائه خدمات مناسب به جامعه عشایری، سازمان پیگیری‌های زیادی برای جلب توجه استانداران محترم و ترغیب آنان به تشکیل شوراهای و وظیفه‌ای که استانداران و فرمانداران در این خصوص داشته و دارند به عمل آورد که خوشبختانه با تلاش‌های انجام شده و همکاری مدیران امور عشایر استان‌ها، شوراهای عشایری استان‌ها فعال شده و روند رو به رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. در زیر جدول گزارش تشکیل جلسات شوراهای عشایری استان و شهرستان‌ها و تعداد مصوباتی که این شوراهای برای حل مسائل و مشکلات عشایر داشته، بیان شده است.

جدول گزارش عملکرد تشکیل جلسات شوراهای عشایری استان و شهرستان‌ها												
سال ۱۳۹۴		سال ۱۳۹۳		سال ۱۳۹۲		سال ۱۳۹۱		سال ۱۳۹۰		سال ۱۳۸۹		نوع شورا
مصوبات	جلسات	مصوبات	جلسات	مصوبات	جلسات	مصوبات	جلسات	مصوبات	جلسات	مصوبات	جلسات	
۵۸۷	۶۰	۴۱۳	۵۱	۲۶۹	۳۴	۳۴۳	۴۶	۲۷۹	۳۸	۱۱۵	۲۰	شورای عشایری استان
۲۱۳۰	۲۶۲	۱۶۱۹	۲۸۰	۹۰۱	۱۵۶	۹۱۲	۱۷۱	۸۹۸	۱۶۰	۳۷۱	۶۶	شورای عشایری شهرستان
۲۷۱۷	۳۲۲	۲۰۳۲	۳۳۱	۱۱۷۰	۱۹۰	۱۲۵۵	۲۱۷	۱۱۷۷	۱۹۸	۴۸۶	۸۶	جمع

معرفی کتاب

کوچ‌نشینی در ایران (پژوهشی درباره ایلات و عشایر)

◀ نویسنده: دکتر سکندر امان‌اللهی بهاروند

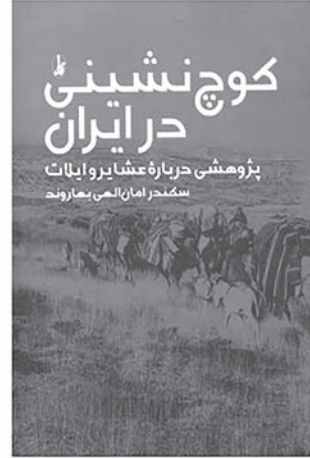
◀ انتشارات: آگاه

◀ محل چاپ: تهران

◀ سال انتشار: ۱۳۶۰

◀ نوبت چاپ: هفتم - ۱۳۸۸

◀ تعداد صفحات: ۳۱۸ صفحه



◆ در مقدمه کتاب آمده است:

زندگی کوچ‌نشینی در ایران، سابقه‌ای کهن دارد و کوچ‌نشینان همیشه نقش مهمی در تاریخ این مملکت داشته‌اند. اما با این حال تاکنون، آنگونه که باید و شاید شناخته نشده‌اند. اصولاً بررسی و شناخت کوچ‌نشینان از چند جهت درخور اهمیت است: اول اینکه فرهنگ و سنن کهن را پاسداری کرده، و آداب و رسوم باستانی را نگه داشته‌اند. چنانکه راه و روش زندگی کوچ‌نشینان کنونی، با راه و روش زندگی نیاکان چند هزار سال پیش ما، تفاوت چندانی ندارد. از این رو شناخت زندگی کوچ‌نشینان مورد توجه باستان‌شناسان، مورخان و مردشناسان است. زیرا مطالعه زندگی آن‌ها راه‌گشایی برای پی‌بردن به چگونگی روند تکامل اجتماعی - فرهنگی با محیط زیست است. بنابر این بررسی چنین سازشی به شناخت کلی و فرهنگ انسان کمک می‌کند. سوم اینکه کوچ‌نشینان از نظر اقتصادی درخور اهمیت هستند. زیرا آن‌ها سالانه مقدار قابل توجهی گوشت، لبنیات و سایر فرآورده‌های دامی را به شهرنشینان عرضه کرده، و از این راه قسمت مهمی از نیازهای آن‌ها را برآورده می‌کنند. از این رو شناخت درست از فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی آن‌ها برای برنامه‌ریزان ضروری است. چنانکه با برنامه‌های درست می‌توان سطح تولید آن‌ها را بالا برد و در نتیجه از وابستگی به کشور بیگانه کاست. کتاب کوچ‌نشینی در ایران با هدف یا انگیزه ارائه تصویری کلی از وضع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کوچ‌نشینان نوشته شده و با ارائه تعریفی از کوچ‌نشینی به عنوان «زندگی کوچ‌نشینی آن نوع زندگی است که در آن انسان از راه پرورش حیوانات و معمولاً با

برخورداری از فرآورده‌های کشاورزی زیست می‌کند و در پی چراگاه‌های طبیعی سالیانه از محلی به محل دیگر کوچ می‌کنند.»، مجموعه افراد و گروه‌هایی که با عناوینی مانند عشایر، کوچ‌نشین، ایلیاتی، بیابانگرد، گله‌دار، گلونه، مالدار، چادرنشین و غیره در کشور زندگی می‌کنند را در جرگه کوچ‌نشینان قرار داده است.

کوچ‌نشینی در ایران یکی از نخستین کتاب‌های نوشته شده درباره عشایر کوچنده ایران است که حاوی اطلاعات جامعی درباره ابعاد مختلف زندگی عشایر است که بخش زیادی از آن‌ها برای اولین بار به صورت منظم تدوین و در این کتاب درج شده است. به همین خاطر هم در حوزه‌های عمومی شناخت ایلات و عشایر مورد اقبال قرار گرفته و هم اینکه طی سه دهه گذشته به عنوان یکی از منابع کلاسیک برای دانشجویان رشته‌های جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، جغرافیا و سایر رشته‌های دانشگاهی و پژوهش‌های علمی مرتبط با جامعه عشاری مطرح بوده و از زمان انتشار تا سال ۱۳۸۸ و در هفت نوبت تجدید چاپ شده است.

◆ کتاب کوچ‌نشینی در ایران در ۱۳ فصل به شرح زیر تدوین و چاپ شده است.

◀ فصل اول: پژوهش‌های مردم‌شناسی درباره کوچ‌نشینی.

◀ فصل دوم: پیدایش زندگی کوچ‌نشینی.

◀ فصل سوم: پراکندگی کوچ‌نشینان.

◀ فصل چهارم: مبانی اکولوژیکی کوچ‌نشینی.

◀ فصل پنجم: اقتصاد کوچ‌نشینان ایران.

◀ فصل ششم: همسرگزینی.

◀ فصل هفتم: خانواده.

◀ فصل هشتم: واحدهای اجتماعی فوق خانوار.

◀ فصل نهم: قشربندی اجتماعی در گذشته و حال.

◀ فصل دهم: نظام سیاسی کوچ‌نشینان.

◀ فصل یازدهم: تعلیم و تربیت.

◀ فصل دوازدهم: بحران زندگی کوچ‌نشینی.

◀ فصل سیزدهم: مسائل عمرانی و رفاهی کوچ‌نشینان.

بخش پایانی کتاب حاوی تصاویری از زندگی عشایر مختلف کشور، کتب و منابع فارسی درباره کوچ‌نشینان ایران و منابع خارجی درباره کوچ‌نشینان جهان و ایران تا زمان انتشار کتاب بوده که اطلاعات ذی‌قیمتی درباره شناخت ویژگی‌های کلی کوچ‌نشینان جهان و ایران است. نهایتاً اینکه درج فهرست اعلام به تفکیک نام اشخاص، فهرست قبایل و طوایف و نژادها، و فهرست اصطلاحات خاص کوچ‌نشینی می‌باشد که مطالعه و رجوع به بخش‌های مورد نظر مطالعه‌کنندگان را آسان می‌سازد.

عکاسی مستند اجتماعی و قوم‌نگاری

از بیان واقعیت تا سفیر فرهنگی برای جذب گردشگر

علیرضا رحیمی^۱

◆ عکاسی مستند اجتماعی به مثابه بیان واقعیت

الفبای تصویر در همهٔ جهان یکسان درک می‌شود به همین خاطر زبان عکس یک زبان بین‌المللی است که درک آن برای همهٔ مردم جهان با هر فرهنگ و زبانی میسر است. در کتاب «عکاسی مستند» اثر علی اکبر شیرزویان، در تعریف عکاسی مستند این‌گونه آورده شده است: «عکاسی مستند ثبت تصویری زندگی مردم در محیط طبیعی آنان است که هدف آن علاوه بر تولید فکر، حرکت و اتصال اندیشه‌ها، بالا بردن آگاهی مردم نسبت به خود و محیط پیرامونشان است. عکاسی مستند اجتماعی شاخه‌ای از عکاسی است که به رابطه «انسان با انسان»، رابطه «انسان با خودش» و رابطه «انسان با محیط» می‌پردازد. در واقع در عکاسی مستند اجتماعی، به مردم و اثرات آنان بر روی یکدیگر و عمق ارتباط آنان با واقعیت پرداخته می‌شود و نباید تنها به ظاهر و سطح آن بسنده کرد».

عکاسی مستند اجتماعی از ابتدای پیدایش، هدف خود را بیان «واقعیت» معرفی کرده است. اوج این نوع از عکاسی را باید در جریان خشک‌سالی طولانی آمریکا در سالهای دهه ۱۹۳۰ جستجو کرد که بر اثر پیامدهای خشک‌سالی، مزارع کشاورزی نابود شد و کشاورزان به ناچار دست به مهاجرتی دسته جمعی به سوی شهرها زدند. در آن جریان، گروهی از عکاسان مأموریت پیدا کردند در سراسر آمریکا از هرچه در ارتباط با وضعیت زندگی کشاورزان برایشان جالب است عکس بگیرند. عکس‌هایی که این گروه تهیه کردند، زندگی سخت کشاورزان را به خوبی نشان می‌داد. عکس‌هایی تکان‌دهنده که دولت را از عمق فاجعه آگاه کرد و نتیجه این شد که کنگره آمریکا قوانینی را برای حمایت از کشاورزان وضع کرد که منجر به توقف مهاجرت آنان به شهرها شد. در آن جریان، عکاسی مستند اجتماعی نشان داد که تا چه میزان می‌تواند در تغییر وضع موجود و ایجاد اصلاحات اجتماعی تاثیرگذار باشد.

به طور کلی می‌توان گفت که بیان واقعیت زنده و انتقال ایده، فکر و احساس از اصول مستندنگاری محسوب می‌شود. پر واضح است که عکاسی مستند که تفسیری از واقعه‌ها را به نمایش می‌گذارد با فتوژورنالیسم (عکاسی خبری) که واقعه‌ها را گزارش می‌کند متفاوت است. یک عکاس مستند باید تصویری از زندگی مردم را ارائه کند که نشان‌دهنده واقعیت زندگی آنان باشد و حقیقت

۱ - رئیس روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان امور عشایر ایران، عضو انجمن عکاسان میراث فرهنگی

بیشتری از موضوع را بازگو کند. عکاس مستند اجتماعی کسی است که با بهره‌گیری از زبان تصویر نسبت به مسائل انسانی و اجتماعی واکنش نشان می‌دهد و علاوه بر پردازش و ثبت اسنادی و استنادی از زندگی اجتماعی مردم، سعی بر آگاهی بخشی دارد و با نشان دادن واقعیت‌های جامعه به تغییر و بهتر شدن شرایط موجود کمک می‌کند. بنابراین عکاس مستند اجتماعی دارای رسالت و تعهد است و انسانی آگاه است که نسبت به واقعیت‌های موجود در جامعه حساس است. به عبارتی عکاس مستند اجتماعی، به مثابه مسافری است که میان جهان درون و جهان بیرون (واقعیه‌ها) در رفت و آمد است و به تعادل این دو می‌اندیشد، از این رو وظیفه و مسئولیت عکاس مستندنگار در مقایسه با عکاس خبری دو چندان است؛ اول «در واقعه بودن» و دوم «از واقعه به واقعیت رسیدن» و از واقعیت واقعه‌ها گفتن است. به همین دلیل است که عکاسی مستند برای خود مسئولیت اجتماعی قائل است و در میان انواع مختلف عکاسی در جهان، با نام «عکاسی متعهد» شناخته می‌شود و دخالت در تحولات فردی و اجتماعی به نفع حقیقت را از وظایف خود قلمداد می‌کند.

◆ عکاسی مستند اجتماعی به مثابه سفیر فرهنگی برای جذب گردشگر

در ربع قرن اخیر، به مدد رشد چشم‌گیر تکنولوژی‌های ارتباطی و شبکه‌های مجازی، تصاویر زیادی از مردم در سراسر دنیا انتشار پیدا کرده که ما بر اساس همین تصاویر، زندگی مردم و اینکه چه کسانی هستند و چگونه زندگی می‌کنند را تفسیر و تحلیل می‌کنیم و به کمک تخیل خود به شناخت نسبی از افراد حاضر در تصویر و برخی از خصوصیات زندگی، آداب و رسوم، فرهنگ، پوشاک و ... آنان می‌رسیم.

از سویی، امروزه موقعیت گردشگری یک کشور تا حدود زیادی با استفاده از تبلیغات و انتشار تصاویری از محیط طبیعی، آثار معماری، باستانی و فرهنگی آن کشور معرفی می‌شود که از این منظر می‌توان گفت عکس‌ها به مثابه سفیر فرهنگی یک کشور برای جذب گردشگر عمل می‌کنند. ایران نیز دارای جاذبه‌های فراوان گردشگری و منابع ارزشمند تاریخی، معماری و فرهنگی ملموس و ناملموس است. یکی از این منابع ارزشمند، شیوه زندگی ایلات و عشایر است. بکر و دست‌نخورده بودن این نوع از زندگی پتانسیل و جذابیت این را دارد که گردشگران زیادی را از کشورهای مختلف جهان راهی ایران کند. عکاسی مستند قوم‌نگاری با ثبت و انتشار تصاویری از زندگی ایلات و عشایر می‌تواند نقش تاثیرگذاری در این خصوص ایفا نماید.

نگارنده معتقد است، اگر چه هر کشوری برای جذب گردشگر، نیازمند تولید تصاویری از جاذبه‌های قومی، باستانی، معماری، طبیعی و فرهنگی خود است؛ اما متأسفانه این موضوع نوعی عکاسی کارت پستالی و توریستی را در عکاسی مستند اجتماعی رواج داده که با نگاه مردم‌شناسانه کاملاً متفاوت است. از این رو مسئولیت، تعهد و خلاقیت عکاسان مستند ایجاب می‌کند علاوه بر معرفی تصویری پتانسیل‌های فرهنگی کشور خود برای جذب گردشگر، به مقولات فرهنگی با زاویه دید وسیع‌تر و بالاتری نگاه کنند تا روح نهفته در فرهنگ و آیین‌های فرهنگی برای نسل‌های بعد محفوظ بماند.

◆ نگاهی به عکاسی قوم‌نگاری در ایران

یکی از رویکردهای رایج در عکاسی مستند در ایران، عکاسی قوم‌نگاری یا مردم‌نگاری است. عکاسی قوم‌نگاری، یک زبان تصویری برای تفسیر و تحلیل جنبه‌های مختلف زندگی گروه‌های انسانی است که ویژگی‌های اقلیمی، زیستی، معیشتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی، مذهبی، آیینی، اعتقادی، هنری و سایر شؤن زندگی آنان را در نظر دارد. این ژانر از عکاسی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به‌ویژه پس از پایان جنگ هشت‌ساله رواج بیشتری پیدا کرد، هنوز یکی از ارکان مهم عکاسی مستند در ایران قلمداد می‌شود. عشایر کوچنده در مناطق کوهستانی، دامنه کوه‌ها و دشت‌ها روزگار می‌گذرانند و نوع زندگی آنان اصیل و بکر است و آمیختگی و هم‌نشینی زندگی آنان با طبیعت، کادرهای بصری زیبایی را برای عکاسی به وجود می‌آورد که باعث شده عکاسی قوم‌نگاری یکی از پرطرفدارترین شاخه‌های عکاسی برای عده زیادی از عکاسان باشد و علاوه بر فعالیت عکاسان با تجربه در این عرصه، بسیاری از عکاسان جوان نیز تلاش می‌کنند روند فعالیت حرفه‌ای خود را با این گونه از عکاسی آغاز و سپری کنند.

عکاسی قوم‌نگاری زندگی زنان و مردانی از اقوام و خرده‌فرهنگ‌ها را ثبت و ضبط می‌کند که تحت تأثیر تغییرات فرهنگی و اجتماعی، آرام آرام در حال از بین رفتن است. در قوم‌نگاری هر چیزی که در محیط وجود دارد می‌تواند سوژه و موضوع عکاسی باشد؛ چشم‌اندازها، مسکن، آداب و رسوم، آئین‌های مذهبی، بازی‌های بومی، غذاهای محلی، پوشاک، زیورآلات سنتی، صنایع دستی، کوچ، تولیدات لبنی، شیوه دامداری، فرم و رنگ عناصر موجود در محیط و خصوصیات ظاهری افراد و ... که هر کدام می‌توانند معرف ویژگی‌ها و خصوصیات از اقوام مختلف باشد.

◆ پیشینه قوم‌نگاری در ایران

در خصوص پیشینه عکاسی قوم‌نگاری در ایران ابتدا باید به زمانی که دوربین عکاسی، در دوره ناصرالدین شاه قاجار، به ایران آورده شد اشاره کرد. تصاویر زیادی از زندگی عشایر و کوچ آنان در این دوره ثبت و ضبط شده است که نشان می‌دهد از همان زمان، ایلات و عشایر یکی از موضوعات جذاب برای عکاسی محسوب می‌شدند. در دوره پهلوی اول نیز رد پای عکاسی از فضاهای عشایری در سفرنامه‌هایی که عموماً سیاحان و جهانگردان می‌نوشتند دیده می‌شود. در دوره پهلوی دوم پژوهشگرانی مانند مرحوم «نادر افشار نادری» با نگاه مردم‌شناسانه عکس‌ها و فیلم‌های زیادی از ایلات و عشایر تهیه کرده‌اند. مرحوم «کاوه گلستان» نیز که با مرحوم «محمد بهمن‌بیگی» (بنیانگذار آموزش عشایری) دوستی خانوادگی داشت با شرایطی که بهمن‌بیگی برای وی فراهم کرد توانست از فضاهای عشایری عکاسی کند. «فرهاد ورهرام»، مستندساز سرشناس کشور نیز در این زمینه به خصوص از عشایر بختیاری تصاویر در خور توجه‌ای تهیه کرده است. اما اوج فعالیت‌های عکاسی قوم‌نگاری در ایران، به دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر می‌گردد. در این دوران «نصرالله کسرائیان» با توجه به تخصصی که در علوم اجتماعی داشت، آگاهانه به این موضوع پرداخت و مجموعه ارزشمندی از تصاویر ایلات و عشایر را ثبت و کتاب‌های متعددی از جمله کتاب «عشایر ایران» را که حاوی تصاویری ماندگار از اقوام کوچنده ایران است، انتشار داده است. بعد از وی باید به «محمدرضا بهارناز» اشاره کرد که سال‌ها با همکاری سازمان امور عشایر ایران و همچنین بصورت شخصی، مجموعه تصاویری ارزشمند از زندگی ایلات و عشایر

ایران ثبت و در چندین کتاب انتشار داده است. از عکاسان دیگری که در این زمینه کار کرده «حسن غفاری» است که خود از فرزندان عشایر و از دانش‌آموختگان رشته عکاسی است و نزدیک به دو دهه است که در گرایش عکاسی مستند به‌ویژه عکاسی از ایلات و عشایر فعالیت می‌کند. از عکاسان بومی‌ای که در ارتباط با این موضوع کار کرده‌اند نیز می‌توان به «محمود میربزرگ» در استان سیستان و بلوچستان و «احسان آقایی» در استان کهگیلویه و بویراحمد اشاره کرد. عکاسان دیگری نیز به صورت پراکنده در این حوزه کار کرده‌اند که عمدتاً آثاری از آنان را در جشنواره‌های عکس و کتاب‌هایی که در این جشنواره‌ها به چاپ رسیده می‌بینیم.

نگارنده نیز نزدیک به دو دهه است که در زمینه ثبت تصویری زندگی اقوام و ایلات و عشایر ایران فعالیت می‌کند و با برگزاری نمایشگاه انفرادی «عشایر، نسل امروز نسل فردا» در سال ۹۳ در خانه عکاسان ایران، و همچنین مشارکت و حضور در جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های متعدد عکس از جمله جشنواره عکس رشد (کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان)، جشنواره خیام، جشنواره عکس میراث ناملموس و ... تلاش نموده تا سهم کوچکی را در عرصه عکاسی مستند قوم‌نگاری و ثبت و معرفی زندگی ایلات و عشایر ایران ایفا نماید.

◆ سخن آخر

در پایان باید به این نکته نیز اشاره کرد که با توجه به نقش مهمی که عکاسی قوم‌نگاری در ثبت میراث فرهنگی و معنوی کشور و جذب گردشگر دارد، اما تاکنون فعالیت‌های صورت گرفته در این خصوص نتوانسته تصویری کامل و منسجم که مبنای محکمی برای مطالعات جامعه‌شناختی زندگی عشایر ایران باشد از خود به جای گذارد و متأسفانه کمترین سهم در انتشارات تصویری، مربوط به موضوع عشایر است. گستردگی اقوام و پراکندگی محیط زندگی آنان، سختی رفت و آمد به مناطق سخت‌گذر عشایری، کمبود امکانات و خدمات، عدم آشنایی عکاسان با فرهنگ و آداب و رسوم عشایر، عدم حمایت‌های دولتی و خصوصی را می‌توان به عنوان عوامل بازدارنده‌ای برشمرد که باعث شده اغلب عکاسان به صورت گذری از فضاها و عشایری عکس‌های عمدتاً کارت‌پستالی‌ای را بگیرند که این عکس‌ها بازتاب زندگی واقعی آنان نیست. هر چند در دهه‌های گذشته سازمان امور عشایر ایران به سهم خود حمایت‌هایی از عکاسان این عرصه داشته است، اما از آنجا که این ژانر از عکاسی پرهزینه و گران است و تأمین هزینه‌های آن به صورت شخصی دشوار و گاه غیرممکن است، ضروری است حمایت‌های گسترده‌تری از سوی بخش‌های دولتی و خصوصی به‌ویژه ارگان‌های فرهنگی از عکاسان این حوزه صورت گیرد تا از این طریق هم ارزش‌های قومی، تاریخی و فرهنگی کشور ثبت و به نسل‌های آینده انتقال یابد و هم عکاسان نسل جدید و جوان بتوانند با بهره‌گیری از دانش و تجربه عکاسان نسل‌های گذشته، وارد عرصه شده تا نگاه و نفسی تازه به عکاسی قوم‌نگاری در ایران و ثبت تصویری زندگی ایلات و عشایر دمیده شود.

◆ منابع و مأخذ:

- ◀ شیرزیان، علی اکبر. عکاسی مستند: آموزش، تحلیل و نقد عکاسی مستند ایران و جهان، نشر شورآفرین، تهران ۱۳۹۲.
- ◀ غفاری، حسن. نشریه عکاسی خلاق، گفتگوی افشین شاهرودی، سردبیر نشریه با حسن غفاری پیرامون عکاسی مستند و عکاسی از ایلات و عشایر ایران، سال نهم، شماره ۳۰، زمستان ۱۳۹۳.



چکیده انگلیسی مقالات

دکتر مرتضی ذوالانوار

Studing The Status Of Nomadic Society In The Five-year Economic And Social Development Plans Of The Country

Pejman Rezaee (PhD)

Abstract

Since the year 1948, 10 development programs have been developed and implemented in the country, including 5 programs before and 5 programs after the victory of the Islamic Revolution. The study of the documents of these programs shows that the nomadic society of the country is not considered in proportion to its population and its contribution to the development of the country. The low share of credit and lack of comprehensive consideration to the needs of the tribal community in these programs is evidence of this claim. Of these programs, the tribal community has only an independent chapter after the second development plan post to the revolution, and has not been considered in other programs at all or very detailed and scattered in the context of urban and rural programs. The result of this is the lack of many indicators of development in nomadic societies, in comparison with the urban and rural communities of the country, the migration from the society and burden a major damage to the national economy of the country in the long run. Regarding this, the emphasis on the nation's tribal society in the country's major programs, with an emphasis on five-year development plans and a comprehensive approach to this society in the form of sustainable development, can, in the long run, provide conditions for living and appropriate activities for this community.

Analysis Of Service Development Indicators In Nomadic Settlements And Its Role In Improving The Economic And Social Status

(Case Study: Ardebil Province)

H. Afrakhteh (PhD); Sh. Salehpour; B. Dawardan

Abstract

One of the main problems in nomadic settlements, which has different characteristics and capabilities due to its geographical location, is the spatial and regional inequalities in terms of utilizing development indicators. The present paper aims to analyze the role of developmental service indicators in improving the economic and social status of nomadic settlements by descriptive-analytic method in Ardebil province. The statistical population is the tribal community of Ardabil province. 370 supervisors of households with more than 20 households have been selected as the sample size for assessing the socioeconomic status of nomads. The data gathering tool was questionnaire and the method of sampling was a simple random sampling. Data analysis was performed using Excel and SPSS. Cronbach's alpha was used to check the validity of the questionnaire and its coefficient was 0.97%. The results show that the nomadic settlements of Khalkhal city with 0.790 as the most enjoyable city in terms of development indicators in rank 1 and Parsabad with 0.604 as the most deprived city in the 5th rank. The results show that the socioeconomic status variables with are impressed by the spatial distribution of the service development indicators (0.95%). In the study area, spatial distribution of service development indicators is somewhat desirable in the social-cultural dimension and has been neglected in the economic dimension. In this regard, in order to improve the economic and social status of nomads, it is suggested that in order to relative settlement the development of semi-nomadic livelihood should be targeted by the government.

Drought Effects on Nutrition and Livestock Farming (Case study: the tribe of Boyerahmad Oliya)

By: S. A. Towfighiyan Asl

Abstract

Drought As one of the manifestations of climate fluctuations, is a climate disaster that has been recognized as one of the most silent natural disasters due to the growing costs of sustaining farmers' livelihoods and agricultural systems. So that the lack of drought strategic planning and delays in decision making will increase costs for reducing drought damage. The nomadic community, whose production, income and employment depend on nature, are usually more vulnerable to drought damage. Therefore, the purpose of this study is to investigate the drought and how it is managed against the rangeland and livestock farming system of the nomadic community of Boyerahmad Oliya tribe . Given the drought consequences in the study area, these issues, in turn, weaken the social structure of tribes in the region due to drought, the human approach to nature rather than the ecologically-based approach and the lack of proper management .The findings of the research indicate that the drought has affected the livestock activities and lifestyle of the tribes in the first stage, and the lack of forage has forced nomadic producers to supply undergrowth livestock that have resulted in the loss of animal drinking resources, increased casualties, malnutrition and Livestock reduced production . Also, Boyerahmad Oliya tribes, after suffering heavy livestock costs in the wintering region as they migrate to the summering regions, due to lack of maintenance conditions and lack of liquidity and working capital, will inevitably have to sell part of their livestock and lambs at an early date. In this regard, policymakers and state planners are encouraged to focus on existing assets, in particular socially, such as membership of breeders in associations, local institutions and stakeholder participation in designing and implementing a sustainable livestock production system.

Summary Of The Strategic Plan For the Organizing and Development of the Nomads of the Country on the Horizon of 2025

By: M. Mizban (PhD)

Abstract

Human beings and human societies have gradually become aware of the necessity of discipline and planning in the process of social and rational development, and have considered it as an instrument in the service of management and leadership of social systems and organizations. Today, organizations and institutions have become so big and complex that they can not continue to operate, especially in the field of competition, without making precise plans and doing things in the form of regular programs. The programs are set up for a variety of purposes, and are suitably adjusted or updated to suit each situation. In the principles of management, planning is the starting point for all moves in an organization, so that its importance has been revealed to all managers and experts from distant past and has identified this task as one of the most important tasks of management. In this regard, the evolution of organizations from simple to complex, with numerous processes and huge economic, social, political and technological changes, especially in recent decades, has led to the establishment of management schools, the presentation of new ideas and new approaches to this topic, and on this basis the planning in management is consistent with the evolution of human societies in the form of various approaches and attitudes one of the most important of which is strategic planning (strategic planning). During the twentieth century, the synergy of new scientific experiences led to the growth of the idea that in programs it would be necessary to change the direction of movement in order to adapt to the flow of change, and to take new knowledge management, rational organizing, and new organizational relationships and relationships. This attitude created the basis for strategic planning. Strategic planning is a process for organizing the organization's resources and unifying actions to achieve the long-term goals and missions of the organization. This method of planning is a systematic and organized effort to make decisions and take fundamental actions. In fact, an organizational process is considered to define organizational strategies and policy making to decide on the resources needed to achieve strategic goals.

Economic Implications Of Settlement Plans For Nomadic Societies (Case study of Milad Town in Shiblou Plain Of West Azarbaijan Province)

W. Riyahi, Kh. Karimi

Abstract

Nomadic settlement is one of the pre and post Islamic Revolution projects that have been implemented in Iran , which has had many sensitivities in each period and nowadays it is known as one of the practical solutions for the development of nomadic society. If this phenomenon is pursued arbitrarily and willingly by the tribes, it is the most effective strategy adopted to solve the problems of this society. The purpose of this study is to investigate the economic consequences of settling nomads in the nomadic tribes of Milan (Milad site) in Shiblou plain in West Azarbaijan province . The statistical population of the study is the settled nomads in Milan and the sample population based on the Cochran method with a confidence level of 0.95. is approximately 141 people from the same tribe find it. The research method is descriptive and analytical. The required information was collected and analyzed through local survey, questioning and completing the questionnaire . The results of the research show that nomadic settlement in Shiblou plain has been effective in agricultural production and has led to an increase in the production of agricultural products, but has not had a satisfactory effect on livestock and handicrafts productions and has led to a decrease in these activities. Also, the cost of living after settling is more than before and the self-sufficiency of the nomadic community has changed into a consumer society. The results of the research showed that a revision of the nomadic settlement plan is necessary in Shiblou plain of West Azarbaijan province, and balanced planning with a job priority in animal affairs can help the sustainable development of the nomadic tribes in Milan.

Economic Implications of Nomad Settlement in Development Centers of West Azerbaijan Province

A. Rahimi (PhD)

Abstract

Basically, any development and constructive programs that is being implemented has several effects and consequences. They include economic, social, political and spatial implications. Due to the wide scope of the subject, this paper deals only with economic aspects. The purpose of this paper is to study the effects and economic consequences of nomadic settlements in the three centers of development of Shiblou, Seyyed Abad and Sheikh Marouf in West Azarbaijan province. The research method of this research is documentary survey and data gathering tools are questionnaire, interview and observation. Sharp-Cochran method was used to determine the sample size and sample households were determined based on spatial cluster sampling method. After completing the questionnaires, field information was extracted using SPSS software and data correlation was obtained based on Spearman method. The results showed that after nomadic settlement, their lands increased, the amount of agricultural production increased and tribal income increased. But this increase in income has not led to the satisfaction of the tribes, because tribal expenditures has increased as income increases.

Prayers And Chants Among Ilkhas-e-Baseri Tribe
(From The Book: The Popular Culture of Ilkhas-e-Baseri Tribe)

A. Akbari

Abstract

Fars province has long been one of the most important centers for the establishment of tribal areas, due to climate conditions and climatic diversity. Nevertheless, 4 large Qashqai, Khamseh, Mamasani and Boy-erahmad tribes and 8 small independent tribes within the province of Fars are domiciled and settled. In terms of population and the extent of the settlement, Qashqai tribe is the largest tribe in Fars province, and then the Il-e-Khamseh tribe union is located. The tribes of Khamseh union include: Inanlou, Baharlou, Baseri, Arabs and Nafar. Although today many of the traditional functions of the tribal elite system have been disintegrated, but Baseris have been considered as the main pillars of the Khamseh union until recently. Il-e-Baseri has several tribes, one of them is the Ilkhas tribe. The domains of migration and life of patriarchs and clans are in the area of Fars, but today, in addition to Fars province, some of the households belonging to Il-e-Baseri can also be seen in Kerman and Isfahan provinces which most of them has migrated to these areas in the Qajar period and before the Land reform of Shah. One of the reasons for their migration can be seen in the disagreement with local authorities or local rulers, in which nomadic individuals and families migrated (escaped) and settled in other areas during several stages of their place of residence. Today, most households in Ilkhas tribe have become stay-tuned and their main residence is in Shahidabad villages and Khorrambid city in Fars province. One of the characteristics of the people and families of this tribe, which in some cases distinguishes them from other tribes, is the attachment and deep adherence of the clan to religion, strong religious beliefs, devotion to the law, the practice of judgments, the effort and the accomplishment and observance of religious affairs. The objective manifestations of this feature can be seen at various angles of behavior, such as prayers and chants, sincerity, intimacy, virtue, and ethics.

The Role Of The Camel In The Economy Of The Desert

(Case Study: Reza-Abad Village Of Shahrood)

A. R .Shah-hoseini, H. Afrakhteh (PhD)

Abstract

A camel is an animal that can be raised in a desert state of life. The camel is of special importance due to its ability to withstand dehydration in arid areas, and therefore, it is called “ the ship of the desert and the arid areas” . In the desert areas where the distance between villages is high and the water resources are scarce, and other livestock, such as horses, mules and donkeys, have not the ability to handle these distances without water, they have been used camels to carry goods. Breeding and keeping the camel as a multipurpose animal has long been popular among the villages of the desert margin. Recognizing the existing climate constraints and camel abilities to adapt to the dry climate, people in the region, from the past, provided part of the protein needs of the country through camel breeding. The growing need for protein in the world due to population growth, the issue of food security is one of the main concerns of the present. To solve this problem, man needs to search for new sources. A camel is a multipurpose animal that has been used by human beings for many centuries. Due to the vast areas of the desert region, Iran has a great potential for camel breeding , the ecosystem of overburden, dry and semi-arid areas, covers about two thirds of the area of Iran and covers an area of one million two hundred thousand square kilometers (Rasekhafshar, 2015: 34), these are good conditions for breeding camels; camel is an healthy-meat producing animal as well . Therefore, its development contributes significantly to the food security of the country. The camel has a unique ability to convert small plant deserts into meat and milk; but little paid attention to it, despite the active role of camels in livestock feed production.

An Introduction To The Recognition Of The Socioeconomic Features of Iranian Nomads

By: *M. Mizban*

Abstract

۱۸۱

The nomadic life and livestock-based livelihood is one of the oldest forms of social life that began after the start of the agricultural revolution (domestication of animals and agriculture) and given its high adaptability to adapt to changing environmental, socio-economic and political conditions, despite the fact that there are many historical ups and downs (with far less changes than urban and rural stay-tuned communities), has so far survived, since nomadic migrants, in contrast to stay-tuned , instead of attempting to dominate and overcome environmental adverse conditions in the first place , in order to provide their livelihood conditions, they mainly seek to adapt their lives to environmental conditions, and instead of trying to invent the patterns of construction and the use of technologies necessary to deal with the changing conditions of the environment; the nomadition was used as a technique for avoiding cold and severe heat and access of their livestock to new pasture forage. Nomadic life in Iran has a very long history. In addition to the local tribes and tribes, a large part of the immigrant and invading tribesmen had a nomadic social and economic structure based on livestock farming. With settling in different parts of the country and becoming part of Iranian ethnics, they have been settled and native for several millennia, from about 4,000 years ago to the present .During the history of Iran's upheaval, the tribes have had a profound impact on the socio-cultural, political and political structures of the country, and Iran is one of the countries that due to its climatic conditions in terms of dryness, environmental instability and high mountainous terrain in addition to the wintering plains , there are still a considerable number of migratory livestock and nomadic migratory birds. Today, nomadic tribesmen, with the territories of migration and settling in more than half of the geographic space of the country, are considered as a pattern of life and livelihood, and are part of the components of the social system and ecosystem (the ecosystems) of the country. Using migration as a technique for moving family members and bringing livestock to fresh pasture forests in wintering and summering pastures, spring-fed and autumn-fed , they actually convert resources into value added and economic products that, if not exploited, the resources based on nomadic animal husbandry remained largely unused and were not included in the cycle of national production and production.

Social and Ethnography Documentary Photography

A. R. Rahimi

Abstract

The image alphabet is perceived throughout the world equally. That is why the language of the image is an international language that can be understood by all peoples of the world with any culture and language. In the book "Documentary Photography" by Ali Akbar Shir Jian, in the definition of documentary photography, the documentary photography is depicted as follows: "Photography is a documentary recording of the life of people in their natural environment, whose purpose, in addition to the production of thought, movement and connection of thoughts, raising public awareness about themselves and their surroundings. Social documentary photography is a branch of photography that relates to the relationship between "man to man", the relationship between "man with himself" and the relation between "man and environment." In fact, in Social documentary photography focuses on people and their effects on each other and on the depth of their relationship with reality and should not be limited to its appearance and level. Since its inception, social documentary photography has presented itself as a "reality" statement. The culmination of this kind of photography should be sought during the long American drought in the 1930s, which resulted in the destruction of agricultural farms as a result of drought, and farmers inevitably forced mass migration into cities. In that context, a group of mission photographers found it interesting to capture everything about the state of farmers' lives around the United States. The photos produced by this group showed the farmers' hard work well. Shocking shots that alert the government of the devastation caused the US Congress to lay down laws to protect farmers, which stopped them from migrating to the cities. In that context, social documentary photography showed how far it could affect the change of status and the creation of social reforms.

راهنمای تهیه و تدوین مقالات فصلنامه

۱. محتوای مقالات با اهداف نشریه متناسب باشد و حاصل مطالعات، پژوهش‌ها و تجارب نویسندگان و دارای ایده‌های تازه و کاربردی باشد.
۲. مقاله قبلاً در هیچ همایشی ارائه نشده باشد و در هیچ نشریه‌ای چاپ و یا هم‌زمان برای نشریه‌های دیگر فرستاده نشده باشد.
۳. مقاله برای یک شماره آماده شود و دنباله‌دار نباشد.
۴. فصلنامه در انتخاب، ویرایش، تلخیص یا اصلاح مقاله‌های دریافتی آزاد است. مقالات دریافتی عودت داده نمی‌شود.
۵. مسئولیت آرا و نظرات ارائه شده در مقاله‌ها بر عهده نویسندگان یا نویسندگان است و چاپ مقاله به معنی تأیید مطالب آن نیست.
۶. مقاله در ۳ نسخه در صفحات کاغذ A4 یک رو، در نرم افزار word ۲۰۰۳ یا بالاتر با حفظ ۲ سانتی‌متر حاشیه از هر طرف و فاصله بین خطوط ۱/۵ سانتی‌متر، حداکثر در ۲۵ صفحه و با فونت فارسی BNazanin ۱۲ (برای لاتین با قلم Times New Roman ۱۱) به دفتر فصلنامه ارسال شود.
۷. به منظور تسریع در روند بررسی، مقاله را با فرمت word و PDF از طریق پست الکترونیک نشریه ارسال فرمایید. مقاله ارسالی باید بدون اشتباه دستور زبانی، املائی و یا چاپی باشد.
۸. صفحه اول مقاله در بر گیرنده عنوان مقاله (فارسی و انگلیسی)، مشخصات نویسنده یا نویسندگان شامل نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی، محل اشتغال، نشانی کامل به همراه شماره تلفن و دورنگار و پست الکترونیکی باشد (نام نویسنده یا مسئول مکاتبات با ستاره مشخص شود).
۹. ارجاعات در متن مقاله بین پرانتز به صورت نام خانوادگی مؤلف، سال انتشار، شماره صفحه یا شماره مجلد / صفحه نوشته شود.
۱۰. در صورت ترجمه، مقاله حاوی موضوعات جدید باشد و اصل مقاله ترجمه شده با نسخه‌ای از متن اصلی همراه شود.
۱۱. در متن مقاله حتی‌الامکان از معادل فارسی کلمات لاتین استفاده شود و توضیحات، معادل لاتین اصطلاحات و اسامی مؤلفانی که ذکر نام آنان در منابع ضرورت ندارد، در پی‌نوشت صفحه با شماره‌های مجزا برای هر صفحه (پی‌نوشت) آورده شود.

۱۲. چارچوب مقاله شامل موارد زیر باشد:
 ۱. عنوان: مختصر و متناسب با محتوای مقاله.
 ۲. چکیده فارسی: حداکثر ۲۵۰ کلمه در یک پاراگراف شامل مقدمه، هدف، روش (نمونه و ابزار)، یافته‌ها، بحث و نتیجه‌گیری و واژه‌های کلیدی (۳ تا ۵ واژه).
 ۳. چکیده انگلیسی: معادل و مطابق چکیده فارسی.
 ۴. مقدمه: بیان مسأله، مبانی نظری و پیشینه پژوهش، اهداف، پرسش(ها) و یا فرضیه(های) پژوهش.
 ۵. روش: جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش (شامل نوع طرح پژوهش و روش‌های تحلیلی آماری داده‌ها).
 ۶. یافته‌ها: نتایج پژوهش همراه با جداول و نمودارهای ضروری مطابق ضوابط و الگوهای APA.
 ۷. بحث و نتیجه‌گیری: بررسی نتایج پژوهش و تبیین یافته‌ها، شرح پیامدهای عملی و نظری، بیان محدودیت‌ها و پیشنهادها.
 ۸. فهرست منابع مورد استفاده (ابتدا منابع فارسی و سپس منابع خارجی) در صفحه‌ای مستقل با توجه به الگوی زیر درج شود:
 - ◆ کتاب: نام خانوادگی و نام اولین نویسنده، نام و نام خانوادگی سایر نویسندگان، سال انتشار، عنوان کتاب، نام مترجم (در صورتی که ترجمه باشد)، نوبت چاپ، نام ناشر و محل انتشار.
 - ◆ نشریه: نام خانوادگی و نام اولین نویسنده، نام و نام خانوادگی اولین نویسندگان، سال انتشار، عنوان مقاله، نام مترجم (در صورتی که ترجمه باشد)، نام نشریه (با حروف خمیده)، مجلد / سال، شماره و دامنه صفحات.
 - ◆ پایان‌نامه: نام خانوادگی و نام نویسنده، سال انتشار، عنوان پایان‌نامه، رشته و مقطع تحصیلی، نام دانشکده و دانشگاه.
 - ◆ منابع اینترنتی: نام خانوادگی مؤلف، نام، عنوان مقاله به طور کامل، تاریخ کامل انتشار مقاله، نشانی URL و تاریخ کامل دسترسی به مقاله.

ارتباط با فصلنامه:

◀ نشانی: تهران - خیابان ولیعصر - خیابان بزرگمهر - پلاک ۱۲ - سازمان امور عشایر ایران ▶

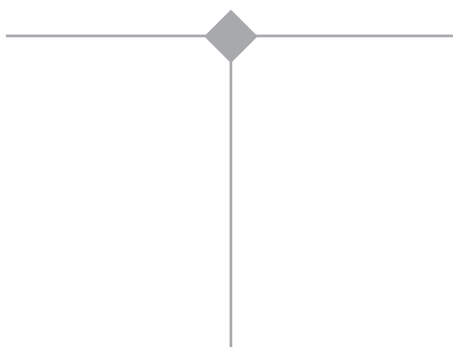
◀ تلفن: ۶۶۹۷۳۷۸۹ نمابر: ۶۶۴۱۲۶۹۱ ▶

◀ پست الکترونیکی: fasname_ashayer@yahoo.com ▶

www.ashayer.ir

تصاویری از عشایر ایران

عکاس: علیرضا رحیمی





استان چهارمحال و بختیاری، بازفت، عشایر بختیاری ▶

◀ کوچ بهاره



جنوب کرمان، مناطق عشایری قلعه گنج ▶

◀ شترداری



استان تهران، فیروزکوه ▶

◀ بیلاق عشایر سنگسری



استان فارس، مرودشت، عشایر قشقایی

◀ میانبند



◀ تولیدات لبنی عشایر سنگسری

عشایر سنگسری از شیر بیشترین فرآورده را تولید می‌کنند. آریشه، سوزمه، سرشیر، خامه، قیماق، کره، روغن زرد، دوغ، ماست، سرماست، کشک، توک، قره‌قوروت و چیکو از جمله این فرآوری‌ها هستند. ▶



استان گیلان، عشایر تالش ▶

◀ یه فوری چای ساده



استان کهگیلویه و بویراحمد، عشایر گچساران

نان ساچی



استان اردبیل، دشت مغان، عشایر شاهسون

◀ چرخ تولید



استان اردبیل، دشت مغان، عشایر شاهسون

زنبورداری



استان کرمانشاه، منطقه ییلاقی گراوند، عشایر زوله

پشم‌چینی